



روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی‌های دکتر پیرحسین کولیوند
در یادواره‌های استانی شهدای امدادگر دفاع مقدس و مقاومت

الله الرحمن الرحيم

سرشناسه	: موسوی، اشکان، ۱۳۶۹-، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: روزی که تصمیم گرفته شد: برگرفته از سخنرانی‌های دکتر پیرحسین کولیوند در یادواره‌های شهدای امدادگر دفاع مقدس و مقاومت/ گردآوری اشکان موسوی؛ زیر نظر پیرحسین کولیوند؛ ویراستار زینب محمدزاده.
مشخصات نشر	: تهران: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، معاونت آموزش، پژوهش و فناوری، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۱ ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۰۵۱-۹-۸ : ۹۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- امدادسانی غیرنظامی Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Civilian relief
موضوع	: کولیوند، پیرحسین، ۱۳۵۰ -- پیام‌های و سخنرانی‌ها
موضوع	: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
موضوع	: امدادسانی -- ایران Disaster relief -- Iran
شناسه افزوده	: کولیوند، پیرحسین، ۱۳۵۰ -
شناسه افزوده	: محمدزاده، زینب، ۱۳۴۳-، ویراستار
شناسه افزوده	: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران. معاونت آموزش، پژوهش و فناوری
رده بندی کنگره	: DSR۱۶۱۶۸۸
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۰۶۱۱۷۹
اطلاعات رگورد کتابشناسی	: فیبا



عنوان: روزی که تصمیم گرفته شد (برگرفته از سخنرانی دکتر پیرحسین کولیوند در یادواره‌های شهدای امدادگر سراسر کشور)
نویسنده: گردآوری و پژوهش: اشکان موسوی
زیر نظر: دکتر پیرحسین کولیوند
گرافیکست: سید مهرداد خالقی هاشمیان
ویراستار: زینب محمدزاده
با سپاس از: سروش شیدایی-مهران جمال لیوانی-امیرحسین عباسی-علایی-زهره جعفری
ناظر چاپ: محمدمهدی ملک - جواد رفیع
ناشر: معاونت آموزش، پژوهش و فناوری جمعیت هلال احمر
چاپخانه: برتر
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
تاریخ و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۴۰۴
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۰۵۱-۹-۸ : ۹۰۰۰۰ ریال
بهاد: ۹۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این اثر متعلق به انتشارات معاونت آموزش، پژوهش و فناوری جمعیت هلال احمر است و هر نوع استفاده بازرگانی از این کتاب اعم از زیراکس بازنویسی ضبط کامپیوتر یا تکثیر به هر صورت دیگر کلاً "جزناً" ممنوع و قابل تعقیب قانونی است.

(نقل مطالب با ذکر ماخذ بلامانع است)

به سفارش اداره کل روابط عمومی و ارتباطات مردمی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

نشانی تهران، خیابان ولی عصر(عج)، بالاتر از میرداماد، خیابان رشیدپاسمی، شماره ۲۶۵۴، ساختمان صلح

تلفن: ۸۵۴۳۲۵۲۱ | دورنگار: ۸۵۴۳۲۵۳۱ | کدپستی: ۱۹۹۶۸۴۵۱۱۱

وبسایت: WWW.FCS.IR

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی‌های دکتر پیرحسین کولیوند
در یادواره‌های استانی شهیدای امدادگر دفاع مقدس و مقاومت

نویسنده: اشکان موسوی

فهرست

- آغاز یک عهد/ استان خراسان رضوی..... ۹
- یادواره‌ای از جنس ایثار و جاودانگی / از نجان..... ۲۵
- بر بال ایمان هجرت و جهاد / استان کهگیلویه و بویر احمد..... ۳۹
- جان‌های فداکار/ استان چهارمحال و بختیاری ۵۵
- شهدای امدادگر، نماد ایثار و فداکاری در مسیر مقاومت/ استان کرمان..... ۷۱
- شهدا، راهبران مسیر ایثار و خدمت / استان قزوین..... ۸۳
- شهدای امدادگر؛ جاودانگان عرصه‌ی ایثار/ استان یزد ۹۳
- رسالت امدادگری در پرتو جهاد و ایثار/ استان سمنان ۱۰۷
- آن‌ها که برای نجات دیگران از جان گذشتند/ استان خراسان شمالی..... ۱۲۳
- جنگ، تنها میدان نبرد سلاح‌ها نیست/ استان گلستان ۱۳۹
- شهدای امدادگر، الگوی ایثار و فداکاری در مسیر مقاومت/ استان بوشهر..... ۱۵۳
- امدادگران شهید فرشتگان ایثار در دل آتش/ استان همدان ۱۶۹
- پیام شهدا، چراغ راه امدادگران/ استان ایلام ۱۹۱
- شهدای امدادگر؛ طلایه‌داران ایمان و امید/ استان سیستان و بلوچستان..... ۲۰۷
- پیام شهدای امدادگر: ایثار، فداکاری و همبستگی در خدمت به بشریت/ استان مرکزی..... ۲۱۵
- چراغ راهی که خاموش نمی‌شود/ استان خراسان جنوبی ۲۲۳
- هلال احمر و مسیر شهدا/ استان لرستان ۲۳۵
- ایثار، جوهره خدمت و ستون امدادگری / استان اصفهان ۲۶۱
- امدادگران شهید کردستان؛ فرشتگان سفیدبال میدان ایثار/ استان کردستان ۲۶۷
- میراث ایثار؛ شهدای امدادگر / ارومیه ۲۷۵



پیشگفتار

امدادگری، تنها یک حرفه نیست؛ رسالتی است الهی که با عشق به انسانیت و تعهد به نجات جان‌ها معنا می‌یابد. در این مسیر، کسانی بوده‌اند که نه تنها برای تسکین درد دیگران شتافتند، بلکه جان خود را بر سر این پیمان نهادند. شهیدان امدادگر، پیام‌آوران رحمت و فداکاری‌اند که در سخت‌ترین لحظات، بی‌هیچ چشم‌داشتی، زندگی را به دیگران هدیه دادند و خود، راه آسمان را در پیش گرفتند. این کتاب، تنها روایت یک عملیات امدادی نیست؛ بلکه ادای دینی است به آنانی که در میان آتش و خون، امید را زنده نگه داشتند. یاد و نام شهیدان امدادگر، چراغ راهی است که مسیر ایثار را برای آیندگان روشن می‌سازد. باشد که قدم‌های ما نیز بر همان راه استوار بماند.

«روزی که تصمیم گرفته شد» مجموعه‌ای است از تحلیل، پردازش و بررسی سخنرانی‌های دکتر پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، که در یادواره‌های شهدای امدادگر سراسر کشور ایراد شده است. نام این اثر برگرفته شده از روزی است که تصمیمی مهم در تاریخ جمعیت هلال احمر گرفته شد تا با برپایی یک کنگره بین‌المللی برای شهدای امدادگر یک قدم مهم برای زنده نگه‌داشتن یاد شهدا و انتقال پیام شهدا به نسل جوان باشد. فصل‌های این کتاب نه تنها بازتاب‌دهنده سخنانی است که بر اساس تجربه‌ها، باورهای دینی و احساسات انسانی شکل گرفته، بلکه به تحلیل و بررسی عمیق مفاهیم جهاد، ایثار و نقش امدادگران در دوران دفاع مقدس و بعد از آن در جامعه کنونی می‌پردازد. دکتر کولیوند در این سخنرانی‌ها، با زبان علمی و رسمی، اما با لحنی عاطفی و انگیزشی، همگان مخصوصاً جوانان، داوطلبان و امدادگران جمعیت هلال احمر را به بیداری، حرکت و تلاش در راستای حفظ ارزش‌های انسانی و دینی فرا می‌خواند. در این کتاب، هر سخنرانی به‌عنوان فصلی مستقل، اما پیوسته به یکدیگر، به تحلیل وضعیت امروز امدادگران، نقش جوانان و بانوان در عرصه‌های امدادی؛ و همچنین اهمیت فرهنگ عاشورایی و دفاع از آرمان‌های انسانی پرداخته است. سخنان دکتر کولیوند در این یادواره‌ها نه تنها انگیزه‌بخش است، بلکه دعوتی است به انجام مسئولیت‌های اجتماعی و انسانی در دنیای پیچیده و بحران‌زده امروز این کتاب همچنین در تلاش است تا مفاهیم بلند انسانی و دینی را در قالبی ملموس و کاربردی برای نسل‌های جوان و مسئولان به تصویر بکشد، به گونه‌ای که این آموزه‌ها در عمل و در میدان‌های زندگی اجتماعی، فردی و حرفه‌ای به کار گرفته شود. «بر بال ایمان» اثری است که با تکیه بر روایات، آیات و آموزه‌های دینی، مسیری روشن و پرشور برای حرکت در عرصه‌های مختلف جهاد و امدادگری می‌سازد و به ما یادآوری می‌کند که در راه خدمت به انسان‌ها، همیشه باید ایمان و اعتقاد به ارزش‌های الهی را سرلوحه عمل خود قرار دهیم.



آغاز یک عهد

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان خراسان رضوی

۱۰ دی ۱۴۰۲

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

شهدا، چراغ‌های همیشه روشن تاریخ‌اند. آن‌ها رفتند، اما راهشان ماندنی شد. آن‌ها جان دادند؛ اما فرهنگ ایثار و فداکاری را در جان یک ملت زنده کردند. امدادگران شهید، جلوه‌ای متفاوت از این فرهنگ‌اند؛ کسانی که لباسشان، نشان از زندگی داشت، اما در مسیر نجات جان دیگران، به شهادت رسیدند. آن‌ها نه تنها مدافعان حیات بودند، بلکه معلمان ایثار، اسوه‌های فداکاری و قهرمانان خاموشی بودند که در دل حوادث، نامشان را جاودانه کردند. این فصل، سفری است به دنیای ایثار؛ جایی که انسانیت در اوج خود متجلی می‌شود. آنچه در این صفحات خواهید خواند، تنها یک روایت تاریخی نیست، بلکه بازخوانی یک مسئولیت است. یادواره‌ی شهدای امدادگر، فقط مراسمی برای گرامیداشت گذشته نیست، بلکه فرصتی است برای تجدید عهد، برای درک رسالتی که امروز بر دوش ماست. متن این فصل، برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند رئیس جمعیت هلال احمر در یادواره‌ی شهدای امدادگر خراسان رضوی است. اما این متن، تنها یک سخنرانی معمولی نیست؛ بلکه بازتابی است از فرهنگ ایثار، تحلیلی است از نقش امدادگران در میدان‌های نبرد و بحران، روایتی است از جان‌فشانی‌هایی که در دل حادثه‌ها رخ داده و یادآوری است از مسئولیتی که بر دوش ماست. در این صفحات، از رشادت‌های امدادگران خواهیم خواند، از زخم‌هایی که بستند و از زخم‌هایی که بر جانشان نشست. از پدران و مادرانی که فرزندانشان را در مسیر امدادگری و نجات جان دیگران تقدیم کردند. از لحظه‌هایی که مرگ، در یک‌قدمی ایثارگران بود، اما آن‌ها لحظه‌ای درنگ نکردند. یاد شهدای گرامی، راهشان پر رهرو و رسالتشان بر دوش ما باد. به نام خداوند شهیدان و به احترام همه‌ی آن‌هایی که جانشان را در راه نجات دیگران فدا کردند، این کتاب را آغاز می‌کنیم...

آغاز یک عهد/یادواره شهدا

در یادواره شهدا گردهم می آییم نه برای یک مراسم رسمی، بلکه برای تجدید عهد. یادواره ها، فقط برای ادای احترام به شهدا نیست، بلکه فرصتی است برای بازخوانی راهی که آن‌ها رفتند و مسئولیتی که بر دوش ما گذاشتند. شهدا فقط رزمندگان میدان نبرد نبودند. آن‌ها معلمان ایثار، مبلغان ایمان و الگوهای مقاومت بودند. اما در میان تمام شهدای انقلاب و دفاع مقدس، گروهی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ آن‌هایی که لباس سفید امدادگری بر تن داشتند؛ اما سرانجام، این لباس، به کفن شهادت بدل شد. امدادگرانی که با دست‌ان خود زخم‌ها را می‌بستند، اما خودشان زخم خوردند. آن‌ها که برای نجات جان دیگران دویدند، اما خودشان جان دادند. در طول تاریخ، نام کسانی که جان‌شان را فدای نجات دیگران کرده‌اند، در حافظه‌ی ملت‌ها باقی مانده است. از روزهای عاشورا که یاران امام حسین علیه‌السلام، در سخت‌ترین شرایط، زخم‌های یکدیگر را می‌بستند تا امروز که امدادگران در حوادث و بحران‌های مختلف، با همان روحیه‌ی ایثار، به کمک مردم می‌شتابند. اما این مسیر، فقط به گذشته تعلق ندارد. این راه، هنوز هم ادامه دارد. این مسئولیت، همچنان بر دوش ماست.

یادواره شهدای امدادگر بر دو محور اساسی بنا شده است:

۱. زنده نگه‌داشتن یاد شهدا.

۲. رساندن پیام شهدا به نسل‌های آینده.

ما اگر یاد شهدا را زنده نگه نداریم، به تدریج، راهشان را هم فراموش خواهیم کرد. اگر پیامشان را به جوانان، دانشجویان، امدادگران و نسل‌های بعد منتقل نکنیم، کوتاهی کرده‌ایم. امروز، دشمنان ما، بیش از هر چیز، در تلاش‌اند تا فرهنگ شهادت و ایثار را از بین ببرند. می‌خواهند یاد این فداکاری‌ها در هیاهوی زندگی روزمره گم شود. اما اجازه نخواهیم داد. هر وقت به شهدای امدادگر فکر می‌کنیم، باید از خود بپرسیم: ما برای ادامه‌ی راه آن‌ها چه کرده‌ایم؟ آیا توانسته‌ایم فرهنگ ایثار را در جامعه حفظ کنیم؟ امدادگران شهید، نه تنها جان خود را برای نجات دیگران دادند، بلکه پیامی را





با خون خود به ما سپردند: «تا جان در بدن دارید، در خدمت مردم باشید!» این پیامی است که باید در قلب و روح هر امدادگر حک شود.

والدین شهدا؛ وارثان نور

یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی که امروز داریم، وجود والدین شهداست. پدران و مادرانی که فرزندانشان را در راه خدا دادند و امروز، با صبر و استقامتشان، الگوی ما هستند. هر زمان که بخواهیم پیام شهدا را بفهمیم، کافی است به چشم‌های والدینی نگاه کنیم که هنوز هم عکس فرزندانشان را در کنار سجاده‌ی نماز نگه داشته‌اند. کافی است به مادرانی گوش دهیم که هنوز صدای فرزندانشان را در خانه می‌شنوند و به پدرانی نگاه کنیم که با افتخار از فرزندان شهیدشان سخن می‌گویند، اما در سکوت خود، دل‌تنگی‌شان را پنهان می‌کنند. ما هرچقدر هم تلاش کنیم، نمی‌توانیم ذره‌ای از ایثار این خانواده‌ها را جبران کنیم. اما کمترین وظیفه‌ی ما، این است که از آن‌ها دلجویی کنیم، به دیدارشان برویم و بگذاریم بدانند که جامعه‌ی ما هنوز آن‌ها را فراموش نکرده است.

قرآن کریم، جایگاه شهدا را به روشنی بیان کرده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹) «و هرگز گمان مبر که کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند. بلکه زنده‌اند و نزد



پروردگارشان روزی می‌خورند.»

شهادت زنده‌اند. این را قرآن می‌گوید، این را دل‌های ما حس می‌کنند، این را هر کس که لحظه‌ای در کنار خانواده‌ی شهدا نشسته باشد، درک می‌کند. این یادواره، تنها یک جلسه‌ی سخنرانی نیست. اینجا آمده‌ایم که بار دیگر، با شهدا عهد ببندیم. عهدی که یادشان را زنده نگه داریم. عهدی که پیامشان را منتقل کنیم. عهدی که مسیرشان را ادامه دهیم.

امدادگران در خط مقدم ایثار

امدادگری فقط یک حرفه نیست، بلکه یک عقیده، یک ایمان؛ و یک سبک زندگی است. امدادگران، تنها نجات‌دهندگان جسم‌ها نیستند، بلکه روح انسانیت را زنده نگه می‌دارند. در سخت‌ترین لحظات، آن‌ها کسانی هستند که به دل حادثه می‌زنند، دست نجات به سوی مصدومان دراز می‌کنند و جان خود را در این مسیر فدا می‌کنند. شهادت امدادگر، گواهی زنده بر این حقیقت‌اند. آن‌ها جان خود را نه تنها برای حفظ جان دیگران، بلکه برای حفظ شرافت و انسانیت دادند. همان‌هایی که در میان آتش و گلوله، در دل زلزله و سیلاب، در بحبوحه‌ی بمباران و آوار، نترسیدند؛ و تا آخرین لحظه جنگیدند.

امدادگری؛ فداکاری در میدان خطر

در روزهای دفاع مقدس، امدادگران نقشی حیاتی داشتند. آن‌ها نه تنها در بیمارستان‌های صحرایی، بلکه در قلب میدان‌های نبرد، در خط مقدم، در میان خمپاره‌ها و آتش دشمن، برای نجات جان رزمندگان تلاش می‌کردند. آن‌ها به خط مقدم می‌رفتند، به دل مین‌گذاری‌ها، در فاصله‌ای که هر لحظه، مرگ در کمین بود. گاهی درحالی‌که هنوز زخم‌هایش از عملیات قبلی التیام نیافته بود، دوباره برمی‌خاست و راهی می‌شد. اما این روحیه فقط به جنگ محدود نبود. زلزله‌ی بم را به خاطر بیاورید، حادثه‌ای که جان هزاران نفر را گرفت. امدادگران، بی‌وقفه، شبانه‌روز تلاش کردند تا از زیر آوار،



زندگی را بیرون بکشند. در سرمای زمستان، در گرمای تابستان، در هر بحران، در هر حادثه، آن‌ها اولین کسانی بودند که رسیدند. آن‌ها برای نجات دیگران، مرگ را به جان خریدند. نجات یک جان، نجات یک ملت است. آن‌ها فقط یک فرد را نجات نمی‌دهند، بلکه امید را به یک خانواده، به یک شهر، به یک ملت بازمی‌گردانند. کسی که از میان مرگ بیرون کشیده می‌شود، فرزند یک مادر است، پدر یک خانواده است، امید یک نسل است. وقتی امدادگری، جان کسی را نجات می‌دهد، در واقع، آینده‌ای را زنده کرده است. امدادگران شهید، کسانی بودند که با کمترین امکانات، بیشترین جان‌ها را نجات دادند و خودشان در این مسیر، فدا شدند.

رشادت‌هایی که باید روایت شوند

ما امدادگرانی داشتیم که در دل جنگ، در میان دود و آتش، زخم‌های رزمندگان را می‌بستند، درحالی‌که هنوز تیر و ترکش دشمن به سوی آن‌ها می‌آمد. یک امدادگر، در خاطره‌ای می‌گوید: «عملیات تازه آغاز شده بود، مجروحان یکی پس از دیگری به عقب آورده می‌شدند. یکی از امدادگران، که تازه از نجات یک رزمنده برگشته بود، درحالی‌که هنوز خون روی لباسش خشک نشده بود، دوباره بلند شد و به خط مقدم بازگشت. وقتی به او گفتم کمی استراحت کند، فقط یک جمله گفت: اگر من استراحت کنم، چه کسی این مجروح را نجات دهد؟ چند دقیقه بعد، گلوله‌ی دشمن، او را همان‌جا کنار همان مجروح به شهادت رساند.» این روحیه، همان چیزی است که باید امروز هم در بین امدادگران زنده بماند. این فرهنگ، نباید در میان زندگی روزمره فراموش شود.

امدادگری، رسالتی که هنوز ادامه دارد

امروز، ما شاید در میدان جنگ نباشیم، اما بحران‌ها و حوادث طبیعی، میدان‌های جدیدی برای ایثار و فداکاری‌اند. زلزله‌ها، سیلاب‌ها، آتش‌سوزی‌ها، همه و همه، عرصه‌هایی هستند که امدادگران همچنان در آن‌ها نقش آفرینی می‌کنند. ما میراث‌دار شهدای امدادگر هستیم. آن‌هایی که برای کمک به دیگران، جانشان را فدا کردند.





امروز، امدادگران جدید باید با همان روحیه، در هر حادثه‌ای که رخ می‌دهد، در خط مقدم باشند. امدادگری یعنی خدمت به مردم، یعنی عبور از مرزهای شخصی، یعنی فداکاری برای دیگران. امروز ما هستیم که باید این مسیر را ادامه دهیم. هر امدادگر، هر پزشک، هر پرستاری که در این مسیر گام برمی‌دارد، باید بداند که وارث راه کسانی است که در اوج فداکاری، به شهادت رسیدند.

شهداء، ستون‌های امنیت و مقاومت

امنیت، واژه‌ای آشنا اما پرمعناست. بسیاری از ما، بدون آنکه متوجه باشیم، در سایه‌ی امنیتی زندگی می‌کنیم که بهای آن را دیگران پرداخته‌اند؛ همان‌هایی که جانشان را برای آرامش این سرزمین دادند، همان‌هایی که در سخت‌ترین شرایط، از جان و مال و خانواده‌ی خود گذشتند تا امروز، ما در آرامش و آسایش زندگی کنیم.

شهادت امدادگر، ستون‌های امنیت و مقاومت این کشورند. آن‌ها نه تنها در میدان جنگ، بلکه در تمام بحران‌ها، در سخت‌ترین شرایط، با از خودگذشتگی بی‌نظیرشان، ایستادند و ثابت کردند که امنیت و آرامش، بدون فداکاری و مقاومت به دست

نمی‌آید. شهدا رفتند، اما میراثشان باقی است. ما وارثان این میراث گرانبها هستیم. در میان شهدای این سرزمین، گروهی هستند که رسالتشان، چیزی فراتر از دفاع بود؛ آن‌ها جان می‌دادند تا جان نجات دهند. امدادگران شهید، کسانی بودند که در میدان‌های جنگ، در دل آوار، در میان شعله‌های آتش، بی‌هیچ سلاحی، اما با قدرت ایمان، به دل خطر می‌زدند. آن‌ها دشمنی با کسی نداشتند، اما دشمن، آن‌ها را هدف قرار می‌داد. چرا؟ چون هر مجروحی که توسط آن‌ها نجات داده می‌شد، یک مبارز دیگر برای ادامه‌ی راه مقاومت بود. دشمن می‌دانست که امدادگران، روح امید را زنده نگه می‌دارند، پس آن‌ها را هدف قرار می‌داد. اما آیا این حملات باعث شد که امدادگران ما عقب‌نشینی کنند؟ هرگز.

آن‌ها با همان لباس‌های سفید، با همان جعبه‌ی امداد، تا آخرین لحظه ایستادند. بعضی از آن‌ها، حتی درحالی‌که هنوز زخم‌هایشان التیام نیافته بود، دوباره به میدان بازمی‌گشتند. امنیت، چیزی نیست که بدون هزینه به دست بیاید. هیچ ملتی، بدون فداکاری و ایثار، به آرامش نرسیده است. ما اگر امروز در امنیت زندگی می‌کنیم، اگر فرزندانمان در آرامش درس می‌خوانند، اگر شهرهای ما از حملات دشمن در امان است، به دلیل آن است که کسانی، در روزهای سخت، جانشان را در این مسیر گذاشتند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (سوره انفال، آیه ۶۰) «و برای مقابله با آن‌ها، تا جایی که در توان

دارید، نیرو آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خودتان را به وحشت اندازید.» قدرت یک ملت، در فداکاری فرزندانش نهفته است. امدادگران ما، نه با اسلحه، بلکه با دست‌هایشان، با قلب‌هایشان، دشمن را به وحشت انداختند. آن‌ها نشان دادند که نیروی یک ملت، فقط در توان نظامی نیست، بلکه در ایمان و اراده‌ی مردم نهفته است. گاهی این سؤال مطرح می‌شود که چرا باید مقاومت کرد؟ چرا برخی ملل، با کوچک‌ترین تهدید، از حقوق خود عقب‌نشینی می‌کنند، اما ملتی مثل ایران، همواره در برابر دشمنان ایستاده است؟ پاسخ این است: چون ما امنیت را گدایی نکرده‌ایم.



ما امنیت را با خون شهدا خریده‌ایم. هر کشوری که بر پایه‌ی مقاومت ایستاده، امروز دارای عزت و امنیت است. اما هر کشوری که به دشمنان تکیه کرده، جز تحقیر و از دست دادن منابع خود، چیزی به دست نیاورده است. امروز، همین الگو در نقاط دیگر جهان اسلام نیز دیده می‌شود. در غزه، در لبنان، در یمن، در هر جایی که مردم به فرهنگ مقاومت ایمان آورده‌اند، دشمن ناکام مانده است. فرهنگ مقاومت، برگرفته از فرهنگ شهادت است.

حمله به هویت امدادگران؛ نقض قوانین بین‌المللی

امروز، همان دشمنانی که روزگاری به بیمارستان‌های صحرایی ما حمله می‌کردند، همان‌هایی که آمبولانس‌های ما را هدف قرار می‌دادند، همان جنایت‌ها را در نقاط دیگر دنیا تکرار می‌کنند. ماه‌ها است که غزه زیر آتش بمباران قرار دارد. امدادگران، پزشکان، پرستاران، همه‌ی آن‌هایی که برای نجات جان دیگران تلاش می‌کنند، هدف قرار می‌گیرند. چرا؟ چون دشمنان بشریت می‌دانند که امدادگران، امید را زنده نگه می‌دارند. ما در جمعیت هلال‌احمر، بیش از نود مورد نقض آشکار قوانین بین‌المللی را ثبت کرده‌ایم. تمام این جنایت‌ها، در دادگاه‌های بین‌المللی مطرح شده و بسیاری از کشورها آن را محکوم کرده‌اند. اما این کافی نیست. باید صدای این مظلومیت را به گوش جهان رساند.

شهدا کار خود را انجام دادند. آن‌ها به عهد خود با خدا وفا کردند. اکنون نوبت ماست. ما با شهدا پیمان می‌بندیم که مسیر آن‌ها را ادامه دهیم. ما با شهدا پیمان می‌بندیم که یاد و خاطره‌ی آن‌ها را زنده نگه داریم. ما با شهدا پیمان می‌بندیم که راه مقاومت را رها نکنیم. هر امدادگر، هر نجاتگر، هر کسی که در مسیر خدمت به مردم گام برمی‌دارد، باید بداند که این مسیر، میراث همان‌هایی است که جانشان را در این راه گذاشتند. و اگر امروز ما در این مسیر هستیم، باید از خود بپرسیم: آیا ادامه‌دهنده‌ی شایسته‌ای برای آن‌ها هستیم؟





رسالت ما در مسیر شهدا

شهدا کار خود را انجام دادند. آن‌ها از آزمون الهی سربلند بیرون آمدند، از همه‌ی داشته‌های خود گذشتند و به عالی‌ترین مقام رسیدند. آن‌ها معامله‌ای کردند که هیچ ضرری در آن نبود؛ جان خود را دادند و حیات جاودانه یافتند. ما نمی‌توانیم فقط نظاره‌گر باشیم. نمی‌توانیم فقط به یاد شهدا بسنده کنیم و رسالتی که بر دوش ما گذاشته‌اند را فراموش کنیم.

آن‌ها از ما چیزی نخواستند جز اینکه راهشان را ادامه دهیم، جز اینکه ارزش‌هایی را که برای آن‌ها جنگیدند و جان دادند، حفظ کنیم. ما در برابر شهدا وظایفی سنگین داریم. نخستین و مهم‌ترین وظیفه، زنده نگه‌داشتن یاد و نام شهدا است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَ لَكِنَّ لَا تَشْعُرُونَ» (سوره بقره، آیه ۱۵۴) «و به آن‌هایی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید، بلکه زنده‌اند، ولی شما درک نمی‌کنید.» ما نباید اجازه دهیم یاد شهدا در گذر زمان کمرنگ شود. نام آن‌ها، خاطرات آن‌ها، وصیت‌های آن‌ها، باید در نسل‌های آینده جریان داشته باشد. اما وظیفه‌ی ما فراتر از یادآوری است. ما باید راه شهدا را ادامه



دهیم. اگر شهدا برای دفاع از این سرزمین ایستادند، ما باید مدافع ارزش‌های این سرزمین باشیم. اگر آن‌ها برای حفظ ایمان و آزادی جنگیدند، ما باید ایمان و آزادی را در جامعه حفظ کنیم. راه شهدا، فقط در میدان جنگ نیست. امروز، دشمنان این ملت، نه تنها با سلاح، بلکه با فرهنگ، با رسانه، با تهاجم فکری، به دنبال کمرنگ کردن ارزش‌ها هستند. ما باید در هر عرصه‌ای که هستیم، ادامه‌دهنده‌ی راه شهدا باشیم.

مسیر شهدا، مسیر خدمت به مردم

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهدا، عشق به مردم بود. آن‌ها از جان خود گذشتند تا مردم در امنیت و آرامش باشند. امدادگران شهید، جان دادند تا جان دیگران را نجات دهند. این یعنی راه شهدا، راه خدمت است. ما هر جا که باشیم، هر مسئولیتی که داشته باشیم، اگر در مسیر خدمت به مردم باشیم، در مسیر شهدا هستیم. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» «سرور یک قوم، کسی است که به آن‌ها خدمت کند.» پس اگر می‌خواهیم در مسیر شهدا باشیم، باید در میدان عمل، خادم مردم باشیم.

پایبندی به آرمان‌های انقلاب

یکی دیگر از رسالت‌های ما، حفظ آرمان‌هایی است که شهدا برای آن‌ها جان دادند. آن‌ها برای یک هدف مشخص جنگیدند: حفظ انقلاب اسلامی، حراست از نظام و تداوم راه ولایت. امروز، دشمنان قسم‌خورده‌ی این ملت، در تلاش‌اند که این آرمان‌ها را کمرنگ کنند. می‌خواهند مردم را نسبت به انقلاب دلسرد کنند. می‌خواهند ارزش‌هایی را که شهدا برایشان جنگیدند، از بین ببرند. ما اگر خود را وارثان شهدا می‌دانیم، باید در مسیر انقلاب، در مسیر ولایت، در مسیر حفظ نظام اسلامی، ثابت‌قدم بمانیم. رهبر معظم انقلاب فرمودند: «زنده نگه‌داشتن یاد شهدا، کمتر از شهادت نیست.» اما این زنده نگه‌داشتن، فقط با برگزاری مراسم و یادواره‌ها نیست. بلکه در عمل، در رفتار، در تصمیم‌ها و در جهت‌گیری‌های ماست که معلوم می‌شود چقدر پای بند این راه هستیم.



امدادگران؛ ادامه‌دهندگان راه شهدا

شهدا رفتند، اما راهشان همچنان ادامه دارد. آن‌ها رفتند، اما پرچمی که برافراشتند، همچنان در دستان ماست. امروز، این ما هستیم که باید تصمیم بگیریم؛ آیا لیاقت ادامه‌ی مسیرشان را داریم؟ آیا در مسیر آن‌ها گام برمی‌داریم؟ در میان تمام گروه‌هایی که در راه خدا مجاهدت کردند، امدادگران جایگاه ویژه‌ای دارند. آن‌ها جان ندادند که جان بگیرند، بلکه جان دادند که جان ببخشند. آن‌ها به میدان جنگ نرفتند که بجنگند، بلکه رفتند که زخم‌ها را ببندند، که جان‌های زخمی را نجات دهند. و چه افتخاری بالاتر از این که انسان، جان خود را در مسیر نجات دیگران فدا کند. امدادگران، تنها در جنگ حضور نداشتند. آن‌ها در تمام بحران‌ها، در تمام حوادث، در تمام سختی‌ها، پیشگام بوده‌اند. زلزله‌ها، سیلاب‌ها، آتش‌سوزی‌ها، بحران‌های طبیعی و انسانی، همه و همه، عرصه‌هایی بوده که امدادگران با کمترین امکانات، بیشترین فداکاری‌ها را انجام داده‌اند.

اما آیا امدادگری فقط یک شغل است؟ آیا فقط یک وظیفه‌ی سازمانی است؟ نه! امدادگری یک سبک زندگی است. یک باور است. یک ایمان است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (سوره مائده، آیه ۳۲) «این یعنی هر امدادگر، در هر مأموریتی که انجام می‌دهد، نه تنها یک فرد، بلکه یک جامعه را زنده می‌کند.»

رسالت امدادگران امروز

امروز، ما در جنگ سخت نیستیم، اما جنگ‌های دیگری در جریان است. دشمن، از راه‌های دیگری حمله کرده است. جنگ فرهنگی، جنگ اقتصادی، جنگ رسانه‌ای؛ همه‌ی این‌ها، عرصه‌هایی است که ما باید در آن‌ها حاضر باشیم. امدادگران امروز، فقط نجات‌دهندگان جسم نیستند، بلکه نجات‌دهندگان روح جامعه‌اند. آن‌ها باید در کنار مردم باشند، باید امید را زنده نگه دارند، باید در دل تاریکی‌ها، نور باشند. ما امدادگران، وظیفه‌ای سنگین بر عهده داریم. ما باید ثابت کنیم که راه شهدا ادامه دارد. ما باید نشان دهیم که فرهنگ ایثار و فداکاری، هنوز در جامعه‌ی ما زنده است. ما وارثان راهی هستیم که با خون شهدا آبیاری شده است.





نقش امدادگران در بحران‌های جهانی

امروز، بحران‌ها فقط به داخل کشور محدود نیستند. در سراسر جهان، ملت‌های مظلوم زیر فشار ظلم و ستم قرار دارند. ما در جمعیت هلال احمر، شاهد این ظلم‌ها هستیم. ما می‌بینیم که چگونه بیمارستان‌ها در غزه بمباران می‌شوند، چگونه امدادگران در مناطق جنگ‌زده هدف قرار می‌گیرند، چگونه حتی کسانی که برای نجات جان دیگران تلاش می‌کنند، مورد حمله‌ی دشمنان بشریت قرار می‌گیرند. امروز، فرهنگ ایثار و مقاومت، از مرزهای ایران فراتر رفته است. امدادگران در سراسر جهان، با الهام از فداکاری‌های شهدا، در خط مقدم کمک به مظلومان ایستاده‌اند. این یعنی پیام شهدای ما، زنده است. این یعنی مسیر آن‌ها، جهانی شده است.



میراث‌داران ایثار و فداکاری

شهدا رفتند، اما رسالت آن‌ها بر دوش ما باقی مانده است. آن‌ها راه را نشان دادند، پرچم را برافراشتند، مسیر را هموار کردند. حالا این ما هستیم که باید تصمیم بگیریم؛ آیا در این مسیر گام خواهیم برداشت؟ آیا شایسته‌ی این پرچم خواهیم بود؟ امروز، امنیت، عزت و اقتداری که داریم، محصول خون شهداست. هیچ ملتی، بدون فداکاری و از خودگذشتگی به عزت و سربلندی نرسیده است. ما اگر امروز، در آرامش نفس می‌کشیم، اگر در سایه‌ی امنیت زندگی می‌کنیم، باید بدانیم که این امنیت، رایگان به دست نیامده است. ما وارثان این امنیت هستیم، و این میراث را باید حفظ کنیم. اگر شهدا در میدان جنگ ایستاده اند، ما باید در میدان عمل بایستیم. اگر آن‌ها جان داده اند تا این سرزمین باقی بماند، ما باید تلاش کنیم تا ارزش‌های این سرزمین باقی بماند. امروز، میدان جنگ تغییر کرده است. دشمن، همان دشمن است؛ اما روش‌هایش فرق کرده است. جنگ امروز، جنگ اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای و اعتقادی است. دشمن دیگر فقط به خاک ما حمله نمی‌کند، بلکه به باورها، ایمان و به ارزش‌های ما حمله کرده است؛ و در این میدان، اگر غفلت و کوتاهی کنیم، یعنی از راه شهدا فاصله گرفته‌ایم. شهدا، کسانی نبودند که فقط در لحظات حساس تصمیم بگیرند؛ آن‌ها همیشه آماده بودند، همیشه در مسیر بودند. ما هم باید همین‌گونه



باشیم. باید همیشه در میدان باشیم، همیشه آماده‌ی دفاع از آرمان‌ها و همیشه پایبند به ارزش‌ها باشیم.

خدمت به مردم؛ بهترین راه ادامه‌ی مسیر شهدا

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهدا، اخلاص و خدمت به مردم بود. آن‌ها برای مردم جان دادند، برای آرامش و امنیت مردم جنگیدند، برای رفاه مردم ایستادند. امروز، اگر می‌خواهیم در مسیر شهدا باشیم، باید به مردم خدمت کنیم. خدمت به مردم، یعنی ادامه‌ی راه شهدا. خدمت به مردم، یعنی عمل به وصیت شهدا. خدمت به مردم، یعنی زنده نگاه‌داشتن فرهنگ ایثار و فداکاری. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ» «بهترین مردم، کسی است که بیشترین نفع را به مردم برساند.» امروز، هر کسی که در هر مسئولیتی هست، باید از خود بپرسد: آیا من در مسیر خدمت به مردم هستم؟ آیا رفتار من، گفتار من، تصمیمات من، کمکی به مردم می‌کند؟ اگر پاسخ مثبت است، یعنی در مسیر شهدا هستیم. اما اگر پاسخ منفی است، باید نگران باشیم، باید در خود تجدیدنظر کنیم. امروز، امدادگران، پرچمداران ایثار در دنیای امروز هستند. هر کجا که حادثه‌ای رخ دهد، اولین کسانی که به صحنه می‌رسند، امدادگران‌اند. در زلزله‌ها، سیلاب‌ها، آتش‌سوزی‌ها و بحران‌های مختلف، امدادگران هستند که جان خود را به خطر می‌اندازند تا جان دیگران را نجات دهند. این یعنی ادامه‌ی راه شهدا.

امدادگران، فقط درمانگر جسم نیستند، بلکه درمانگر روح جامعه‌اند. آن‌ها با فداکاری خود، امید را زنده نگه می‌دارند. آن‌ها با ایثارشان، به مردم نشان می‌دهند که هنوز ارزش‌هایی مثل گذشت، همدلی و کمک به دیگران زنده است؛ و این همان چیزی است که جامعه‌ی ما به آن نیاز دارد. شهدا، ناظر اعمال ما هستند. آن‌ها می‌بینند که ما چه می‌کنیم، می‌بینند که چگونه رفتار می‌کنیم، می‌بینند که آیا پایبند به عهدی که بسته‌ایم، هستیم یا نه؛ و ما، باید کاری کنیم که در روز قیامت، وقتی در برابر شهدا ایستاده ایم، شرمنده نباشیم.



یادواره‌ای از جنسی ایشار و جاودانگی

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان زنجان

۱۰ خرداد ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

شهداء، ستارگانی هستند که مسیر تاریک زندگی را برای ما روشن می‌کنند. آنان از جان خویش گذشتند تا ما امروز در امنیت و آرامش زندگی کنیم. حقیقت این است که ما به یاد شهدا نیاز داریم، نه آن‌ها. آنان به وعده‌ی الهی رسیده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند؛ اما این ما هستیم که برای یافتن مسیر درست، برای حفظ ارزش‌ها و برای جلوگیری از گمراهی، به شهدا نیازمندیم. یاد شهدا تنها یک وظیفه‌ی تاریخی یا عاطفی نیست، بلکه یک ضرورت حیاتی برای جامعه‌ی ماست. اگر یادشان را زنده نگه داریم، ایمان، غیرت، عزت و استقلال ما حفظ خواهد شد؛ اما اگر از یادشان غافل شویم، دشمنان به‌آسانی فرهنگ و هویت ما را تغییر خواهند داد. در این فصل که بر اساس سخنرانی دکتر پیرحسین کولیوند رئیس جمعیت هلال احمر است، تلاش کرده‌ایم تا با بیانی روایی، تحلیلی و احساسی، نه تنها یاد شهدای امدادگر را زنده نگه داریم، بلکه پیام‌های آن‌ها را برای نسل امروز و آینده بازگو کنیم. فصل به‌فصل، به سراغ مفاهیمی رفتیم که نشان می‌دهند شهدا زنده‌اند، راهشان باقی است و وظیفه‌ی ما ادامه دادن مسیر آن‌هاست. اکنون که این مسیر را آغاز کرده‌ایم، بیاید عهدی دوباره ببندیم: راه شهدا را ادامه خواهیم داد، آرمان‌هایشان را فراموش نخواهیم کرد، و نخواهیم گذاشت که نامشان در هیاهوی دنیا کم‌رنگ شود...





شهدا، زنده‌اند

شب‌های سرد جبهه را به یاد بیاورید. سکوتی سنگین که تنها با زمزمه‌های دعا و ذکرهای آرام رزمندگان شکسته می‌شد. در آن شب‌ها، جوانانی بودند که سلاحی در دست نداشتند، اما جانشان را سپر می‌کردند تا زخمی‌ها را نجات دهند. امدادگرانی که گاهی پیش از مجروحان، خودشان هدف گلوله قرار می‌گرفتند، اما باز هم دست از کار نمی‌کشیدند. در این یادواره‌ی با عظمت شهدای امدادگر زنجان، گرد هم آمده‌ایم تا از آن مردان بی‌ادعا سخن بگوییم. از شهیدایی که در لباس سفید امداد، در میانه‌ی آتش و خون، شهادت را در آغوش گرفتند. اما آیا آنان را از دست داده‌ایم؟ آیا دیگر در میان ما نیستند؟ شهدا زنده‌اند. آنان در کنار ما نفس می‌کشند، نظاره‌گر اعمال ما هستند و از آن بالاتر، شفیع ما در نزد پروردگارند. خداوند در قرآن کریم، این حقیقت را به زیبایی بیان کرده است: «وَلَا تُحْسِنَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹) «گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند. بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.» این آیه، تنها یک توصیف شاعرانه یا یک بیان احساسی نیست. بلکه حقیقتی است که بارها در زندگی انسان‌های مؤمن رخ داده و نشانه‌هایی از آن را در جای‌جای تاریخ دیده‌ایم. حیات شهدا، یک زندگی خاص و متعالی است. خداوند در آیه‌ی بعدی می‌فرماید:

«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ...» (آل عمران، ۱۷۰) «آن‌ها به خاطر نعمت‌هایی که خداوند به آن‌ها عطا کرده، خوشحال اند و به کسانی که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند، بشارت می‌دهند که نترسید و غمگین نباشید.» این یعنی شهدا، نه تنها زنده‌اند، بلکه از جایگاهی که در نزد پروردگار یافته‌اند، شادمان هستند. آن‌ها کسانی را که در مسیر حق گام برمی‌دارند، می‌بینند و برایشان دعا می‌کنند. شهدا نیازی به یادآوری ما ندارند. این ما هستیم که به آنان نیاز داریم. این ما هستیم که باید از زندگی و راهشان درس بگیریم. بیایید از این لحظه، هر قدمی که برمی‌داریم، به یاد بیاوریم که شهدا ما را می‌بینند. هر تصمیمی که می‌گیریم، به این فکر کنیم که آیا آنان از ما راضی خواهند بود؟ و در نهایت، از خدا بخواهیم که ما را نیز در مسیر آن‌ها قرار دهد و روزی ما را در صف شهیدان بنویسد.

امدادگران شهید؛ فرشتگانی در لباس انسان

وقتی سخن از شهدا به میان می‌آید، ذهن‌ها بیشتر به سمت رزمندگانی می‌رود که با اسلحه در میدان جنگ ایستادند و جانشان را برای دفاع از دین و وطن دادند؛ اما در میان این قهرمانان، گروهی بودند که نه برای جنگیدن، بلکه برای نجات جان دیگران به میدان آمدند. امدادگرانی که در دل آتش و خون، در زیر آوارها، در جاده‌های پرحادثه، جان خود را به خطر انداختند تا جان دیگری را نجات دهند. آنان پزشکان، پرستاران و امدادگران بودند. کسانی که حتی در لحظه‌ی شهادت، نگاهشان به سوی مجروحان بود، دستانشان در حال بستن زخم‌ها و قلبشان لبریز از عشق به انسانیت. امدادگری، شغل نیست؛ یک رسالت است. رسالتی که خداوند به بندگان برگزیده‌اش می‌سپارد. آنان همان کسانی‌اند که مصداق این حدیث نبوی هستند: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ». «هر کس گرهی از کار مؤمنی در دنیا بگشاید، خداوند گرهی از مشکلات او در روز قیامت خواهد گشود.»

امدادگران، گره‌گشای زندگی بسیاری بودند، اما خودشان در این مسیر جان باختند.



آنان کسانی بودند که حتی مرگ، نتوانست مسیرشان را متوقف کند.

امدادگران شهید، مصداق معامله با خدا

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (توبه، ۱۱۱) «خداوند از مؤمنان، جان و مالشان را در برابر بهشت خریده است.» امدادگران شهید، کسانی بودند که در این معامله‌ی آسمانی، جانشان را در راه نجات بندگان خدا تقدیم کردند. و چه معامله‌ی ارزشمندتر از این؟ امروز، ما در شرایطی هستیم که هنوز هم حوادث، بلایا و بحران در کشور ما رخ می‌دهند. هنوز هم کسانی هستند که به کمک نیاز دارند. آیا ما می‌توانیم ادامه‌دهنده‌ی راه آن شهدا باشیم؟ ادامه دادن راه شهدای امدادگر، تنها به معنای پوشیدن لباس امدادگری نیست. بلکه یعنی هر جا که انسانی به کمک نیاز دارد، بی‌هیچ چشم‌داشتی دستش را بگیریم. یعنی در مسیر خیر و نیکوکاری پیش‌قدم باشیم. و در نهایت، از خداوند بخواهیم که توفیق ایثار را به ما نیز عطا کند.

راه شهدا را چگونه ادامه دهیم؟

شهادت امدادگر رفتند، اما چراغی که برافروختند، هنوز روشن است. آن‌ها برای همیشه در تاریخ این سرزمین جاودانه شدند، اما راهشان همچنان ادامه دارد. امروز، ما که در این مجلس گرد آمده‌ایم، تنها برای یادآوری خاطرات آنان اینجا نیستیم؛ بلکه آمده‌ایم تا از خود بپرسیم: آیا ما ادامه‌دهنده‌ی راه شهدا هستیم؟ آیا تنها با ذکر نامشان، رسالت خود را انجام داده‌ایم؟ یا وظیفه‌ی فراتر بر دوش داریم؟ امدادگران شهید، نه برای خود، که برای دیگران زندگی کردند. اگر ما می‌خواهیم رهرو راه آنان باشیم، باید مانند آن‌ها، زندگی خود را وقف خدمت کنیم. اما چگونه؟

۱. خدمت بی‌منت به مردم

یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های شهدای امدادگر، اخلاص در عمل بود. آن‌ها در



سخت‌ترین شرایط، بدون هیچ چشم‌داشتی، به مردم خدمت کردند. امدادگرانی که در دل حوادث طبیعی، در جنگ‌ها، در سوانح جاده‌ای، حتی در بیماری‌های واگیردار، جانشان را به خطر انداختند تا جان دیگری را نجات دهند.

امروز، ادامه دادن راه شهدا یعنی خدمت به مردم، بدون هیچ‌گونه انتظار یا منت. هر کسی، در هر جایگاهی که هست، می‌تواند یک امدادگر باشد. یک معلم با تعلیم درست، یک پزشک با درمان دلسوزانه، یک کارگر با تلاش صادقانه، حتی یک شهروند عادی با دستگیری از نیازمندان، می‌تواند راه شهدا را ادامه دهد. امام علی (ع) می‌فرماید: «اِصْطَبِعِ الْخَيْرَ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ، فَإِنَّكَ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ مُحْتَاجٌ». «به همه‌ی مردم نیکی کن، چرا که تو نیز به همه‌ی مردم نیازمندی.»

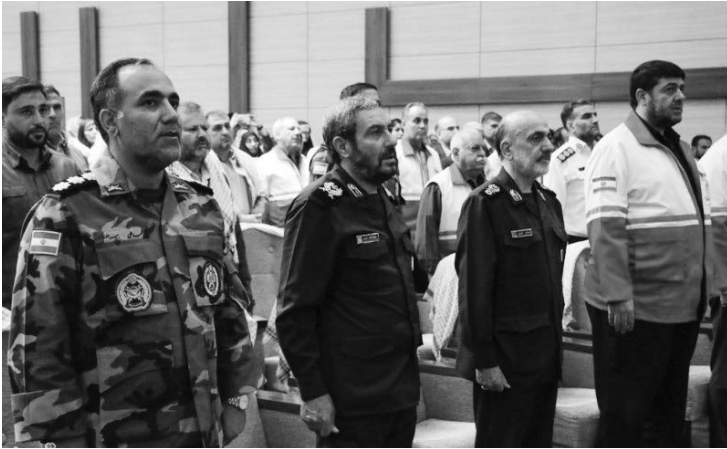
۲. حفظ ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس

شهادت امدادگر، برای ارزش‌هایی بزرگ جان دادند؛ ارزش‌هایی که اگر فراموش شوند، خون آن‌ها بی‌هوده ریخته شده است. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های ما، حفظ آرمان‌های انقلاب، دفاع مقدس و ارزش‌های اسلامی است. این روزها، دشمنان سعی می‌کنند فرهنگ ایثار و شهادت را کم‌رنگ کنند. می‌خواهند جوانان ما یادشان برود که چگونه این کشور با خون شهدا حفظ شده است. اگر ما این ارزش‌ها را فراموش کنیم، یعنی راه شهدا را گم کرده‌ایم. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «یاد شهدا باید همیشه زنده بماند، اما زنده نگه داشتن یاد آن‌ها فقط با ذکر نام نیست؛ بلکه با ادامه‌ی راهشان است.»

پس ما باید چه کنیم؟

- فرهنگ ایثار و شهادت را در جامعه زنده نگه داریم.
- به خانواده‌های شهدا احترام بگذاریم و نگذاریم که جای فرزندانشان در جامعه خالی باشد.
- با رفتار، گفتار و عمل خود، ارزش‌هایی را که شهدا برای آن جان دادند، حفظ کنیم.





۳. جهاد در مسیر حق؛ شهید بودن قبل از شهید شدن

در مکتب اسلام، شهادت تنها در میدان جنگ رخ نمی‌دهد. شهادت، نتیجه‌ی یک زندگی است که در مسیر خدا سپری شده باشد. امام حسین (ع) در روز عاشورا فرمودند: «موتٌ فی عزٍّ خیرٌ من حیاةٍ فی ذُلٍّ». «مرگ با عزت، بهتر از زندگی با ذلت است.» شهدا، پیش از آنکه شهید شوند، سال‌ها شهیدگونه زندگی کردند. اگر ما می‌خواهیم در مسیر آنان باشیم، باید در زندگی روزمره نیز مانند آن‌ها رفتار کنیم:

- در برابر ظلم، سکوت نکنیم.
- برای حق و حقیقت بجنگیم، حتی اگر هزینه داشته باشد.
- در کار و مسئولیت خود، تقوا و صداقت داشته باشیم.

۴. تربیت نسل آینده در مسیر شهدا

اگر ما نتوانیم فرهنگ ایثار و شهادت را به نسل بعد منتقل کنیم، دیر یا زود، یاد شهدا کم‌رنگ خواهد شد. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های ما این است که فرزندانمان را با روحیه‌ی ایثار، فداکاری و خدمت به دیگران پرورش دهیم. اما چگونه؟
- با تعریف کردن داستان‌های واقعی از شهدهای امدادگر، روحیه‌ی فداکاری را در فرزندانمان زنده کنیم.

- به آن‌ها یاد بدهیم که کمک به دیگران، یک وظیفه‌ی انسانی و دینی است.
- به جای الگوبرداری از شخصیت‌های بیگانه، شهدا را به عنوان الگوی زندگی‌شان معرفی کنیم.

راه شهدا، تنها با سخن گفتن از آن‌ها ادامه پیدا نمی‌کند. بلکه با رفتار، تصمیم‌ها و با انتخاب‌هایی که هر روز انجام می‌دهیم، زنده می‌ماند؛ و در نهایت، از خداوند بخواهیم که ما را نیز در مسیر شهدا قرار دهد و توفیق ادامه دادن راهشان را به ما عطا کند.

پیام شهدا به نسل‌های آینده

شهدا، کسانی بودند که از دنیا دل بریدند و به سوی خدا پرواز کردند. اما آن‌ها پیام‌هایی برای ما به جا گذاشتند. وصیت‌نامه‌هایشان، سخنان آخرشان؛ و حتی راهی که انتخاب کردند، همگی پیامی برای ما دارند. امروز، این پیام‌ها بیش از هر زمان دیگری برای ما مهم است؛ زیرا در جهانی زندگی می‌کنیم که ارزش‌ها در حال تغییر است، فرهنگ ایثار در معرض فراموشی است؛ و دشمنان سعی دارند یاد شهدا را از ذهن‌ها پاک کنند. بیایید پیام شهدا را بشنویم و آن را به نسل‌های آینده منتقل کنیم.
۱. شهدا می‌گویند: ایمان خود را حفظ کنید.

بزرگ‌ترین سرمایه‌ی شهدا، ایمانشان بود. آن‌ها با ایمان به خدا، قدم در راه شهادت گذاشتند. در وصیت‌نامه‌ی بسیاری از شهدا، این جمله را می‌بینیم: «خدا یا! مرا از کسانی قرار بده که در راه تو جانشان را فدا کردند.» امروز، ایمان ما در معرض تهدیدهای بسیاری قرار دارد. شبهات فکری، تبلیغات گسترده‌ی دشمن و فرهنگ مادی‌گرایی، همگی تلاش می‌کنند تا ایمان جوانان را تضعیف کنند. اما اگر می‌خواهیم راه شهدا را ادامه دهیم، باید ایمان خود را حفظ کنیم. باید قرآن را بخوانیم، اهل نماز و دعا باشیم؛ و در برابر وسوسه‌های دنیا، تسلیم نشویم. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد، ۷). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.»



۲. شهدا می‌گویند: نگذارید ارزش‌ها فراموش شود.

یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های شهدا، حفظ ارزش‌های اسلامی و انقلابی بود. آن‌ها برای همین ارزش‌ها جان دادند؛ اما امروز، برخی می‌خواهند ارزش‌های اسلامی را کم‌رنگ کنند. برخی می‌خواهند حجاب را حذف کنند، ایثار را بی‌معنا جلوه دهند؛ و فرهنگ غربی را جایگزین فرهنگ اسلامی کنند. اگر شهدا امروز در میان ما بودند، می‌گفتند: «در برابر این هجمه‌ها بایستید! نگذارید خون ما پایمال شود!» رهبر معظم انقلاب فرمودند: «اگر یاد شهدا در جامعه زنده بماند، کشور از آسیب‌های بزرگ محفوظ خواهد ماند.»

پس ما چه وظیفه‌ای داریم؟

- ارزش‌هایی را که شهدا برای آن‌ها جان دادند، حفظ کنیم.

- نگذاریم دشمن، فرهنگ شهادت و ایثار را از بین ببرد.

- فرزندانمان را با روحیه‌ی جهاد، مقاومت و ایستادگی تربیت کنیم.

۳. شهدا می‌گویند: خدمتگزار مردم باشید.

امدادگران شهید، جان خود را برای خدمت به مردم دادند. آن‌ها بدون هیچ توقعی، به مردم خدمت می‌کردند. یکی از وصیت‌های مشترک شهدای امدادگر این بود: «به مردم خدمت کنید و در سختی‌ها، کنارشان باشید.» امروز، خدمت به مردم، بزرگ‌ترین راه ادامه‌ی مسیر شهادت است.

مانند:

- اگر پزشک هستیم، با وجدان و دلسوزی بیماران را درمان کنیم.

- اگر معلم هستیم، نسل آینده را با عشق و ایمان تربیت کنیم.

- اگر کارگر هستیم، با صداقت و درستکاری کار کنیم.

۴. شهدا می‌گویند: استقامت کنید و نترسید.

در دوران دفاع مقدس، بسیاری از امدادگران با سختی‌های زیادی مواجه شدند. آن‌ها زیر گلوله و آتش، به مجروحان کمک می‌کردند. اما هرگز ترس به دلشان راه ندادند.



امروز نیز، ما در میدان‌های دیگری درگیر جنگ هستیم؛ جنگ فرهنگی، جنگ اقتصادی، جنگ روانی. دشمن می‌خواهد ما را ناامید کند. اما شهدا به ما می‌گویند: «بایستید و نترسید!» قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (فصلت، ۳۰). «کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس استقامت کردند، نه ترسی بر آن‌هاست و نه اندوهگین خواهند شد.» پس ما باید چه کنیم؟ در برابر مشکلات، مقاوم باشیم. در مسیر حق، کوتاه نیاییم. به آینده امیدوار باشیم و تسلیم ناامیدی نشویم.

شهدا، پیامشان را به ما رسانده‌اند. اما آیا ما شنیده‌ایم؟ اگر بخواهیم راه آن‌ها را ادامه دهیم، باید به این پیام‌ها عمل کنیم:

۱. ایمان خود را حفظ کنیم.
۲. ارزش‌های اسلامی و انقلابی را پاس بداریم.
۳. به مردم خدمت کنیم.
۴. در برابر دشمنان، استقامت کنیم و نترسیم.

داستان‌هایی از شهدای امدادگر

در میان همه‌ی حوادث، همیشه کسانی هستند که حاضرند از جان خود بگذرند تا جان دیگری را نجات دهند. آن‌ها فرشتگانی در لباس انسان‌اند؛ امدادگرانی که هنگام خطر، به جای فرار، به سوی حادثه می‌روند.

در طول تاریخ انقلاب و دفاع مقدس، امدادگران بسیاری جانشان را فدا کردند تا دست یاری به سوی مجروحان دراز کنند. اما این شهدا فقط اسامی روی پلاک و عکس‌های روی دیوار نیستند. هرکدامشان داستانی دارند؛ داستانی از عشق، از فداکاری، از ایمان. داستان‌هایی که باید شنیده شوند تا راهشان زنده بماند.

داستان شهدا را زنده نگه داریم

هرکدام از این شهدای امدادگر، الگویی برای ما هستند. آن‌ها نشان دادند که شهادت،





فقط در میدان جنگ نیست؛ بلکه هر جا که انسانی برای نجات دیگران جانش را فدا کند، همان جا میدان شهادت است.

اما وظیفه‌ی ما چیست؟

- باید داستان‌های آن‌ها را برای نسل‌های بعدی تعریف کنیم.
- باید از خود بپرسیم که اگر در جای آن‌ها بودیم، چه می‌کردیم؟
- باید راهشان را ادامه دهیم؛ با خدمت به مردم، با فداکاری، با ایمان.

رهبر معظم انقلاب فرمودند: «هر ملتی که یاد شهدا را زنده نگه دارد، از سقوط و نابودی در امان خواهد بود.» پس بیایید یادشان را زنده نگه داریم.

چرا باید یاد و راه شهدا را زنده نگه داریم؟

۱. شهدا چراغ راه اند؛ بی‌شهاد، مسیر را گم خواهیم کرد: زندگی، مسیری پیچیده است. دشمنان همیشه در تلاش‌اند که ارزش‌های ما را تغییر دهند، هویت ما را بگیرند، و ما را از مسیر اصلی منحرف کنند. اما شهدا، چراغ‌های روشنی هستند که این راه را

برای ما مشخص کرده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد، ۴) «و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، خداوند هرگز اعمالشان را تباہ نخواهد کرد.» شهدا نشان دادند که مسیر حق چیست. آن‌ها به ما یاد دادند که چگونه باید در برابر ظلم ایستادگی کنیم، چگونه برای ایمان و ارزش‌ها جانفشانی کنیم، و چگونه دنیا را فدای آخرت نکنیم. اگر یاد آن‌ها را فراموش کنیم، مسیرمان را گم خواهیم کرد. دیگر نمی‌دانیم که چه چیزی مهم است و چه چیزی بی‌ارزش. دیگر نمی‌دانیم که برای چه باید ایستادگی کنیم و در برابر چه باید تسلیم نشویم.

۲. یاد شهدا، ایمان و غیرت را در جامعه زنده نگه می‌دارد: یکی از مهم‌ترین دلایل زنده نگه داشتن یاد شهدا، این است که ایمان و غیرت را در جامعه تقویت می‌کند. وقتی نام و یاد شهدا در جامعه زنده باشد، جوانان یاد می‌گیرند که غیرت و مردانگی چیست. می‌فهمند که زندگی فقط خوردن و خوابیدن و لذت‌های مادی نیست. امام خامنه‌ای فرمودند: «اگر فرهنگ ایثار و شهادت زنده بماند، این ملت از هر آسیبی در امان خواهد بود.»

اما اگر یاد شهدا را از جامعه حذف کنیم، چه خواهد شد؟

- جوانان دیگر الگوی درستی برای زندگی نخواهند داشت.
 - روحیه‌ی فداکاری و ایثار از بین خواهد رفت.
 - جامعه به سمت مادی‌گرایی و خودخواهی کشیده خواهد شد.
- پس باید نام و یاد شهدا را در خانواده‌ها، در مدارس، در کتاب‌ها و در مراسم و در تمامی عرصه‌های مختلف زندگی زنده نگه داریم.
۳. شهدا، واسطه‌ی فیض الهی و شفیعان ما هستند: شهدا فقط الگو و اسطوره نیستند. آن‌ها نزد خداوند مقام ویژه‌ای دارند و می‌توانند برای ما شفاعت کنند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الشُّهَدَاءُ يَشْفَعُونَ لِأَهْلِ بَيْوتِهِمْ وَأَقَارِبِهِمْ». «شهدا برای خانواده‌ها و بستگان‌شان شفاعت می‌کنند.» وقتی یاد آن‌ها را زنده نگه داریم، وقتی به راهشان وفادار بمانیم، وقتی به خانواده‌هایشان احترام بگذاریم، آن‌ها نیز در روز قیامت شفیع ما خواهند شد.



۴. فراموشی شهدا، یعنی خیانت به خون آن‌ها: اگر روزی برسد که ما شهدا را از یاد ببریم، یعنی خون آن‌ها را پایمال کرده‌ایم. آن‌ها برای چه جان دادند؟ برای اسلام، برای وطن و برای عزت و سربلندی ما. اگر ما ارزش‌هایی را که آن‌ها برایش جنگیدند، کنار بگذاریم، یعنی به آن‌ها خیانت کرده‌ایم.

۵. شهدا زنده‌اند؛ آن‌ها ما را می‌بینند: برخی فکر می‌کنند که شهدا رفته‌اند و دیگر کاری به ما ندارند. اما این تفکر اشتباه است. آن‌ها زنده‌اند، ما را می‌بینند، اعمال ما را مشاهده می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تُحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹) «گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند؛ بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.» یعنی همین حالا، در همین لحظه، آن‌ها شاهد ما هستند. اگر راهشان را ادامه دهیم، از ما خوشحال خواهند شد. اگر راهشان را فراموش کنیم، از ما گلایه خواهند کرد.

یاد شهدا، راه نجات ماست

در دنیایی که ارزش‌ها تغییر کرده، در زمانی که دشمنان سعی دارند هویت ما را بگیرند، در دورانی که ایمان و غیرت مورد حمله قرار گرفته، یاد شهدا، راه نجات ماست.

ما باید:

- نام آن‌ها را زنده نگه داریم.
- راه آن‌ها را ادامه دهیم.
- فرهنگ ایثار و شهادت را به نسل‌های بعد منتقل کنیم.
- در نهایت، باید دعا کنیم که خداوند ما را در مسیر شهدا نگه دارد: «اللهم اجعلنا من السائرين على نهج الشهداء، و لا تحرمنا شفاعتهم يوم القيامة...»



پرنال ایمان هجرت و جهاد

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان کهگیلویه و بویراحمد

۲۰ تیر ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

جنگ تحمیلی هشت‌ساله، صحنه‌ای از عظمت ایمان، ایثار و فداکاری مردان و زنانی بود که برای دفاع از میهن اسلامی، جان خود را در طبق اخلاص نهادند. در میان این مجاهدان، گروهی بودند که بی‌آنکه سلاحی به دست گیرند، در خط مقدم عشق و ایثار قدم گذاشتند؛ امدادگران فداکاری که زخم‌های رزمندگان را مرهم می‌نهادند و خود، گاه پیش از مجروحان به شهادت می‌رسیدند.

شهادت امدادگر، در زمره پاک‌ترین و خالص‌ترین انسان‌هایی بودند که به معنای واقعی کلمه، مصداق «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) شدند. آنان در بحبوحه آتش و خون، نه تنها جان رزمندگان را نجات می‌دادند، بلکه پیام‌آور امید و استقامت بودند. لحظه‌ای که خمپاره‌ای فرود می‌آمد، لحظه‌ای که تیرها در هوا صفیر می‌کشیدند، آنان نه به عقب، که به سوی مجروحان می‌شتافتند؛ دست در دست مرگ، اما دل در گرو حیات دیگران.

جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، در دوران دفاع مقدس، نقشی بی‌بدیل در عرصه امداد و نجات ایفا کرد. از صحنه‌های نبرد گرفته تا اردوگاه‌های آوارگان، از بیمارستان‌های صحرایی تا مراکز درمانی پشت جبهه، امدادگران این مجموعه، با اخلاص و شجاعت، وظیفه انسانی و الهی خود را به انجام رساندند. برخی از آنان، در همین مسیر مقدس به شهادت رسیدند و نامشان در تاریخ ایثار جاودانه شد.

این فصل، روایت پیر حسین کولیوند در یادواره شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد است از رشادت‌ها، ایثارها و جان‌فشانی‌های شهدای امدادگر، تا نسل‌های آینده بدانند که چگونه عده‌ای بی‌نام و نشان، در سکوت و گمنامی، سنگر انسانیت را پاس داشتند



و در راه خدا جان خویش را تقدیم کردند. باشد که این صفحات، چراغی باشد برای آنان که می‌خواهند راه این بزرگمردان و شیرزنان را ادامه دهند.

عاشورا؛ الگویی برای همگان در ایام عزای حسینی، گرد هم آمده‌ایم تا یاد و خاطره شهدای امدادگر را گرامی بداریم؛ عزیزانی که با ایثار جان خویش، بر صفحات تاریخ این مرز و بوم نقش ماندگاری از فداکاری و خدمت به هم‌نوع بر جای گذاشتند. گرچه زبان قاصر است از بیان قدرشناسی در قبال این همه ایثار و ارادت به ساحت شهدای امدادگر، اما همین بس که بگوییم: «دست مریزاد و اجرتان با سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع)». در ایامی به سر می‌بریم که دل هر عاشق و عارفی را به درد می‌آورد؛ ایام سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و یاران باوفایش. این مصیبت عظمی را به پیشگاه امام زمان (عج) و به محضر شما عزیزان تسلیت عرض می‌کنم.

در حادثه عاشورا، امام حسین(ع) و یارانش با نثار ارزشمندترین دارایی خویش — یعنی جانشان — صفحاتی از تاریخ را آفریدند که چراغ راه همه آزادگان جهان شد. این حماسه در طول قرن‌ها مایه الهام برای ملت‌ها، جنبش‌ها و انقلاب‌های متعدد بوده است. انقلاب ما و نظام اسلامی‌مان نیز از همین سرچشمه نورانی بهره گرفت. هر وقت ما به الگوی والای عاشورا چشم دوختیم و پیام‌های بلند آن را در زندگی فردی و اجتماعی خویش به کار بستیم، توانستیم در برابر ظلم بایستیم، در مسیر پیشرفت گام برداریم و در دریای موج حوادث، به ساحل امن الهی برسیم.



سه ویژگی برجسته و جاودان شهادت در فرهنگ عاشورا و در مکتب ایثار و شهادت وجود دارد که لازم است یادآوری شود:

۱. ایمان

پشتوانه هر اقدام خالصانه، ایمان است. بدون ایمان، هیچ حرکت عمیق و جاودانه‌ای شکل نمی‌گیرد. شهدای ما، به‌ویژه شهدای امدادگر، مصداق بارز این ایمان خالصانه بودند.

۲. هجرت

گاه برای حفظ ارزش‌ها و عقیده، نیاز به کوچیدن از خانه و دیار است. مهاجرت از آسایش به دنیای سختی‌ها و خطرها، خود گواه اراده‌ای استوار است. شهدای امدادگر ما، چه در دوران دفاع مقدس و چه در مأموریت‌های امدادی، راهی میادینی شدند که احتمال بازگشت از آن بسیار اندک بود.

۳. جهاد

برآیند ایمان و هجرت، به جهاد منتهی می‌شود. جهادی که گاهی در پشت خاکریزهای دفاع مقدس شکل گرفت و گاه در میانه طوفان حوادث طبیعی؛ وقتی امدادگران داوطلب برای نجات جان دیگران شتافتند و از خود گذشتند تا رنجی از هم‌نوعشان بکاهند.

این سه ویژگی عجیب را می‌توان در شهدای عزیز منطقه جنوب غربی کشور نیز به‌وضوح مشاهده کرد. آنان که با ایمان، مرزهای امن خانه را رها کردند تا خللی به انقلاب و میهنشان وارد نشود؛ هجرت کردند تا به جهاد نهایی دست بزنند. تعدادشان اندک نبود؛ بیش از دو هزار شهید از این خطه به مسلخ عشق رفتند و در راه خدا جهاد کردند. عکس‌ها و خاطراتشان گواه ایمان و غیرت جوانمردانه ایشان است.

امسال در جمعیت هلال احمر، تصمیم گرفتیم «کنگره بین‌المللی شهدای امدادگر» را برگزار کنیم. جرقه این کار از جایی زده شد که سردار فتحیان در جریان «کنگره شهدای داروساز» به بنده گفتند: «برای گروه‌ها و اصناف مختلف کنگره برگزار شده، آیا برای شهدای امدادگر هم برنامه‌ای تدارک دیده‌ای؟» این جمله در جانم لرزید و





پس از همان لحظه، تماس گرفتم و دوستان را برای این امر مقدس بسیج کردم. الحمدلله این فرهنگ در جمعیت هلال احمر مورد استقبال قرار گرفت و اکنون شاهد برگزاری یادواره‌های شهدای امدادگر در استان‌های مختلف هستیم. این امر در «هفته بسیج»، برنامه ریزی شده تا ان‌شاءالله کنگره بین‌المللی شهدای امدادگر نیز برگزار شود.

رهبر معظم انقلاب مقام معظم رهبری درباره برگزاری یادواره‌ها و کنگره‌ها، دو پیام راهبردی اساسی دارند:

۱. زنده نگه داشتن یاد شهدا.

شهدا ثروت معنوی و گنجینه‌های بی‌پایان روحی و فکری ما هستند. نباید اجازه دهیم یادشان با گذشت زمان کمرنگ شود.

۲. دریافت و انتقال پیام شهدا.

شهدا حرف‌های بلندی برای نسل امروز و آینده ما دارند. روح ایثار، استقامت، حق‌طلبی و دفاع از مظلوم در رگ‌های شهیدان موج می‌زد. وظیفه ماست که این پیام‌ها را دریافت کنیم و به نسل‌های آینده بسپاریم.

متأسفانه با گذشت زمان، ضرورت ثبت خاطرات و روایتگری بسیاری از والدین شهدا را که اسطوره صبر و مقاومت بودند را از دست می‌دهیم؛ بزرگانی که دل‌هایشان



دریای غم و افتخار و یادگاری‌هایشان دریچه ورود به دنیای ناب روزهای دفاع بود. هر یک از این پدران و مادران، گنجینه زنده‌ای از خاطرات عزیزان شهیدشان هستند و با رفتنشان، ورقی زرین از تاریخ شفاهی این سرزمین برای همیشه بسته می‌شود. از شما تقاضا دارم پیش از آنکه دیر شود، به سراغ این عزیزان برویم. با ثبت خاطراتشان، روایتگری از زبان دوستان شهید و همسایگان، ثبت نوشته‌ها و یادداشت‌های به‌جامانده و حتی عکس‌ها و اشیای کوچک به‌جای‌مانده از شهدا را میتوان به‌وضوح دریافت و منتقل کرد. اگر می‌خواهیم نسل‌های آینده بدانند چرا این جوانان عزیز راهی جبهه و عرصه‌های خدمت بی‌ادعا شدند، باید این روایات را تبیین و مستندسازی کنیم.

خانواده شهداء و والدین شهداء خانواده‌های معزز شهدا و امدادگران عزیز! یقین بدانید که این یادواره‌ها و کنگره‌ها، بهانه تجدید بیعتی است با آرمان‌های بلند امام حسین(ع) و تمامی شهیدان سرافراز. آنان درسی به ما آموختند که اگر به‌درستی قدرش را بدانیم، مسیر زندگی ما را نورانی می‌کند؛ مسیری از ایمان، از خودگذشتگی،

همدلی و نودوستی. در این مسیر، کنگره بین‌المللی شهدای امدادگر، گامی است برای شناساندن ابعاد ناشناخته فداکاری امدادگرانی که جان عزیزشان را در طبق اخلاص نهادند تا شاید جان انسانی را نجات دهند یا از آلامش بکاهند. مراتب سپاس خود را نثار شما خوبان می‌کنم. بی‌شک اجر همه شما نزد آن شهیدان آسمانی و نزد پروردگار متعال محفوظ است.

اگر خوب دقت کنیم در خصوص ضرورت حفظ و روایتگری خاطرات شهدا و خانواده‌هایشان؛ متوجه می‌شویم که بسیاری از پدران و مادران شهدا که الگوهای واقعی صبر، استقامت و عشق به خدا بودند، دیگر در میان ما نیستند؛ آن اسطوره‌های صبور و دل‌سوخته را آرام‌آرام از دست داده‌ایم و امروز تعداد اندکی از آنان باقی مانده‌اند.

این وضعیت، هشداری است تا هرچه سریع‌تر به سراغ این ذخایر معنوی برویم و خاطراتشان، سخنانشان و پیام‌های گران‌بهایشان را ضبط و ثبت کنیم. نه تنها خود والدین شهدا، بلکه رفقای شهدا، همسایه‌هایشان و تمامی کسانی که از نزدیک با شهدا زندگی کرده‌اند، حرف‌هایی ناب و شنیدنی دارند. باید بدانیم آن شهدا از کجا شروع کردند؟ چرا رفتند؟ چه عهد و پیمانی با خدا بستند؟ این روایتگری‌ها، چراغ راه نسل آینده است تا بهتر درک کنند چه گوهرهایی در این سرزمین زیسته و آسمانی شده‌اند.

در خصوص عظمت مقام شهادت در کلام خداوند متعال در قرآن کریم آمده است: «فکر نکنید اینها که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند. بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.» این توصیف عمیق و الهی نشان می‌دهد که شهادت، فقط یک کشته شدن ظاهری در این دنیا است و حقیقتشان در نزد خداست؛ بهترین رزق و بالاترین مقام را دریافت می‌کنند. تصور کنید وقتی مهمان انسان بزرگی می‌شویم چه لذت و افتخاری دارد. حال اگر میزبان، خود پروردگار باشد چقدر عالی‌تر است.

شهیدان، در معامله‌ای عاشقانه با خدا، جسم و مال و جان خویش را به او سپردند و



خدا خریدارِ جان عزیزشان شد. مزدشان بهشت است و بالاتر از آن، رضوان الهی. چه معامله‌ای زیباتر از این؟

شهدا کسانی بودند که با خدای خویش، پیمانی استوار بستند؛ آن چنان که مسیر زندگی‌شان را به سمت رضای او هدایت کردند و در نهایت، با افتخار ابدی به مقام شهادت رسیدند. برای همین باید همیشه یادشان کنیم، چراکه هر وقت مراسمی برای شهدا برگزار کردیم، بهترین حال و هوای معنوی را تجربه نموده‌ایم. خدا را شکر برای این فرصت‌های ناب.

اجازه دهید خاطره‌ای شخصی از والدین شهدا و ساخت بخش ویژه در بیمارستان؛ برایتان بگویم، تا بیشتر به زنده بودن شهدا پی ببرید. در بیمارستانی کار می‌کردم که توفیق داشتم بیشتر به والدین شهدا و جانبازان خدمت کنم. یک‌بار پدر شهیدی را آوردند در حالی که هیچ تخت آی‌سی‌یو و حتی تخت عادی هم خالی نبود.

ساعت‌ها تلاش کردم تا از بیمارستان دیگری پذیرش بگیرم. آن شب، صدای آه کوتاه پدر شهیدی که روی صندلی انتظار نشسته بود، هنوز در گوشم زمزمه می‌کند. پیرمرد، خسته و تنها، چهره‌ای تکیده و دستانی پینه‌بسته داشت. وقتی نگاهش کردم، انگار عمری سوگِ فرزند بر شانه‌های سنگینی می‌کرد. آن‌قدر بیمارستان شلوغ بود که تخت خالی نداشتیم. دلم می‌خواست او را همان‌جا بستری کنم؛ اما به ناچار مجبور شدم برایش جایی در بیمارستانی دیگر جور کنم.

تمام طول شب دلم آشوب بود؛ با خود می‌گفتم کاش لااقل همین فردا تختی خالی شود و پیرمرد را برگردانم تا در کنارمان بماند. اما دریغ... فردای آن روز صدای تلفن آمد و خبر داد که دیگر آن پدر شهید میان ما نیست. گویا تمام جهان بر سرم آوار شد. اشک به سرعت در چشمانم حلقه زد و بغضی از غصه، گلویم را سنگین کرد. در همان لحظه، تصمیم گرفتم عزمی راسخ کنم؛ برای پدر و مادرهایی که درد و داغ فرزند شهیدشان را بر دوش می‌کشند، بخشی ویژه بسازم. جایی که تا پایان عمر بتوانند با آرامش و احترام، دردها و بیماری‌هایشان را درمان کنند. بالاخره در سال ۱۳۸۴، با یاری همکاران دلسوز، توانستیم آی‌سی‌یویی سی‌وچهار تخت‌خواه مخصوص والدین



شهدا راهاندازی کنیم.

روزی برای بازدید رفتیم؛ صحنه‌ای دیدیم که قلبم را لبریز از حس زیبایی و افتخار کرد: یکی از پدرهای دو شهید، روی تخت دراز کشیده بود و پرسنل با ظرافت و مهربانی مشغول شست‌وشوی او بودند؛ بعد از آن که پاک و معطر شد، مانند گلی تازه روی تخت تمیز و سفید قرارش دادند. اشک در چشمانم حلقه زد.

انگار در آن لحظه، غوغایی در روحم برپا شد و با تمام وجود به همکاران آفرین گفتم. همان شب خوابی دیدم که هیچ‌وقت از خاطر م پاک نمی‌شود: گویی دوباره وارد همان بخش شدم؛ اما این بار، صحنه‌ای عجیب و نورانی پیش رویم بود. بر بالین هر پدر و مادر، شهیدشان را می‌دیدم؛ در لباس‌های پاک و نورانی، با لبخندی که از جنس محبت بود. هر شهید، آرام در کنار پدر یا مادرش نشسته بود یا پیشانی‌شان را نوازش می‌کرد. آوایی روح‌بخش در فضا طنین داشت؛ انگار هر نفسی عطر بهشت می‌پراکند. ناگهان شهدا به سویم آمدند، مرا در آغوش گرفتند و با لحنی شیرین گفتند: «ما از تو ممنونیم...».

کلماتشان در جانم نشست؛ طوری که همه سلول‌های بدنم غرق در شادمانی و شوق شد. آن‌ها می‌خواستند بگویند ما همیشه حضور داریم، همیشه بیداریم و هرگز شما را تنها نمی‌گذاریم.

وقتی از خواب پریدم، چشمانم پر از اشک بود و تا صبح نتوانستم پلک بر هم بگذارم. حس عجیب و زیبایی داشتم. فردای آن روز، تمام ماجرا را برای دوستانم گفتم و باهم به این یقین رسیدیم که انگار در این بخش، واقعاً در کنار قطعه‌ای از بهشت هستیم. چندی بعد، این رؤیای شیرین را خدمت رهبر معظم انقلاب هم تعریف کردم. ایشان با لبخندی مهرآمیز فرمودند: «این یک خواب نیست؛ یک واقعیت است.»

جایگاه و فضیلت والدین شهدا نیز در در معارف و منابع اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. از روایات چنین برمی‌آید که صبر آنان در راه خدا و تحمل فقدان فرزندان، پاداشی بزرگ دارد.

خداوند مهربان، به خاطر همین فداکاری و تحمل سختی، آرامش و لطف ویژه‌ای بر



قلبشان نازل می‌فرماید. امام صادق (ع) در روایتی فرموده‌اند: «ما يُعْبَأُ بِمَنْ لَأَيَّالِي مَا أَصَابَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟» (اصول کافی، ج ۴، ص ۵۷۵) یعنی، «انسانی که در راه خدا قدم برمی‌دارد و مشکلات و سختی‌ها را تحمل می‌کند، پاداشی را دریافت می‌کند که قابل‌قیاس با پاداش‌های معمولی نیست.» بی‌شک والدینی که عزیزترین داشته‌ خود را در راه خدا تقدیم کرده‌اند، در اجر و ثواب جهاد فرزندانشان سهیم‌اند؛ چرا که این پدر و مادر بودند که بذر ایمان را در دل فرزند نشانند، او را برای دفاع از حق تربیت کردند و در لحظه‌ اعزاز، دل از او بردند و به خدا سپردند.

شفاعت شهدا برای خویشان و نزدیکان در روایات فراوانی داریم که شهیدان می‌توانند در قیامت، دستگیرِ نزدیکان خود باشند و حتی آنان را شفاعت کنند. مثلاً از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که شهید می‌تواند در قیامت، شفاعت کند و سبب نجات کسانی از اعضای خانواده شود. در حدیثی نیز آمده است: «الشَّهِيدُ يَشْفَعُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ» به این معنا که «شهید می‌تواند در روز قیامت برای هفتاد نفر از خویشان‌ش شفاعت کند.» این حدیث علاوه بر نشان دادن مقام والا، به‌نوعی بیانگر عنایت و محبت شهدا نسبت به خانواده‌هایشان است.

وقتی شاهد چنین آیاتی از قرآن و بشارت‌های پیامبر (ص) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) هستیم، به‌وضوح درمی‌یابیم که رؤیت شهدا در عالم رؤیا، یا حسب حضور معنوی‌شان در دل و جان بازماندگان، تنها خیال یا توهم نیست؛ بلکه ریشه در حقیقتی قرآنی و روایی دارد. هر وقت با خانواده، دوستان، همسایگان یا همکاران شهدا صحبت می‌کنیم، به روشنی درمی‌یابیم که آن شهید، گلی متفاوت در میان خانواده‌اش بوده است؛ عطری دیگر داشته، اخلاقی خاص و معنویتی عمیق. اینها همان میوه‌های رسیده‌ای بودند که خداوند متعال می‌خواست بچیند و به قرب خویش ببرد.

عاشورای امام حسین (ع) هم روایت همین حقیقت است. در هر برهه از تاریخ، شهیدانی داریم که گوهرشان آماده لقای پروردگار بوده است.

توسل به شهدا در لحظات سخت در مدیریت و تصمیم‌گیری‌هایم، بارها پیش آمده که دیگر از دست من کاری برنمی‌آمده است و آنگاه با دعا و توکل بر خدا، به شهدا



متوسل شده‌ام. وقتی شهدا را واسطه قرار می‌دهیم، گره‌های کورمان به شکلی عجیب باز می‌شود. این جاست که می‌فهمیم «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ» یعنی «واقعاً موفقیت و گشایش از سوی خداست.» اما شهدای عزیز ما، واسطه این رحمت الهی می‌شوند و همیشه به یاری ما می‌آیند. همه ما مأموریم که پیام شهدا را به نسل‌های بعد منتقل کنیم. نباید اجازه دهیم خاطرات و سخنان والدین شهدا، رفقا و همسنگران‌شان به فراموشی سپرده شود. حضور عزیزان جانباز و خانواده‌های صبور شهدا، برکتی برای ماست و ما نیز باید قدرشان را بدانیم.

از آن‌ها بپرسیم:

- شهدا چگونه وارد این مسیر شدند؟

- چه خصوصیات اخلاقی و معنوی متمایزی داشتند؟

- چگونه سختی‌ها را تحمل کردند و تا پای جان رفتند؟

تمام این حرف‌ها و خاطرات، گنجینه‌ای است که به نسل آینده درس ایمان، عشق، جوانمردی و دفاع از ارزش‌ها را می‌دهد. شهدا «زنده‌اند»، این نه فقط یک تعبیر معنوی، بلکه یک حقیقت جاری در زندگی ماست. آنها با روح پر عطری که در کالبد جامعه دمیده‌اند، همواره شاهد و ناظر اعمال ما هستند و اگر متوجه حضورشان شویم، قطعاً برکت و نورشان زندگیمان را فراخواهد گرفت.

پس بیایید در هر موقعیتی که هستیم، به یادشان باشیم و برایشان قدمی برداریم؛ چه با زبان و قلم، چه با روایتگری و مستندسازی و چه با خدمت صادقانه به خانواده‌هایشان. این کار نه تنها ادای دین به خون پاک شهداست، بلکه بذره‌های هدایت و معنویت را برای نسل‌های آینده می‌کارد و راهشان را روشن می‌سازد.

انشاءالله خداوند ما را در پاسداشت مقام شهدا و یاری خانواده‌هایشان موفق بدارد و قلب‌های ما را با نور ایمانشان سرشار سازد. برگزاری یادواره‌ها، گردهمایی‌ها و کنگره‌های شهدا دقیقاً برای این است که میراث گران‌بهای شهدا را زنده نگه داریم. اگر این پیام‌ها به نوجوان امروز نرسد، فردا ممکن است نسلی داشته باشیم که ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس را نشناسد و قدر امنیت و آزادی را نداند.





در خصوص جایگاه شهادت در آیات و روایات، خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹) این آیه، حقیقتی عمیق را آشکار می‌کند: «شهادتی که در راه خدا جان خود را فدا کرده‌اند، نه تنها نمرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.» افزون بر این، خداوند در جای دیگری از قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (سوره توبه، آیه ۱۱۱) طبق این آیه، «شهادت معامله‌ای عاشقانه میان خدا و بنده‌ای است که در اوج ایمان، جان و مال خویش را به حضرت حق واگذار می‌کند و پاداشی جز بهشت دریافت نمی‌کند.» در حدیث شریف نیز آمده است: «فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّىٰ يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ» این روایات و آیات، همگی گواه می‌دهند که جایگاه شهدا در اوج قله انسانیت است.

برای همه ما بارها پیش آمده که در بن‌بست‌های زندگی، دست به دعا برده‌ایم و خداوند را صدا زده‌ایم. همان لحظه‌ها که دیگر کاری از دستمان برنمی‌آمده، به ائمه اطهار علیهم‌السلام و شهدا متوسل شده‌ایم. حیرت‌انگیز است که چگونه گره‌های کور با همین توسل‌ها باز می‌شود و امدادی غیبی ما را یاری می‌کند.

مگر نه این‌که در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «إِنِّي سَلِمْتُ لِمَنْ سَأَلْتَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ



حازِبُکُم» و شهدا امروز نیز دنباله این مسیر نورانی اند.

در خصوص تفاوت شهیدان امدادگر با دیگر شهدا در میدان نبرد، میتوان گفت همه‌ی رزمندگان در معرض خطر بودند؛ اما امدادگران، رسالتی فراتر از جنگیدن داشتند. آن‌ها نه تنها باید خود را از تیررس آتش دشمن مصون نگاه می‌داشتند، بلکه متعهد بودند دیگر مجروحان را نیز از میان آتش و خون بیرون ببرند.

به جای اسلحه، کوله‌پشتی امدادی و برانکارد به دست می‌گرفتند و با تمام سختی‌ها، جانشان را فدای نجات جان یاران می‌کردند. تصور کنید رگباری از گلوله و ترکش، لحظه‌ای شما را رها نمی‌کند. در چنین زمانی، یک امدادگر باید دل به دریا بزند و قدم به جایی بگذارد که شاید برای دیگران وحشتناک‌ترین نقطه‌ی نبرد باشد.

این از خودگذشتگی، پیام عمیق انسانیت است؛ پیامی که شهید امدادگر تا نهایت جان، آن را سر داد و برای همیشه در تاریخ ماندگار شد.

نقش جمعیت هلال‌احمر در دفاع مقدس جمعیت هلال‌احمر ایران در دوران دفاع مقدس، کارنامه‌ای درخشان دارد؛ چرا که توانست در کوتاه‌ترین زمان، نیروی عظیمی از امدادگران را آموزش داده و به جبهه‌ها اعزام کند. این نیروها اغلب جوانانی بودند که با عشق و علاقه، به یادگیری تکنیک‌های اولیه پزشکی، حمل مجروح، بانداژ زخم‌ها و احیای قلبی-ریوی پرداختند. آن‌ها با کمترین امکانات، بالاترین سطح خدمات را ارائه می‌دادند و شبانه‌روز در خطوط مقدم و پشتیبانی حضور داشتند. همزمان با دود و آتش در خطوط مقدم، شهرها و روستاهای بسیاری زیر بمباران دشمن خالی از سکنه شدند. هزاران خانواده مجبور به ترک خانه و کاشانه‌ی خود شدند و در اردوگاه‌های موقت یا مناطق امن‌تر پناه گرفتند. جمعیت هلال‌احمر در کنار دیگر نهادها، نقش محوری در خدمت‌رسانی به این آوارگان داشت که عبارت است از:

- تأمین مایحتاج اولیه: غذا، آب آشامیدنی سالم، چادر و لوازم ضروری.
- حمایت‌های روحی-روانی: برگزاری مراسم دعا و نیایش، برپایی جلسات مشاوره و همدلی.

- فعالیت‌های فرهنگی: برپایی نشست‌های معنوی مثل دعای توسل، دعای کمیل و



زیارت عاشورا تا فضای معنوی میان مردم زنده بماند.
- ایجاد امید برای آینده: کمک به نوجوانان و جوانان تا از فضای تلخ جنگ فاصله بگیرند و به آینده فکر کنند.

در مورد نعمت جمهوری اسلامی و ولایت فقیه در روزگار ما، وقتی نگاهی به کشورهای مختلف می‌اندازیم، می‌بینیم که چگونه بحران‌های سیاسی، اجتماعی یا حوادث ناگوار، می‌تواند حکومتی را به لرزه درآورد؛ اما در ایران اسلامی، همواره وجود ولایت فقیه به عنوان ستون و نگهبان استقلال کشور، موجب پایداری بوده است.
در لحظات دشواری نظیر شهادت رئیس‌جمهور یا مسئولان ارشد دیگر، یا در رخدادهایی مثل جنگ تحمیلی، رهبری مدبرانه‌ی ولی فقیه، چراغ روشنی در تاریکی شرایط بحرانی شد. این نعمت بزرگ که به برکت خون شهدا و ایثار مردم به دست آمده، فداستی دارد که باید قدر آن را بدانیم.

امروز اگر می‌توانیم بی‌دغدغه گرد هم بنشینیم و یاد شهدا را گرامی بداریم، اگر می‌توانیم در محرم و صفر، بیرق عزای حسینی برافرازیم و با صلابت، فریاد حق‌طلبی سر دهیم، همه‌ی این‌ها را مدیون خون پاک شهدا، از خودگذشتگی جانبازان، صبر آزادگان و تلاش بی‌وقفه‌ی ایثارگران هستیم.

رنج‌های مردم غزه؛ درس‌هایی از مقاومت است. نیم‌نگاهی به اوضاع این روزهای غزه بیندازیم؛ شهری کوچک اما سرافراز، که درست مثل دوران دفاع مقدس، ماه، روزها و شب‌هایش در آتش و خون می‌گذرد و زنان و مردان و کودکانش با ایمانی راسخ و اراده‌ای پولادین، ایستادگی می‌کنند.

- بیش از ده‌هزار نفر در غزه مجروح شده‌اند؛ با حداقل امکانات درمانی.
- دوازده‌هزار مفقود در این وضعیت عدد کوچکی نیست و خانواده‌هایشان چشم‌انتظارند.
- نزدیک به بیست‌و نه هزار نوزاد در این مدت به دنیا آمده‌اند؛ بدون امکانات کافی.
- بیش از هشتاد هزار زن باردار زیر باران موشک و بمب، هر لحظه در معرض خطر قرار دارند.

پیام یادواره‌های شهدا و بیانیه‌ گام دوم در این یادواره‌ها و اجلاس‌ها نشانگر این است



که ما بار دیگر کنار هم بنشینیم و یاد روزهایی را کنیم که جوانان غیورمان با نثار خون خود از ایمان و شرف این ملت دفاع کردند. ما در این مراسم، به خودمان آرامش می‌دهیم و به نسل جوان پیام می‌رسانیم که چرا شهدا این چنین عزیز و مقدس هستند. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بر جوان‌گرایی، دانش‌بنیانی، حفظ روحیه انقلابی و گسترش معنویت تأکید فرموده‌اند. شهدا همواره الگوی پیاده‌سازی همین ارزش‌ها بوده‌اند. در یادواره‌ها، ما تجدید عهد می‌کنیم که راه و رسم شهیدان را دنبال کنیم و این ارزش‌ها را به نسل نوجوان و جوان انتقال دهیم. خداوند متعال را شکر می‌کنیم که فرصت ایستادگی، خدمت و مقاومت را به ما داده است. از شما هم‌زمان، امدادگران، نجات‌گران و همکاران عزیز که همیشه دل در گرو خدمت به خلق دارید، صمیمانه سپاسگزارم.

در این ایام عزاداری، از شما می‌خواهم دعا کنید که خداوند همه ما را در این مسیر استوار نگه دارد. دعا کنید که توفیق داشته باشیم هر چه در توان داریم، برای اسلام، مردم، میهن و انقلاب به کار بگیریم. شهدا را شفیع ما قرار بده تا روزی که در محضر الهی حاضر می‌شویم، رویمان سفید باشد و بتوانیم ادعا کنیم که ادامه‌دهنده راهشان بوده‌ایم.

رنج‌های مردم غزه یادآور روزهای سخت دفاع مقدس ماست و پیوندی عمیق میان ما و آنان در مبارزه با ظلم و استکبار شکل گرفته است.

مسئولیت ما در قبال خانواده شهدا، نشانه‌ای از قدرشناسی و انسانیت است؛ زیرا آنان گرانبهاترین دارایی‌شان را در راه دین و میهن فدا کرده‌اند. در برگزاری یادواره‌ها و کنگره‌های شهدا نیز باید بکوشیم این سرمایه معنوی را پاس بداریم و راه روشن شهدا را زنده نگه داریم.

باشد که همواره از شفاعت شهدا بهره‌مند باشیم و نسل حاضر و آینده را با حقیقت‌ایثار و شهادت آشنا کنیم.



جان‌های فداکار

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان چهارمحال و بختیاری

۴ مرداد ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

یادواره شهدا، همواره فرصتی است برای گرامیداشت یاد کسانی که در راه خدمت به انسانیت جان خود را فدای هدفی بزرگ کردند. در این گونه مراسم، ما به عنوان یک جامعه، هم‌صدا با هم، به یاد عزیزی می‌نشینیم که در دوران سخت، در جبهه‌های نبرد یا در دل بحران‌ها، در کنار مردم حضور یافتند و با فداکاری و ایثار، جان‌های بی‌شماری را نجات دادند. شهدای امدادگر استان چهارمحال و بختیاری، از جمله این عزیزان هستند که در تاریخ پر افتخار کشورمان، نام‌شان همیشه با احترام و قدردانی همراه خواهد بود.

دکتر پیرحسین کولیوند، سخنران یادواره شهدای امدادگر استان چهارمحال و بختیاری، با بیان کلمات عمیق و احساسی، تلاش می‌کند تا یاد شهدای امدادگر این دیار را دوباره در دل‌ها زنده کند و از فداکاری‌های آنان به عنوان الگویی برای نسل‌های آینده یاد کند. او در سخنرانی خود، نه تنها از رشادت‌ها و دلاوری‌های امدادگران در میدان‌های جنگ و بلایای طبیعی سخن می‌گوید، بلکه به‌ویژه بر ارزش‌های انسانی همچون ایثار، فداکاری و خدمت به مردم تأکید دارد. این سخنرانی در حقیقت تلاشی است برای تبیین و ترویج مفاهیم والای انسانی که شهدای امدادگر با جان خود در دنیای امروز به ما یاد دادند.



جان های فداکار

در این مراسم، ما گرد هم آمده‌ایم تا یاد آنان را گرامی بداریم و از مسیر زندگی‌شان الهام بگیریم. در آن لحظات سخت که امدادگران در کنار مردم بودند، در دل تاریکی‌ها، نور امید را می‌افروختند و در میان خرابه‌ها، از نو ساختن زندگی را می‌آموختند. به همین دلیل یاد آنها نه تنها متعلق به زمان خاصی از تاریخ، بلکه میراثی است برای همیشه.

الحمد لله رب العالمین، درود و سلام می‌فرستم به روح پرفتوح شهدای اسلام، شهدای جنگ تحمیلی، شهدای امدادگر، شهدای جمعیت هلال احمر و به‌ویژه سردار رشید اسلام، حاج قاسم سلیمانی و رئیس‌جمهور شهیدمان که خونشان بر این خاک جاری شد. یاد و خاطره عزیزانی که روزگاری در همین محافل در کنار ما بودند و اکنون دستشان از دنیا کوتاه است، گرامی می‌داریم. برای شادی روحشان صلوات ختم کنید. اینجا محفلی است از جنس نور، محفلی که در آن سخن از شهیدان است؛ از مردانی که از کربلای حسینی درس گرفتند و با ایمان و اخلاص، معامله‌ای بی‌نظیر با خداوند بستند:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ...» «همانا خداوند جان و مال مؤمنان را به بهای بهشت خریداری کرده است...»

شهدا زنده‌اند، حی و حاضرند. آنان که گمان می‌کنند شهیدان از بین رفته‌اند، سخت در اشتباه‌اند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» «و گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند؛ بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.»

امدادگران شهید، شجاعانی بودند که نه تنها برای نجات جان رزمندگان تلاش کردند، بلکه جان خود را نیز در این مسیر فدا کردند. آنان در زیر آتش گلوله و خمپاره، بدون اسلحه، تنها با یک کیف امدادی، به دل میدان می‌زدند. چه بسیار امدادگرانی که خود زخمی شدند، اما دست از درمان مجروحان برنداشتند، تا آنکه خود نیز به شهادت رسیدند. کجای تاریخ چنین ایثار و فداکاری را سراغ داریم؟ این روحیه جز از ایمان به



خدا و باور به وعده‌های الهی سرچشمه نمی‌گیرد. شهدا سه ویژگی برجسته داشتند: ایمان، هجرت و جهاد. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ...» «همانا کسانی که ایمان آوردند، هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند، آنان به رحمت خداوند امید دارند.» امدادگران شهید، همان مؤمنانی بودند که هجرت کردند. از خانه و کاشانه دل بریدند، خود را به مناطق جنگی رساندند و جان‌شان را در طبق اخلاص گذاشتند. به مردم و یاران خود ایمان داشتند، به خداوند توکل داشتند و با شجاعتی بی‌نظیر، به دل میدان رفتند. اما ما چه وظیفه‌ای در قبال آنان داریم؟ آیا تنها نامی از آنان بردن کافی است؟ نه، ما باید پیام شهدا را زنده نگه‌داریم، راهشان را ادامه دهیم و فرهنگ ایثار و شهادت را به نسل‌های بعدی منتقل کنیم. این همان رسالتی است که امروز بر دوش ماست. در دوران دفاع مقدس، جمعیت هلال‌احمر نقشی حیاتی ایفا کرد؛ از امداد رسانی در جبهه‌ها تا راه‌اندازی اولین قطار بیمارستانی برای انتقال مجروحان؛ از تأمین دارو و تجهیزات تا پیگیری وضعیت اسرا و مفقودین.

امدادگران هلال‌احمر در سخت‌ترین شرایط، در زیر گلوله و آتش، جان‌ها را نجات می‌دادند؛ و امروز، همان روحیه را در امدادگران غزه می‌بینیم؛ کسانی که با آمبولانس‌های خود هدف قرار می‌گیرند، اما همچنان به خدمت ادامه می‌دهند. آن‌ها مصداق این آیه شریفه هستند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» «بی‌گمان کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند...» ما نیز باید ایستادگی کنیم؛ در راه شهدا، در راه ارزش‌های آنان، در راه تبیین و انتشار پیام‌شان. این کمترین وظیفه‌ای است که بر عهده داریم.



نگاهی به ایثار و فداکاری امدادگران در جبهه‌ها

شهدای امدادگر ما، همانطور که از نامشان پیداست، افرادی بودند که به عشق خدمت به مردم و حفظ جان هم‌وطنان، در صف مقدم امدادسانی قرار گرفتند. روحیه‌ی فداکاری و ایثار در آن‌ها، به خصوص در شرایط سخت جنگ تحمیلی، در کنار ایمان و باور قوی به خداوند متعال و وطن، جلوه‌ای ویژه پیدا کرده بود. این عزیزان نه تنها برای نجات جان رزمندگان، بلکه برای حفظ امنیت و آرامش خانواده‌هایشان، به هر کاری دست زدند و جان خود را فدای ماموریت‌های بشردوستانه خود کردند. یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی شهدای امدادگر، قدرت ایستادگی و استقامت در برابر مشکلات و چالش‌های جنگ بود. همانطور که در آیات قرآن کریم آمده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹)، شهدا هرگز مرده نیستند. آن‌ها در نزد خداوند زنده‌اند و از رزق و پاداش الهی بهره‌مند می‌شوند. این باور عمیق، همان چیزی بود که به امدادگران شجاعت و قدرت می‌داد تا در شرایط بحرانی و خطرناک،



بدون هیچ تردیدی در کنار رزمندگان و مردم ایستاده و جان خود را فدای خدمت رسانی کنند. یکی از خاطرات ماندگار در میان امدادگران، مربوط به لحظاتی است که پس از مجروح شدن، بدون در نظر گرفتن وضعیت خود، به دیگران کمک می‌کردند. همچون شهیدی که با وجود مجروحیت، به دیگر مجروحان امداد رساند و سرانجام خود نیز به شهادت رسید. این قهرمانان، در اوج فداکاری و ایثار، درس‌هایی بزرگ از انسانیت و همدلی را به ما آموختند. شهدای امدادگر در شرایط دشوارتر از هر زمان دیگری در تاریخ ایران، با دلی پر از ایمان و اشتیاق، به ندای وظیفه پاسخ می‌دادند. جنگ نه تنها در زمینه نبردهای نظامی، بلکه در عرصه‌ی امداد و نجات نیز به یکی از بزرگترین چالش‌های تاریخ تبدیل شده بود؛ اما امدادگران با دلی راسخ و بی‌هیچ چشم‌داشت، به جبهه‌ها اعزام می‌شدند تا به یاری زخمی‌ها و آسیب‌دیدگان بشتابند.

ایثار و فداکاری شهدای امدادگر، همانطور که در آیه‌ی «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (توبه، ۱۱۱) آمده است، دقیقاً همان معامله‌ای بود که شهدا با خداوند متعال انجام دادند. جانشان را فدای پاداش الهی کردند و در ازای آن، به بهشت و پاداش‌های بی‌پایان خداوند دست یافتند. باید به روحیه‌ی جهادگری شهدای امدادگر اشاره کرد که برخلاف بسیاری از رزمندگان، سلاح‌های فیزیکی نداشتند و تنها با وسایل ساده‌ای مانند سرنگ، باند و داروهای ابتدایی، در دل آتش دشمن، به یاری مجروحان می‌شتافتند. آنان از جان خود می‌گذشتند و در زمان‌هایی که امکانات پزشکی بسیار محدود بود، برای نجات جان رزمندگان، خود را به خطر می‌انداختند. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد امدادگران، ایجاد شبکه‌ای از امدادگران داوطلب و حرفه‌ای بود که در طول جنگ در کنار هم قرار گرفتند. این گروه‌ها، علاوه بر آموزش به جوانان و نوجوانان، کمک‌های به‌موقع و مؤثری را به جبهه‌ها ارائه می‌دادند. امدادگرانی که با حضور در مناطق جنگی، علاوه بر رزمندگان، به مردم مناطق مرزی نیز خدمت‌رسانی می‌کردند و از جان خود برای ایجاد امید در دل مردم مایه می‌گذاشتند. پایداری و ایستادگی این عزیزان در دل خاکریزهای جنگ، نشان از عمق باور و ایمان آنان به آرمان‌های انقلاب اسلامی داشت. آنها که بر اساس آموزه‌های



عاشورا و کربلا، در مسیر جهاد و شهادت قدم گذاشتند، همواره در سخت‌ترین شرایط، درس‌های بزرگ انسانی را برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشتند.

شهادت در راه خدمت

شهادت، واژه‌ای است که در فرهنگ اسلامی، معنای عمیقی دارد. شهید در نظر مسلمانان، کسی است که جان خود را در راه خدا و خدمت به انسان‌ها فدای آرمان‌های الهی می‌کند. شهدای امدادگر، کسانی بودند که با وجود مشقت‌ها و سختی‌های فراوان، در عمل به شعار «خدمت به مردم»، به میدان آمدند و جان خود را فدای دیگری کردند. در واقع، شهادت برای آنان نه تنها پایان یک زندگی، بلکه آغاز یک مسیر جاویدان در نزد خداوند بود.

امدادگران با باور به این که «مَنْ قَتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَا تُحِيهِ أَرْوَاحُهُمْ» (نساء، ۶۹)، ایمان داشتند که شهادت در راه خدا، آنان را به بهترین سرنوشته می‌رساند. نه تنها در میدان جنگ، بلکه در هر جایی که نیاز به کمک انسانی و خدمت‌رسانی بود، آن‌ها پا به میدان می‌گذاشتند. در طول جنگ تحمیلی، وقتی زخمی یا مجروحی در میدان جنگ یا پشت جبهه نیاز به کمک داشت، امدادگران سریع به یاری آنان می‌شتافتند. در شرایطی که دشمنان قصد ضربه زدن به پیکره‌ی ملت را داشتند، امدادگران همان‌طور که در جبهه‌ها به دنبال آسیب‌دیدگان می‌گشتند، همواره در کنار آنان می‌ماندند، حتی اگر خود نیز در معرض خطر قرار می‌گرفتند. یکی از ویژگی‌های مهم این شهدا، خستگی‌ناپذیری و از خود گذشتگی بی‌وقفه بود. آنها شب و روز نمی‌شناختند و حتی در شرایط بحرانی، هر آنچه که می‌توانستند برای خدمت به مجروحان فراهم می‌کردند. به عبارت دیگر، مرز میان «خود» و «دیگری» برای این عزیزان، به‌طور کامل محو شده بود. در ذهن و قلب آن‌ها تنها یک چیز وجود داشت: «خدمت به انسان‌ها».

در آیه‌ای از قرآن آمده است: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَدْعُوهُ إِلَىٰ إِيْمَانِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (نساء، ۱۳۵). شهدا همچون رسولان خدا، در مسیر ایمان و حقیقت



حرکت می‌کردند و هدفشان تنها خدمت به دیگران و رساندن آن‌ها به آرامش و نجات بود. این امر برای شهدای امدادگر همچنان در اولویت قرار داشت. خاطراتی از امدادگرانی که در لحظات دشوار، بدون هیچ چشم‌داشتی برای نجات جان افراد تلاش می‌کردند، در تاریخ جبهه‌ها به یادگار مانده است. این امدادگران، نه تنها در میدان‌های جنگ بلکه در برابر مشکلات روزمره مردم نیز در تلاش بودند. آنها حتی در شرایطی که امکانات محدود بود، با استفاده از ابزارهای ساده پزشکی، با مهارت و دقت، عملیات نجات را انجام می‌دادند. در یادمان‌های این شهیدان، گاهی گفته می‌شود که وقتی در میدان نبرد شخصی از ناحیه‌ای شدید آسیب می‌دید، امدادگر با دل شجاع و بی‌پروا به کمک می‌شتافت تا حتی اگر خودش در خطر قرار می‌گرفت، دیگری را نجات دهد. این نوع ایثار، دقیقاً همان چیزی است که در قرآن از آن به عنوان «حُبُّهُ لِإِخْوَانِهِ» (آل عمران، ۹۲) یاد می‌شود. امدادگران عاشقانه، جان خود را برای دیگران فدا می‌کردند. ایثارگرانی که همواره این باور را داشتند که «اگر نجات دهنده‌ی دیگری باشیم، خود را از مرگ رهایی بخشیده‌ایم». همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يُنْفِدْهَا فَلَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، ۳۲). این عبارت، به‌طور کامل در جان شهدای امدادگر به حقیقت پیوست.

این عزیزان در تمامی لحظات جنگ، نه تنها نجات‌دهنده، بلکه گاهی همراه مجروحین و رزمندگان به پیش می‌رفتند تا در سایه‌ی یکدیگر، تحمل سختی‌ها را ممکن سازند. آنها نه فقط در لحظات اضطراری، بلکه در ساعاتی که بی‌صدا در کنار خانواده‌های شهدا و مردم در دل شهرها و روستاها حضور داشتند، نشان دادند که شهادت در خدمت مردم، همچون راز و نیاز با خداوند است. این شهدای گرانقدر به‌دلیل ایمان راسخ خود، در سخت‌ترین شرایط جنگی، بدون هیچ تردیدی به‌سوی وظیفه خود گام برداشتند و در نهایت جان خود را فدای خدمت به مردم کردند. شهادت، نه تنها یک افتخار برای آن‌ها بود، بلکه پیامی ماندگار از ایثار و فداکاری در تاریخ خواهد بود.



شهادت امدادگر در دل تاریخ

وقتی صحبت از شهادت امدادگر به میان می‌آید، ذهن‌ها به‌طور طبیعی به جبهه‌های جنگ تحمیلی، مناطق عملیاتی و لحظات دشوار رزمندگان در میدان نبرد می‌رود. اما این عزیزان تنها در این لحظات تاریخی برجسته نشدند، بلکه در دل تاریخ به عنوان کسانی که پیام ایثار، فداکاری و انسانیت را به نسل‌های آینده منتقل کردند، جاودانه خواهند ماند. شهادت این امدادگران نه تنها در عرصه جنگ بلکه در دل تاریخ این سرزمین به‌عنوان چراغی فروزان و الهام‌بخش برای همه نسل‌ها خواهد درخشید. تاریخ ما به وضوح شاهد ایثارگری‌ها و فداکاری‌های امدادگرانی است که در هر گوشه‌ای از این سرزمین در دوران جنگ و پس از آن، در صحنه‌های بحرانی، جهاد کردند. از همان ابتدا که جنگ تحمیلی آغاز شد، شهادت امدادگر در کنار رزمندگان، جبهه‌های جنگ را به‌عنوان میدان خدمت خود برگزیدند و در شرایطی که بسیاری از افراد برای خود و خانواده‌هایشان دغدغه داشتند، آنان بدون تردید جان خود را در راه خدمت به دیگران فدا کردند.

اما یکی از ویژگی‌های خاص شهادت امدادگر این بود که در کنار وظیفه اصلی خود، که کمک‌رسانی و امدادسانی به رزمندگان و مردم بود، مسئولیت‌های دیگری را نیز به دوش می‌کشیدند. آنان علاوه بر مداوای مجروحان، در صحنه‌های عملیاتی نیز به عنوان مشاوران و همکاران فرماندهان عمل می‌کردند و این امر به‌ویژه در عملیات بزرگ جنگی مشهود بود.

در شرایطی که نیاز به همکاری و هماهنگی تمام نیروها احساس می‌شد، امدادگران به‌طور بی‌وقفه به فرماندهان و رزمندگان یاری می‌رساندند. در جبهه‌های جنگ، حضور امدادگران همچون سپری بود که نه تنها مجروحین را از مرگ نجات می‌داد، بلکه به رزمندگان روحیه می‌داد و یادآوری می‌کرد که در میان تمام سختی‌ها و مشکلات، همچنان کسانی هستند که برای خدمت به انسان‌ها و نجات جان‌ها به میدان آمده‌اند. این حضور نه تنها از نظر جسمانی، بلکه از لحاظ معنوی و روحی نیز تأثیرگذار بود و به جبهه‌ها جان می‌بخشید.





در دل تاریخ دفاع مقدس، امدادگران به‌عنوان قهرمانانی که در سخت‌ترین شرایط، حتی در پیاده‌روی‌های شبانه‌روزی در دل میدان‌های جنگ، به‌دنبال مجروحین می‌گشتند، شناخته می‌شوند. آنان هرگز از موقعیت‌های خطرناک نمی‌ترسیدند، بلکه هر زمان که احساس می‌کردند کسی نیازمند کمک است، بی‌درنگ به‌سوی او می‌شتافتند. یادآوری این نکته مهم است که این شهدا تنها در جبهه‌ها حضور نداشتند، بلکه در بسیاری از مناطق دیگر کشور نیز، زمانی که زلزله‌ها، سیلاب‌ها و بلایای طبیعی دیگر اتفاق می‌افتاد، امدادگران به سرعت وارد عمل می‌شدند. این عزیزان در تمامی عرصه‌ها، از میدان جنگ گرفته تا شرایط بحرانی طبیعی، حضور داشتند و برای نجات جان‌ها و کمک به مردم بدون هیچ چشم‌داشتی جانفشانی می‌کردند. در آیه‌ی شریفه «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (نساء، ۹۴)، اشاره به کسانی شده است که در شرایط دشوار، ایمان به خدا و رسالت الهی را در عمل به‌طور کامل نشان می‌دهند. شهدای امدادگر همچنان به این آیه عمل می‌کردند و به تمامی کسانی که به آنان نیاز داشتند، آرامش و صلح را هدیه می‌دادند. در میان خاطرات امدادگران، روزهایی وجود دارد که در دل شب‌های تاریک جنگ، آنها بی‌هیچ هراسی در جستجوی مجروحین می‌رفتند و برای نجات جان آنان، بدون توجه به خطرات، جان خود را به‌خطر می‌انداختند. آنان، همچون ستارگانی در دل شب تاریک، به‌دنبال نور امید می‌گشتند و هر زمان که به کسی می‌رسیدند، نه تنها

جسم او را درمان می‌کردند، بلکه روح و دل او را نیز با کلمات و رفتار خود التیام می‌بخشیدند. این دل‌آرامی‌ها و فداکاری‌ها در طول تاریخ، تبدیل به چراغی روشن برای نسل‌های آینده خواهد شد. شهادت امدادگران نه تنها یادآوری برای امروز بلکه درسی برای فردای این سرزمین است که در هر شرایطی باید انسان‌ها را بر خود ترجیح دهیم و در راه خدمت به انسانیت، بدون هیچ تردیدی، جان خود را فدای آرمان‌های عالی کنیم. شهادت این عزیزان، مانند یک شعله در دل تاریخ روشن خواهد ماند و همچنان که خداوند فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ رَحِيمٌ بِالْعَبَادِ» (آل عمران، ۱۵۶)، در مسیر ایمان و رحمت الهی این شهدا جاودانه خواهند بود.

ایثار و فداکاری در عرصه‌های انسانی

در ادامه‌ی مسیر فداکاری شهدای امدادگر، باید به این نکته توجه کنیم که شهادت این عزیزان تنها محدود به میدان جنگ و عملیات نظامی نمی‌شود. ایثار و فداکاری آنها در عرصه‌های انسانی و اجتماعی گسترش می‌یابد، به گونه‌ای که این شهدای بزرگوار در هر شرایطی که نیاز به کمک بود، در هر کجا که انسانی در معرض خطر بود، حضور پیدا می‌کردند. این روحیه ایثارگری، الگویی فراتر از یک مبارز در میدان جنگ است. آنان کسانی بودند که از عواطف انسانی و دینی خود فراتر رفتند و در راه خدمت به هموعانشان جان خود را نثار کردند. در بسیاری از مواقع، امدادگران در شرایطی قرار می‌گرفتند که نه تنها باید به وضعیت جسمانی مجروحان رسیدگی می‌کردند، بلکه نیازمند درک شرایط روحی و روانی آنان نیز بودند. آنان در چنین لحظاتی به‌عنوان یک مشاور، یک همدل و یک مونس روحی برای کسانی که دچار درد و رنج شده بودند، عمل می‌کردند. این کار نیازمند قلبی بزرگ، صبر و بردباری فراوان و نهایتاً ایثار بود. شهدای امدادگر نه تنها به‌عنوان یک امدادگر حرفه‌ای، بلکه به‌عنوان یک انسان دلسوز، در دل لحظات درد و رنج دیگران، همیشه بر این باور بودند که کمک به دیگران نه تنها یک وظیفه، بلکه یک نیاز عاطفی و انسانی است. یکی از ویژگی‌های برجسته امدادگران این بود که در هنگام رسیدگی به مجروحان،



تنها به وضعیت فیزیکی توجه نمی‌کردند، بلکه احساسات و نگرانی‌های درونی آنان را نیز می‌شناختند. در بسیاری از مواقع، یک کلام تسلی‌بخش، یک نگاه پر از محبت یا یک نوازش دستی از جانب امدادگر می‌توانست به‌طور معجزه‌آسا بر روح مجروح تاثیر بگذارد و او را از اندوه و افسردگی ناشی از جراحات فیزیکی‌اش آزاد سازد. این ویژگی انسان‌دوستی و توجه به ابعاد مختلف انسانیت، ویژگی‌ای بود که شهدای امدادگر در طول دوران جنگ و پس از آن به‌طور مداوم نشان دادند.

در آیه‌ای از قرآن کریم آمده است: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، ۳۲). این آیه نشان‌دهنده‌ی ارزش بالای نجات جان انسان‌هاست و امدادگران به‌راستی مصداقی از این آیه در عمل بودند. در لحظات بحرانی و خطیر، آنها زندگی را به مجروحان و آسیب‌دیدگان بازمی‌گرداندند و این عمل نه تنها نجات جسم، بلکه به معنای احیای روح و امید در دل انسان‌ها بود. در هر بحران طبیعی، مثل زلزله‌ها، سیلاب‌ها و بلایای دیگر، شهدای امدادگر بار دیگر نشان دادند که آنان در همه‌ی شرایط سخت و خطرناک، همچنان آماده‌اند تا در مسیر خدمت به بشریت و نجات انسان‌ها، دست از جان شسته و وارد عمل شوند. در این شرایط، فرق امدادگران با دیگران تنها در توانایی‌های جسمی یا تجهیزات نبود، بلکه در دلی بزرگ و قلبی پر از ایمان و فداکاری بود. آنان به‌عنوان شهدای امدادگر، در دل تاریکی‌ها و بحران‌ها، همچنان نور امید را در دل‌های مردم می‌افکندند. یکی از خاطراتی که همیشه از امدادگران در یاد مردم باقی خواهد ماند، کمک به خانواده‌ها و بازماندگان حوادث مختلف است. امدادگران، که از گذشته در صحنه‌های جنگ نیز کمک می‌کردند، پس از پایان درگیری‌ها و در دوران پس از جنگ نیز همچنان در خدمت مردم بودند. آنان در روزهای سخت، با صبر و تلاش فراوان، زخم‌های دل مردم را التیام می‌بخشیدند و در شرایطی که دیگران به دنبال بازسازی و ترمیم خسارات بودند، امدادگران در کنار بازسازی جسمانی، به بازسازی روانی و روحی نیز می‌پرداختند. ایثار و فداکاری این عزیزان در شرایط بحران، چیزی فراتر از عمل به وظیفه بود. این عزیزان با جان خود به‌عنوان الگویی از روحیه ایثار و فداکاری، نه تنها به امدادرسانی به مجروحین ادامه





دادند، بلکه یادآوری کردند که در هر شرایطی باید انسانیت، محبت و تلاش برای کمک به دیگران در اولویت باشد. این درس بزرگ انسانی، که در جبهه‌های جنگ، در بلایای طبیعی و در تمامی عرصه‌های زندگی شاهد آن بودیم، باید برای همگان باقی بماند و نسل‌های آینده از این عزیزان الگوبرداری کنند. در قرآن کریم آمده است: «وَإِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰). این آیه تأکیدی است بر برادری و ایثار میان انسان‌ها. امدادگران به‌واقع نماد این برادری و همبستگی بودند و با همه وجود خود در خدمت انسان‌ها بودند. در پایان، ایثار این عزیزان نه تنها در عمل، بلکه در معنویت و روحیه‌ای که در دل انسان‌ها می‌کاشتند، باقی خواهد ماند.

شهادت، یادگار ایثار و الگوی جاوید

شهادت در مفهوم اسلامی، یک موهبت بزرگ است. در نگاه دینی، شهادت تنها مرگ نیست، بلکه زندگی است؛ زندگی‌ای که به عالی‌ترین وجه ممکن برای دفاع از دین، میهن؛ و بشریت فدا می‌شود. شهدای امدادگر، در این مسیر، به‌عنوان بهترین نمونه‌های ایثار و فداکاری شناخته می‌شوند که جان خود را در راه خدمت به دیگران فدا می‌کنند. شهادت آنان نه تنها به پایان زندگی جسمی‌شان انجامید، بلکه در حقیقت، آغاز یک مسیر نورانی و جاوید برای الهام بخشی به دیگران بود. این عزیزان، در تمام دوران خدمت خود، نه تنها در میدان نبرد، بلکه در شرایط بحرانی



زندگی روزمره، یاد و خاطره‌ای از خود به جای گذاشتند که همچنان در دل‌ها می‌درخشد. شهادت آنان پیام‌آور فداکاری است، پیام‌آور دلی که به سوی خدایش پر کشید و در این مسیر هیچ چیز برایش بزرگ‌تر از وظیفه‌ای که در قبال انسان‌ها داشت، نبود.

نقش شهدای امدادگر در بازسازی روحی جامعه

در دل لحظات سخت و بحرانی که جنگ یا حادثه‌ای بزرگ رخ می‌دهد، نخستین چیزی که بیشتر از هر چیزی آسیب می‌بیند، روح و روان انسان‌ها است. در این شرایط، شهدای امدادگر نه تنها به کمک‌های جسمی به آسیب‌دیدگان پرداختند، بلکه با دل‌های گرم و کلمات دلنشین خود، به احیای امید و ایمان در دل‌های شکسته مردم می‌پرداختند. آنان با حضور خود، در کنار مجروحین، نه تنها دردهای جسمی، بلکه زخم‌های روحی و روانی را نیز درمان می‌کردند. شهادت این بزرگواران، الگوهایی را در برابر چشمان نسل‌های آینده قرار داد که همچنان می‌تواند آنان را در مسیر خدمت به بشریت هدایت کند. این فداکاری‌ها و ایثارها هیچ‌گاه در تاریخ فراموش نخواهد شد و همواره به‌عنوان الگویی برای نسل‌های آینده باقی خواهد ماند.

شهادت در دیدگاه قرآن و اهل بیت (ع)

در قرآن کریم و سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌طور گسترده‌ای بر مقام و منزلت شهید تأکید شده است. در آیه‌ای از قرآن می‌خوانیم: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (آل عمران، ۱۶۹). این آیه شریفه به ما می‌آموزد که شهدای در راه خدا، زنده‌اند و در نزد خداوند از عظمت ویژه‌ای برخوردارند. این مفهوم، مخصوصاً در مورد شهدای امدادگر نیز صدق می‌کند؛ آنان که در راه خدمت به مردم و نجات جان‌های انسان‌ها جان خود را فدای وظیفه انسانی کردند، از نظر معنوی به مرتبه‌ای از کمال دست یافتند که برای ما قابل درک نیست. حضرت علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «شهادت در راه خدا، در نزد خداوند گران‌قدر است و بهترین مرگ است.» این سخن از امام علی (ع) نه تنها

نشان‌دهنده‌ی منزلت شهادت، بلکه تأکیدی بر جایگاه شهدای امدادگر در تاریخ بشریت است. آنها که در کمال ایثار و فداکاری، با پذیرش خطرات و چالش‌های فراوان، تنها به دنبال نجات جان انسان‌ها بودند.

شهادت، رسالتی برای همیشه

شهادت شهدای امدادگر نه تنها در لحظه‌ای خاص پایان نمی‌یابد، بلکه همیشه یاد آن‌ها در دل جامعه زنده است. این شهادت‌ها نه تنها در تاریخ یک ملت، بلکه در دل هر انسانی که از آن‌ها شنیده و خاطراتشان را درک کرده، باقی خواهد ماند. شهدای امدادگر با جان خود درختی از ایثار و فداکاری کاشتند که شاخه‌های آن تا همیشه بر سر نسل‌های آینده سایه خواهد انداخت. در زندگی هر انسان، لحظاتی پیش می‌آید که باید از خود بگذرد و به‌طور خودخواهانه برای دیگران قدم بردارد. شهدای امدادگر در عمل به ما آموختند که فداکاری، ایثار و از خود گذشتگی نه تنها در میدان جنگ بلکه در زندگی روزمره هم باید به‌عنوان اصل و ارزش پایدار پیگیری شود. ما امروز باید یاد آن‌ها را گرامی بداریم و با پیروی از آموزه‌هایشان، در زندگی خود ایثارگر باشیم. یاد و خاطره شهدای امدادگر باید همیشه در ذهن‌ها و دل‌های ما زنده بماند. آنان در سخت‌ترین شرایط و در بحرانی‌ترین لحظات، تنها به یک هدف می‌اندیشیدند: «**نجات انسان‌ها**». درسی که از شهادت این عزیزان می‌آموزیم، این است که خدمت به بشریت، ایثار و فداکاری نه تنها یک وظیفه انسانی است بلکه یک عبادت و نزدیکی به خداوند نیز به‌شمار می‌آید. شهدای امدادگر به‌عنوان الگوهای ارزش‌های انسانی، باید همواره در مسیر آینده ما، همانند راهنمایی باشند تا جهانی پر از ایثار، همدلی و محبت بسازیم.

سخن آخر این است که، یاد این بزرگواران و تقدیر از فداکاری‌های آنان نه تنها باید در مراسم رسمی گرامی داشته شود، بلکه باید در زندگی روزمره مان به‌عنوان یک هدف مقدس پیگیری شود. تنها در این صورت است که یاد آن‌ها برای همیشه جاوید خواهد ماند و جامعه‌ای سالم، مهربان و انسان‌دوست به وجود خواهد آمد.



شهدای امدادگر، نهاد ایثار و فداکاری در مسیر مقاومت

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان کرمان

۲۰ شهریور ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

شهادت، عالی‌ترین مقام در فرهنگ اسلامی است و شهدا، برترین الگوهای ایثار و فداکاری در جامعه‌اند. آنان که در راه خدا جان خود را تقدیم کردند، نه تنها از دنیا نرفتند، بلکه همچنان زنده‌اند و بر حیات معنوی جامعه تأثیر می‌گذارند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹). «گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

در این میان، شهدای امدادگر جایگاهی ویژه دارند. آنان نه تنها جان خویش را برای دفاع از کشور و ملت فدا کردند، بلکه پیش از شهادت نیز با تمام وجود در مسیر نجات جان دیگران گام برداشتند. این امدادگران، بدون سلاح و بدون هیچ‌گونه امکان دفاع از خود، تنها با انگیزه کمک به هم‌نوعان، در سخت‌ترین شرایط جنگ حضور یافتند و مظلومانه به شهادت رسیدند. در این فصل، به نقش شهدای امدادگر در دفاع مقدس، ایثارگری‌های آنان، جایگاه بانوان امدادگر، و تأثیر فرهنگ عاشورایی در این مسیر خواهیم پرداخت. همچنین، به مسئولیت امروز ما در قبال این شهدا اشاره خواهیم



نقش شهدا در حیات انقلاب و جامعه

شهادت امدادگر، نه تنها حافظان جان رزمندگان بودند، بلکه به عنوان الگوهای ایثار و جهاد در جامعه اسلامی نقش آفرینی کردند. تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی ایران، سرشار از چنین چهره‌هایی است که با نثار جان خود، مسیر حق را هموار ساختند. رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره مقام شهدا می‌فرماید: «شهادت، عالی‌ترین و ناب‌ترین نوع فداکاری است. شهید، کسی است که با آگاهی، جان خود را برای ارزش‌های الهی تقدیم می‌کند.»

امدادگران شهید، از جمله شهدایی هستند که آگاهانه مسیر هجرت، جهاد و شهادت را برگزیدند. آنان تنها به نجات جان رزمندگان اکتفا نکردند، بلکه با روحیه جهادی و ایمان راسخ، در سخت‌ترین شرایط حاضر شدند و بدون هیچ چشم‌داشتی، در میدان نبرد به یاری مجروحان شتافتند. «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزاب: ۲۳). «از میان مؤمنان، مردانی هستند که بر عهده‌ی که با خدا بسته‌اند، صادقانه ایستاده‌اند.»

این امدادگران، همان مردان و زنانی بودند که به عهد خود وفادار ماندند و در نهایت، پاداش این وفاداری را با شهادت دریافت کردند. رزمندگان در جبهه‌ها، سلاح در دست داشتند و از خود دفاع می‌کردند، اما امدادگران، تنها با جعبه کمک‌های اولیه و کیسه‌های خون، دل به میدان می‌زدند. آنان در میانه آتش و گلوله، خود را به مجروحان می‌رساندند، آنان را مداوا می‌کردند و در سخت‌ترین شرایط، انتقال می‌دادند. یکی از خاطرات تلخ اما افتخارآمیز دوران دفاع مقدس، مربوط به امدادگری است که با وجود مجروحیت شدید، همچنان برای نجات رزمندگان تلاش کرد. او در حالی که خون از بدنش جاری بود، یک مجروح دیگر را بر دوش کشید و از میان گلوله‌ها عبور داد، اما خود دیگر نتوانست زنده بماند. این فرهنگ ایثار را باید به نسل جوان منتقل کرد. اگر امروز فرزندان این سرزمین با افتخار از شهدا یاد می‌کنند، به این دلیل است که فرهنگ شهادت و ایثار در جامعه زنده نگه داشته شده است.



نقش بانوان امدادگر در دفاع مقدس

نمی‌توان از نقش بانوان در دفاع مقدس غافل شد. بسیاری از زنان ایرانی در قامت امدادگر، پرستار، پزشک و پشتیبان رزمندگان در جبهه‌ها حضور یافتند. آنان نه تنها به مداوای مجروحان پرداختند، بلکه در سازماندهی اردوگاه‌های جنگ‌زدگان، تأمین مایحتاج رزمندگان و تربیت نسل جدید امدادگران نیز نقشی اساسی داشتند. در میان این بانوان، افرادی بودند که همسر یا فرزندشان را در جبهه‌ها از دست داده بودند؛ اما همچنان با روحیه‌ای استوار، به کمک‌رسانی ادامه می‌دادند. چنین زنانی، نه تنها در آن دوران، بلکه امروز نیز به‌عنوان الگوهای فداکاری و جهاد شناخته می‌شوند.

جمعیت هلال احمر، الگوی عاشورایی خدمت

جمعیت هلال احمر، خود را پیرو راه امام حسین (ع) می‌داند. اگر امروز بیش از ۳ میلیون جوان در این مجموعه تربیت شده‌اند، به این دلیل است که این نهاد بر پایه فرهنگ عاشورایی بنا شده است. در جریان پیاده‌روی اربعین، هزاران امدادگر ایرانی، بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت مادی، در مسیر زائران خدمت می‌کنند. این فرهنگ ایثار، همان میراثی است که از عاشورا به ما رسیده است. امروزه، جمعیت هلال احمر ایران نه تنها در داخل کشور، بلکه در سطح بین‌المللی نیز به‌عنوان یک الگوی موفق شناخته شده است. در اجلاس صلیب سرخ جهانی، ایران به‌عنوان کشوری پیشرو در مدیریت بحران معرفی شد و مسئولیت آموزش مدیران عملیات امداد و نجات در سطح بین‌المللی را بر عهده گرفت.

مدیریت موفق اربعین حسینی، نمونه‌ای از توانمندی ایران در امداد رسانی و سازمان‌دهی جمعیت‌های انبوه است. این افتخار، ثمره همان روحیه جهادی است که از فرهنگ ایثار و شهادت سرچشمه گرفته است.



وظیفه ما در قبال شهدا

شهادت امدادگر، میراثداران فرهنگ جهاد و ایثار هستند. آنان وظیفه خود را به بهترین شکل انجام دادند. ما وظیفه داریم این فرهنگ را زنده نگه داریم. ما وظیفه داریم نسل جدید را با مفاهیم ایثار و شهادت آشنا کنیم. ما وظیفه داریم در هر جایگاهی که هستیم، خدمت به مردم را سرلوحه کار خود قرار دهیم. این رسالت ماست. این دینی است که بر گردن داریم. خداوند ما را در مسیر شهدا ثابت قدم بدارد و توفیق دهد که همچنان در این راه گام‌های مؤثری برداریم.

امدادگران شهید، اسوه‌های ایثار و از خودگذشتگی

در میان شهدای امدادگر، نام‌های درخشانی وجود دارد که هر کدام نمادی از فداکاری و ایثارند. افرادی که نه برای شهرت و نه برای منافع شخصی، بلکه برای تحقق آرمان‌های الهی و نجات جان هموعانشان پا به عرصه جهاد گذاشتند. آنان به جای

آنکه به دنبال امنیت شخصی باشند، داوطلبانه به خطر نزدیک شدند تا دست یاری به سوی مجروحان دراز کنند. یکی از نمونه‌های بارز این ایثار، شهید مهندس ماهانی و شهیده خانم حسینی هستند که نامشان در این یادواره گرامی داشته شد. این عزیزان نه تنها در عرصه امدادگری، بلکه در دفاع از ارزش‌های دینی و ملی نیز سرآمد بودند. آنان مصداق این آیه شریفه بودند: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (توبه: ۱۱۱). «همانا خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که در برابر آن، بهشت برای آنان باشد.»

این معامله‌ای است که تنها دل‌های عاشق و ارواح پاک، قدرت انجام آن را دارند. امدادگران شهید، معلمان واقعی ایثار بودند. آنان به ما آموختند که کمک‌رسانی تنها یک وظیفه شغلی نیست، بلکه مسیری مقدس است که می‌تواند انسان را به اوج بندگی برساند. اگر امروز هلال احمر ایران به‌عنوان یکی از برترین سازمان‌های امدادی در جهان شناخته می‌شود، به‌دلیل وجود همین فرهنگ ایثار و فداکاری است که از شهدا به ما به ارث رسیده است.

تداوم راه شهدا؛ مسئولیت امروز ما

شهادت امدادگر، میراثی گران‌بها برای جامعه ما هستند. آنان چراغ راهی برای همه کسانی‌اند که در مسیر خدمت‌رسانی گام برمی‌دارند. اما پرسشی که باید از خود بپرسیم این است که ما در قبال این میراث گران‌بها چه وظیفه‌ای داریم؟

۱. حفظ و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

فرهنگ ایثار نباید تنها به دوران دفاع مقدس محدود شود. این فرهنگ باید در میان نسل‌های جدید نیز زنده بماند. نقش آموزش و رسانه‌ها در این زمینه بسیار مهم است. باید خاطرات و رشادت‌های امدادگران شهید را در کتاب‌های درسی، مستندها و برنامه‌های فرهنگی بازگو کرد تا روحیه جهادی در جامعه تقویت شود.



۲. ادامه مسیر خدمت‌رسانی

امروز، در عرصه‌های مختلف، کشور ما همچنان به امدادگرانی نیاز دارد که با همان روحیه جهادی، آماده خدمت‌رسانی باشند. حوادث طبیعی، بلایای انسانی و نیازهای اجتماعی، همه و همه ضرورت حضور امدادگرانی متعهد و فداکار را نشان می‌دهند.

۳. تقویت آمادگی‌های امدادی و بهداشتی

یکی از مهم‌ترین وظایف ما، افزایش آمادگی‌های امدادی و توانمندی‌های بهداشتی است. هر فرد باید حداقل آموزش‌های اولیه امدادی را بیاموزد تا در مواقع ضروری بتواند جان انسان‌ها را نجات دهد.

۴. حفظ وحدت و همبستگی ملی

شهادت از قومیت‌ها، مذاهب و مناطق مختلف کشور بودند، اما یک هدف مشترک داشتند: حفظ ایران اسلامی. ما نیز باید با الگو گرفتن از آنان، وحدت و همبستگی ملی را تقویت کنیم. نباید اجازه دهیم اختلافات جزئی ما را از مسیر خدمت‌رسانی و تلاش برای پیشرفت کشور بازدارد.

۵. خدمت بی‌منت

یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که از شهدا می‌توان گرفت، خدمت بی‌منت به مردم است. امدادگران شهید، درحالی‌که خودشان به کمک نیاز داشتند، دیگران را نجات می‌دادند. این روحیه باید در تمام بخش‌های جامعه گسترش یابد، از پزشکان و پرستاران گرفته تا مسئولان و مدیران کشور.

سخن از شهدای امدادگر، تنها یک یادآوری تاریخی نیست، بلکه یک مسئولیت سنگین است. ما امروز در برابر دو انتخاب قرار داریم. یا راه آنان را ادامه دهیم و در مسیر ایثار و خدمت‌رسانی گام برداریم، یا این میراث‌گران‌بها را فراموش کنیم و تنها در مراسم یادبود به ذکر نامشان بسنده کنیم. بی‌تردید، انتخاب درست این است

که همچون آنان، در مسیر جهاد و خدمت بی‌وقفه قدم بگذاریم. این همان چیزی است که رهبر معظم انقلاب بارها بر آن تأکید کرده‌اند: «هر کجا که هستید، در هر موقعیتی که قرار دارید، وظیفه خود را به بهترین شکل انجام دهید. این، همان راه شهداست.»

انتظار آنان این است که خدمت به مردم را نه به‌عنوان یک وظیفه، بلکه به‌عنوان یک رسالت الهی ببینیم.

آنان از ما می‌خواهند که در برابر سختی‌ها تسلیم نشویم، وحدت ملی را حفظ کنیم، در برابر دشمنان این کشور با اقتدار بایستیم، و در همه عرصه‌ها، روحیه ایثار و فداکاری را زنده نگه داریم.

میراث ماندگار شهدای امدادگر و مسئولیت نسل آینده

راه شهدا، راهی است که پایانی ندارد. آنان چراغی برافروختند که روشنگر مسیر آیندگان است. اگر امروز در امنیت و آرامش زندگی می‌کنیم، اگر هلال احمر ایران به الگویی جهانی در مدیریت بحران تبدیل شده است، اگر فرهنگ ایثار و خدمت‌رسانی همچنان در میان جوانان این سرزمین زنده است، همه این‌ها حاصل خون پاک‌ی است که شهدای امدادگر در این راه نثار کردند.

چگونه می‌توان این میراث ارزشمند را حفظ و تقویت کرد؟

۱. ترویج فرهنگ جهاد و ایثار در میان جوانان
یکی از مهم‌ترین وظایف ما، انتقال فرهنگ ایثار و شهادت به نسل‌های آینده است. امروز، جنگی که در میدان‌های نبرد جریان داشت، شاید به پایان رسیده باشد؛ اما جهاد در عرصه‌های مختلف همچنان ادامه دارد. دشمنان این مرز و بوم از طریق جنگ نرم، تلاش می‌کنند روحیه ایثار را در میان جوانان تضعیف کنند و آنان را به‌سوی فردگرایی و مادی‌گرایی سوق دهند. برای مقابله با این حمله، لازم است که در مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و فضای مجازی، فرهنگ جهاد و شهادت را به‌درستی



تبیین کنیم. باید خاطرات و رشادت‌های امدادگران شهید را به شکل فیلم، مستند، کتاب و برنامه‌های فرهنگی در اختیار نسل جدید قرار دهیم. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده‌اند: «فرهنگ ایثار و شهادت، ضامن عزت و استقلال کشور است. اگر این فرهنگ در جامعه زنده بماند، هیچ قدرتی نمی‌تواند ملت ما را شکست دهد.»

۲. تربیت امدادگران متعهد و انقلابی

امروز، بیش از هر زمان دیگری نیازمند تربیت نیروهای امدادی متعهد و متخصص هستیم. جنگ تحمیلی به پایان رسیده، اما بلاهای طبیعی، حوادث غیرمترقبه و بحران‌های جهانی همچنان ادامه دارد. نقش امدادگران در چنین شرایطی، بسیار حیاتی است. باید تلاش کنیم که نسل جدید امدادگران، نه تنها از نظر علمی و فنی در بالاترین سطح باشند، بلکه از نظر معنوی و اعتقادی نیز در تراز شهدای امدادگر قرار گیرند. آنان باید بدانند که امدادسانی، تنها یک شغل نیست، بلکه یک رسالت الهی است که در آن، جان و آسایش دیگران بر منافع شخصی مقدم است.

۳. تقویت همبستگی ملی و حرکت در مسیر آرمان‌های انقلاب

یکی از مهم‌ترین پیام‌های شهدا، حفظ وحدت و همبستگی ملی است. شهدای امدادگر از مذاهب، قومیت‌ها و مناطق مختلف کشور بودند، اما یک هدف مشترک داشتند: نجات جان هموطنان و دفاع از ارزش‌های انقلاب. در دنیای امروز، دشمنان تلاش می‌کنند با دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی و جناحی، اتحاد ملت ایران را از بین ببرند. در چنین شرایطی، راه شهدا این است که همبستگی ملی را تقویت کنیم و به جای تمرکز بر تفاوت‌ها، بر اشتراکات و ارزش‌های مشترک تأکید داشته باشیم.

۴. گسترش خدمات امدادی و جهادی در مناطق محروم

یکی از مهم‌ترین وظایف ما در قبال شهدای امدادگر، ادامه مسیر خدمت‌رسانی آنان است. امدادگران شهید، تنها در جبهه‌های جنگ فعالیت نمی‌کردند، بلکه در مناطق محروم، بیمارستان‌های صحرائی، اردوگاه‌های آوارگان و حتی در حوادث طبیعی نیز نقش‌آفرینی داشتند. امروز نیز، بسیاری از هموطنان ما در نقاط محروم کشور، نیازمند کمک‌های پزشکی، امدادی و معیشتی هستند. راه شهدا این است که گروه‌های جهادی، کاروان‌های سلامت و تیم‌های امدادی، همچنان در این مناطق حضور داشته باشند و به‌عنوان سربازان بی‌سلاح خط مقدم، به یاری نیازمندان بشتابند.

۵. معرفی شهدای امدادگر در عرصه بین‌المللی

یکی دیگر از وظایف مهم ما، معرفی شهدای امدادگر در سطح بین‌المللی است. امروز، ایران در عرصه امداد و نجات، الگویی جهانی است. مدیریت موفق اربعین حسینی، حضور فعال در عملیات امدادی جهانی و نقش‌آفرینی در صلیب سرخ بین‌المللی، همه نشان از جایگاه بالای ایران در این حوزه دارد. اما متأسفانه، بسیاری

از کشورهای جهان، هنوز با رشادت‌های امدادگران شهید ایرانی آشنا نیستند. باید تلاش کنیم که نام و یاد این شهدا را در سطح بین‌المللی زنده نگه داریم و از طریق رسانه‌های جهانی، داستان فداکاری‌های آنان را به گوش جهانیان برسانیم.

عهدی برای ادامه راه شهدا

عهد می‌بندیم که راه آنان را ادامه دهیم. عهد می‌بندیم که فرهنگ ایثار و جهاد را زنده نگه داریم. عهد می‌بندیم که در هر جایگاهی که هستیم، خدمت بی‌منت را سرلوحه کار خود قرار دهیم. عهد می‌بندیم که همبستگی ملی را حفظ کنیم و اجازه ندهیم دشمنان، وحدت این ملت را خدشه‌دار کنند. عهد می‌بندیم که در عرصه‌های امداد و نجات، همواره آماده و استوار باشیم. راه شهدا، تنها یک مسیر تاریخی نیست، بلکه یک مأموریت ابدی است.

اگر امروز زنده‌ایم، اگر امروز امنیت داریم، اگر امروز افتخار می‌کنیم که ایرانی و مسلمان هستیم، همه این‌ها به برکت خون پاک شهداست. بیایید دست در دست هم، این پرچم را بر دوش بگیریم و تا رسیدن به قله‌های عزت و افتخار، لحظه‌ای از حرکت باز نایستیم.

«اللهم اجعلنا من أنصار دینک و شهداء فی سبیلک»



شهید، راهبران مسیر ایثار و خدمت

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان قزوین

۵ مهر ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

یادواره شهدا، نه فقط یک مراسم رسمی، بلکه فرصتی است برای تأمل در میراث گرانبهایی که آن‌ها برای ما به یادگار گذاشتند. در این میان، شهدای امدادگر جایگاه ویژه‌ای دارند؛ چرا که آنان با دستانی خالی، اما با قلبی سرشار از ایمان، جان خود را در راه نجات دیگران فدا کردند.

در یادواره شهدای امدادگر استان قزوین، دکتر پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر، بر اهمیت زنده نگه داشتن یاد شهدا و انتقال پیام آنان به نسل‌های آینده تأکید کرد. ایشان با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری، دو وظیفه اصلی ما در قبال شهدا را «حفظ نام و یاد آنان» و «تبیین راه و هدفشان» برشمردند. این سخنان نشان می‌دهد که رسالت ما در برابر شهدای امدادگر، تنها محدود به گرامیداشت خاطره آن‌ها نیست، بلکه باید آرمان‌هایشان را در عمل محقق کنیم.

امروز، در دنیایی که چالش‌های جدیدی فراروی ما قرار دارد، پیام شهدا همچنان زنده و راهگشاست. روحیه جهادی، از خودگذشتگی و ایستادگی در برابر سختی‌ها، مفاهیمی هستند که از دوران دفاع مقدس تا امروز، در عرصه‌های مختلف از امدادرسانی در حوادث طبیعی گرفته تا مبارزه با بحران‌های بشردوستانه، راهنمای ما بوده‌اند. این فصل، به بررسی پیام‌های ماندگار شهدای امدادگر و مسئولیت ما در قبال ادامه راه آنان می‌پردازد.





فرهنگ ایثار و جایگاه شهادت در تاریخ ایران

در طول تاریخ، ملت‌هایی که به عزت و استقلال رسیده‌اند، مدیون ایثار و فداکاری فرزندان خود بوده‌اند. در فرهنگ ایرانی-اسلامی، شهادت نه یک پایان، بلکه آغاز راهی جاودانه است. شهید کسی است که از قید و بندهای دنیوی رها می‌شود و به والاترین جایگاه نزد پروردگار می‌رسد.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» «گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند، مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.» در یادواره‌های شهدا، سخن از کسانی است که جان خود را در راه خدا، میهن، و همنوعانشان نثار کردند. شهدای امدادگر، پیشتاژان جهاد بی‌سلاح بودند. آنان که در میدان نبرد، به‌جای تفنگ، با دستان پر مهر خود جان مجروحان را نجات دادند و گاه در همین مسیر به شهادت رسیدند.

ایثار و شهادت در فرهنگ دینی

در فرهنگ اسلامی، شهادت بالاترین درجه‌ای است که یک انسان می‌تواند به آن دست یابد. رسول اکرم (ص) فرمودند:



«فوق كل ذي بر بر حتى يقتل في سبيل الله، فاذا قتل في سبيل الله فليس فوقه بر»
«بالای هر نیکی، نیکی دیگری هست تا آنکه فرد در راه خدا به شهادت برسد، و پس از آن، نیکی‌ای بالاتر از آن نیست.» این حدیث، اهمیت شهادت را به‌عنوان عالی‌ترین درجه‌ای که یک مؤمن می‌تواند به آن برسد، تبیین می‌کند. شهید، نه تنها جان خود را در راه خدا فدا می‌کند، بلکه با این کار، راه حقیقت را زنده نگه می‌دارد.

تاریخ ایثار در ایران، از عاشورا تا دفاع مقدس

فرهنگ شهادت در ایران، ریشه‌ای عمیق در تاریخ دارد. از حماسه عاشورا، که در آن امام حسین (ع) و یارانش با ایثار جان خود، مسیر آزادی را برای همیشه روشن کردند، تا دوران دفاع مقدس که جوانان این سرزمین، با همان روحیه حسینی، به میدان نبرد شتافتند. شهدای امدادگر، در این میان جایگاه ویژه‌ای دارند. آن‌ها همان‌گونه که در عاشورا، امثال حضرت زینب (س) و حضرت عباس (ع) برای یاری مجروحان شتافتند، در میدان جنگ، بدون هیچ چشم‌داشتی، ناجی جان رزمندگان شدند.

امدادگران شهید، پیشگامان جهاد بدون سلاح

در میدان نبرد، هر کس سلاحی در دست دارد؛ یکی با تفنگ می‌جنگد، دیگری با نقشه‌ریزی و تدبیر، اما گروهی دیگر، بدون هیچ سلاحی، تنها با روحیه ایثار و فداکاری به میدان می‌آیند. اینان امدادگران هستند؛ انسان‌هایی که در دل آتش و خون، ناجیان بی‌نام و نشان‌اند و گاه خود نیز در این مسیر، جانشان را تقدیم می‌کنند.

سه نقش حیاتی امدادگران در جبهه‌ها

امدادگران در دوران دفاع مقدس، سه مأموریت اساسی بر عهده داشتند:

۱. نجات جان مجروحان از میدان نبرد: آن‌ها در سخت‌ترین شرایط، زیر آتش دشمن، خود را به مجروحان می‌رساندند، زخم‌هایشان را می‌بستند و آن‌ها را به عقب منتقل می‌کردند.



- ایجاد و تجهیز بهداری‌های صحرایی: در دل جبهه، بهداری‌هایی راه‌اندازی شد که به‌عنوان اولین نقطه درمان مجروحان محسوب می‌شد. امکانات کم بود؛ اما امدادگران با روحیه‌ای قوی، به یاری مجروحان می‌شتافتند.

- روحیه‌بخشی به رزمندگان: حضور امدادگران، به رزمندگان امید و آرامش می‌داد. آنان نه‌تنها به جسم مجروحان رسیدگی می‌کردند، بلکه به آن‌ها روحیه می‌دادند تا در میدان نبرد بمانند.

امدادگران، ایثارگرانی که جان خود را فدا کردند

بسیاری از امدادگران، در حالی که مشغول کمک به دیگران بودند، خود هدف آتش دشمن قرار گرفتند. آنان جان خود را در طبق اخلاص گذاشتند و نشان دادند که جهاد، تنها در جنگیدن نیست، بلکه نجات جان یک انسان نیز خود یک جهاد بزرگ است.

نقش هلال احمر در دفاع مقدس و امدادسانی بین‌المللی

جمعیت هلال احمر، از نخستین روزهای دفاع مقدس، نقشی اساسی در پشتیبانی از جبهه‌ها داشت. این نهاد، نه‌تنها در داخل کشور، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز الگویی از امدادسانی شد.

نقش هلال احمر در دفاع مقدس

هلال احمر در آن دوران، چند مسئولیت اساسی را بر عهده داشت:

- ایجاد بیمارستان‌های صحرایی در مناطق جنگی.
- ارسال تجهیزات پزشکی و دارویی به مناطق عملیاتی.
- آموزش امدادگران داوطلب برای پشتیبانی از رزمندگان.
- امداد و نجات آوارگان جنگی و ارائه خدمات به خانواده‌های آسیب‌دیده.



امدادگران ایرانی در عرصه بین‌المللی

هلال احمر ایران، پس از دوران دفاع مقدس، در بحران‌های جهانی نیز نقش‌آفرینی کرد: - حادثه تروریستی لبنان: در این حادثه، سه هزار نفر مجروح شدند و هلال احمر ایران، در کمتر از ۲۴ ساعت، ۱۰۰ مجروح چشمی را به کشور منتقل کرد. - زلزله‌های جهانی: ایران، از زلزله ترکیه گرفته تا فجایع انسانی در یمن، همواره در خط مقدم کمک‌رسانی بوده است.

پیام شهدا و مسئولیت ما در قبال ادامه راه آنان

شهدا، نه تنها جان خود را در راه خدا فدا کردند، بلکه میراثی عظیم از ایثار، مقاومت و ایمان برای نسل‌های بعدی به جا گذاشتند. رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید دارند که کنگره‌های شهدا باید دو هدف را دنبال کنند:

۱. زنده نگه داشتن یاد شهدا، زیرا فراموشی شهدا به معنای از دست دادن ارزش‌هایی است که آن‌ها برایشان جان دادند.
۲. انتقال پیام شهدا به نسل‌های آینده، به این معنا که سبک زندگی، آرمان‌ها، ایستادگی و ایمان آنان باید به درستی تبیین شود تا چراغ راه نسل‌های بعدی باشد. اینک، به این موضوع می‌پردازیم که چگونه می‌توان پیام شهدا را حفظ کرد و رسالت ما در قبال آنان چیست.

شهدای امدادگر، نه تنها جان خود را برای نجات دیگران فدا کردند، بلکه با رفتار و منش خود، ارزش‌هایی را به یادگار گذاشتند که برای جامعه امروز نیز ضروری است. این پیام‌ها شامل موارد زیر است:

الف) ایثار و از خودگذشتگی

امدادگران شهید، با دست‌های خالی و بدون سلاح، در میان آتش و خون به دل‌خطر می‌زدند تا جان یک رزمنده را نجات دهند. آن‌ها به ما آموختند که ایثار فقط در میدان جنگ نیست، بلکه در زندگی روزمره نیز می‌توان با کمک به دیگران و اولویت دادن به



نیازهای جامعه، روحیه ایثار را زنده نگه داشت.

ب) جهاد، نه فقط در میدان جنگ

جهاد، تنها در نبردهای نظامی معنا ندارد. هرکسی که برای ارزش‌های الهی، عدالت، علم، پیشرفت و کمک به هم‌نوعان تلاش کند، در حال جهاد است. امدادگران شهید، با درمان مجروحان، خود را در مسیر جهاد قرار دادند. امروز نیز پزشکان، پرستاران، معلمان، دانشمندان و حتی کارگران، اگر با نیت خدمت به جامعه کار کنند، در مسیر جهاد گام برمی‌دارند.

ج) پایداری در مسیر حق

شهادت نشان دادند که مسیر حق، هرچند پرخطر، اما ارزشمند و الهی است. آن‌ها نه به دنبال شهرت بودند و نه به دنبال منافع مادی، بلکه تنها به تکلیف الهی خود عمل کردند. در دنیای امروز، که فشارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برای دور کردن جوانان از ارزش‌های الهی وجود دارد، پایداری در مسیر حق، یکی از مهم‌ترین پیام‌های شهادت است.

۲. رسالت ما در قبال شهدا

بعد از شهادت یک انسان، وظیفه جامعه نسبت به او پایان نمی‌یابد، بلکه این وظیفه سنگین‌تر می‌شود. هر نسل، در قبال شهدای خود مسئول است و باید این مسئولیت را در ابعاد مختلف انجام دهد:

الف) شناخت و تبیین راه شهدا

برای آنکه یک جامعه بتواند مسیر شهدا را ادامه دهد، ابتدا باید آن‌ها را بشناسد. این شناخت، تنها با برگزاری مراسم یادبود کافی نیست، بلکه باید سیره و سبک زندگی شهدا به نسل جدید معرفی شود. این کار از طرق زیر انجام می‌شود:

- تولید کتاب، فیلم و مستند درباره شهدای امدادگر.
- برگزاری نشست‌های فرهنگی و دانشگاهی درباره فرهنگ ایثار.
- ثبت خاطرات امدادگران زنده و نشر آن‌ها برای نسل‌های بعدی.

ب) عمل به آرمان‌های شهدا

شناخت بدون عمل، ارزشی ندارد. اگر شهدای ما برای حفظ دین، کشور، کرامت انسانی و استقلال ملت جان خود را فدا کردند، امروز ما باید در مسیر آن‌ها قدم برداریم.

- جوانان باید در تحصیل، پژوهش و سازندگی کشور کوشا باشند.
- مسئولان باید عدالت‌محور باشند و از فساد دوری کنند.
- مردم باید نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت داشته باشند و در شرایط سخت، کمک‌رسان همدیگر باشند.

ج) زنده نگه داشتن یاد شهدا در جامعه

یکی از ابزارهای دشمنان، ایجاد فراموشی نسبت به شهدا و ارزش‌های آن‌هاست. در این مسیر، هر یک از ما مسئولیم که فرهنگ ایثار را زنده نگه داریم.

- نام‌گذاری معابر و اماکن عمومی به نام شهدا.
- ترویج فرهنگ شهادت در مدارس و دانشگاه‌ها.
- مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و خیریه، که نوعی ادامه مسیر ایثار است.

۳. نقش جوانان در ادامه راه شهدا

امروز، بیش از سه میلیون جوان داوطلب در جمعیت هلال احمر فعالیت می‌کنند. این نشان می‌دهد که روحیه ایثار و کمک به همنوع هنوز زنده است. وظیفه این جوانان چیست؟

الف) ادامه راه امدادگران شهید در عرصه‌های جدید



- حضور در مأموریت‌های امدادی داخلی و بین‌المللی.
- آموزش مهارت‌های امدادی و تقویت روحیه جهادی.
- فعالیت‌های فرهنگی برای گسترش فرهنگ ایثار.
- (ب) تقویت بعد معنوی و اخلاقی خود
- مطالعه زندگی شهدا و الگوبرداری از آنها.
- تقویت معنویت با حضور در جلسات مذهبی و ارتباط با خانواده‌های شهدا.
- رعایت اخلاق در کار و زندگی، چرا که شهدا فقط در میدان جنگ نبودند، بلکه در زندگی روزمره نیز الگو بودند.
- (ج) مقابله با جنگ نرم دشمنان
- امروز دشمنان با ابزار رسانه، شبکه‌های اجتماعی و تبلیغات، تلاش می‌کنند جوانان را از ارزش‌های شهدا دور کنند. هر جوان ایرانی می‌تواند با:
 - آگاهی و شناخت دشمن؛
 - تولید محتوای فرهنگی در فضای مجازی؛
 - روشنگری درباره ارزش‌های ملی و دینی؛در این میدان نبرد، به‌عنوان یک رزمنده فرهنگی ایفای نقش کند.

رسالت امروز ما

- راه شهدا، یک مسیر تمام‌شدنی نیست، بلکه یک وظیفه و مسئولیت است که بر دوش ما قرار دارد. هرکدام از ما، به سهم خود، باید ادامه‌دهنده راه شهدا باشیم.
- پزشک و امدادگر باشیم، اما فقط در بیمارستان و درمانگاه نباشیم، بلکه در میدان‌های بحران نیز حاضر شویم.
- معلم باشیم، اما فقط درس ندهیم، بلکه شاگردانمان را با فرهنگ ایثار و شهادت آشنا کنیم.
- دانشجو باشیم، اما فقط به فکر نمره و مدرک نباشیم، بلکه آرمان‌های شهدا را در علم و پژوهش دنبال کنیم.
- این فرهنگ، همچنان زنده است و وظیفه ماست که آن را زنده نگه داریم.



شهید، راهبران مسیر ایثار و خدمت

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان یزد

۵ مهر ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

در میان صفحات تاریخ، نام‌هایی حک شده‌اند که هرگز غبار فراموشی بر آن‌ها نمی‌نشیند. نام‌هایی که نه تنها در خاطره‌ها باقی می‌مانند، بلکه همچون مشعل‌هایی فروزان، مسیر آینده را روشن می‌کنند. شهدای امدادگر، از همین نام‌های جاودانه‌اند؛ مردان و زنانی که نه تنها برای دفاع از وطن به میدان نبرد شتافتند، بلکه برای نجات جان دیگران، خود را در میان آتش و خون انداختند. این فصل که برگرفته از سخنان پیرحسین کولیوند در یادواره شهدای امدادگر استان یزد است، روایتگر فداکاری آن‌هایی است که بدون سلاح، اما با قلب‌هایی سرشار از عشق و ایثار، در سخت‌ترین لحظات، حیات را به مجروحان باز می‌گرداندند. امدادگرانی که حتی در لحظات آخر زندگی‌شان، به نجات دیگران می‌اندیشیدند و نامشان برای همیشه در دفتر ایثارگران این سرزمین ثبت شد. امروز، وظیفه‌ی ما تنها یادآوری آن‌ها نیست، بلکه رسالتی بر دوش داریم؛ رسالتی که ما را موظف می‌کند تا راهشان را ادامه دهیم و پیامشان را به نسل‌های آینده برسانیم. این کتاب، تلاشی است برای زنده نگه داشتن یاد و راه آن‌ها.





یاد و خاطره‌ی جاودانه‌ی شهدا

هرگاه نام شهید به زبان می‌آید، گویی نسیمی از بهشت وزیدن می‌گیرد. شهید تنها یک واژه نیست، بلکه یک مسیر، یک فرهنگ و یک حقیقت جاودانه است. ما در محفلی گرد هم آمده‌ایم که بوی عطر شهادت در آن جاری است. محفلی که دل‌های عاشقان را به یاد آنانی می‌اندازد که جان خویش را در راه خدا فدا کردند. امروز، در این یادواره‌ی نورانی، ما نه فقط به پاسداشت یاد شهدا، بلکه برای پیمودن راه آنان گرد آمده‌ایم. زیرا آنان، همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید، زنده‌اند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹). ما در میان نام‌هایی ایستاده‌ایم که هر یک، داستانی از ایثار، عشق و فداکاری دارند. امدادگرانی که سلاحشان باند زخم بود، که به‌جای گلوله، مهر و محبت را به قلب‌های شکسته هدیه می‌کردند. شهدا زنده‌اند، اما آیا ما هم زنده‌ایم؟ آیا ما که امروز وارثان خون آن‌ها هستیم، توانسته‌ایم مسیرشان را ادامه دهیم؟ این کتاب، دعوتی است برای تفکر و عمل، برای آنکه در مسیر شهدا گام برداریم و پیام آن‌ها را به گوش جهانیان برسانیم.

هجرت، ایمان و جهاد؛ ویژگی‌های امدادگران شهید

راه شهدا راهی ساده نیست؛ مسیری است که با ایمان آغاز می‌شود، با هجرت از آسایش و راحتی همراه است و در نهایت، به جهاد در راه خدا می‌رسد. امدادگران شهید، سه ویژگی اساسی مؤمنان حقیقی را در خود داشتند، همان ویژگی‌هایی که خداوند در قرآن کریم درباره‌ی آنان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه، ۲۰).

امدادگران شهید، از این آزمون‌های بزرگ الهی سربلند بیرون آمدند. آن‌ها به ایمان خود، جامه‌ی عمل پوشاندند، از زندگی آسوده‌ی خود هجرت کردند و در دل میدان‌های جنگ، بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها را یاری رساندند. هجرت، تنها ترک وطن نیست. هجرت، یعنی ترک عافیت و آسایش، دل‌کندن از دلبستگی‌ها و رفتن به سوی تکلیف. امدادگران شهید، هجرتی دوگانه داشتند؛ از خانه و خانواده‌ی خود دل‌کندند و به دل میدان‌های جنگ شتافتند. آنان هجرت کردند تا زخمی‌های جبهه را مرهم بگذارند، تا از میان باران آتش، جان مجروحی را نجات دهند. یادمان باشد که هجرت تنها یک واقعه‌ی تاریخی نیست؛ بلکه مسیری است که در هر زمان و مکان، عاشقان خدا باید آن را بپیمایند. امروز، هجرت ما، هجرت از راحت‌طلبی و بی‌تفاوتی است. امروز، هجرت یعنی به یاری مظلومان شتافتن، یعنی در میدان‌های خدمت حاضر بودن. امدادگران شهید، بی‌سلاح‌ترین رزمندگان میدان بودند، اما بزرگ‌ترین جهاد را انجام دادند. آن‌ها بدون سلاح، در دل خطر می‌رفتند تا جان مجروحان را نجات دهند. برخی از آن‌ها، خود، زیر آتش دشمن شهید شدند، اما حاضر نشدند دست از امدادرسانی بردارند. امروز، میدان جهاد تغییر کرده، اما روح جهاد همان است. امروز، جهاد در عرصه‌ی خدمت‌رسانی، ایثار، مقاومت و دفاع از ارزش‌هاست. اگر شهدا در میدان جنگ، جان‌ها را نجات می‌دادند، امروز وظیفه‌ی ماست که ارزش‌های آنان را زنده نگه داریم. ما درس ایمان، هجرت و جهاد را از شما آموخته‌ایم. شما معلمان ما در مسیر ایثار و فداکاری هستید. راهتان را ادامه خواهیم داد و چراغی را که شما روشن



کردید، خاموش نخواهیم گذاشت. «اللهم اجعلنا من المجاهدين في سبيلك...»

امدادگران شهید؛ فداکاری بی حد و مرز

در دل تاریکی جنگ، زمانی که تیرها از هر سو می‌بارید و زمین آغشته به خون بود، امدادگران شتابان به سوی زخمی‌ها می‌رفتند.

آن‌ها جان‌برکف، بدون هیچ سلاحی، جز توکل بر خدا و عشق به نجات جان انسان‌ها، در میان گلوله‌ها قدم برمی‌داشتند. هر رزمنده‌ای سلاحی برای دفاع از خود داشت؛ اما امدادگران حتی این امکان را هم نداشتند. آن‌ها با دستان خالی، اما با ایمانی راسخ، در دل خطر می‌رفتند تا مجروحان را از میان آتش بیرون بکشند. سردارانی که در جبهه‌های نبرد حضور داشتند، بارها گفته‌اند که امدادگران، مظلوم‌ترین شهدا بودند؛ آن‌ها نه تنها جان خود را به خطر می‌انداختند، بلکه در لحظه‌ی شهادت، مشغول نجات جان دیگری بودند. چه فداکاری‌ای بالاتر از این؟ این‌ها همان کسانی بودند که خداوند درباره‌شان فرموده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ» (بقره، ۲۰۷). برخی از مردم، جان خود را در راه رضای خدا می‌فروشدند.

در میدان نبرد، لحظه‌ای برای تصمیم‌گیری نبود. وقتی مجروحی روی زمین افتاده بود، امدادگر باید در یک‌چشم برهم‌زدن تصمیم می‌گرفت؛ اگر به سمتش می‌رفت، احتمال داشت که خودش هم هدف تیر دشمن قرار بگیرد، اما اگر نمی‌رفت، جان آن مجروح از دست می‌رفت؛ و امدادگران شهید، همیشه انتخابشان مشخص بود. آن‌ها به سمت مجروحان می‌رفتند. به‌جای اینکه به فکر جان خود باشند، به نجات دیگری می‌اندیشیدند. آن‌ها همان‌هایی بودند که در سکوت، اما با قدم‌های استوار، عظمت واقعی ایثار را نشان دادند. بهترین انسان‌ها کسی است که زندگی‌اش را برای دیگران وقف کند. امدادگران شهید، نه تنها جان خود را وقف دیگران کردند، بلکه تمام لحظه‌هایشان را به دیگران بخشیدند. آن‌ها در مسیر زندگی‌شان، آسایش را به فراموشی سپردند تا جان دیگری را نجات دهند.





استمرار راه شهیدا؛ رسالت امروز ما

شهیدا رفتند؛ اما مسیرشان باقی است. لحظه‌ای چشمانت را ببند و خود را در دل تاریخ قرار بده؛ زمانی که آتش جنگ زبانه می‌کشید، زمانی که خاکریزها پر از ناله‌های مجروحان بود، زمانی که فریاد «امدادگر!» در میان صدای گلوله و خمپاره طنین می‌انداخت. امدادگران، آن فرشتگان زمینی، نه با سلاح، که با عشق و ایثار به میدان آمدند. آن‌ها جان‌های زخمی را مرهم گذاشتند، خون‌هایی که از بدن رزمندگان جاری می‌شد، با دستان پر از محبتشان بند آوردند و در میان هجوم بی‌امان مرگ، زندگی بخشیدند. اما امروز چطور؟ جنگ تمام شده، اما میدان ایثار هنوز برقرار است. اگر دیروز، امدادگران شهید در دل جبهه‌ها، مشغول نجات رزمندگان بودند، امروز کدامین گروه، میراث‌دار آن‌هاست؟

امروز، امدادگران در بیمارستان‌ها، در مناطق زلزله‌زده، در دل سیلاب‌ها و حتی در بحران‌های بین‌المللی، ادامه‌دهندگان راه آن‌ها هستند. وقتی زلزله‌ای رخ می‌دهد و خانه‌ها بر سر مردم آوار می‌شود، وقتی بیماری‌های واگیردار شیوع پیدا می‌کند، وقتی در جنگ‌های نابرابر، مردم بی‌گناه زخمی می‌شوند، این امدادگران و نیروهای جهادی هستند که بی‌درنگ خود را به دل خطر می‌رسانند. آن‌ها همان‌هایی هستند

که پرچم امدادگران شهید را به دوش گرفته‌اند. همان‌هایی که می‌دانند راهی که انتخاب کرده‌اند، راه ایثار و از خودگذشتگی است. مقام معظم رهبری فرمودند: «زنده نگه داشتن یاد شهدا، کمتر از شهادت نیست.» پس اگر می‌خواهیم عزت خود را حفظ کنیم، باید فرهنگ شهدا را در جامعه زنده نگه داریم. راه شهدا را باید در عمل ادامه داد، در وجدان کاری، در اخلاق، در دلسوزی برای دیگران، در یاری رساندن به نیازمندان و در حفظ ارزش‌هایی که برای آن‌ها جان خود را فدا کردند. آنان با خون خود، این ارزش‌ها را به ما سپردند و اینک ما وارثان این فرهنگ هستیم.

شهادت، مکتب عاشقی و نقطه‌ی اوج بندگی

شهادت، پایان زندگی نیست؛ بلکه آغاز حیات جاودانه است. شهید، کسی است که مرگ را با آغوش باز می‌پذیرد، زیرا آن را نه پایان، بلکه دروازه‌ای به سوی حقیقت می‌داند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنَّ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره، ۱۵۴). «و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید، بلکه آنان زنده‌اند، اما شما درک نمی‌کنید.»

شهدا تنها در سنگرهای جنگ حضور نداشتند، بلکه در هر صحنه‌ای که نیاز به ایثار و فداکاری بود، جلوه‌ای از شهادت نمایان شد. در بیمارستان‌هایی که پزشکان و پرستاران با از خودگذشتگی، جان بیماران را نجات می‌دهند، در جاده‌هایی که امدادگران با سرعت و بی‌وقفه برای کمک به حادثه‌دیدگان می‌شتابند، در دل بلایای طبیعی که نیروهای امدادی، بی‌هیچ چشم‌داشتی، جان خود را به خطر می‌اندازند تا انسانی را از زیر آوار نجات دهند، در همه‌ی این صحنه‌ها، شهدا حضور دارند. راه شهدا، راه عزت، شرف و آزادی است. این پرچم تا روزی که حقیقت بر تاریکی پیروز شود، برافراشته خواهد ماند. ما ادامه‌دهندگان این راهیم و با افتخار، مشعل دار آرمان‌های آنان خواهیم بود. «اللهم اجعلنا من السائرين على درب الشهداء...»



پیام شهدا به نسل‌های آینده؛ رسالت ما در ادامه‌ی راه

شهدا، پیام‌آوران حقیقتی جاودانه‌اند. آن‌ها رفتند، اما راهشان برای همیشه باقی ماند. هر نسلی که می‌آید، با خود این پرسش را دارد که چرا آن‌ها جانشان را فدا کردند؟ آیا تنها برای دفاع از خاک بود؟ یا برای زنده نگه داشتن آرمان‌هایی که ارزش جان دادن داشتند؟ شهیدان، معلمان واقعی عزت و استقلال‌اند. آن‌ها به ما آموختند که اگر ملتی بخواهد آزاد باشد، باید بهای آن را بپردازد. آزادی، امنیت و سربلندی یک کشور، با خون شهیدان آبیاری می‌شود و تا زمانی که این فرهنگ زنده بماند، هیچ دشمنی نمی‌تواند آن ملت را به زانو درآورد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹). «سست نشوید و غمگین نباشید، شما برتر هستید اگر ایمان داشته باشید.»

امروز، دشمنان این سرزمین به‌خوبی می‌دانند که تا وقتی فرهنگ شهادت در بین مردم زنده باشد، نمی‌توانند این ملت را تسلیم کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند که یاد شهدا را از خاطره‌ها محو کنند، اما این وظیفه‌ی ماست که نگذاریم این چراغ خاموش شود.

۱. شهادت، تنها در میدان نبرد نیست.

شاید برخی گمان کنند که شهادت، تنها در جبهه‌ی جنگ اتفاق می‌افتد؛ اما حقیقت این است که شهادت، مرزی وسیع‌تر دارد. هر کسی که جان خود را در مسیر خدمت به دیگران فدا کند، شهید است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ عَلَىٰ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا» (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۷) «هر کس در مسیر عشق به اهل بیت (ع) جان دهد، شهید است.»

امروز، شهادت در چیست؟

- پزشکی که جان خود را برای درمان بیماران به خطر می‌اندازد، شهید است.
- معلمی که عمرش را برای تربیت نسل آینده صرف می‌کند، شهید است.



- امدادگری که در میان آتش و ویرانی، جان مردم را نجات می‌دهد، شهید است.
- رزمنده‌ای که برای دفاع از وطن در برابر دشمنان ایستادگی می‌کند، شهید است.
فرهنگ شهادت، تنها مربوط به جنگ نیست؛ بلکه مفهومی است که در همه‌ی ابعاد زندگی جریان دارد.

۲. چگونه فرهنگ شهدا را به نسل‌های بعد منتقل کنیم؟

یکی از خطرانی که همواره وجود دارد، فاصله گرفتن نسل‌های جدید از ارزش‌های شهداست. دشمنان، با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، تلاش می‌کنند که فرهنگ ایثار و فداکاری را از بین ببرند. اما ما چه وظیفه‌ای داریم؟
الف) نقش خانواده در زنده نگه داشتن فرهنگ شهادت

خانواده، اولین و مهم‌ترین نهادی است که می‌تواند فرهنگ شهدا را به نسل‌های بعد منتقل کند. اگر پدر و مادر، از همان کودکی به فرزندان خود بیاموزند که امنیت و آرامش امروز، نتیجه‌ی فداکاری شهیدان است، آن‌ها نیز در آینده، وارثان شایسته‌ای برای این فرهنگ خواهند بود. مادر یکی از شهدا تعریف می‌کرد: «همیشه به فرزندم می‌گفتم که اگر امروز در امنیت زندگی می‌کنیم، مدیون خون شهدا هستیم. روزی که فرزندم عازم جبهه شد، گفتم مادر! تو به من آموختی که راه شهدا، راه حقیقت است. حالا وقت آن است که من هم قدم در این مسیر بگذارم.» اگر در خانواده‌ها، یاد شهدا زنده بماند، نسل‌های بعدی نیز راه آن‌ها را ادامه خواهند داد.

ب) رسانه‌ها؛ ابزاری برای معرفی شهدای امدادگر

امروز، دشمنان از رسانه‌ها برای تضعیف فرهنگ ایثار استفاده می‌کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند که نسل جوان را نسبت به ارزش‌های شهدا بی‌تفاوت کنند؛ اما ما چه کرده‌ایم؟ آیا فیلم‌ها، کتاب‌ها و برنامه‌های ما به اندازه‌ی کافی درباره‌ی شهدا صحبت کرده‌اند؟ رسانه‌ها باید نقش خود را در زنده نگه داشتن فرهنگ شهادت ایفا کنند. ما نیاز داریم که داستان‌های شهدای امدادگر را به شکلی جذاب و تأثیرگذار برای نسل‌های جدید بازگو کنیم.



۳. شهدا از ما چه انتظاری دارند؟

اگر امروز شهدای امدادگر به ما نگاه کنند، چه خواهند گفت؟ آیا از ما می‌خواهند که تنها برای آن‌ها یادواره برگزار کنیم؟ یا اینکه می‌خواهند راهشان را در عمل ادامه دهیم؟ امام علی (ع) می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹). «مردم را با رفتار خود به سوی حق دعوت کنید، نه فقط با زبان.»

ما باید در عمل نشان دهیم که رهروان راه شهدا هستیم. اگر امدادگران شهید، جان خود را فدا کردند، پس امروز چه کسی باید راهشان را ادامه دهد؟ اگر هر کس در جایگاه خود، احساس مسئولیت کند، آنگاه می‌توانیم بگوییم که رهروان واقعی شهدا هستیم. شهدا رفتند، اما پیام آن‌ها برای همیشه باقی ماند. آن‌ها به ما گفتند که در مسیر حق، باید استوار بمانیم. راهی که آن‌ها پیمودند، آسان نبود، اما پربارترین مسیر زندگی بود. امروز، رسالت ما سنگین‌تر از همیشه است. ما باید حافظان خون شهدا باشیم. ما باید ادامه‌دهندگان راهی باشیم که آن‌ها آغاز کردند.

این کتاب، تنها یادواره‌ای از امدادگران شهید نیست، بلکه دعوتی است برای همه‌ی ما که در هر جایگاهی که هستیم، رسالت خود را به درستی انجام دهیم. راه شهدا، راه عزت، شرف و آزادی است. این پرچم تا روزی که حقیقت بر تاریکی پیروز شود، برافراشته خواهد ماند. ما ادامه‌دهندگان این راهیم و با افتخار، مشعل‌دار آرمان‌های آنان خواهیم بود. «اللهم اجعلنا من السائرين على درب الشهداء...»

شهادت، مکتب عاشقی و نقطه‌ی اوج بندگی

شهادت، تنها یک اتفاق نیست، بلکه انتخابی آگاهانه و عاشقانه است. شهید کسی است که حقیقت را یافته و برای حفظ آن، از همه‌چیز خود گذشته است. شهادت، بالاترین مقام یک انسان در مسیر بندگی خداست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره، ۱۵۴). «و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگوئید، بلکه آنان زنده‌اند، اما شما درک نمی‌کنید.»



این آیه، حقیقتی عمیق را بیان می‌کند؛ شهدا، زنده‌اند و در عالمی فراتر از درک ما، به زندگی خود ادامه می‌دهند. آن‌ها جاودانه‌اند، زیرا راهی را پیموده‌اند که به ابدیت ختم می‌شود؛ اما آیا شهادت، فقط نصیب رزمندگان میدان جنگ می‌شود؟ یا اینکه در زندگی روزمره نیز می‌توان به این مقام رسید؟

۱. شهادت، تنها در میدان نبرد نیست

شاید بسیاری گمان کنند که شهادت، تنها مختص به جبهه‌های جنگ است؛ اما حقیقت این است که هر کس در هر جایگاهی، اگر برای خدا و در مسیر حق از خود بگذرد، در مسیر شهادت گام برداشته است. امام حسین (ع) در روز عاشورا فرمودند: «إِنَّ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمْ إِلَّا بِقَتْلِي، يَا سُيُوفُ خُدَيْبِي» (مقتل الحسین، ابن طاووس، ص ۴۵). «اگر دین پیامبر (ص) جز با خون من پایدار نمی‌ماند، پس ای شمشیرها! مرا دریا بید». این همان روحیه‌ای است که همه‌ی شهدا داشتند؛ آن‌ها از جان خود گذشتند تا حقیقت باقی بماند.

امروز، شهادت در چیست؟

- کارگری که برای رزق حلال خانواده‌اش با سختی تلاش می‌کند، در مسیر شهادت است.
- معلمی که نسل آینده را تربیت می‌کند، شهیدگونه زندگی می‌کند.
- پزشکی که شبانه‌روز برای نجات بیماران تلاش می‌کند، راه شهدا را ادامه می‌دهد.
- امدادگری که جان خود را در راه کمک به دیگران به خطر می‌اندازد، در مسیر شهادت است.

شهادت، مرز نمی‌شناسد. هر کس که در مسیر ایثار، فداکاری و بندگی خدا گام بردارد، در جاده‌ی شهادت حرکت کرده است.

۲. امدادگران شهید؛ قهرمانان بی‌سلاح اما با قلبی بزرگ

امدادگران، در دل آتش، در میان دود و خون، تنها به یک چیز فکر می‌کردند: نجات جان دیگران. آن‌ها نه برای جنگیدن، بلکه برای زندگی بخشیدن به میدان آمدند.



دست‌هایشان، مرهم زخم‌ها بود و دل‌هایشان، سرشار از عشق به انسانیت.

۳. شهیدان، جاودانگان تاریخ

چه چیزی باعث شده که بعد از سال‌ها، هنوز نام شهدا را با افتخار بر زبان بیاوریم؟ آیا در تاریخ، نام کسانی که تنها به فکر خود بودند، باقی مانده است؟ امام خمینی (ره) فرمودند: «شهید نظر می‌کند به وجه‌الله؛ و این، یعنی جاودانگی.» شهدا در حافظه‌ی تاریخ ماندگار شدند؛ زیرا برای چیزی فراتر از خود زندگی کردند. آن‌ها نه تنها نام خود را در این دنیا، بلکه در عالم باقی نیز جاودانه کردند.

۴. رسالت ما در برابر شهدا

شهدا کار خود را انجام دادند. آن‌ها راهشان را رفتند و به مقام والای خود رسیدند. اما امروز، ما چه وظیفه‌ای داریم؟
- آیا باید فقط یاد آن‌ها را گرامی بداریم؟
- یا اینکه راهشان را در عمل ادامه دهیم؟
مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «زنده نگه داشتن یاد شهدا، کمتر از شهادت نیست.»
این جمله، مسئولیت بزرگی را بر دوش ما می‌گذارد.

۵. چگونه می‌توانیم راه شهدا را ادامه دهیم؟

الف) عمل به ارزش‌هایی که شهدا برای آن‌ها جان دادند.
شهدا برای چه جنگیدند؟ برای دفاع از ارزش‌های اسلامی، برای حفظ عزت و استقلال کشور، برای پاسداری از آرمان‌های انقلاب. اگر ما در زندگی روزمره، این ارزش‌ها را حفظ کنیم، راه آن‌ها را ادامه داده‌ایم.
ب) وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری
هر کس در هر جایگاهی که هست، اگر کار خود را با وجدان انجام دهد، ادامه‌دهنده‌ی راه شهادت.



- اگر پزشکی، با اخلاص و دلسوزی بیماران را درمان کند، در مسیر شهدا قدم گذاشته است.

- اگر معلمی، با عشق و تعهد، دانش‌آموزانش را تربیت کند، شهیدگونه زندگی کرده است.

- اگر مسئولی، برای خدمت به مردم تلاش کند و از فساد و خیانت دوری کند، در مسیر شهدا قرار دارد.

ما هرگز نباید بگذاریم خون شهدا پایمال شود؛ ما در برابر شهدا مسئولیم. شهدا رفتند، اما ما هنوز در این مسیر باقی مانده‌ایم. راهی که آن‌ها آغاز کردند، امروز بر دوش ماست. این کتاب، تنها یک یادنامه از امدادگران شهید نیست، بلکه سندی است برای رسالت ما.

این کتاب، دعوتی است برای همه‌ی ما که در هر جایگاهی که هستیم، رسالت خود را به درستی انجام دهیم. راه شهدا، راه عزت، شرف و آزادی است. این پرچم تا روزی که حقیقت بر تاریکی پیروز شود، برافراشته خواهد ماند. ما ادامه‌دهندگان این راهیم و با افتخار، مشعل‌دار آرمان‌های آنان خواهیم بود.

آغاز یک مسیر جاودانه

شهدا رفتند، اما راهشان را برای همیشه روشن گذاشتند. آن‌ها چراغ‌هایی بودند که مسیر حقیقت را برای ما نمایان کردند و در بلندای تاریخ، همچنان می‌درخشند. امدادگران شهید، از جان خود گذشتند تا جان‌های دیگر را نجات دهند؛ اما در حقیقت، آن‌ها بودند که برای همیشه جاودانه شدند. راهی که آن‌ها پیمودند، تنها برای یک دوران نبود، بلکه راهی است که تا پایان دنیا ادامه خواهد داشت. این مسیر، مسیر ایثار، فداکاری و خدمت به انسانیت است.

این کتاب به پایان می‌رسد؛ اما رسالتی که آنان بر دوش ما گذاشتند، همچنان باقی است. شهدا نظاره‌گر ما هستند و ما، رهروان راهی که آن‌ها آغاز کردند.



شهید، راهبران مسیر ایثار و خدمت

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان سمنان

۱۸ مهر ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

در میان همه ارزش‌های والای انسانی، هیچ ارزشی به اندازه‌ی ایثار و خدمت به هم‌نوع، در دل تاریخ ماندگار نشده است. از روزی که انسان پا به این جهان گذاشت، همواره در مواجهه با خطرات، نیازمند دستانی بوده که در لحظات سختی و درماندگی، یاری‌اش کنند. این دست‌ها، همان دستان پر مهر امدادگران‌اند که بی‌هیچ چشم‌داشتی، برای نجات جان‌ها شتاب می‌کنند. امدادگری، تنها یک وظیفه‌ی شغلی یا سازمانی نیست؛ بلکه شیوه‌ای از زیستن است که بر پایه‌ی ارزش‌های متعالی انسانی و الهی شکل گرفته است. در دل این مسیر، انسان‌هایی گام برمی‌دارند که دغدغه‌ی آنان چیزی فراتر از معیشت و زندگی روزمره است. آنها نه برای خود، که برای دیگران زندگی می‌کنند؛ نه برای سود، بلکه برای نجات جان‌ها تلاش می‌کنند. این ویژگی، امدادگری را به رسالتی بی‌همتا تبدیل کرده است؛ رسالتی که در آن، هر تصمیم، هر حرکت و هر تلاش، می‌تواند سرنوشت یک انسان را تغییر دهد. در این یادواره شهدای امدادگر سمنان، گرد هم آمده‌ایم تا از کسانی سخن بگوییم که در این مسیر، تا پای جان رفتند و نشان دادند که عشق به انسان‌ها، چگونه می‌تواند یک نفر را به بلندای ایثار برساند. شهدای امدادگر، نام‌های درخشانی در دفتر تاریخ‌اند که جان خود را در راه نجات دیگران نهادند. آنان، مشعل‌هایی هستند که مسیر را برای ما روشن ساخته‌اند. این فصل، به بررسی ابعاد مختلف امدادگری، پیوند آن با مفهوم جهاد، نقش جوانان در استمرار این مسیر و چالش‌های این عرصه می‌پردازد تا تصویری روشن از این رسالت الهی و انسانی ارائه دهد.





امدادگری، راهی از جنس عشق و فداکاری

امدادگری، چیزی فراتر از یک حرفه، شغل یا حتی یک وظیفه‌ی انسانی است. این مسیر، راهی است که تنها عاشقان آن را درک می‌کنند؛ راهی که در آن، یک نفر آرامش و امنیت خود را فدا می‌کند تا دیگری از مرگ نجات یابد. اما این انتخاب، از کجا نشأت می‌گیرد؟ چرا عده‌ای در سخت‌ترین لحظات، نه تنها به فکر نجات خود نیستند، بلکه جانشان را به خطر می‌اندازند تا دست دیگری را بگیرند. در جهانی که بسیاری، تنها به منافع شخصی خود می‌اندیشند، امدادگران، نقطه‌ی مقابل این تفکر هستند. آنان، بدون هیچ چشم‌داشتی، بدون هیچ انتظاری برای تقدیر و ستایش، وارد میدان می‌شوند. اگر از آن‌ها بپرسی که چرا این مسیر را انتخاب کرده‌اند، پاسخی مشترک خواهند داد: «چون نمی‌توانم بی تفاوت بمانم!»

۱. فلسفه‌ی ایثار در امدادگری: ایثار، به معنای کنار گذاشتن خواسته‌های شخصی برای کمک به دیگران است. این مفهوم، در ذات امدادگری نهفته است؛ اما آیا ایثار، تنها یک ویژگی اخلاقی است یا فراتر از آن، یک ضرورت انسانی؟ در لحظه‌ی وقوع حادثه، زمانی که یک نفر در زیر آوار گرفتار است، زمانی که یک مصدوم در میدان جنگ میان مرگ و زندگی دست‌وپنجه نرم می‌کند، یا زمانی که کودکی در میان سیلاب در آغوش مادرش به دنبال امیدی برای نجات است، تفاوت میان یک جامعه‌ی انسانی و جامعه‌ای که تنها به خود می‌اندیشد، مشخص می‌شود. ایثار، فقط یک انتخاب فردی نیست، بلکه پایه‌ی استواری هر جامعه‌ی سالم است. اگر این روحیه در میان انسان‌ها نباشد، هیچ ملتی دوام نخواهد آورد. امدادگری، نماد این ایثار جمعی است؛ تجلی یک باور که می‌گوید: «تو تنها نیستی، ما اینجاییم!»

۲. انگیزه‌ی امدادگران؛ فراتر از مادیات و منافع شخصی: بسیاری از مشاغل، با انگیزه‌های مالی، امنیت شغلی یا موقعیت اجتماعی انتخاب می‌شوند. اما امدادگری، با هیچ‌یک از این معیارها هم‌خوانی ندارد. نه تنها پاداش مادی قابل توجهی در این مسیر وجود ندارد، بلکه خطرات بسیاری در کمین است. از قرار گرفتن در معرض بیماری‌های خطرناک گرفته تا حضور در میدان‌های جنگ و مناطق بحران‌زده، امدادگران هر روز با تهدیدهای جدیدی روبه‌رو می‌شوند.

پس چه چیزی آن‌ها را در این مسیر نگه می‌دارد؟

- احساس مسئولیت: امدادگران نمی‌توانند رنج دیگران را نادیده بگیرند. درد یک مجروح، برای آن‌ها، دردی شخصی است.

- نیاز به معنا در زندگی: بسیاری از افراد در طول زندگی خود به دنبال معنایی فراتر از روزمرگی هستند. امدادگری، این معنا را به آن‌ها می‌بخشد.

- ارزش‌های اخلاقی و باورهای انسانی: امدادگران، اغلب به این باور رسیده‌اند که زندگی، ارزشی بیش از تأمین نیازهای شخصی دارد. آنان دریافته‌اند که زیباترین



لحظات زندگی، لحظاتی است که در آن‌ها، دستی را گرفته‌اند، امیدی را زنده کرده‌اند، یا جان انسانی را نجات داده‌اند.

- امدادگری، تنها به داشتن مهارت‌های پزشکی یا فنی خلاصه نمی‌شود. یک امدادگر واقعی، علاوه بر دانش و توانایی، نیازمند ویژگی‌های خاصی است که عبارتند از:
 - توانایی کنترل استرس و حفظ آرامش در شرایط بحرانی.
 - قدرت تصمیم‌گیری سریع در لحظات حساس.
 - پایداری در برابر سختی‌ها و ناملایمات.
 - روحیه‌ی کار تیمی و همدلی با آسیب‌دیدگان.

همه‌ی انسان‌ها، می‌توانند بخشی از این مسیر باشند، اما تنها کسانی که این ویژگی‌ها را در خود پرورش دهند، می‌توانند در لحظات حساس، بدون تردید و ترس، وارد میدان شوند.

امدادگران، مجاهدان بی‌سلاح

جهاد، همواره به معنای جنگیدن با سلاح و حضور در میدان نبرد نیست. گاهی جهاد، در دل خاموش‌ترین میدان‌های جنگ رخ می‌دهد؛ جایی که هیچ گلوله‌ای شلیک نمی‌شود، اما زندگی و مرگ، همچنان در برابر هم قرار دارند. امدادگران، جنگجویانی بی‌سلاح‌اند که به جای تفنگ، با دستانشان می‌جنگند؛ اما دشمن آن‌ها، دشمنی متفاوت است:

- دشمن آنان، مرگ است که هر لحظه در کمین انسان‌ها نشسته است.
- دشمن آنان، درد و رنجی است که جسم و روح آسیب‌دیدگان را می‌آزارد.
- دشمن آنان، ناامیدی است که پس از هر بحران، سایه‌ی سنگینش را بر سر بازماندگان می‌اندازد.



۱. امدادگران در خط مقدم، اما بی دفاع: بسیاری از مردم، سربازان را به عنوان نماد ایثار می شناسند؛ اما کمتر کسی به این می اندیشد که امدادگران، بیش از هر نیرویی، در خط مقدم میدان های جنگ، زلزله، سیل، بیماری های همه گیر و فجایع انسانی حضور دارند؛ اما برخلاف سربازان، هیچ گونه ابزار دفاعی در اختیار ندارند. آنان، نه می توانند از خود محافظت کنند، نه می توانند حمله ای را پاسخ دهند. تنها ابزار آنان، دستانی است که زخم ها را می بندد، چشمانی است که در جستجوی آسیب دیدگان می گردد؛ و قلبی است که بدون خستگی، می تپد.

۲. سخت ترین میدان های جنگ؛ جایی که دشمن، دیده نمی شود: یکی از تفاوت های بزرگ میان امدادگری و جنگ، این است که در جنگ، دشمن مشخص است. اما در میدان امدادگری، دشمن، گاهی نامرئی است:

- در یک زلزله، امدادگر نمی داند که پس لرزه های دیگر در راه است یا نه.
- در میدان بیماری های همه گیر، نمی داند که آیا خودش نیز قربانی خواهد شد یا نه.
- در مناطق جنگی، هر لحظه ممکن است مورد هدف دشمن قرار گیرد؛ اما او همچنان در میدان می ماند.

۳. مرز میان ترس و شجاعت در وجود یک امدادگر؛ آیا امدادگران از خطر نمی ترسند؟ آیا احساس ناامنی نمی کنند؟ قطعاً چنین نیست. آن ها نیز مانند هر انسان دیگری، ترس را تجربه می کنند. اما تفاوت میان آن ها و دیگران در این است که آنان، اجازه نمی دهند که ترس، بر تصمیم هایشان چیره شود. ترس، در وجود هر امدادگری هست، اما آنچه آنان را در میدان نگه می دارد، چیزی قوی تر از ترس است: عشق به نجات جان انسان ها، ایمان به رسالتشان، و باور به اینکه حتی اگر جانشان را از دست بدهند، در راهی مقدس گام برداشته اند.





جوانان، پرچم‌داران راه شهدا

هر رسالتی برای تداوم خود، نیازمند نسل‌هایی است که آن را درک کنند، بپذیرند و برای تحقق آن، گام بردارند. فرهنگ امدادگری و ایثار، تنها زمانی زنده خواهد ماند که جوانان، مشعل آن را در دست بگیرند و با تمام توان، آن را به نسل‌های بعدی برسانند. اما پرسش اینجاست: آیا جوانان امروز، آماده‌ی پذیرش این مسئولیت‌اند؟ آیا ارزش‌های ایثار و از خودگذشتگی، همچنان در میان نسل جدید زنده است؟ اگر بخواهیم این پرسش را با دقت بیشتری بررسی کنیم، باید به ویژگی‌های جوانان توجه کنیم. جوان، نماد انرژی، پویایی و شجاعت است. در هر جامعه‌ای که نیروی جوان، در مسیر صحیح هدایت شود، آن جامعه به شکوفایی خواهد رسید؛ اما اگر این نیروی عظیم، بدون هدایت و جهت‌گیری رها شود، به پتانسیلی خنثی و حتی مخرب تبدیل خواهد شد. در حوزه‌ی امدادگری، حضور جوانان، نه تنها یک نیاز، بلکه یک ضرورت است. این ضرورت، از چند جنبه قابل بررسی است:

- توان جسمی و استقامت بالا: امدادگری، نیازمند سرعت، دقت و استقامت است. بسیاری از عملیات امدادی، ساعت‌ها و حتی روزها طول می‌کشند. در چنین شرایطی،

نیروی جوان، بیشترین کارایی را دارد.

- انعطاف‌پذیری در شرایط بحرانی: بحران‌ها، اغلب غیرقابل پیش‌بینی‌اند. شرایطی که امروز وجود دارد، ممکن است لحظه‌ای بعد، به کلی تغییر کند. جوانان، به دلیل قدرت تطبیق بالای خود، می‌توانند سریع‌تر با شرایط جدید هماهنگ شوند.

- روحیه‌ی نوآوری و استفاده از فناوری‌های جدید: امدادگری، نیازمند تحول و به‌روزرسانی مداوم است. نسل‌های جدید، با تسلط بر فناوری‌های نوین، می‌توانند روش‌های جدیدی برای امدادسانی ارائه دهند.

۱. آیا جوانان امروز، آماده‌ی ورود به این مسیرند: یکی از نگرانی‌های مطرح‌شده در سال‌های اخیر، کاهش روحیه‌ی ایثار و مسئولیت‌پذیری در میان برخی از جوانان است. بسیاری بر این باورند که سبک زندگی مدرن، باعث شده است که ارزش‌های ایثار، جای خود را به فردگرایی و منافع شخصی بدهد. نگاهی دقیق‌تر به حوادث و بحران‌های اخیر، نشان می‌دهد که هرگاه جامعه‌ای دچار بحران شده، این جوانان بوده‌اند که نخستین گروه‌های حاضر در میدان بوده‌اند. از سیل و زلزله گرفته تا بحران‌های بهداشتی، حضور داوطلبانه‌ی جوانان، نشان داده است که روحیه‌ی ایثار، همچنان زنده است.

تفاوت امروز، تنها در این است که این روحیه، باید به شیوه‌ای متناسب با شرایط زمانه تقویت و هدایت شود.

۲. چگونه می‌توان جوانان را برای این مسیر آماده کرد؟

اگر بخواهیم نسل جدید را به سمت امدادگری هدایت کنیم، باید مسیری روشن، ملموس و انگیزه‌بخش برای آن‌ها ترسیم کنیم. برخی از اقداماتی که در این زمینه می‌توان انجام داد، عبارت‌اند از:

- آموزش مهارت‌های امدادگری در مدارس و دانشگاه‌ها: یکی از بهترین روش‌ها برای نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار، آموزش آن از سنین پایین است. اگر کودکان و نوجوانان،



از همان ابتدا با اصول امدادگری آشنا شوند، این فرهنگ، به بخشی از هویت آنان تبدیل خواهد شد.

- ایجاد برنامه‌های عملی امدادسانی برای جوانان: تجربه‌های عملی، بیش از هر سخنرانی و کلاس درسی، می‌توانند تأثیرگذار باشند. برگزاری اردوهای امدادی، شبیه‌سازی عملیات نجات و مشارکت در مأموریت‌های واقعی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند جوانان را به‌صورت عملی با مفهوم امدادگری و ایثار آشنا کند. هیچ درسی، جایگزین تجربه‌ی حضور در صحنه‌ی واقعی یک بحران نخواهد شد. جوانان، باید ببینند، لمس کنند و در شرایط واقعی تصمیم‌گیری کنند تا روحیه‌ی ایثار در آن‌ها نهادینه شود.

- معرفی الگوهای موفق از میان جوانان امدادگر: نقش الگوها در شکل‌گیری نگرش و انگیزه‌ی جوانان، انکارناپذیر است. اگر جوانان، هم‌نسلان خود را در قامت امدادگران فداکار ببینند، انگیزه‌ی بیشتری برای پیوستن به این مسیر پیدا خواهند کرد.

- ایجاد فرصت‌های رشد و پیشرفت در حوزه‌ی امدادگری: بسیاری از جوانان، به دنبال مسیری هستند که هم به رشد شخصی آن‌ها کمک کند و هم به جامعه فایده برساند. باید نشان داد که امدادگری، نه‌تنها یک فعالیت داوطلبانه، بلکه مسیری برای پیشرفت، یادگیری و کسب تجربه‌های ارزشمند است.

امدادگری، تنها یک شغل نیست؛ یک سبک زندگی است

بسیاری از افراد، امدادگری را تنها به‌عنوان یک فعالیت داوطلبانه یا یک حرفه‌ی خاص می‌شناسند؛ اما حقیقت این است که امدادگری، فراتر از یک شغل یا وظیفه‌ی خاص، نوعی سبک زندگی است. یک امدادگر واقعی، تنها در لحظات بحران و در مأموریت‌های امدادی، به فکر کمک به دیگران نیست؛ بلکه این روحیه، در تمام ابعاد زندگی او جریان دارد. یک امدادگر، در زندگی روزمره نیز به نیازهای اطرافیان توجه می‌کند. او کسی است که در خیابان، به یک سالمند برای عبور از جاده کمک می‌کند، در مترو، جای خود را به نیازمندان می‌دهد؛ و در جمع‌های دوستانه، گوش شنوای دردهای دیگران



است. این روحیه، چیزی نیست که تنها در حوادث و بحران‌ها معنا پیدا کند؛ بلکه بخشی از هویت یک امدادگر است؛ بنابراین، آماده‌سازی جوانان برای ورود به عرصه‌ی امدادگری، به معنای پرورش نسلی است که نسبت به جامعه‌ی خود احساس مسئولیت می‌کند؛ نسلی که به جای منفعل بودن، در هر شرایطی، به دنبال راهی برای کمک و بهبود اوضاع است.

با وجود تمام مزایایی که حضور جوانان در عرصه‌ی امدادگری دارد، موانعی نیز بر سر راه آن‌ها وجود دارد. برخی از این چالش‌ها عبارت‌اند از:

- عدم آگاهی کافی از نقش و اهمیت امدادگری: بسیاری از جوانان، شناخت دقیقی از ارزش و اهمیت امدادگری ندارند. ممکن است تصور کنند که این حوزه، تنها به کادر درمانی یا نیروهای حرفه‌ای محدود می‌شود و آن‌ها نمی‌توانند نقشی در آن داشته باشند.

- نبود آموزش‌های کافی و دسترسی به مهارت‌های امدادی: در بسیاری از کشورها، آموزش امدادگری، جزئی از برنامه‌های رسمی مدارس و دانشگاه‌ها نیست؛ بنابراین، جوانانی که علاقه‌مند به این حوزه هستند، ممکن است ندانند که از کجا باید شروع کنند.

- ترس از مواجهه با بحران‌ها و شرایط دشوار: ورود به عرصه‌ی امدادگری، نیازمند آمادگی روانی و ذهنی است. بسیاری از جوانان، ممکن است نگران این باشند که نتوانند در شرایط سخت، تصمیم‌گیری درستی داشته باشند یا فشار روانی ناشی از مواجهه با آسیب‌دیدگان را تحمل کنند.

برای اینکه جوانان، بتوانند بدون ترس و تردید، وارد مسیر امدادگری شوند، باید اقدامات زیر انجام شود:

- آموزش‌های عمومی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها: مهارت‌های امدادی، نباید به یک قشر خاص محدود شود. همه‌ی افراد، باید حداقل آموزش‌های اولیه‌ی امداد و نجات را ببینند تا در شرایط بحرانی، بتوانند واکنش مناسبی داشته باشند.



- ایجاد برنامه‌های حمایتی و مشاوره‌ای برای امدادگران جوان: ورود به عرصه‌ی امدادگری، ممکن است با فشارهای روحی و روانی همراه باشد. برنامه‌های مشاوره‌ای، می‌توانند به امدادگران کمک کنند تا با این فشارها کنار بیایند و از فرسودگی شغلی و روحی جلوگیری شود.

- ترویج فرهنگ ایثار از طریق رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی: سینما، تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی و سایر رسانه‌ها، می‌توانند نقش مهمی در ترویج فرهنگ امدادگری ایفا کنند.

- نشان دادن داستان‌های واقعی از فداکاری امدادگران، می‌تواند انگیزه‌ی جوانان را برای ورود به این مسیر افزایش دهد.

عشق قوی تر از مرگ در میدان خطر

در هر بحرانی، لحظاتی وجود دارد که همه‌چیز به یک تصمیم بستگی دارد؛ لحظه‌ای که یک امدادگر، باید میان ترس و وظیفه، یکی را انتخاب کند. این همان لحظه‌ای است که مرگ، از فاصله‌ی چند قدمی عبور می‌کند، اما عشق، قوی‌تر از ترس، او را در میدان نگه می‌دارد.

۱. چرا امدادگران، حتی در سخت‌ترین شرایط، تسلیم نمی‌شوند؟

امدادگران، بارها و بارها با موقعیت‌هایی روبه‌رو شده‌اند که جانشان در خطر بوده است. از حضور در میان آوارهای زلزله‌ای که هر لحظه ممکن است فرو بریزد، تا ورود به مناطق جنگی‌ای که گلوله‌ها بی‌هدف شلیک می‌شوند؛ اما چه چیزی باعث می‌شود که با وجود این خطرات، همچنان در میدان بمانند؟

چند عامل کلیدی در این پایداری نقش دارد:

- احساس مسئولیت: یک امدادگر، می‌داند که اگر او نرود، شاید کسی دیگر نتواند برود. این حس مسئولیت، او را وادار می‌کند که حتی در سخت‌ترین لحظات، تسلیم نشود.
- اعتماد به تیم و آموزش‌هایی که دیده است: امدادگران، به‌طور مداوم آموزش می‌بینند

تا در شرایط بحرانی، بهترین واکنش را داشته باشند. این آمادگی ذهنی، باعث می‌شود که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز، احساس کنترل و تسلط بر اوضاع داشته باشند.

- باور به ارزش کارشان: هیچ‌چیز به اندازه‌ی این باور که «کار من، نجات جان یک انسان است» نمی‌تواند انگیزه‌بخش باشد. این اعتقاد، نیرویی قدرتمند است که حتی در شرایطی که همه‌چیز علیه آن‌هاست، امید و استقامت را در وجودشان زنده نگه می‌دارد.

۲. سخت‌ترین تصمیم‌های یک امدادگر

در میدان امدادگری، تصمیم‌گیری‌های سخت، بخشی از کار روزانه است؛ اما برخی از این تصمیم‌ها، بار سنگینی بر دوش امدادگران می‌گذارند:

- انتخاب میان چند مجروح: گاهی اوقات، منابع امدادی محدود است و امدادگر باید تصمیم بگیرد که کدام بیمار، شانس بیشتری برای نجات دارد. این یکی از دردناک‌ترین انتخاب‌هایی است که یک انسان می‌تواند با آن روبه‌رو شود.

- عبور از خطر برای نجات یک نفر: مواقعی پیش می‌آید که یک امدادگر، باید وارد منطقه‌ای شود که هر لحظه ممکن است جانش را از دست بدهد. این لحظات، آزمونی برای شجاعت و ایثار است.

- پذیرش این واقعیت که گاهی نمی‌توان همه را نجات داد: یکی از سخت‌ترین چالش‌های امدادگری، مواجهه با این حقیقت است که همیشه امکان نجات همه‌ی افراد وجود ندارد. این مسئله، می‌تواند از نظر روحی، فشار زیادی بر امدادگران وارد کند.

امدادگری در میدان‌های خطر

بلایای طبیعی و آزمون بزرگ انسانیت: بلایای طبیعی، همواره آزمونی سخت برای بشریت بوده‌اند. زلزله، سیل، طوفان، آتش‌سوزی و دیگر فجایع، نه تنها سازه‌های انسانی را ویران می‌کنند، بلکه چهره‌ی واقعی یک جامعه را نیز آشکار می‌سازند. در این



لحظات، تفاوت میان جوامعی که بر پایه‌ی همبستگی، ایثار و مسئولیت‌پذیری بنا شده‌اند و آن‌هایی که تنها به منفعت فردی می‌اندیشند، نمایان می‌شود. امدادگران، در این آزمون بزرگ، خط مقدم دفاع از انسانیت را تشکیل می‌دهند. آن‌ها، نخستین کسانی هستند که در صحنه‌ی بحران حاضر می‌شوند و آخرین کسانی‌اند که آنجا را ترک می‌کنند. اما چرا حضور آن‌ها تا این اندازه حیاتی است؟ و چگونه می‌توان جوامعی ساخت که در برابر بلایای طبیعی، مقاوم‌تر و آماده‌تر باشند؟

۱. چرا امدادگران، قهرمانان ناشناخته‌ی بلایای طبیعی‌اند؟

هرگاه بلایای طبیعی رخ می‌دهند، خبرها، بیشتر بر میزان خسارات، تعداد قربانیان و تصاویر ویرانی‌ها تمرکز دارند. اما کمتر کسی از آن‌هایی می‌گویند که شبانه‌روز در تلاش‌اند تا جان‌ها را نجات دهند، از زیر آوار، زنده‌ها را بیرون بکشند، برای مجروحان، سرپناه فراهم کنند و امید را به بازماندگان بازگردانند.

در این شرایط، امدادگران با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند:

- شرایط نامساعد محیطی: پس از یک زلزله یا سیل، بسیاری از زیرساخت‌ها از بین می‌روند. جاده‌ها مسدود می‌شوند، ارتباطات قطع می‌گردد و امکانات درمانی، به شدت محدود می‌شود. در چنین شرایطی، امدادگران باید با کمترین امکانات، بیشترین تأثیر را بگذارند.

- مدیریت بحران و تصمیم‌گیری‌های دشوار: وقتی منابع محدود است و تعداد آسیب‌دیدگان زیاد، امدادگران باید تصمیم بگیرند که کدام منطقه، اولویت بیشتری برای امدادرسانی دارد و چگونه می‌توان منابع را به‌طور بهینه توزیع کرد.

- فشار روانی ناشی از مواجهه با رنج و مرگ: امدادگران، هر روز با صحنه‌هایی روبه‌رو می‌شوند که برای بسیاری از مردم، غیرقابل تحمل است. دیدن خانواده‌هایی که عزیزانشان را از دست داده‌اند، کودکانی که بی‌سرپناه شده‌اند و اجسادی که از زیر آوار بیرون کشیده می‌شوند، بار سنگینی بر دوش آنان می‌گذارد.



۲. نقش مردم در کاهش آسیب‌های بلایای طبیعی

امدادگران، هرچند قهرمانان این میدان‌اند، اما بدون مشارکت مردم، توانایی مقابله با بحران‌ها را نخواهند داشت. هر فرد، می‌تواند در کاهش خسارات و افزایش میزان نجات‌یافتگان نقش داشته باشد. اما چگونه؟

- آگاهی و آموزش عمومی: بسیاری از مرگ‌ومیرها در بلایای طبیعی، نه به دلیل شدت حادثه، بلکه به دلیل عدم آگاهی از نحوه‌ی واکنش صحیح رخ می‌دهند. آموزش کمک‌های اولیه، نحوه‌ی تخلیه‌ی اضطراری و اقدامات ایمنی، می‌تواند جان هزاران نفر را نجات دهد. - ایجاد شبکه‌های داوطلبانه‌ی امدادی: در بسیاری از کشورها، گروه‌های داوطلب، نقش کلیدی در امدادسانی دارند. این گروه‌ها، با آموزش‌های لازم و سازمان‌دهی مناسب، می‌توانند در کنار امدادگران حرفه‌ای، به عملیات نجات سرعت ببخشند.

- تقویت همبستگی اجتماعی: در زمان بحران، مهم‌ترین عامل برای بقا، احساس مسئولیت جمعی است. جوامعی که در آن‌ها، مردم به کمک یکدیگر می‌شتابند، همواره آسیب کمتری از بلایا می‌بینند.

امروز، در این محفل مقدس، گرد آمده‌ایم تا از آن‌هایی یاد کنیم که در مسیر امدادگری، جان خود را فدا کردند. آنان، تنها امدادگران نبودند، بلکه پیام‌آوران ایثار، عشق و انسانیت بودند. آنان نشان دادند که امدادگری، تنها یک وظیفه‌ی حرفه‌ای نیست، بلکه یک ایمان، یک تعهد و یک پیمان است؛ پیمانی که هرگز شکسته نمی‌شود.

۱. چرا یاد شهدا، چراغ راه آینده‌ی ماست: شهدای امدادگر، تنها قهرمانان گذشته نیستند؛ آن‌ها، مشعل‌دارانی‌اند که راه را برای ما روشن ساخته‌اند. اگر امروز، ما در مسیر امدادگری ایستاده‌ایم، به دلیل راهی است که آنان هموار کردند؛ اما آیا ما، این مسئولیت را به درستی درک کرده‌ایم؟ آیا به‌عنوان ادامه‌دهندگان این مسیر، تعهد خود را ادا کرده‌ایم؟ حفظ یاد شهدا، تنها به معنای برگزاری مراسم و یادواره نیست. بلکه مهم‌ترین راه پاسداشت آن‌ها، ادامه دادن مسیری است که برای آن جانشان را فدا کردند. هر امدادگری که در میدان بحران حاضر می‌شود، هر جوانی که به یادگیری



مهارت‌های امدادی می‌پردازد، و هر انسانی که در لحظه‌ی نیاز، دست دیگری را می‌گیرد، در حقیقت، چراغ راه شهدا را روشن نگه داشته است.

۲. چگونه می‌توان پیمان شهدا را حفظ کرد: اگر بخواهیم راه شهدا را ادامه دهیم، باید به چند اصل اساسی پایبند باشیم:

- تداوم آموزش و یادگیری: شهدا، هرگز متوقف نشدند. آن‌ها، همواره در حال یادگیری، رشد و آمادگی برای کمک‌رسانی بودند. ما نیز، باید همین مسیر را طی کنیم.
- حضور در میدان، نه در حرف، بلکه در عمل: گرامیداشت شهدا، تنها در گفتار نیست. باید همانند آن‌ها، در لحظات بحرانی، آماده‌ی خدمت باشیم.
- حفظ روحیه‌ی همبستگی و ایثار: شهدا، به ما آموختند که هیچ انسانی، تنها برای خود زندگی نمی‌کند. ما، مسئول یکدیگر هستیم و تنها با همدلی و ایثار، می‌توانیم جوامع قوی‌تری بسازیم.

این راه، راهی بی‌پایان است

امدادگری، سفری است که پایانی ندارد. در هر گوشه‌ای از جهان، در هر روز و هر ساعت، حادثه‌ای در حال رخ دادن است. این مسیر، همیشه به کسانی نیاز دارد که آماده‌ی ورود به میدان باشند؛ کسانی که ترس را کنار بگذارند، عشق را در دلشان زنده نگه دارند، و با تمام وجود، برای نجات جان‌ها تلاش کنند.

اما مهم‌ترین پیام این مسیر، چیزی فراتر از امدادگری است. این مسیر، درسی از زندگی است؛ درسی که می‌گوید:

- در برابر رنج دیگران، بی‌تفاوت نباش.
 - در تاریک‌ترین لحظات، نور امید باش.
 - اگر می‌توانی، حتی یک نفر را نجات بده؛ زیرا نجات یک انسان، نجات همه‌ی بشریت است.
- و ما، با قلب‌هایی مملو از ایمان، این راه را ادامه خواهیم داد؛ زیرا این تنها یک انتخاب نیست، بلکه یک تعهد است.



انها که برای نجات دیگران از جان گذشتند

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان خراسان شمالی

۲۶ مهر ۱۴۰۳

مقدمه

جنگ، تنها آوردگاه سربازانی نیست که با سلاح در میدان نبرد می‌جنگند؛ گاهی، جنگ در دست‌های خالی انسان‌هایی جریان دارد که برای حفظ جان دیگران، خود را به دل آتش و خون می‌زنند. امدادگران شهید، بی‌هیچ اسلحه‌ای، با ایمان و دستانی که برای التیام زخم‌ها دراز شده بود، به قلب میدان رفتند. آن‌ها نه به امید پیروزی نظامی، که با آرزوی نجات جان یک انسان دیگر، قدم در مسیری گذاشتند که پایانش را به خوبی می‌دانستند.

دکتر پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر، در یادواره‌ی شهدای امدادگر استان خراسان شمالی، بر نکته‌های کلیدی تأکید کرد: «امدادگران، تنها کسانی بودند که حتی در لحظه‌های سخت، میدان را ترک نکردند. در اوج بمباران‌ها، زیر باران گلوله، در سخت‌ترین شرایط، آن‌ها ایستادند تا جان بدهند اما جان ببخشند.» این سخن، بازتاب واقعیتی است که امدادگران در طول دفاع مقدس و در تمام صحنه‌های بحران و مقاومت آن را ثابت کردند. آن‌ها فراتر از یک نیروی خدماتی، فراتر از یک تیم پشتیبانی، در میدان حاضر بودند. خط مقدم برای آن‌ها نه یک نقطه‌ی مرزی، که هر جایی بود که مجروحی نفس‌های آخرش را می‌کشید، که کودکی در میان آوارهای جنگ، چشم به راه دستی بود که او را از مرگ بیرون بکشد. آن‌ها نه تنها در جنگ تحمیلی، بلکه در جبهه‌های مختلف مقاومت، در لبنان، سوریه و هر جایی که انسانی نیاز به کمک داشت، همان روحیه‌ی ایثار را زنده نگه داشتند. کولیوند در سخنرانی خود، با اشاره به نقش امدادگران در لبنان و سوریه، گفت: «دشمن حتی به صلیب سرخ و هلال احمر هم رحم نکرد؛ اما امدادگران، حتی در جایی که بیمارستان‌ها را هدف می‌گرفتند، ایستادند. این‌ها همان مردان و زنانی بودند که شهادت را به جان خریدند اما دست از کمک به مجروحان برنداشتند.» امروز، ما در برابر این شهدا مسئولیت داریم. مسئولیت زنده نگه داشتن یاد آن‌ها، مسئولیت انتقال پیامشان به نسل‌های آینده، و از همه مهم‌تر، مسئولیت ادامه دادن راهشان. این کتاب، تلاش کوچکی است برای ادای دین به آن‌ها؛ تلاشی برای ثبت یاد و خاطره‌ی آن‌هایی که جانشان را فدا کردند، اما راهشان هنوز باز است.



آغاز یک راه مقدس

گاهی، تمام یک مسیر، با جرقه‌ای کوچک آغاز می‌شود. لحظه‌ای، جمله‌ای، نگاهی که سرنوشت را تغییر می‌دهد. آن روز، در میان ازدحام جلسات و گفتگوها، صدایی آرام اما پervasلاط این جرقه را در دل من انداخت. سردار فتحیان، با همان وقار و متانت همیشگی، رو به من کرد و گفت: «فلانی! کسی از شهدای امدادگر یادی نمی‌کند. اگر می‌توانی، یک کنگره برایشان برگزار کن.» کوتاه بود، اما پرمعنا. از همان لحظه، ذهنم درگیر شد. مگر می‌شود از آن‌هایی که جانشان را برای نجات دیگران فدا کردند، یادی نکرد؟ مگر می‌شود آن‌هایی را که در خط مقدم، تنها با یک برانکارد یا جعبه‌ی کمک‌های اولیه به جنگ مرگ می‌رفتند، فراموش کرد؟ از همان لحظه، تصمیمم را گرفتم. از همان ابتدا، این کنگره با دیگر کنگره‌های شهدا تفاوت داشت. چراکه شهدای امدادگر، فقط متعلق به یک شهر، یک استان، یا حتی یک کشور نبودند. این‌ها، فرشتگان گمنام انسانیت بودند. آن‌ها نه تنها در دفاع مقدس ایران، بلکه در جبهه‌های مختلف، از لبنان و سوریه تا دیگر نقاط جهان، بی‌منت برای نجات جان انسان‌ها ایستاده بودند. شهدا را معمولاً در میان آتش و باروت، در خطوط مقدم جنگ می‌بینیم. اما شهدای امدادگر، تصویر متفاوتی داشتند. در حالی که دیگران اسلحه به دست داشتند، اینان تنها با یک کیف امداد یا برانکارد، وارد میدان می‌شدند. اسلحه‌ی آن‌ها، دست‌های پرمهرشان بود. سلاحشان، قلب‌هایی بود که از درد دیگران به درد می‌آمد. دشمن، فرقی میان آن‌ها و دیگر رزمندگان قائل نبود. آن‌ها را هم هدف می‌گرفت، بی‌هیچ ملاحظه‌ای. این همان حقیقتی است که در تاریخ بارها تکرار شده است. مگر امام حسین (ع) در روز عاشورا، هنگامی که طفل شش‌ماهه‌اش را در آغوش گرفت و برای او طلب آب کرد، مورد هجوم تیر قرار نگرفت؟ مگر حرمت سقای دشت کربلا را نگاه داشتند؟ تاریخ، این حقیقت تلخ را بارها و بارها نشان داده است که دشمنان انسانیت، به امدادگر و غیرامدادگر رحم نمی‌کنند.





پیام مقام معظم رهبری: رسالت ما چیست؟

وقتی این مسیر را آغاز کردیم، یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که برای خود ترسیم کردیم، تبعیت از فرمایشات مقام معظم رهبری بود. ایشان تأکید داشتند که کنگره‌های شهدا باید دو هدف مهم را دنبال کنند:

۱. زنده نگه داشتن یاد شهدا.

۲. رساندن پیام شهدا به نسل جوان.

و این همان مسئولیتی است که بر دوش ما سنگینی می‌کند. چگونه می‌توان پیام شهدای امدادگر را به جوانان امروز رساند؟ چگونه می‌توان آن روحیه‌ی ایثار، فداکاری و از خودگذشتگی را در جامعه‌ی امروز زنده نگه داشت؟ شهدا نیازی به ما ندارند. این ماییم که به یاد آن‌ها نیاز داریم. فراموشی، بزرگ‌ترین تهدید برای یک ملت است. اگر فراموش کنیم که چه کسانی جان دادند تا ما زنده بمانیم، اگر فراموش کنیم که آرامش امروزمان مدیون چه کسانی است، آنگاه آرام‌آرام از مسیر حق منحرف خواهیم شد. این کنگره، تنها یک مراسم یادبود نیست. یک تلنگر است. یک بیدارباش برای همه‌ی ما، که بدانیم هنوز در برابر شهدا مسئولیم. هنوز رسالتی بر دوش داریم.

پرواز بی صدا

گاهی، بزرگ‌ترین قهرمانان تاریخ، آن‌هایی نیستند که نامشان در کتاب‌ها نوشته شده، بلکه آن‌هایی‌اند که در سکوت، در میان هیاهوی میدان‌های جنگ و بحران، جانشان را برای دیگران فدا کردند. شهدای امدادگر، از همین جنس بودند؛ بی‌ادعا، بی‌هیچ انتظاری، فقط برای نجات دیگران قدم برمی‌داشتند. آن‌ها مردان و زنانی بودند که اسلحه‌شان، یک جعبه‌ی کمک‌های اولیه، برانکار، یا حتی دستان خالی‌شان بود. در حالی که گلوله‌ها از هر سو می‌بارید، آن‌ها تنها یک هدف داشتند: زنده بیرون آوردن یک نفر دیگر از میان مرگ.

روایتی از دل آتش و خون

یکی از امدادگران شهید، محمدحسین بود؛ جوانی که تازه ازدواج کرده بود و همسرش با هزار امید و آرزو، او را بدرقه کرده بود. اما محمدحسین دل در گروی چیز دیگری داشت؛ نجات جان هم‌زمانش. آن شب، در عملیات والفجر، باران گلوله بود. مجروحان زیادی روی زمین افتاده بودند. محمدحسین که امدادگر بود، بی‌وقفه، با دستان خالی، یکی‌یکی آن‌ها را به عقب می‌برد. چهره‌اش خسته بود، اما چشمانش پر از امید. یکی از رزمنده‌ها گفت: «محمدحسین! کمی استراحت کن، تو از صبح تا الان ده‌ها مجروح را نجات داده‌ای.»

اما محمدحسین لبخندی زد و گفت: «اگر من استراحت کنم، چه کسی این‌ها را نجات دهد؟» چند دقیقه بعد، هنگام حمل یک مجروح، خمپاره‌ای نزدیک او فرود آمد. ترکش‌ها به سینه‌اش نشست. محمدحسین لحظاتی روی زمین افتاد، اما هنوز نگران آن مجروح بود. به سختی، با دستان خونینش، سر او را روی زانویش گرفت و با آخرین رمقش زمزمه کرد: «یا حسین...». و بعد، در آغوش همان میدانی که به آن عشق می‌ورزید، آرام گرفت. محمدحسین یکی از هزاران امدادگر شهیدی بود که در دل آتش و خون، عشق به انسانیت را معنا کردند. این‌ها همان مصداق آیه‌ی شریفه‌ی قرآن بودند: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (المائده: ۳۲)



این همان چیزی بود که شهدای امدادگر به ما آموختند؛ که زندگی، تنها در زنده ماندن نیست، بلکه در زنده کردن دیگران است.

پیامی به نسل امروز

امروز، در دنیایی که مشکلات و بحران‌ها همچنان پابرجاست، آیا هنوز چنین انسان‌هایی داریم؟ آیا هنوز کسانی هستند که بدون توقع، فقط برای نجات دیگران قدم در میدان بگذارند؟ شهدای امدادگر، تنها برای جنگ نبودند. فلسفه‌ی آن‌ها فراتر از یک دوره‌ی تاریخی بود. هر کسی که در مسیر نجات انسان‌ها قدم بردارد، در واقع ادامه‌دهنده‌ی راه آن‌هاست. یک پزشک، یک آتش‌نشان، یک معلم، یا حتی کسی که دل انسانی را شاد کند، در همان مسیر گام برمی‌دارد. و این، وظیفه‌ی ماست؛ که نه فقط یاد آن‌ها را زنده نگه داریم، بلکه پیامشان را به زندگی خود بیاوریم.

نوری در دل تاریکی

در میان غوغای جنگ، جایی که آتش و خون همه‌چیز را در برمی‌گیرد، هنوز هم نوری هست که خاموش نمی‌شود؛ نوری که از دل ایمان و فداکاری می‌تابد. شهدای امدادگر، همان فرشتگان زمینی بودند که در تاریک‌ترین لحظات، امید را زنده نگه می‌داشتند. آن‌ها میان مرگ و زندگی قدم برمی‌داشتند؛ اما نگاهشان همیشه به سوی حیات بود. برایشان مهم نبود که جانشان در خطر است؛ آنچه اهمیت داشت، نجات یک نفر دیگر بود. امدادگری، فقط یک حرفه نبود، بلکه یک رسالت بود. آن‌ها فقط برای انجام وظیفه به میدان نیامده بودند، بلکه برای ادای دینی که به انسانیت داشتند، پا به این راه گذاشته بودند.

یکی از فرماندهان جنگ، درباره‌ی امدادگران شهید چنین می‌گفت: «آن‌ها تنها کسانی بودند که حتی یک لحظه میدان را ترک نمی‌کردند. وقتی همه به پناهگاه می‌رفتند، آن‌ها تازه کارشان را شروع می‌کردند. زیر آتش دشمن، کنار مجروحان زانو می‌زدند، با دستان خونینشان زخم‌ها را می‌بستند؛ و حتی وقتی می‌دیدند که دیگر



راهی برای نجات کسی نیست، او را در آغوش می‌گرفتند و با زمزمه‌ی دعا، آرامش می‌بخشیدند.»

این، چیزی فراتر از وظیفه بود. این، عشق بود؛ عشقی که در نگاهشان، در رفتارشان و در آخرین کلماتی که بر لب داشتند، موج می‌زد.

ایمانی که جان می‌بخشید

آنچه این شهدا را از دیگران متمایز می‌کرد، ایمان راسخ آن‌ها بود. آن‌ها باور داشتند که هر قدمی که برای نجات جان یک انسان برمی‌دارند، گامی به سوی رضایت خداوند است. یکی از امدادگران که بعدها به شهادت رسید، در نامه‌ای به خانواده‌اش نوشته بود: «مادر! اگر روزی خبری از من شنیدی، بدان که من در راهی رفته‌ام که حسین (ع) رفت. ما برای زنده ماندن نیامده‌ایم، ما آمده‌ایم که دیگران زنده بمانند. مادر! اگر روزی پیکر من را دیدی، بدان که من شادمانه جان داده‌ام، چراکه این راه، راه خداست.» این ایمان، این باور، همان چیزی بود که به آن‌ها قدرت می‌داد.

یک قصه‌ی واقعی از ایثار

در یکی از عملیات دفاع مقدس، یک آمبولانس در حال انتقال مجروحان بود. راننده، یک امدادگر جوان بود که تازه وارد جبهه شده بود. مسیر خطرناک بود، تیراندازی دشمن لحظه‌ای قطع نمی‌شد.

در میان راه، یکی از مجروحان که حال وخیمی داشت، آرام زمزمه کرد:

- «برادر... دیگر تحمل ندارم...»

امدادگر، با لبخندی آرام سرش را برگرداند و گفت:

- «نگران نباش، داریم به عقب می‌رسیم. طاقت بیار برادر!»

اما چند لحظه بعد، گلوله‌ای، شیشه‌ی جلوی آمبولانس را شکست. صدایی در فضا پیچید. راننده ناگهان متوقف شد. دیگر نفس نمی‌کشید.

اما نکته‌ی عجیب اینجا بود...



دست‌هایش هنوز روی فرمان بود، پاهایش هنوز روی پدال، و ماشین، با همان سرعت قبلی در حرکت بود!

در لحظات آخر، آن جوان، جانش را داد، اما حتی در لحظه‌ی شهادت، دست در فرمان داشت. این یعنی ایمان... یعنی تعهد... یعنی عشق به نجات دیگران، حتی در آخرین نفس‌ها...

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

قرآن کریم، درباره‌ی کسانی که ایمان آورده، هجرت کرده و در راه خدا جهاد می‌کنند، چنین می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه: ۲۰). «همانا کسانی که ایمان آورده، هجرت کرده و در راه خدا با اموال و جان‌هایشان جهاد کردند، در نزد خداوند مقامی بس والا دارند و آنان رستگارانند.»

شهدای امدادگر، همان مجاهدانی بودند که نه برای پاداش، نه برای شهرت، بلکه فقط برای رضای خدا و نجات جان دیگران، جان خود را فدا کردند.

راهی که هنوز ادامه دارد

اگر امروز، در دنیای پرهیاهوی ما، هنوز امدادگرانی هستند که جانشان را برای دیگران به خطر می‌اندازند، اگر هنوز پزشکانی هستند که شبانه‌روز در بیمارستان‌ها برای نجات بیماران تلاش می‌کنند، اگر هنوز انسان‌هایی پیدا می‌شوند که حاضرند از خود بگذرند تا دیگری زنده بماند، این یعنی راه شهدای امدادگر، هنوز زنده است؛ و این، مسئولیتی است که بر دوش ماست. باید یاد آن‌ها را زنده نگه داریم، باید پیامشان را به گوش نسل‌های بعدی برسانیم؛ و باید از خود بپرسیم: اگر روزی چنین لحظه‌ای برای ما پیش بیاید، آیا ما هم حاضر خواهیم بود که مانند آن‌ها، بدون ترس، بدون تردید، برای نجات جان دیگران قدم برداریم؟





آن‌ها که از جان گذشتند

در میدان‌های نبرد، گاهی مرگ و زندگی تنها به یک تصمیم بستگی دارد. اینکه بمانی یا بروی، اینکه خطر را بپذیری یا پا پس بکشی، اینکه جانت را فدای دیگری کنی یا به فکر نجات خود باشی. شهدای امدادگر، کسانی بودند که همیشه انتخابشان مشخص بود: دیگران را نجات بده، حتی اگر به قیمت جانت تمام شود. آن‌ها در سخت‌ترین شرایط، در میان گلوله و خون، بدون سلاح، بدون هیچ محافظی، در کنار مجروحان ایستادند و گفتند: «ما تا آخرین نفس، کنار شما هستیم.» اما این تصمیم، همیشه آسان نبود.

شب‌ی که آسمان سرخ شد

عملیات والفجر مقدماتی، یکی از سخت‌ترین نبردها بود. نیروها در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته بودند. گلوله باران، نفس‌ها را به شماره انداخته بود. در میان این آتش، امدادگرانی بودند که بی‌وقفه کار می‌کردند؛ زخمی‌ها را از میدان بیرون می‌کشیدند، زخم‌ها را می‌بستند و با یک جمله‌ی ساده، دلگرمی می‌دادند: «طاقت بیار، به عقب که رسیدی، حالت خوب می‌شه.» اما حقیقت این بود که خیلی از آن‌ها، دیگر به عقب نمی‌رسیدند...

در یکی از شب‌های عملیات، دشمن حمله‌ی سنگینی را آغاز کرد. صدای انفجارها همه‌جا پیچیده بود. مجروحان زیادی روی زمین افتاده بودند. یک آمبولانس، در تلاش برای خارج کردن مجروحان، در میانه‌ی مسیر متوقف شد. راننده، شهید علی اکبر حسینی، به همراه دو امدادگر دیگر، هنوز داخل ماشین بودند. یکی از مجروحان، به سختی ناله کرد:

«آب... آب...»

علی اکبر، بدون لحظه‌ای تردید، از ماشین پیاده شد تا قمقمه‌اش را به او بدهد. در همان لحظه، خمپاره‌ای فرود آمد. گرد و غبار که خوابید، دیگر چیزی از علی اکبر باقی نمانده بود، جز دست‌هایش که هنوز قمقمه را نگه داشته بودند...

تصمیم‌های دشوار، ایثار بی حد

امدادگران، هر روز با تصمیم‌هایی روبه‌رو می‌شدند که شاید هیچ‌کس نتواند به راحتی درک کند. اینکه کدام مجروح را اول منتقل کنند؟ کدام زخم را زودتر ببندند؟ آیا یک بیمار بدحال را با خود ببرند، یا به دنبال مجروح دیگری بروند که امید بیشتری به زنده ماندنش هست؟ تصمیم‌هایی که نه فقط عقل، بلکه دل را نیز به چالش می‌کشید.

یک امدادگر تعریف می‌کرد: «در یکی از حملات، دو مجروح کنارم بودند. یکی از آن‌ها زخم شدیدی داشت و بعید بود زنده بماند، اما هنوز چشمانش را باز کرده بود و به من نگاه می‌کرد. دیگری امید بیشتری برای نجات داشت، اما بیهوش بود. من مانده بودم که کدام را اول به عقب ببرم.»

«مجروح اول، با صدای ضعیفی گفت: برادرا! من رفتنی‌ام، ولی او را نجات بده... مادری منتظرش است.»

«دل‌م می‌خواست هر دو را نجات دهم، اما می‌دانستم که وقت ندارم. با قلبی شکسته، مجروح دوم را برداشتم و دویدم. وقتی برگشتم... مجروح اول، دیگر نفس نمی‌کشید...»

«چهره‌اش آرام بود، انگار که لبخند می‌زد...»

این‌ها همان لحظاتی است که تنها با عشق و ایمان می‌توان از آن‌ها عبور کرد. لحظاتی که انسانیت را به تصویر می‌کشد.



صبر در سخت‌ترین شرایط

امدادگران، نه فقط در جنگ، بلکه در بحران‌ها و حوادث طبیعی نیز، همان روحیه‌ی ایثار را حفظ کردند. زلزله‌ی بم، سیل گلستان، طوفان‌های مرگبار، حملات تروریستی و ... هر جا که فاجعه‌ای رخ می‌داد، آن‌ها اولین کسانی بودند که به دل خطر می‌زدند.

در یکی از مأموریت‌ها، امدادگری که در زلزله‌ی سرپل ذهاب حضور داشت، می‌گفت: «همه‌جا ویران شده بود. در میان آوار، صدای کودکی را شنیدم. بی‌وقفه شروع به کندن کردم. دست‌هایم زخمی شد، لباس‌هایم پر از خاک شد؛ اما اهمیتی نداشت. بعد از چند ساعت، کودک را زنده بیرون کشیدیم.»

«وقتی به من لبخند زد، تمام خستگی‌ها از تنم بیرون رفت. همان لحظه فهمیدم که چرا این کار را انجام می‌دهم. فهمیدم که چرا شهدای امدادگر، جانشان را فدا کردند.»

قرآن کریم، درباره‌ی شهدا چنین می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹). «و گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند، مردگانند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

امروز، شهدای امدادگر، گرچه در کنار ما نیستند؛ اما در روح و جان ما حضور دارند. هر بار که کسی، برای نجات جان دیگری قدم برمی‌دارد، هر بار که امدادگری، بدون ترس، خود را به خطر می‌اندازد، روح آن‌ها زنده می‌شود؛ و این، میراثی است که به ما سپرده‌اند. راه شهدای امدادگر، فقط یک خاطره‌ی تاریخی نیست. هنوز هم در حوادث و بحران‌ها، امدادگرانی هستند که مانند آن‌ها، بدون ترس، در سخت‌ترین شرایط، برای نجات جان دیگران قدم برمی‌دارند.

اما سؤال اینجاست: آیا ما، به اندازه‌ی آن‌ها، احساس مسئولیت داریم؟ امدادگری، فقط یک شغل نیست، بلکه یک فرهنگ است. فرهنگی که شهدای امدادگر برای ما به یادگار گذاشتند. و امروز، وظیفه‌ی ما این است که این فرهنگ را زنده نگاه داریم.

ادامه‌ی مسیر شهدای امدادگر

امدادگران؛ فرشتگانی در دل آتش و خون: در میان صدای انفجارها، زیر رگبار گلوله‌ها،



آنجا که زمین به خون مجروحان آغشته می‌شود، گروهی بودند که سلاحشان نه تفنگ، که برانکارد بود. دست‌هایشان به جای ماشه، زخم‌های پاره‌پاره‌ی هم‌زمانشان را لمس می‌کرد. اینان همان امدادگران شهید بودند؛ فرشتگانی که از جان خود گذشتند تا جان دیگران را حفظ کنند.

«ما بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری جلو می‌رویم. ایشان تأکید دارند که در کنگره‌های شهدا، هم باید یاد شهدا زنده بماند و هم پیام آن‌ها به نسل جوان منتقل شود.»
و این همان مسئولیتی است که امروز بر دوش ما سنگینی می‌کند.

لبنان، سوریه و جبهه‌ی مقاومت

امدادگران در دل میدان جنگ: امدادگران تنها در جنگ تحمیلی نبودند. آن‌ها هنوز هم در خط مقدم مقاومت، در کنار مظلومان، ایستاده‌اند. در بخش‌هایی از سخنرانی، روایت‌هایی از حضور امدادگران ایرانی در لبنان و سوریه بیان شده است؛ جایی که دشمن حتی بیمارستان‌ها را هدف قرار داد، جایی که هیچ‌کس در امان نبود؛ اما امدادگران، بی‌هیچ هراسی، به دل خطر رفتند. «وقتی به بیمارستان‌های بمباران‌شده‌ی لبنان رفتیم، دیدیم که دشمن حتی به مجروحان هم رحم نکرده است؛ اما امدادگران ما، با همان ایمان و روحیه‌ی ایثار، با همان روحیه‌ای که شهدا‌ی ما در دفاع مقدس داشتند، در کنار مردم مظلوم لبنان ایستادند.» این همان روحیه‌ای است که باید در نسل امروز زنده بماند.

درسی از شهدا‌ی امدادگر

سبقت در نیکی‌ها: یکی از نکات کلیدی که در متن سخنرانی بر آن تأکید شده، رقابت در کار خیر است. «امروز جمعیت هلال احمر مصداق آیه‌ی «فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» است؛ هر استانی تلاش می‌کند که زودتر یادواره‌ی شهدا‌ی امدادگر را برگزار کند، زودتر شهدا‌ی خود را معرفی کند. این یعنی حرکت در مسیر شهدا هنوز زنده است.» اما سؤال مهم اینجاست: آیا این رقابت در کار خیر، در زندگی شخصی و اجتماعی ما هم جاری است؟ آیا هر کدام از ما، به سهم خود، در مسیر کمک به دیگران قدم برداشته‌ایم؟ «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»



شهدای امدادگر، مصداق واقعی این آیه بودند. آن‌ها جان خود را دادند تا جان دیگران را حفظ کنند. اما این تنها محدود به میدان جنگ نیست. امروز هم، هر کس که در راه نجات انسان‌ها قدم بردارد، در مسیر شهدای امدادگر است. یک پزشک، یک پرستار، یک آتش‌نشان، حتی کسی که با یک کمک کوچک، امید را به قلب انسانی بازگرداند، در همان راه گام گذاشته است.

«ما به چه کسانی مدیونیم؟»

این جمله، یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های سخنرانی است.

«ما باید بدانیم که به چه کسانی مدیونیم. ما باید بدانیم که از کدام مسیر باید برویم.»
امروز، اگر امنیتی داریم، اگر آرامشی داریم، اگر هنوز پرچم این کشور در اهتزاز است، مدیون همان‌هایی هستیم که در سخت‌ترین شرایط ایستادند.
«شهدای امدادگر، آن‌هایی بودند که با کمترین امکانات، با دست‌های خالی، با ساده‌ترین وسایل، جان‌ها را نجات دادند. اما خودشان را فدای این مسیر کردند.» آیا ما هم می‌توانیم قدمی در این راه برداریم؟

خواب یک امدادگر؛ شهدا زنده‌اند

یکی از احساسی‌ترین بخش‌های سخنرانی، روایتی است که نشان می‌دهد شهدا زنده‌اند و ناظر بر اعمال ما هستند.

پرستاری که سال‌ها پیش در بیمارستان خاتم کار می‌کرد، نقل می‌کند که چگونه از پدر شهیدی مراقبت کرده و تمام تلاشش را برای نجات او انجام داده است؛ اما آن پدر شهید از دنیا می‌رود. آن شب، در خواب، شهدا را می‌بیند.

«وارد بیمارستان شدم. فضا نورانی بود. چهره‌های آشنایی را دیدم؛ همان‌هایی که در زمان جنگ، نامشان را شنیده بودم. یکی از آن‌ها به سویم آمد، دستم را گرفت و گفت: «فلانی! دستت درد نکند، زحمت ما را کشیدی...»

این خواب، تنها یک رؤیا نبود. این یک پیام بود. شهدا ناظرند. آن‌ها فراموش نکرده‌اند که چه کسانی در مسیرشان قدم گذاشته‌اند.



ادامه‌ی راه، مسئولیت ماست

امروز، این ما هستیم که باید پیام آن‌ها را به نسل جدید منتقل کنیم.

چگونه؟

۱. فرهنگ ایثار و فداکاری را در جامعه ترویج دهیم.
 ۲. جوانان را با مفاهیم خدمت به دیگران آشنا کنیم.
 ۳. به خانواده‌های شهدا احترام بگذاریم و از آن‌ها حمایت کنیم.
 ۴. در بحران‌ها و حوادث، نقش فعال داشته باشیم.
- «شهدای امدادگر، الگویی هستند که تنها متعلق به دوران جنگ نیستند. هر جا که انسانی نیاز به کمک داشته باشد، راه آن‌ها زنده است.»

راهی که همچنان ادامه دارد

ما وارثان یک مسیر نورانی هستیم. مسیری که با خون شهدای آبیاری شده، با ایثار امدادگران شهید معنا یافته و با عزم جوانانی که هنوز هم در سخت‌ترین شرایط برای نجات دیگران قدم برمی‌دارند، ادامه دارد. شهدای امدادگر، نماد خالص‌ترین شکل انسانیت‌اند. آن‌ها نه برای جنگ، که برای نجات انسان‌ها به میدان آمدند. دست‌هایشان نه برای گرفتن جان، که برای حفظ زندگی حرکت می‌کرد. در میدان‌های جنگ، در لحظه‌های پراز ترس و خون، تنها یک هدف داشتند: دیگران را نجات بده، حتی اگر به قیمت جانت تمام شود؛ اما این روحیه، این فرهنگ، آیا تنها برای دوران جنگ بود؟ آیا امروز، در دنیایی که هر روز شاهد فجایع انسانی، بلایای طبیعی، و بحران‌های اجتماعی هستیم، هنوز هم این روحیه زنده است؟ پاسخ این پرسش، تعیین‌کننده‌ی سرنوشت ما خواهد بود.

ما چه مسئولیتی داریم؟

یاد شهدا، تنها با برگزاری یادواره‌ها زنده نمی‌ماند. بلکه زمانی که پیام آن‌ها را در زندگی خود جاری کنیم، آن‌ها واقعاً زنده خواهند ماند. راه شهدای امدادگر، تنها محدود به میدان



جنگ نیست. این یک فرهنگ است؛ فرهنگ ایثار، از خودگذشتگی و نجات جان انسان‌ها. هر جا که انسانی نیازمند کمک باشد، هر جا که خطری جان کسی را تهدید کند، هر جا که بی‌عدالتی بر مظلومی سایه افکند، همان جاست که روح شهدای امدادگر زنده می‌شود. بنابراین، مسئولیت ما در برابر آن‌ها این است که:

۱. فرهنگ امدادگری و ایثار را در جامعه تقویت کنیم.

- تنها پزشکان و نیروهای هلال احمر مسئول نجات جان‌ها نیستند. هر کدام از ما، در لحظات بحرانی می‌توانیم امدادگری باشیم که جان انسانی را نجات دهد.

۲. جوانان را با معنای واقعی ایثار آشنا کنیم.

- نسل جدید باید بداند که راه شهدا فقط در سنگر و میدان نبرد نبود. بلکه آن‌ها برای حفظ ارزش‌های انسانی جان دادند. این ارزش‌ها باید در سبک زندگی ما ادامه پیدا کند.

۳. به خانواده‌های شهدا احترام بگذاریم و از آن‌ها حمایت کنیم.

- هر خانواده‌ی شهید، چراغی از فداکاری است که هنوز روشن است. ما نباید اجازه دهیم که این چراغ‌ها خاموش شوند.

۴. در بحران‌ها و حوادث، آماده‌ی خدمت باشیم.

- هر فاجعه‌ای، فرصتی برای اثبات تعهد ما به مسیر شهادت است. آیا اگر فردا حادثه‌ای رخ دهد، ما در صف اول کمک به آسیب‌دیدگان خواهیم بود؟

آیا ما هم امدادگر خواهیم بود؟

در نهایت، یک پرسش بزرگ باقی می‌ماند: آیا اگر روزی همان لحظه‌ی تصمیم‌گیری برای ما پیش بیاید، ما هم مانند شهدای امدادگر، بدون تردید، برای نجات جان دیگران قدم برمی‌داریم؟ آیا حاضریم در شرایط سخت، از خود بگذریم تا دیگری زنده بماند؟ پاسخ به این سؤال، راهی را که در زندگی انتخاب می‌کنیم، مشخص خواهد کرد. شهدای امدادگر رفتند، اما راهشان هنوز باز است. انتخاب با ماست...



جنگ، تنها میدان نبرد سلاح‌ها نیست

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان گلستان

۲۲ آبان ۱۴۰۳

مقدمه

جنگ، تنها میدان نبرد سلاح‌ها نیست؛ گاهی نبردی دیگر، بی‌هیچ سلاحی، اما با شجاعتی وصف‌ناپذیر در دل آتش شکل می‌گیرد. در میان غوغای گلوله‌ها و انفجارها، گروهی بودند که نه برای کشتن، بلکه برای نجات جان‌ها آمده بودند. آن‌ها امدادگران بودند، فرشتگانی که با دستان خالی، اما قلب‌هایی لبریز از ایمان، به دل میدان می‌زدند تا امید را در چشم‌های بی‌فروغ مجروحان زنده کنند.

سخنرانی دکتر پیرحسین کولیوند در یادواره‌ی شهدای امدادگر استان گلستان، تجلی همین حقیقت بود؛ حقیقتی که سال‌ها در سایه‌ی تاریخ مانده بود. او از مظلومیت شهدای امدادگر سخن گفت، از رشادت‌هایی که کمتر درباره‌شان شنیده‌ایم. از امدادگرانی که در بحبوحه‌ی جنگ، با کمترین امکانات، اما با عزم و اراده‌ای سترگ، جان‌های بسیاری را نجات دادند و در این مسیر، خود نیز به قافله‌ی شهدا پیوستند؛ اما این کتاب تنها برای بازگویی گذشته نوشته نشده است؛ بلکه پلی است میان آن روزها و امروز، میان آن ایثارگران بی‌ادعا و نسل جوانی که می‌خواهد بداند چه کسانی مسیرش را هموار کرده‌اند. این کتاب روایت فداکاری‌هایی است که شاید در صفحات رسمی تاریخ کم‌تر به آن پرداخته شده باشد؛ اما در دل‌های ما زنده است و خواهد ماند. ما در این صفحات، قصه‌ی امدادگرانی را روایت می‌کنیم که در میان آتش و خون، در زیر آوار بیمارستان‌های بمباران‌شده، در دل شب‌های سرد جبهه‌ها، و در میان ناله‌های مجروحان، بی‌هیچ ادعایی، اما با قلب‌هایی پر از عشق، جان خود را نثار کردند. این روایت، ادای دینی است به آن‌هایی که با برانکارد، سپر انسانی ساختند؛ با باند زخم‌بندی، زخم‌های رزمندگان را مرهم گذاشتند؛ و با کلامی آرام، در میان هیاهوی جنگ، امید را زنده نگه داشتند. امروز، ما اینجا ایستاده‌ایم تا بگوییم که یاد و راهشان فراموش نخواهد شد. تا بگوییم که نسل امروز، نه تنها شنونده‌ی این روایت‌هاست، بلکه وارثان این مسیرند. این کتاب، تنها یک خاطره نیست؛ بلکه یک پیمان است. پیمانی که هر صفحه‌ی آن، ما را یک قدم به فهم عمیق‌تر معنای ایثار و از خودگذشتگی نزدیک‌تر می‌کند. این فصل، روایتی از فداکاری‌های فراموش‌نشده‌ی شهدای امدادگر استان گلستان است؛ شهدایی که جنگیدند، اما نه برای کشتن، بلکه برای زنده نگه داشتن جان‌ها و ارزش‌ها.





شهدا؛ روشن‌کننده‌ی مسیر آینده

در میان شلوغی‌های روزمره‌ی زندگی، گاهی فراموش می‌کنیم که در این سرزمین، هزاران مرد و زن فداکار جان خود را فدای امنیت و آرامش ما کرده‌اند. شهدای امدادگر، همان قهرمانانی بودند که نه با اسلحه، بلکه با عشق به انسانیت و ایثار، در سخت‌ترین شرایط حاضر شدند تا جان رزمندگان و مردم بی‌دفاع را نجات دهند.

امروز که گرد هم آمده‌ایم، نه تنها برای ادای احترام به این شهدا، بلکه برای درک مسئولیت خود در ادامه‌ی راه آن‌هاست. اگر آن‌ها روزی در میدان‌های نبرد با دل و جان خدمت کردند، ما نیز باید در هر جایگاهی که هستیم، میراث آن‌ها را زنده نگه داریم. مقام معظم رهبری بارها تأکید کرده‌اند که زنده نگه داشتن یاد و خاطره‌ی شهدا، کمتر از شهادت نیست. این یادواره‌ها فرصتی است تا نسل‌های جدید با مفاهیم ایثار و فداکاری آشنا شوند و بدانند که چه کسانی بهای امروز ما را پرداخته‌اند.

شهید حاج قاسم سلیمانی و دیگر شهدای مقاومت، تنها اسامی در تاریخ نیستند؛ بلکه الگوهایی هستند که راه و رسم زندگی را به ما نشان داده‌اند. یادواره‌ها صرفاً برای مرور گذشته نیستند، بلکه چراغی برای آینده‌اند. یادواره‌های شهدا به همت افرادی برگزار



شده است که قلبشان برای شهدا می‌تپد. از جمله آقای غریب‌آبادی و همکارانشان که با تلاش بی‌وقفه، چنین فضایی را برای گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهدای امدادگر فراهم کرده‌اند. همچنین، حضور خانواده‌های معظم شهدا، علما و بزرگانی که این مجلس را منور کرده‌اند، نشان از اهمیت این یادواره دارد.

سال‌هاست که درباره‌ی شهدای جنگ و مقاومت بسیار گفته و نوشته شده است؛ اما شهدای امدادگر هنوز آن‌طور که باید شناخته نشده‌اند. این همان نکته‌ای است که سردار فتحیان نیز به آن اشاره کردند. او روزی در جلسه‌ای گفت: «شهدای امدادگر خیلی مظلوم هستند. ما همیشه خواسته‌ایم برایشان کاری کنیم، اما موفق نشده‌ایم.» این جمله، آغازی شد برای یک حرکت بزرگ. از همان لحظه تصمیم گرفته شد که راهی برای زنده نگه داشتن یاد این قهرمانان بی‌سلاح پیدا کنیم. به لطف خدا، این مسیر به سرعت آغاز شد و حالا می‌بینیم که در جمعیت هلال‌احمر، استان‌ها برای برگزاری یادواره‌ی شهدای امدادگر از هم پیشی می‌گیرند. این نشان می‌دهد که عشق به شهدا، مرز و محدودیت نمی‌شناسد. امروز که در این محفل گرد هم آمده‌ایم، باید بدانیم که ما مدیون شهدا هستیم. اگر آرامش داریم، اگر زندگی می‌کنیم، اگر امید به آینده داریم، همه از برکت خون پاک آن‌هاست.

باید این حقیقت را به جوانانمان منتقل کنیم که شهدا، چراغ راه این سرزمین‌اند. مسیرشان را ادامه دهیم و اجازه ندهیم یادشان در گرد و غبار زمان محو شود. این کتاب، تلاشی است برای ثبت گوشه‌ای از فداکاری‌های شهدای امدادگر و ادای دینی کوچک به بزرگانی که جان خود را در طبق اخلاص گذاشتند.

نقش امدادگران در جبهه‌های جنگ - قهرمانان بی‌سلاح

سردار فتحیان، از یادگاران دوران دفاع مقدس، روزی با دلی پر از اندوه و چشمانی پر از اشتیاق گفت: «شهدای امدادگر خیلی غریب و مظلوم هستند. ما بارها خواستیم که یادی از این شهدا بکنیم، ولی تا حالا موفق نشده‌ایم.» این جمله ساده، اما تأثیرگذار، جرقه‌ای بود برای آغاز یک مسیر جدید. مسیری که به لطف خدا و همت جمعیت



هلال احمر، تبدیل به یک حرکت ملی شد. با شروع این مسیر، استان‌ها یکی پس از دیگری در برگزاری یادواره‌های شهدای امدادگر از هم سبقت گرفتند. این حرکت نشان داد که عشق به شهدا مرزی نمی‌شناسد و مظلومیت امدادگران نیز به همان اندازه که عمیق است، بر دل‌ها نشست است.

جنگ، میدان رویارویی انسان‌ها با مرگ و زندگی است. در این میان، امدادگران به عنوان جنگجویان بدون سلاح، با دستان خالی و دل‌های پُر از ایمان، به دل خطر می‌رفتند. برانکارد، تنها سلاح این قهرمانان بود. آن‌ها در زیر باران گلوله‌ها، مجروحان را به مکان‌های امن می‌رساندند. در شرایطی که حتی یک لحظه توقف، می‌توانست به قیمت جانشان تمام شود، امدادگران نه تنها متوقف نمی‌شدند، بلکه با هر گام، به حیات دوباره‌ی رزمندگان امید می‌بخشیدند.

زنان امدادگر؛ فرشتگان نجات در دل آتش

نقش زنان در جبهه‌های جنگ، فراتر از انتظار بود. زنان امدادگر، همچون فرشتگانی بی‌صدا، در پشت جبهه‌ها به امدادسانی می‌پرداختند. آن‌ها زخمیان را پانسمان می‌کردند، به بیماران روحیه می‌دادند و گاهی حتی جان خود را در این مسیر فدا می‌کردند. بسیاری از این زنان امدادگر، خود به مقام شهادت نائل آمدند یا با زخم‌های عمیق به خانه بازگشتند. خاطراتشان، همچون نوری در تاریکی، راهنمای نسل‌های آینده خواهد بود. در کنار مردان امدادگر، زنانی بودند که در سخت‌ترین شرایط، لباس امدادگری بر تن کردند و به یاری مجروحان شتافتند. برخی از این زنان در بیمارستان‌های صحرایی کار می‌کردند، برخی دیگر در پشتیبانی و تدارکات فعال بودند؛ و تعدادی نیز با حضور در جبهه‌ها، مستقیماً به امدادسانی مشغول بودند. آن‌ها نه تنها مرهمی بر زخم‌های جسمی رزمندگان بودند، بلکه با کلام گرم و دل‌نشین خود، امید را به قلب‌های زخمی بازمی‌گرداندند. بسیاری از آن‌ها نیز، در این راه جان خود را از دست دادند.



پشتیبانی پزشکی و دارویی در جنگ

سردار فتحیان با افتخار می‌گوید: «لشکر گلستان هیچ‌وقت از نظر پزشکی و دارو تجهیزات کم نیاورد.» این نشان‌دهنده‌ی تلاش بی‌وقفه‌ی امدادگران در تأمین نیازهای پزشکی رزمندگان است. آن‌ها بهترین متخصصان را به جبهه‌ها اعزام می‌کردند و بیمارستان‌های صحرائی را برای نجات جان مجروحان برپا می‌کردند. در روزهایی که حتی یک بسته دارو می‌توانست جان یک انسان را نجات دهد، امدادگران با تمام توان به تأمین این نیازها می‌پرداختند.

امدادگران گاهی برای آنکه بتوانند خدمات بیشتری ارائه دهند، مجروحان را بر دوش می‌گرفتند یا در آغوش می‌کشیدند و به مکان‌های امن منتقل می‌کردند. آن‌ها به عنوان خط مقدم دفاع از جان رزمندگان، بی‌وقفه تلاش می‌کردند تا جان‌های بیشتری را نجات دهند. در زمانی که صدای انفجار و بوی باروت همه جا را فراگرفته بود، امدادگران با صبر و شکیبایی، به تسکین آلام مجروحان می‌پرداختند. در لحظاتی که همه چیز از بین می‌رفت، تنها چیزی که باقی می‌ماند، دستان گرم و صدای دلنشین این قهرمانان بود که به مجروحان امید می‌بخشید.

ایجاد بیمارستان‌های صحرائی و سیار

یکی از دستاوردهای مهم امدادگران در دوران دفاع مقدس، ایجاد بیمارستان‌های صحرائی و سیار بود. این بیمارستان‌ها به عنوان نقطه‌ای امن برای درمان اولیه مجروحان، نقش حیاتی در حفظ جان رزمندگان ایفا کردند. سردار فتحیان و دیگر فرماندهان بهداری رزمی، با ایجاد این مراکز، امکان پایداری مجروحان تا انتقال به بیمارستان‌های اصلی را فراهم کردند. این اقدام، نه تنها به نجات جان‌های بی‌شمار منجر شد، بلکه اعتماد و روحیه‌ی رزمندگان را نیز به شدت افزایش داد. امدادگران تنها ناجیان جسم نبودند؛ آن‌ها با حضور خود به رزمندگان امید می‌بخشیدند و به آن‌ها اعتماد به نفس می‌دادند. در شرایطی که هر لحظه ممکن بود زندگی پایان یابد، حضور امدادگران نویدبخش ادامه حیات و بازگشت به خانه بود. آن‌ها به رزمندگان می‌گفتند: «نگران نباشید، ما کنارتان



هستیم.» همین جمله‌ی ساده، کافی بود تا قلب‌های خسته و زخم‌خورده‌ی رزمندگان دوباره به تپش بیفتد و اراده‌ی تازه برای ادامه‌ی نبرد بیابند. یکی از اهداف دشمن در طول جنگ، مراکز درمانی بود.

دشمن به خوبی می‌دانست که اگر امدادگران و کادر درمان را هدف قرار دهد، روند امدادسانی مختل خواهد شد. به همین دلیل، بارها بیمارستان‌های صحرائی را بمباران کرد و صدها امدادگر را به شهادت رساند.

اما امدادگران، حتی در زیر بمباران نیز دست از کار نکشیدند. گاهی در چادرهای پاره‌شده، زیر نور کم‌سوی یک فانوس، به درمان مجروحان ادامه دادند. برای آن‌ها مهم نبود که ساختمان بیمارستان ویران شده است؛ آن‌ها تا زمانی که یک نفر نیازمند کمک بود، ایستادگی می‌کردند.

شهادت امدادگر – مظلوم‌ترین قهرمانان

در میان آتش و خون، در روزهایی که هر لحظه بوی مرگ در فضای جبهه‌ها پیچیده بود، گروهی از قهرمانان بی‌هیچ سلاحی، تنها با یک برانکارد و چند باند زخم‌بندی، به دل میدان می‌زدند. آن‌ها امدادگران بودند؛ انسان‌هایی که نه برای جنگیدن، بلکه برای نجات جان‌ها آمده بودند. در نبردی که هر کس به فکر بقا بود، آن‌ها تنها به نجات دیگران می‌اندیشیدند. زیر آتش سنگین دشمن، در حالی که هر لحظه ممکن بود گلوله‌ای سرنوشتشان را رقم بزند، بی‌وقفه می‌دویدند، مجروحان را بر دوش می‌گرفتند و به نقاط امن می‌رساندند.

اما بسیاری از آن‌ها، خود به شهادت رسیدند. آن قدر غرق در انجام وظیفه بودند که حتی لحظه‌ای به عقب نگاه نکردند. نامشان در میان شهدای جنگ کمتر به گوش رسید؛ اما فداکاری‌شان، در دل تاریخ جاودانه شد. چهره‌ی خاک‌آلودشان، لباس‌های خونینشان و دستانی که تا آخرین لحظه برای نجات یک جان دیگر تلاش کرد، همه و همه روایتگر قصه‌ی انسان‌هایی است که مرگ را به سخره گرفتند.

آن‌ها گاهی مجروحان را بر دوش می‌گرفتند و خود هدف گلوله‌های دشمن قرار



می‌گرفتند. برخی در حین عملیات امداد رسانی، بر اثر بمباران مستقیم بیمارستان‌های صحرایی به شهادت رسیدند. برخی دیگر، هنگام حمل مجروحان از خط مقدم، هدف تک‌تیراندازهای دشمن شدند؛ اما هیچ‌کدام دست از کار نکشیدند.

در وصیت‌نامه‌هایشان، نه از گلایه خبری بود و نه از ناامیدی. همه‌ی آن‌ها یک جمله را بارها تکرار کرده بودند: «تا آخرین لحظه، برای نجات جان دیگران تلاش می‌کنیم.» سردار فتحیان روزی با اندوه گفت: «شهادت امدادگر خیلی غریب و مظلوم‌اند.» حقیقتی که نمی‌توان آن را انکار کرد. در میان داستان‌های جنگ، کمتر از آن‌ها گفته شد؛ اما امروز، ما این‌جا هستیم تا قصه‌ی آن‌ها را روایت کنیم. آن‌ها شاید کمتر دیده شدند، اما در تاریخ ماندگار شدند. راهشان ادامه دارد؛ در دل هر جوانی که برای کمک به دیگران قدم برمی‌دارد، در هر امدادگری که بدون چشم‌داشت، به یاری یک بیمار می‌شتابد، و در هر دلی که هنوز یاد ایثار زنده است. آن‌ها رفتند؛ اما رسالتشان هنوز بر دوش ما سنگینی می‌کند. رسالتی که باید آن را پاس بداریم و ادامه دهیم.

فرهنگ ایثار و شهادت در نسل جوان

یکی از دغدغه‌های اصلی مقام معظم رهبری همواره این بوده است که فرهنگ ایثار و شهادت به نسل‌های جدید منتقل شود. ایشان تأکید دارند که جوانان امروز باید شهدا را بشناسند، راه آن‌ها را ادامه دهند و ارزش‌هایی را که شهدا برای آن جان خود را فدا کردند، زنده نگه دارند.

اما آیا ما در این مسیر موفق بوده‌ایم؟ آیا جوانان ما می‌دانند که شهدای امدادگر چه کسانی بودند و چه کردند؟ پاسخ این سؤال، رسالتی سنگین بر دوش ما می‌گذارد. شهدا تنها نام‌هایی در تاریخ نیستند؛ آن‌ها نقشه‌ی راهی هستند که آینده را روشن می‌کند. اگر بخواهیم جامعه‌ای سرشار از ارزش‌های انسانی و اخلاقی داشته باشیم، باید شهدا را نه تنها به‌عنوان خاطره، بلکه به‌عنوان الگو به جوانان معرفی کنیم.

نقش شهدای امدادگر در تربیت نسل جدید

شهدای امدادگر درس‌های بزرگی برای نسل امروز دارند:

- درس مسئولیت‌پذیری: آن‌ها بدون هیچ چشم‌داشتی، جان خود را برای نجات دیگران به خطر انداختند.
 - درس ایثار: در شرایطی که می‌توانستند در امنیت باشند، انتخاب کردند که در میدان‌های جنگ بمانند.
 - درس شجاعت: آن‌ها ثابت کردند که شجاعت تنها به معنای جنگیدن نیست، بلکه گاهی در کمک‌رسانی به دیگران معنا پیدا می‌کند.
- امروز جوانان ما در میدان‌های دیگری به تلاش و جهاد مشغول‌اند. پزشکان، پرستاران، امدادگران و داوطلبانی که در بحران‌ها به یاری مردم می‌شتابند، همه وارثان راه شهدای امدادگر هستند.

مقابله با جنگ نرم و تحریف تاریخ

امروزه دشمنان تلاش می‌کنند تا فرهنگ ایثار و شهادت را کم‌رنگ کنند. آن‌ها از طریق رسانه‌ها، فیلم‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به دنبال تغییر ارزش‌های جامعه هستند. در چنین شرایطی، اگر ما شهدا را فراموش کنیم، دشمنان آن‌ها را تحریف خواهند کرد. نباید اجازه دهیم که فداکاری‌های شهدای امدادگر در لابه‌لای صفحات تاریخ گم شود. ما وظیفه داریم روایت‌های واقعی را حفظ کنیم و به نسل‌های آینده منتقل کنیم.

استفاده از ابزارهای هنری و رسانه‌ای برای ترویج فرهنگ ایثار

یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای انتقال ارزش‌های شهدا، استفاده از هنر و رسانه است. کتاب‌ها، فیلم‌ها، مستندها و نمایش‌های هنری می‌توانند تأثیر عمیقی بر مخاطبان بگذارند. ما باید از ابزارهای مدرن برای معرفی شهدای امدادگر استفاده کنیم. همان‌طور که برای قهرمانان داستانی فیلم‌ها ساخته می‌شود، چرا نباید فیلم‌هایی درباره‌ی امدادگرانی که جان خود را فدا کردند، ساخته شود؟ تولید محتوا برای فضای مجازی،



ساخت مستندهای تأثیرگذار و برگزاری برنامه‌های هنری، راه‌هایی است که می‌توان از طریق آن‌ها فرهنگ ایثار و شهادت را زنده نگه داشت.

امدادگران و جبهه مقاومت در دنیای امروز

حضور امدادگران ایرانی در لبنان و سوریه: امدادگران نه تنها در دوران دفاع مقدس، بلکه امروز نیز در خط مقدم جبهه مقاومت حضور دارند. در لبنان، سوریه، غزه و حتی مناطق بحران‌زده‌ی دیگر، امدادگران ایرانی همواره در کنار مردم ایستاده‌اند.

در جنگ لبنان، وقتی بیمارستان‌ها هدف حملات دشمن قرار گرفتند، چه کسی به مجروحان کمک کرد؟ در سوریه، وقتی مردم تحت محاصره‌ی تروریست‌ها بودند، چه کسانی دارو و تجهیزات پزشکی به آن‌ها رساندند؟ امدادگران ایرانی، همان‌هایی هستند که در سخت‌ترین شرایط، بدون توجه به خطرات، تنها برای نجات جان انسان‌ها قدم برداشتند.

حضور در مناطق جنگی، برای یک امدادگر چیزی کمتر از حضور یک رزمنده در میدان نبرد ندارد. آن‌ها بدون سلاح، اما با همان روحیه‌ی ایثار و فداکاری، پا به میدان می‌گذارند.

راهی پر خطر برای امدادگران

- بمباران بیمارستان‌ها و مراکز درمانی: دشمنان هیچ‌گاه به قوانین بین‌المللی پایبند نبوده‌اند. در جنگ لبنان، بیمارستان‌ها هدف موشک‌باران قرار گرفتند و بسیاری از پزشکان و امدادگران جان خود را از دست دادند.

- هدف قرار دادن نیروهای امدادی: در برخی از عملیات جنگی، امدادگران هنگام کمک‌رسانی به مجروحان مورد هدف تک‌تیراندازها قرار گرفتند.

- کمبود تجهیزات و امکانات پزشکی: در شرایط جنگی، دسترسی به دارو و تجهیزات محدود است؛ اما امدادگران با حداقل امکانات، حداکثر تلاش خود را برای نجات جان بیماران انجام می‌دهند.

حمایت مردمی از جبهه مقاومت

یکی از زیباترین جلوه‌های ایثار و فداکاری، حمایت مردم از جبهه مقاومت است. در روزهای جنگ لبنان، مردم ایران با وجود تمام مشکلات اقتصادی، کمک‌های خود را به دست مردم مظلوم لبنان رساندند. بیش از ۲۲۰۰ تن تجهیزات پزشکی، دارو و اقلام ضروری از سوی جمعیت هلال احمر ایران به لبنان ارسال شد. این تنها یک نمونه از حمایت مردمی از جبهه مقاومت است. امروز چشم امید مردم لبنان و فلسطین به ایران است. همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس، مردم از امدادگران حمایت کردند، امروز نیز حمایت از جبهه مقاومت، ادامه‌ی همان مسیر است.

نقش امدادگران در جنگ‌های آینده

جنگ‌های آینده، تنها جنگ‌های نظامی نیستند. دشمنان امروز از تحریم دارویی گرفته تا محاصره‌ی اقتصادی، از هر روشی برای به زانو درآوردن ملت‌های مقاوم استفاده می‌کنند.

در چنین شرایطی، امدادگران همان سربازان گمنام این نبردها هستند.

- آن‌ها که در بحران‌ها به داد مردم می‌رسند.

- آن‌ها که در شرایط سخت، بیمارستان‌های صحرایی برپا می‌کنند.

- آن‌ها که حتی در دل دشمنی‌ها، پیام صلح و انسانیت را منتقل می‌کنند.

امدادگران جبهه مقاومت، ادامه‌دهندگان راه شهدای امدادگر دوران دفاع مقدس هستند.

آن‌ها ثابت کرده‌اند که این مسیر، پایانی ندارد و همچنان پرچم ایثار را برافراشته نگه داشته‌اند.

شهدا چراغ راه آینده‌اند

تاریخ پر از نام‌هایی است که آمدند و رفتند؛ اما تنها نام‌هایی در حافظه‌ی زمان باقی می‌مانند که چیزی فراتر از یک زندگی معمولی داشته‌اند. شهدای امدادگر از همان دسته‌ای هستند که مرگشان، آغاز جاودانگی‌شان شد. آن‌ها نه تنها جانشان را فدا کردند، بلکه برای ما مسیری را به یادگار گذاشتند. این مسیر، مسیری است که از خودگذشتگی،



فداکاری، و تعهد به انسانیت را معنا می‌کند؛ اما آیا ما این مسیر را شناخته‌ایم؟ آیا آماده‌ایم که راه آن‌ها را ادامه دهیم؟ امروز، جهان درگیر بحران‌های بسیاری است. جنگ‌ها، بلایای طبیعی، فقر و محرومیت، همه نشان از آن دارند که هنوز هم نیاز به انسان‌هایی هست که مانند شهدای امدادگر، بدون چشم‌داشت، برای نجات دیگران گام بردارند. راه شهدا یک مفهوم انتزاعی نیست؛ یک وظیفه است. هر کسی، در هر جایگاهی که باشد، می‌تواند پرچم ایثار را بلند کند. یک پزشک، یک پرستار، یک معلم، یک کارمند، یک دانشجو... همه و همه می‌توانند ادامه‌دهنده‌ی راهی باشند که شهدای امدادگر ترسیم کردند.

مسئولیت نسل امروز در برابر خون شهدا

وقتی از شهدای امدادگر صحبت می‌کنیم، نباید آن‌ها را تنها در قاب عکس‌ها و مراسم یادبود ببینیم. این شهدا برای ما وظایفی را به جا گذاشته‌اند.

- اولین مسئولیت ما، شناخت و حفظ ارزش‌های آن‌هاست.

اگر نسل امروز ندانند که شهدای امدادگر چه کسانی بودند و چه کردند، چگونه می‌توانند راهشان را ادامه دهند؟

- دومین مسئولیت، عمل کردن به آرمان‌های آن‌هاست. شهدای امدادگر به ما یاد دادند که هیچ مرزی برای فداکاری وجود ندارد. اگر آن‌ها جانشان را برای دیگران فدا کردند، آیا ما نمی‌توانیم بخشی از راحتی خود را برای کمک به دیگران کنار بگذاریم؟

- سومین مسئولیت، مقابله با تحریف تاریخ است. امروز دشمنان تلاش می‌کنند که قهرمانان واقعی را از ذهن جامعه حذف کنند. ما نباید اجازه دهیم که خاطره‌ی شهدای امدادگر در میان روزمرگی‌های ما فراموش شود.

راه شهدا، یک مسیر اجباری نیست، بلکه یک انتخاب آگاهانه است.

از یادواره تا عمل - چگونه راه شهدا را ادامه دهیم؟

بسیاری از ما در یادواره‌های شهدا شرکت می‌کنیم، از رشادت‌های آن‌ها می‌شنویم، تحت تأثیر قرار می‌گیریم، اما پس از مدتی، دوباره به زندگی معمولی خود بازمی‌گردیم؛ اما



سوال اینجاست: چگونه می‌توانیم فراتر از یک شنونده‌ی صرف، به یک ادامه‌دهنده‌ی راه شهدا تبدیل شویم؟

شهدا به ما یاد دادند که زندگی فقط برای خودمان نیست. می‌توانیم در هر موقعیتی که هستیم، به دیگران کمک کنیم؛ از امدادسانی در بحران‌ها گرفته تا ساده‌ترین کارها، مثل حمایت از افراد نیازمند در جامعه. امدادگران در سخت‌ترین شرایط، بدون توقع، به یاری دیگران می‌شتافتند. این روحیه باید در زندگی ما هم جاری باشد. تلاش کنیم که در کار، تحصیل و زندگی اجتماعی، رویکردی مسئولانه و ایثارگرانه داشته باشیم.

زنده نگه داشتن یاد و خاطره‌ی شهدا

یاد شهدا فقط با مراسم رسمی زنده نمی‌ماند. هرکس در هر جایگاهی که هست، می‌تواند درباره‌ی آن‌ها صحبت کند، خاطراتشان را منتقل کند، و از آن‌ها الگو بگیرد. امروز برخی رسانه‌ها سعی دارند نقش شهدا را کم‌رنگ کنند. ما باید هوشیار باشیم و اجازه ندهیم که حقیقت ایثار و فداکاری آن‌ها در میان هجمه‌های رسانه‌ای از بین برود.

پرچم ایثار را زمین نگذاریم

شهدای امدادگر، همان‌گونه که در این کتاب توصیف شد، از مظلوم‌ترین قهرمانان تاریخ‌اند. آن‌ها نه برای جنگیدن، بلکه برای نجات جان انسان‌ها به میدان آمدند؛ اما همین ایثار، آن‌ها را هدف دشمن قرار داد و بسیاری از آن‌ها جانشان را در این مسیر از دست دادند. امروز، اگر ما در آرامش زندگی می‌کنیم، اگر در سخت‌ترین شرایط بحران، هنوز امدادگرانی هستند که بدون ترس به کمک مردم می‌شتابند، همه این‌ها به برکت همان خون‌هایی است که در راه خدا و انسانیت ریخته شد؛ اما اگر روزی فراموش کنیم که چه کسانی این مسیر را برای ما هموار کردند، اگر یاد و خاطره‌ی آن‌ها را از ذهنمان پاک کنیم، نه تنها به آن‌ها ظلم کرده‌ایم، بلکه آینده‌ی خود را نیز در تاریکی فرو برده‌ایم. پرچم ایثار را زمین نگذاریم.

این راه، ادامه دارد...



شهزادای امدادگر، الگوی ایثار و فداکاری در مسیر مقاومت

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان بوشهر

۳۰ آبان ۱۴۰۳

مقدمه

ایثار و فداکاری در مسیر حق، یکی از ارزش‌های بنیادین در فرهنگ اسلامی است. شهدای امدادگر، نماد این از خودگذشتگی در سخت‌ترین شرایط هستند. آنان که بدون سلاح، اما با ایمان و عشق به خدمت، در صحنه‌های خطر حاضر شدند و جان خود را فدای دیگران کردند. هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر همین فرهنگ، به نهادی فراتر از مرزها تبدیل شده و در جبهه‌های مقاومت، نقش کلیدی در حمایت از مجروحان و آسیب‌دیدگان ایفا می‌کند. این فصل برگرفته از سخنرانی دکتر پیرحسین کولیوند رئیس جمعیت هلال احمر در یادواره شهدای امدادگر استان بوشهر است که به بررسی جایگاه شهدای امدادگر، نقش جمعیت هلال احمر در ترویج فرهنگ ایثار و حمایت از جبهه مقاومت و پاسخگویی به جنایات دشمنان اسلام می‌پردازد. شهدای امدادگر، تجسم واقعی آیه‌ی شریفه‌ی «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (المائده: ۳۲) هستند. این آیه بر ارزش بی‌حد احیای جان یک انسان تأکید دارد و امدادگران شهید، دقیقاً همین مأموریت الهی را بر دوش داشتند. آنان در شرایطی که گلوله‌ها از هر سو می‌بارید، بدون ترس از مرگ، به یاری مجروحان می‌شتافتند. برگزاری کنگره ۲۵۰۰ شهید امدادگر، اقدامی ارزشمند در راستای زنده نگه داشتن یاد این مجاهدان خاموش است. این کنگره، نه تنها فرصتی برای گرامیداشت رشادت‌های آنان است، بلکه بستری برای تبیین سبک زندگی این قهرمانان نیز فراهم می‌آورد. سبک زندگی‌ای که سرشار از ایمان، فداکاری و روحیه‌ی خدمت بود. جمعیت هلال احمر، با سه میلیون جوان داوطلب، یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های امدادی و اجتماعی در کشور است. این جوانان، بر اساس بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، مسیر سازندگی را در پیش گرفته‌اند و هر یک از آنان، سربازانی در میدان جهاد خدمت هستند. رهبر معظم انقلاب، بر انتقال پیام شهدا به نسل جدید تأکید دارند و هلال احمر، یکی از مهم‌ترین بسترهای تحقق این امر است. در این راستا، تربیت ۷۰ هزار جوان متخصص در حوزه‌ی امداد و نجات، نشان از ظرفیت عظیم هلال احمر در پرورش نیروهای ایثارگر دارد. آنان که در بحران‌های مختلف، بدون توجه به نژاد، مذهب یا ملیت، به کمک آسیب‌دیدگان می‌شتابند و در عرصه‌های بین‌المللی، جلوه‌ی واقعی انسان‌دوستی اسلامی را به نمایش می‌گذارند.





ترویج فرهنگ ایثار و نقش هلال احمر در خدمت به مقاومت

یاد و خاطره شهید نصرالله و دیگر شهدای امدادگر را گرامی می‌داریم و به روح بلندشان درود می‌فرستیم. یادواره‌های شهدا، فرصتی است تا بار دیگر جایگاه والای شهدای امدادگر را یادآور شویم و از ایثار و فداکاری آنان سخن بگوییم. امدادگران، سفیران انسانیت و مجاهدان بی‌ادعایی هستند که در سخت‌ترین شرایط، جان خود را در طبق اخلاص گذاشته و برای نجات هم‌نوعان خود از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند. شهدای امدادگر، مظهر ایثار و از خودگذشتگی‌اند. آنان بدون آنکه سلاحی در دست داشته باشند، در میدان نبرد حضور یافتند و تنها با یک کوله‌پشتی، دارو و وسایل پزشکی، در دل آتش و خون به کمک مجروحان شتافتند. قرآن کریم در وصف چنین انسان‌هایی می‌فرماید: «وَمَنْ يُخَيِّبْهَا فَاَنَّمَا أُخِيَا النَّاسَ جَمِيعًا.» «و هر کس انسانی را زنده کند، گویا همه انسان‌ها را زنده کرده است.» (المائدة: ۳۲)

این امدادگران، جان خود را در راه حیات دیگران فدا کردند و در مسیر دفاع از ارزش‌های انسانی به شهادت رسیدند. پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر اهمیت زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا و انتقال پیام آنان به نسل جوان تأکید دارد. امروز، جوانان هلال احمر، با سه میلیون داوطلب فعال، می‌توانند راه شهدای امدادگر را ادامه دهند و پیام آنان را به نسل‌های بعدی برسانند. یکی از اقدامات ارزشمندی که برای زنده نگه داشتن یاد شهدای امدادگر در دستور کار قرار گرفته، برگزاری کنگره‌ای برای ۲۵۰۰ شهید امدادگر است. این کنگره، برای نخستین بار در سطح بین‌المللی برگزار می‌شود و علاوه بر شهدای امدادگر داخل کشور، شهدای جبهه مقاومت نیز در آن گرامی داشته خواهند شد. کنگره شهدای امدادگر، فرصتی است تا جوانان هلال احمر از سراسر کشور گرد هم آیند، سبک زندگی شهدا را بشناسند و از آن الگو بگیرند. شهدای امدادگر، مصداق بارز آیه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره: ۱۴۸) هستند؛ آنان در مسابقه نیکی‌ها پیش‌قدم شدند و بهترین جایگاه را در نزد خداوند به دست آوردند. یکی از اهداف مهم این کنگره، توجه به مظلومیت شهدای امدادگر است. این شهدا، در حالی که تنها هدفشان خدمت به انسان‌ها بود، توسط دشمنان به شهادت رسیدند. آنان نه اسلحه داشتند و نه زره، اما ایمان و اخلاصشان، آنان را به خط مقدم کشاند.

هلال احمر، جمعیتی امام حسینی

هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، یک نهاد امدادی صرف نیست، بلکه یک جمعیت امام حسینی است که بر پایه ارزش‌های عاشورایی بنا شده است. این جمعیت، بدون در نظر گرفتن قومیت، مذهب و ملیت، در هر نقطه‌ای که نیاز باشد، خدمت‌رسانی می‌کند. در عرصه بین‌المللی نیز، هلال احمر در کنار جبهه مقاومت ایستاده و به مظلومان جهان یاری می‌رساند. «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا لَوْلَى قُرْبَى. « شایسته نیست که پیامبر و مؤمنان برای مشرکان طلب مغفرت کنند، حتی اگر از نزدیکانشان باشند.» (توبه: ۱۱۳). این آیه نشان می‌دهد که مؤمنان نباید در برابر دشمنان و ظالمان، سکوت کنند. هلال احمر،



به عنوان یک نهاد انسان‌دوستانه، همواره در برابر ظلم ایستاده و به یاری مظلومان شتافته است. از یمن و سوریه گرفته تا فلسطین و لبنان، نیروهای امدادی هلال احمر، در کنار جبهه مقاومت بوده‌اند و با جان و دل به مجروحان خدمت کرده‌اند. امروز، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند ترویج فرهنگ ایثار و شهادت هستیم. شهدای امدادگر، اسوه‌هایی هستند که باید زندگی و سیره آنان به نسل جوان معرفی شود. آنان نشان دادند که امدادگری، صرفاً یک حرفه نیست، بلکه یک رسالت الهی است. ما نیز، در هر جایگاهی که هستیم، باید در این مسیر گام برداریم و از آنان الگو بگیریم.

امدادگران، پیشگامان جهاد و انسان‌دوستی

در تاریخ بشریت، همواره گروهی از انسان‌ها بوده‌اند که جان و توان خود را برای نجات دیگران فدا کرده‌اند. این افراد، پیشگامان ایثار، جهاد و فداکاری‌اند. امدادگران، در زمره این انسان‌های وارسته قرار دارند؛ کسانی که نه برای قدرت، نه برای مال و نه برای شهرت، بلکه صرفاً برای رضای خدا و نجات جان انسان‌ها، خود را در میدان‌های سخت به خطر می‌اندازند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالَنَا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ.» «و هرگز مپندارید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند؛ بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.» (آل عمران: ۱۶۹). شهدای امدادگر، نماد این حیات طیبه‌اند. آنان با شهادت خود، به حیات ابدی دست یافتند و الگویی جاودان برای نسل‌های آینده شدند.

امدادگران در خط مقدم جهاد

جهاد، مفهومی گسترده در فرهنگ اسلامی است که تنها به جنگ نظامی محدود نمی‌شود. جهاد، یعنی تلاش بی‌وقفه در راه خدا، و امدادگران، مصداق بارز این حقیقت‌اند. آنان بدون داشتن سلاح، در میدان نبرد حضور می‌یابند و در سخت‌ترین شرایط، به کمک مجروحان و نیازمندان می‌شتابند. در طول دفاع مقدس، امدادگران در بیمارستان‌های صحرایی، سنگرها و حتی در خط مقدم، جان رزمندگان را نجات



می‌دادند. بسیاری از آنان، در حالی که مشغول مداوای مجروحان بودند، هدف حملات دشمن قرار گرفته و به شهادت رسیدند. یکی از این قهرمانان، شهید نصرالله بود که با جان‌فشانی خود، جان بسیاری از هم‌زمانش را نجات داد. امروز نیز، این روحیه در جبهه‌های مقاومت ادامه دارد. در لبنان، سوریه، فلسطین و یمن، امدادگران هلال احمر، جان خود را برای نجات غیرنظامیان و رزمندگان به خطر می‌اندازند. این همان راهی است که امام حسین (ع) در کربلا پیمود، آنجا که حتی در اوج نبرد، به فکر نجات جان‌ها بود.

جایگاه امدادگران در فرهنگ اسلامی

در فرهنگ اسلامی، خدمت به خلق، یکی از برترین عبادات محسوب می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ» «بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمند باشد.» امدادگران، نمونه‌ای از این انسان‌های نیک‌اندیش‌اند که همواره در سخت‌ترین لحظات، در کنار مردم قرار دارند. این ویژگی، در جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، به خوبی نمایان است. این سازمان، نه تنها در داخل کشور، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز خدمات ارزنده‌ای ارائه کرده و در بحران‌ها، بلايای طبیعی و جنگ‌ها، همواره در صف اول کمک‌رسانی حضور داشته است.

نقش امدادگران در وحدت و همبستگی ملی

امدادگری، فارغ از هرگونه تفاوت قومی، مذهبی و ملیتی، یک رسالت انسانی است. در جمعیت هلال احمر، امدادگران از تمامی اقشار جامعه حضور دارند؛ از شیعه و سنی گرفته تا مسیحیان، ارامنه و زرتشتیان. این وحدت و همبستگی، از ارزش‌های والای اسلامی و انسانی است که در مسیر امدادگری تجلی یافته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بر این وحدت تأکید دارند و می‌فرمایند: «دست برادری دادن به یکدیگر و وحدت ملی، رمز پیشرفت و پیروزی ماست.» این وحدت، در میدان‌های امدادگری به‌خوبی نمایان است. امدادگران، بدون در نظر گرفتن مذهب و قومیت، به



یاری نیازمندان می‌شتابند و همین مسئله، موجب همدلی و انسجام ملی می‌شود. امدادگران، پیشگامان جهاد و انسان‌دوستی‌اند. آنان، در خط مقدم خدمت به بشریت قرار دارند و با روحیه‌ای عاشورایی، برای نجات جان دیگران تلاش می‌کنند. شهدای امدادگر، اسوه‌هایی جاودان‌اند که مسیر آنان، باید توسط نسل‌های آینده ادامه یابد. امروز، هر یک از ما وظیفه داریم که این فرهنگ را زنده نگه داریم. هلال احمر، به عنوان یک نهاد امام‌حسینی، باید همچنان در مسیر جهاد، ایثار و خدمت به مردم گام بردارد.

ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در میان جوانان

در دنیای امروز، جهاد و ایثار به عنوان مفاهیم بسیار مقدس، همواره در دل آموزه‌های اسلامی و انسانی قرار دارد. ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نه تنها یک وظیفه دینی بلکه مسئولیت ملی و جهانی است. شهدای امدادگر، کسانی که در راه خدمت به انسان‌ها جان خود را فدای دیگران کردند، الگوی بی‌بدیلی برای نسل‌های آینده به شمار می‌آیند. هدف این فصل بررسی اهمیت و نقش جوانان در انتقال و ترویج این فرهنگ اصیل در جامعه است.

جوانان امروز، رهبری فردای جامعه را بر عهده دارند

این سخن به خوبی اهمیت نقش جوانان در آینده‌سازی و ساختن تمدن اسلامی را می‌رساند. در دنیای کنونی، بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم تا جوانان، پیام شهدای امدادگر و فرهنگ ایثار و شهادت را در دل خود بپروراند و آن را به نسل‌های بعدی منتقل کنند.

تبیین نقش جوانان در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

جوانان، به‌ویژه در دوران معاصر، نیازمند الگویی شایسته از ایثار، فداکاری و دیانت هستند. یکی از اصلی‌ترین وظایف جمعیت هلال احمر و نهادهای مشابه، فراهم آوردن



فضایی است که در آن جوانان بتوانند از شهدا الگو بگیرند و این آموزه‌های گران قدر را در عمل به نمایش بگذارند. در این راستا، کنگره‌ها و برنامه‌های مختلف فرهنگی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. جوانان داوطلب در هلال احمر، که به عنوان سفیران ایثار شناخته می‌شوند، با درک عمیق از پیام‌های امدادگر، در هر شرایطی آماده کمک به نیازمندان و مجروحان هستند. این جوانان با تلاش‌های خود، فرهنگ ایثار و فداکاری را در جامعه نهادینه می‌کنند و در واقع، پرچم‌داران ترویج این ارزش‌ها در سطح ملی و بین‌المللی هستند. به‌طور خاص، کنگره‌های شهدای امدادگر که به یاد شهدای داخل و جبهه مقاومت برگزار می‌شود، فرصتی است تا جوانان با زندگی و سیره عملی این شهدای بزرگ آشنا شوند و از آموزه‌های آنان برای پیشبرد اهداف انسانی و اخلاقی خود استفاده کنند.

نقش هلال احمر در ساختاردهی به فرهنگ ایثار در میان جوانان

هلال احمر، به عنوان یک سازمان جهانی و معتبر، بستر مناسبی برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت فراهم می‌آورد. در این نهاد، جوانان نه تنها در عرصه امدادگری بلکه در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز مشارکت فعال دارند. این مشارکت‌ها، به‌ویژه در مواقع بحران و بلایای طبیعی، فرصتی طلایی برای جوانان است تا به عنوان پیشگامان ایثار، نقشی مهم در خدمت‌رسانی به بشریت ایفا کنند. جمعیت هلال احمر، با به‌کارگیری جوانان در فعالیت‌های داوطلبانه، به آنها می‌آموزد که چگونه باید در شرایط دشوار به کمک دیگران شتافت و چگونه باید در برابر سختی‌ها و مشکلات صبر و استقامت پیشه کنند. همچنین این سازمان، با برگزاری دوره‌های آموزشی و برنامه‌های تخصصی، به جوانان ابزارهای لازم را برای خدمت به مردم و ایثارگری در مواقع نیاز می‌دهد. در همین راستا، برنامه‌هایی همچون «کاروان‌های سلامت»، «کمک‌های امدادی در مناطق بحران‌زده» و «کمک‌رسانی به پناهندگان»، از جمله فعالیت‌هایی هستند که نقش مهمی در آموزش و ترویج فرهنگ ایثار در میان جوانان دارند.



تأثیر فرهنگ عاشورایی بر امدادگران و جوانان

یکی از مؤلفه‌های اصلی در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، بهره‌گیری از فرهنگ عاشورایی است. عاشورا، نه تنها یک حادثه تاریخی بلکه یک فرهنگ زنده است که به انسان‌ها می‌آموزد چگونه باید در راه عدالت و حقیقت فداکاری کرد. امام حسین (ع)، با قیام عاشورا، پیام ایثار و فداکاری را برای همیشه به جهانیان رساند. او و یارانش در کربلا نشان دادند که در برابر ظلم باید ایستاد و در مسیر حقیقت باید فداکاری کرد. شهدای امدادگر، همچون یاران امام حسین (ع)، در میدان نبرد، به میدان آمدند و با جانفشانی خود، پیام عاشورا را در دنیای معاصر تکرار کردند. امروز، جوانان هلال احمر با الهام از این فرهنگ عاشورایی، در هر نقطه‌ای از جهان که نیاز به کمک باشد، حضور پیدا می‌کنند و با روحیه‌ای استوار و ایمانی راسخ، به یاری انسان‌ها می‌شتابند. این جوانان، با الگوگیری از زندگی و جهاد امام حسین (ع)، از خود گذشتگی را نه تنها در میدان‌های نبرد بلکه در هر عرصه انسانی به نمایش می‌گذارند. ایثار و شهادت، به‌ویژه در دنیای امروز، نه تنها به عنوان یک ارزش دینی بلکه به عنوان یک ارزش جهانی باید در میان جوانان ترویج شود. شهدای امدادگر، به‌عنوان اسوه‌های ایثار، همواره باید به عنوان الگویی برای نسل‌های آینده شناخته شوند. هلال احمر و دیگر نهادهای مشابه، با ترویج فرهنگ ایثار و فراهم آوردن فضاهای آموزشی برای جوانان، می‌توانند در پرورش این نسل ایثارگر و فداکار نقش مهمی ایفا کنند.

امدادگری در جبهه مقاومت و تأثیر آن بر ترویج ارزش‌های انسانی

در دنیای معاصر، بحران‌ها و جنگ‌های مختلف، تأثیرات عمیقی بر جوامع بشری می‌گذارند. در چنین شرایطی، امدادگران و نیروهای انسانی که در جبهه‌های مختلف به کمک‌رسانی می‌پردازند، نه تنها نقش حیاتی در نجات جان انسان‌ها دارند بلکه در ترویج ارزش‌های انسانی نیز سهم بسزایی ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین جبهه‌هایی که این امر به وضوح نمایان است، جبهه مقاومت است. در این فصل، به بررسی نقش امدادگران در جبهه مقاومت، تأثیر فعالیت‌های آنها بر ترویج ارزش‌های انسانی و



آموزه‌های اسلامی خواهیم پرداخت. امام حسین (ع) در روز عاشورا فرمود: «من برای اصلاح امت جدم قیام کرده‌ام.»
این سخن امام حسین (ع) نشان‌دهنده ضرورت ایستادگی در برابر ظلم و فساد است. امدادگران در جبهه مقاومت، با الهام از این فرمایش امام حسین (ع)، نه تنها در میدان نبرد حضور دارند بلکه در خدمت‌رسانی به انسان‌ها و دفاع از کرامت انسانی، نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کنند.

حضور امدادگران در جبهه مقاومت و فداکاری‌های آنان

جبهه مقاومت، منطقه‌ای است که در آن نیروهای امدادی، در کنار مبارزان و رزمندگان، در خط مقدم برای حمایت از جان انسان‌ها و جلوگیری از فجایع انسانی می‌جنگند. امدادگران، بدون در نظر گرفتن قومیت، مذهب یا ملیت، با هدف کمک به زخمی‌ها و بی‌خانمان‌ها در میدان‌های نبرد حضور می‌یابند. آنها با فداکاری و از خود گذشتگی، در شرایطی بسیار دشوار، جان خود را در معرض خطر قرار می‌دهند. در جبهه‌های مقاومت، امدادگران تنها به پخش دارو یا درمان زخمی‌ها محدود نمی‌شوند بلکه در بسیاری از مواقع، خود نیز در اثر برخورد با گلوله‌های دشمن یا بمباران‌های هوایی آسیب می‌بینند. با این حال، آنها به دلیل اعتقاد راسخ به اصول انسانی و اسلامی، هیچ‌گاه از انجام وظیفه خود عقب نمی‌نشینند. یکی از نمونه‌های بارز این فداکاری‌ها، فعالیت‌های امدادگران در لبنان و سوریه است. در این کشورها، جایی که جنگ و بحران‌های متعدد ادامه داشته، امدادگران با حضور در مناطق جنگی، جان خود را برای نجات انسان‌ها فدای می‌کنند. این نوع فداکاری، نه تنها یک خدمت انسانی است بلکه بر اساس آموزه‌های اسلامی نیز یک جهاد مقدس به شمار می‌آید.

ترویج ارزش‌های انسانی در جبهه مقاومت

جبهه مقاومت به‌عنوان یک جبهه اسلامی، نه‌تنها در پی مقابله با ظلم و فساد است بلکه تلاش دارد تا ارزش‌های انسانی و اسلامی را در جوامع ترویج کند. امدادگران در





این جبهه‌ها، با حضور خود، پیام‌های انسانی همچون ایثار، فداکاری، محبت و همدلی را به مردم دنیا می‌رسانند. امدادگران در جبهه مقاومت، با رفتار خود به دیگران نشان می‌دهند که اصول انسانیت و فداکاری فراتر از مرزها و تفاوت‌های دینی و قومی است. آنها با تأسیس بیمارستان‌های صحرایی، پخش غذا و دارو و حتی آموزش‌های اولیه پزشکی، نشان می‌دهند که در شرایط بحران، همدلی و همکاری می‌تواند جان‌ها را نجات دهد و زندگی‌ها را از نو بسازد. این اقدامات امدادی، در واقع ترویج‌دهنده فرهنگ صلح و دوستی است و به جهانیان می‌آموزد که در مقابل دشمن مشترک بشریت، باید به یکدیگر کمک کنیم. در این میان، حضور امدادگران در جبهه‌های مقاومت که خود از جان گذشته‌اند و هیچ‌گاه از اصول انسانی منحرف نمی‌شوند، بزرگ‌ترین نماد از تعهد به کرامت انسانی است.

نقش هلال احمر در جبهه مقاومت و همبستگی بین‌المللی

جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک نهاد امدادی بزرگ، در جبهه مقاومت نقش مهمی ایفا می‌کند. این نهاد، با همکاری و همبستگی با سایر سازمان‌های بین‌المللی امدادی و کشورهای دوست، همواره در بحران‌های مختلف به کمک‌رسانی پرداخته است. امدادگران هلال احمر در جبهه مقاومت، بدون هیچ‌گونه تبعیض، به هر شخصی که در معرض خطر قرار گیرد، کمک می‌کنند. این عمل، نه تنها نشان‌دهنده اصول انسانی بلکه نشان‌دهنده همبستگی امت‌های اسلامی و سایر ملت‌ها در مقابل بحران‌های جهانی است. در بحران‌ها و بلایای طبیعی، هلال احمر با تکیه بر نیروهای داوطلب و متخصص خود، به سرعت به مناطق آسیب‌دیده کمک می‌رساند و در این راستا از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. مشارکت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در کمک‌رسانی به مناطق جنگی و آسیب‌دیده، به‌ویژه در سوریه و لبنان، نمونه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی است که نشان می‌دهد همبستگی انسان‌ها برای نجات یکدیگر، فراتر از هرگونه مرز جغرافیایی و سیاسی است. امدادگران در جبهه مقاومت، با فداکاری‌های خود نه تنها جان انسان‌ها را نجات می‌دهند بلکه ارزش‌های انسانی را در جهانی که با بحران‌ها و جنگ‌ها روبرو است، ترویج می‌کنند. آنها با ایثار و از خودگذشتگی، همچون شهدا در میدان‌های نبرد، نمادهای زنده‌ای از فرهنگ اسلامی و انسانی هستند.

جمعیت هلال احمر و سایر نهادهای امدادی باید همچنان در ترویج این فرهنگ و حفظ روحیه ایثارگری و فداکاری در میان نسل‌های آینده تلاش کنند. در نهایت، امدادگران با پیروی از آموزه‌های اسلامی و انسانی، به جهانیان یادآوری می‌کنند که در مسیر خدمت به بشریت، هیچ مرزی وجود ندارد و همگان باید در برابر ظلم و بی‌عدالتی ایستادگی کنند.



جهاد در خدمت بشریت و نقش امدادگران در تحقق آرمان‌های انسانی

جهاد، یکی از مفاهیم مهم در فرهنگ اسلامی است که به معنای تلاش و کوشش برای تحقق اهداف عالی انسانی و الهی است. در این مسیر، خدمت به مردم و کمک‌رسانی به نیازمندان نه تنها وظیفه‌ای دینی بلکه یک رسالت انسانی نیز به‌شمار می‌آید. امدادگران، در جبهه‌های مختلف انسانی، با نیت جهاد در راه خدا و خدمت به بشریت، گام برمی‌دارند.

امدادگران و تحقق آرمان‌های انسانی

امدادگران، به‌ویژه در جبهه‌های جنگ و بحران، با فداکاری و ایثارگری خود در پی تحقق آرمان‌های انسانی هستند. آنها در شرایطی که زندگی انسان‌ها در معرض تهدید است، به‌عنوان مدافعان کرامت انسانی وارد میدان می‌شوند و با ارائه خدمات درمانی، غذایی و امدادی، به کسانی که در خطر هستند، کمک می‌کنند. این تلاش‌ها نه تنها نشان‌دهنده عشق به انسانیت است بلکه بازتابی از آموزه‌های اسلامی و انسانی است که در دل قرآن و سیره اهل‌بیت (ع) قرار دارد. یکی از مصادیق برجسته این آرمان‌ها، امدادگران در مناطق جنگی است. در این مناطق، جایی که جنگ و خشونت بر زندگی مردم سایه افکنده است، امدادگران به‌عنوان نجات‌دهندگان جان انسان‌ها وارد عمل می‌شوند و با ایثار و فداکاری، به همه مردم بدون توجه به قومیت، مذهب یا ملیت‌شان کمک می‌کنند. این نوع رفتار، نه تنها در راستای تحقق عدالت انسانی است بلکه یادآور این است که جهاد در خدمت بشریت، چیزی جز فداکاری و ایثار نیست.

امدادگران و ترویج اخلاق اسلامی در عرصه جهانی

یکی از مهم‌ترین وظایف امدادگران، ترویج اخلاق اسلامی در جوامع مختلف و به‌ویژه در سطح جهانی است. امدادگران با رفتار خود، نمونه‌ای از اخلاق اسلامی را به جهانیان نشان می‌دهند. آنها با رعایت اصول انسانی همچون صداقت، شجاعت، همدلی و از خودگذشتگی، به‌ویژه در مناطق بحران‌زده، به دیگران می‌آموزند که





خدمت به انسان‌ها، بالاترین نوع جهاد است. در جبهه‌های جنگ، که انسان‌ها در معرض وحشیانه‌ترین نوع خشونت قرار دارند، امدادگران با حضور خود، نه تنها به نجات جان‌ها می‌پردازند بلکه نشان می‌دهند که می‌توان در شرایط بحرانی نیز اخلاق اسلامی را رعایت کرد. آنها با هر حرکت خود، آیه‌های قرآن و آموزه‌های پیامبر اسلام (ص) را به عینیت در می‌آورند. به‌عنوان مثال، در جبهه‌های مقاومت در لبنان، سوریه و فلسطین، امدادگران ایرانی و سایر نیروهای امدادی، با روحیه‌ای استوار و با تکیه بر اصول اخلاقی اسلامی، در صحنه‌های نبرد حضور یافته و به مردم آسیب‌دیده کمک می‌کنند. این حضور نه تنها جان انسان‌ها را نجات می‌دهد بلکه در سطح جهانی پیامی از صلح، دوستی و همکاری به مردم جهان منتقل می‌کند.

امدادگران و نقش آن‌ها در تقویت وحدت اسلامی و بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فعالیت‌های امدادی در جبهه‌های مقاومت، تقویت وحدت اسلامی و همبستگی بین‌المللی است. امدادگران، با حضور خود در مناطق مختلف جهان، پیامی از همبستگی و همکاری ملت‌ها را به دنیا می‌رسانند. در جبهه‌های مقاومت، همکاری‌های بین‌المللی میان سازمان‌های امدادی، چه از ایران و چه از سایر کشورها،

نمونه‌ای از همکاری‌های بین‌المللی در راستای تحقق عدالت انسانی است. این همکاری‌ها، که در قالب جمع‌آوری کمک‌های مالی، دارویی، غذایی و تجهیزات پزشکی انجام می‌شود، نشان‌دهنده این است که در برابر ظلم و بحران‌های جهانی، تمامی انسان‌ها باید دست به دست هم دهند. امدادگران در این جبهه‌ها، بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی، به یکدیگر کمک می‌کنند و در حقیقت، از همه توان خود برای نجات انسان‌ها استفاده می‌نمایند. مشارکت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در این تلاش‌های بین‌المللی، الگویی از همکاری انسانی است که در راستای تحقق آرمان‌های جهانی عدالت و صلح قرار دارد. به‌عنوان نمونه، در بحران‌های سوریه و لبنان، هلال احمر ایران با همکاری سایر سازمان‌های بین‌المللی امدادی، به نجات جان هزاران نفر از مردم این کشورها پرداخته است. جهاد در خدمت بشریت، تنها در میدان جنگ خلاصه نمی‌شود. امدادگران با حضور خود در جبهه‌های مختلف انسانی، همواره در پی تحقق آرمان‌های انسانی هستند. آنها با ایثار و فداکاری خود، نه تنها جان انسان‌ها را نجات می‌دهند بلکه پیامی از وحدت اسلامی، اخلاق انسانی و همبستگی بین‌المللی را به جهان می‌رسانند.

امدادگران با فداکاری در راستای خدمت به انسان‌ها، می‌توانند الگویی برای نسل‌های آینده باشند و فرهنگ ایثار و خدمت‌رسانی را در سطح جهانی ترویج دهند. آنها به‌عنوان جهادگران در خدمت بشریت، با رفتار خود به جهانیان می‌آموزند که در برابر بحران‌ها، تنها با همبستگی و همکاری می‌توان از آن عبور کرد و عدالت انسانی را برقرار ساخت.



امدادگران شهید فرشتگان ایثار در دل آتش

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان همدان

۸ آذر ۱۴۰۳

مقدمه

تاریخ هر ملت، سرشار از قهرمانانی است که در بزنگاه‌های حساس، با ایثار و فداکاری، مسیر آینده را روشن کرده‌اند. در میان همه‌ی رشادت‌های دوران دفاع مقدس، نام‌هایی هستند که کمتر از آن‌ها گفته‌ایم؛ اما حضورشان، ضامن بقای رزمندگان و استمرار جهاد بوده است. شهدای امدادگر، همان فرشتگان نجاتی بودند که در میان آتش و خون، رسالتی الهی را بر دوش داشتند. آنان نه برای جنگیدن، بلکه برای نجات جان‌ها آمدند. در حالی که دیگران سلاح به دست داشتند، اینان با یک کوله‌ی امدادی، با دستانی پر از محبت و قلب‌هایی سرشار از ایمان، پا به میدان گذاشتند. آن‌ها زخمی‌ها را پانسمان می‌کردند، دردها را تسکین می‌دادند؛ و در لحظاتی که مرگ نزدیک بود، امید را به قلب‌های ناامید بازمی‌گرداندند.

این تنها بخشی از حقیقت است. امدادگران، نه تنها در خط مقدم، بلکه در بیمارستان‌های صحرايي، در میان اسرای جنگی؛ و حتی در اردوگاه‌های آوارگان جنگی نیز نقشی بی‌بدیل داشتند. آنان تنها از جسم مجروحان مراقبت نمی‌کردند، بلکه تسکینی بر روح‌های خسته و زخمی رزمندگان نیز بودند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در اهمیت زنده نگه داشتن یاد شهدا می‌فرماید: «امروز زنده نگه داشتن یاد شهدا، کمتر از شهادت نیست.» اما این یاد، چگونه باید زنده بماند؟ آیا تنها با برگزاری مراسم و یادواره‌ها، رسالت ما در قبال این شهدا تمام می‌شود؟

این فصل تحلیل سخنان دکتر پیرحسین کولیوند در یادواره شهدای امدادگر استان همدان است و تلاشی است برای پاسخ به همین سوال. در این اثر، نه تنها به بررسی نقش شهدای امدادگر در دفاع مقدس پرداخته‌ایم، بلکه کوشیده‌ایم تا پیام آنان را برای نسل امروز تبیین کنیم. این کتاب، تنها روایتی تاریخی نیست، بلکه تحلیلی است بر فرهنگ ایثار، بر رسالتی که همچنان بر دوش ماست، و بر راهی که هنوز ادامه دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» «هر کس جان انسانی را نجات دهد، گویی همه انسان‌ها را نجات داده است.» (سوره مائده، آیه ۳۲) شهدای امدادگر، مصداق این آیه بودند. آن‌ها رفتند، اما راهشان باقی است. این فصل، دعوتی است برای شناختن این مسیر و گام برداشتن در آن.





رسالت امدادگران در دفاع مقدس و نقش هلال احمر

وقتی جنگ آغاز می‌شود، نخستین تصویری که در ذهن بسیاری شکل می‌گیرد، صفوف رزمندگان و صدای غرش سلاح‌هاست؛ اما در میان همه‌ی این صداها و هیاهوهای نبرد، صدایی دیگر نیز شنیده می‌شود: صدای ناله‌ی مجروحان، فریاد کسانی که در انتظار کمک‌اند؛ و گام‌های شتابان مردان و زنانی که بی‌هیچ سلاحی، فقط برای نجات جان‌ها می‌دوند. اینان همان امدادگران‌اند؛ انسان‌هایی که جنگ را نه عرصه‌ی کشتار، بلکه میدان نجات و ایثار می‌بینند. در دوران دفاع مقدس، امدادگران نقش بی‌بدیلی ایفا کردند. آن‌ها از بیمارستان‌های صحرائی گرفته تا سنگرهای خط مقدم، از دل آتش تا بیمارستان‌های پشت جبهه، بی‌وقفه در تلاش بودند تا امید را به قلب‌های زخم‌خورده بازگردانند. امدادگران دفاع مقدس، نه فقط به مجروحان جسمی کمک می‌کردند، بلکه آرامش‌بخش دل‌های نگران و تقویت‌کننده‌ی روحیه‌ی رزمندگان نیز بودند. امدادگران، پیش از آنکه

پزشک یا پرستار باشند، پیام آوران عشق و ایمان بودند. آن‌ها به ما نشان دادند که در سخت‌ترین شرایط، می‌توان نه برای کشتن، بلکه برای نجات دادن جنگید. قرآن کریم درباره‌ی چنین انسان‌هایی می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» «هر کس جان انسانی را نجات دهد، گویی همه انسان‌ها را نجات داده است.» (سوره مائده، آیه ۳۲) امدادگران، مصداق این آیه بودند. آنان با ایثار خود، حیات را به بسیاری بازگرداندند و چراغ امید را در دل تاریک‌ترین لحظات جنگ روشن نگه داشتند.

هلال احمر؛ جمعیت امام حسینی

دکتر کولیوند در سخنرانی خود، به نکته‌ای عمیق و اساسی اشاره می‌کند: «ما در هلال احمر، فقط یک سازمان امدادی نیستیم؛ ما یک جمعیت امام حسینی هستیم.» این جمله، معنایی عمیق دارد. جمعیت امام حسینی یعنی نهادی که فلسفه‌ی وجودی آن، بر اساس ایثار، فداکاری و نجات جان‌ها بنا شده است. همچنان که حضرت عباس (علیه‌السلام) در کربلا، با آن که جنگاوری بی‌همتا بود، اما رسالت خود را در رساندن آب و نجات جان‌های تشنه یافت؛ امدادگران نیز رسالت خود را در نجات جان‌ها می‌بینند. در دوران دفاع مقدس، هلال احمر نه تنها در خط مقدم، بلکه در پشت جبهه نیز نقشی حیاتی ایفا کرد. از تأمین دارو و تجهیزات پزشکی گرفته تا پشتیبانی از مجروحان، انتقال اسرا و کمک به جنگ‌زدگان، همه و همه مأموریت‌هایی بودند که هلال احمر بر عهده داشت. وی همچنین می‌گوید: «ما باید هم یاد شهدا باشیم و هم پیام شهدا را منتقل کنیم.»

این جمله، وظیفه‌ای را بر دوش ما قرار می‌دهد: اینکه شهادت فقط به معنای جان دادن در میدان نبرد نیست، بلکه رساندن پیام شهدا نیز نوعی جهاد است. امدادگران دفاع مقدس، نه فقط با خون خود، بلکه با اعمال و رفتارشان، پیامی عمیق از ایثار و فداکاری برای نسل‌های آینده به جا گذاشتند.

روایت‌های مستند از امدادگران دفاع مقدس

«اگر قرار است کسی زنده بماند، او باشد، نه من!» یکی از امدادگران روایت می‌کند:



«در عملیات والفجر ۸، مجروحی را از خط مقدم به پشت جبهه انتقال می‌دادم. او حال وخیمی داشت. وقتی به آمبولانس رسیدیم، فقط یک سرم باقی مانده بود. خواستم آن را به او وصل کنم، اما با صدای ضعیفی گفت: «برادر! تو بیشتر به آن نیاز داری. اگر قرار است کسی زنده بماند، تو باش، نه من!» این همان روحیه‌ای است که قرآن از آن یاد می‌کند: «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» «دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند که خود در سختی باشند.» (سوره حشر، آیه ۹)

فرا تر از مرزهای ایران؛ امدادگران در میدان‌های بین‌المللی

هلال احمر ایران، تنها در جنگ تحمیلی نقش‌آفرین نبود، بلکه در بحران‌های بین‌المللی نیز همواره در صف نخست امداد رسانی قرار داشته است. از امداد رسانی در لبنان و فلسطین تا زلزله‌های ترکیه و افغانستان؛ امدادگران ایرانی نشان داده‌اند که مفهوم ایثار، فرا تر از مرزهای جغرافیایی است. دکتر کولیوند در سخنرانی خود، به حادثه‌ای اشاره می‌کند که در لبنان رخ داد: وقتی بیمارستانی در جنوب لبنان هدف حمله قرار گرفت، امدادگران با شجاعت به کمک مجروحان شتافتند. این یعنی وفاداری به عهدی که با شهدا بسته‌ایم. امروز، ما وارثان راه شهدای امدادگر هستیم. آن‌ها با خون خود، مسیر ایثار را برای ما ترسیم کردند و اکنون وظیفه ماست که این راه را ادامه دهیم. قرآن کریم در وصف کسانی که به عهد خود وفادار می‌مانند، می‌فرماید:

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» «از میان مؤمنان، مردانی هستند که به عهد خود با خدا وفا کردند.» (سوره احزاب، آیه ۲۳)

وظیفه ما این است که:

- فرهنگ امدادگری را به نسل‌های بعد منتقل کنیم.
- ارزش‌های ایثار و فداکاری را در جامعه نهادینه کنیم.
- در بحران‌ها و سختی‌ها، همچون شهدای امدادگر، بدون چشم‌داشت، به یاری دیگران بشتابیم.



بیباید این مسیر را ادامه دهیم، تا هم یاد شهدا زنده بماند، و هم پیام آن‌ها به آیندگان برسد.

ضرورت برگزاری کنگره شهدای امدادگر و پیام‌های آن

هر ملتی که تاریخ خود را فراموش کند، محکوم به تکرار اشتباهات گذشته است. زنده نگه‌داشتن یاد و نام شهدا، فقط یک وظیفه‌ی اخلاقی یا احساسی نیست، بلکه یک مسئولیت تاریخی است. شهدا، چراغ‌های راه آیندگانند و اگر از یاد بروند، جامعه دچار فراموشی و انحطاط خواهد شد. رهبر معظم انقلاب، بارها تأکید کرده‌اند: «امروز زنده نگه‌داشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست.» این سخن، تنها یک شعار نیست؛ بلکه نشان‌دهنده‌ی یک حقیقت عمیق است: حفظ هویت یک ملت، در گرو زنده نگه‌داشتن قهرمانان آن است. دکتر کولیوند نیز در سخنرانی خود، بر همین مسئله تأکید کرده و می‌گوید: «ما باید هم یاد شهدا باشیم و هم پیام شهدا را منتقل کنیم.»

اما سوال اصلی این است: چگونه می‌توان یاد و پیام شهدا را زنده نگه داشت؟ دکتر کولیوند، برگزاری نخستین کنگره بین‌المللی شهدای امدادگر را یک ضرورت تاریخی می‌داند. او می‌گوید: «برای همه‌ی اقشار، یادواره‌ای برگزار شده، اما برای شهدای امدادگر، چنین کاری انجام نشده بود. ما باید کاری کنیم که این قشر مظلوم، دیده شوند.» این سخن، اشاره به یک واقعیت تلخ دارد: شهدای امدادگر، در میان سایر شهدای جنگ، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. شاید دلیل آن این باشد که این شهدا، سلاح به دست نداشتند و در عملیات نظامی نقش مستقیم ایفا نمی‌کردند؛ اما اگر خوب بنگریم، خواهیم دید که نقش آن‌ها، کمتر از رزمندگان مسلح نبود.

چند هدف کلیدی برگزاری کنگره

۱. زنده نگه‌داشتن یاد شهدا و انتقال پیام آن‌ها به نسل‌های آینده.
۲. الگوسازی برای جوانان و معرفی شهدای امدادگر به‌عنوان چراغ راه.
۳. توجه ویژه به نقش خانواده‌های شهدا در تربیت نسل ایثارگر.





۴. بررسی دستاوردهای هلال احمر در دفاع مقدس و ارائه‌ی آن به جهان.

این اهداف، دقیقاً همان چیزی است که قرآن به آن اشاره می‌کند:

«وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» «و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن.» (سوره ابراهیم، آیه ۵)
یادآوری روزهای جهاد و فداکاری، نه تنها یک مسئولیت تاریخی است، بلکه وظیفه‌ای الهی نیز محسوب می‌شود.

«وقتی همه می‌دویدند، او ایستاد!»

یکی از امدادگران جنگ، روایت می‌کند: در یک عملیات، خمپاره‌ای در نزدیکی یک گروه از رزمندگان فرود آمد. همه برای پناه گرفتن دویدند؛ اما یکی از امدادگران، برخلاف بقیه، به سمت محل انفجار رفت! وقتی از او پرسیدم چرا نایستادی تا گلوله‌های بعدی نیاید، گفت: «شاید آنجا کسی مجروح شده باشد!» این همان روحیه‌ای است که امام علی (علیه‌السلام) در وصف یاران شجاع اسلام فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ مِرْأَةٌ أُخِيهِ» «مؤمن، آیینی‌ی برادر خویش است.»

امدادگران، واقعاً آیینی‌ی برادرانشان بودند. آن‌ها حتی در سخت‌ترین لحظات، به فکر



دیگران بودند. اگر چنین فداکاری‌هایی فراموش شود، چه چیزی از فرهنگ ایثار باقی خواهد ماند؟

نقش جوانان در برگزاری کنگره و انتقال پیام شهدا

یکی از مهم‌ترین نکات کنگره شهدای امدادگر، حضور پررنگ جوانان است. دکتر کولیوند در این باره می‌گوید:

«بیش از سه میلیون جوان داوطلب در هلال احمر داریم و باید پیام شهدا را به آن‌ها برسانیم.»

این مسئله از دو جهت اهمیت دارد:

۱. جوانان امروز، نیازمند الگوهایی واقعی از ایثار و فداکاری هستند.
۲. اگر نسل جدید با فرهنگ شهدا آشنا نشود، این فرهنگ به فراموشی سپرده خواهد شد.

امام حسین (علیه‌السلام) در شب عاشورا، جمله‌ای تاریخی فرمودند:

«مَا رَأَيْتُ أَصْحَابًا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي» «من یارانی باوفاتر از یاران خود ندیده‌ام.» اگر می‌خواهیم جوانان امروز نیز مانند یاران امام حسین، فداکار و ایثارگر باشند، باید فرهنگ شهادت و امدادگری را به آن‌ها منتقل کنیم. این کنگره، یکی از بهترین ابزارها برای این کار است. برگزاری کنگره شهدای امدادگر، فقط یک مراسم رسمی نیست؛ بلکه یک رسالت تاریخی است. ما نه تنها باید نام شهدای امدادگر را زنده نگه داریم، بلکه باید پیام آن‌ها را نیز به نسل‌های آینده منتقل کنیم. قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» «در کارهای نیک از یکدیگر پیشی بگیرید.» (سوره بقره، آیه ۱۴۸) این کنگره، فرصتی است برای اینکه ما نیز در کار خیر «زنده نگه‌داشتن یاد شهدا» پیشگام باشیم. پس بیایید از خود بپرسیم:

- آیا ما وظیفه‌ی خود را در قبال شهدای امدادگر انجام داده‌ایم؟
- آیا پیام آن‌ها را به نسل‌های بعدی منتقل کرده‌ایم؟
- آیا راه آن‌ها را در زندگی روزمره‌ی خود ادامه داده‌ایم؟



اگر پاسخ ما به این سوالات منفی است، پس هنوز در ادای دین به این شهدا، راهی طولانی در پیش داریم.

ویژگی‌های منحصر به فرد شهدای امدادگر

هر شهیدی که در راه خدا جان خود را فدا کرده، جایگاهی والا دارد؛ اما در میان شهدا، گروهی هستند که ویژگی‌های خاصی دارند. شهدای امدادگر، از جمله این افرادند. آن‌ها بدون آن‌که وظیفه‌ی جنگیدن داشته باشند، داوطلبانه در میدان نبرد حضور یافتند. آن‌ها نه برای گرفتن جان‌ها، بلکه برای نجات جان‌ها به خط مقدم رفتند. این ویژگی، شهدای امدادگر را در میان سایر شهدا ممتاز می‌کند. دکتر کولیوند نیز در سخنرانی خود، بر این نکته تأکید کرده و می‌گوید:

«شهدای امدادگر، خودشان به دل خطر می‌رفتند تا اطمینان و آرامش را به دیگران هدیه دهند.» این ایثار و فداکاری، همان چیزی است که قرآن کریم در وصف بندگان برگزیده‌ی خدا بیان می‌کند: «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» «دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند که خود در سختی باشند.» (سوره حشر، آیه ۹)

ورود به میدان نبرد بدون سلاح و دفاع شخصی

در حالی که رزمندگان مسلح بودند و می‌توانستند از خود دفاع کنند، امدادگران، بدون هیچ سلاحی، تنها با یک کوله‌ی امدادی وارد میدان جنگ می‌شدند. آن‌ها حتی به فکر دفاع از خود نبودند؛ زیرا رسالتشان چیز دیگری بود: نجات جان دیگران. دکتر کولیوند در توصیف این ویژگی می‌گوید: «این‌ها در جبهه، سلاح نداشتند. فقط یک کوله‌پشتی پر از امید داشتند که رزمندگان را حمایت می‌کرد.» اما این ایثار تا کجا پیش می‌رفت؟

روایت یک مستند: امدادگری که جان خود را فدای یک مجروح کرد

یکی از هم‌زمان شهید مهدی رضایی نژاد نقل می‌کند: در عملیات کربلای ۵، مهدی در حال کمک به مجروحان بود. یکی از رزمندگان به شدت خونریزی داشت و باید سریع از





میدان خارج می‌شد. مهدی او را روی دوش گذاشت و به سمت آمبولانس دوید. ناگهان، گلوله‌ی تک‌تیرانداز، به کتفش اصابت کرد. او خم شد، اما به دویدن ادامه داد. وقتی به آمبولانس رسید، مجروح را داخل گذاشت و خودش همان‌جا به زمین افتاد... او نجات یافت، اما مهدی، به شهادت رسید. این همان فداکاری است که امام علی (علیه‌السلام) درباره‌ی آن می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ مِرْأَةٌ أُخِيهِ» «مؤمن، آیینی برادر خویش است.»

یکی دیگر از ویژگی‌های شهدای امدادگر این بود که حتی در لحظات آخر عمر، همچنان به امدادرسانی ادامه می‌دادند. دکتر کولیوند به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید: «این‌ها حتی وقتی خودشان زخمی بودند، باز هم به فکر دیگران بودند.»

روایت مستند: امدادگری که خود مجروح شد، اما...

در عملیات والفجر ۸، یکی از امدادگران، به شدت مجروح شده بود. یکی از هم‌زمانش به او رسید و خواست که او را به عقب ببرد، اما او گفت:

«نه! اول آن رزمنده‌ی کنار سنگر را نجات بده!» او با همان حال، سرم را برداشت و برای مجروح دیگری برد... و همان‌جا، درحالی‌که داشت پانسمان انجام می‌داد، به شهادت رسید. این همان روحیه‌ای است که در یاران امام حسین (علیه‌السلام) در کربلا دیده

می‌شود. وقتی مسلم بن عوسجه در لحظات آخر عمرش بود، به حبیب بن مظاهر گفت: «حبیب! تا آخرین لحظه، حسین (ع) را تنها نگذار!» شهدای امدادگر نیز، دقیقاً همین روحیه را داشتند.

امدادگران، نه تنها در جبهه‌ها، بلکه در میان آوارگان، اسرا و حتی در شرایط سخت بمباران، به خدمت‌رسانی ادامه می‌دادند. دکتر کولیوند در سخنرانی خود، به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید:

«این‌ها فقط در میدان جنگ نبودند بلکه در اردوگاه‌های آوارگان، در میان اسرای جنگی، و حتی در دل بمباران، در حال خدمت بودند.»

نمونه‌ای از این فداکاری‌ها در تاریخ جنگ

- امدادگران هلال احمر، در اردوگاه‌های اسکان، از زنان و کودکان آواره مراقبت می‌کردند.
- در زمان تبادل اسرا، آن‌ها نامه‌های اسرا را به خانواده‌هایشان می‌رساندند و پیام‌آور امید بودند.

- در حملات شیمیایی، امدادگران اولین کسانی بودند که به یاری مصدومان می‌شتافتند، درحالی‌که خودشان نیز در معرض گازهای سمی قرار داشتند.

این خدمت‌رسانی در سخت‌ترین شرایط، همان چیزی است که قرآن درباره‌ی آن می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» «در کار خیر و تقوا با یکدیگر همکاری کنید.» (سوره مائده، آیه ۲)

امدادگران، مجاهدان بی‌ادعا

شهدای امدادگر، فقط شهیدانی در جنگ نبودند. آن‌ها نمادهای واقعی ایثار و فداکاری بودند. آن‌ها نشان دادند که شهادت، فقط در خط مقدم نیست؛ بلکه هر جا که جان‌فشانی برای نجات دیگران باشد، شهادت در همان جاست.

دکتر کولیوند در پایان سخنان خود، جمله‌ای تأثیرگذار می‌گوید:

«امروز هم امدادگران ما، همان راه شهدا را ادامه می‌دهند. هر جا که نیاز باشد، آن‌ها



اولین نفراتی هستند که می‌رسند.» این راه، راهی است که همچنان ادامه دارد. پس، آیا ما وظیفه‌ی خود را در قبال این شهدا انجام داده‌ایم؟ آیا این فرهنگ ایثار را به نسل‌های بعد منتقل کرده‌ایم؟

بیباید در این راه گام برداریم، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید:

«فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» در کارهای نیک از یکدیگر پیشی بگیرید. وقتی جنگ آغاز می‌شود، بیشترین تمرکز بر قدرت نظامی، استراتژی‌های نبرد و توانمندی‌های تسلیحاتی است؛ اما در کنار این همه، عاملی که بقای رزمندگان را تضمین می‌کند، خدمات پزشکی و امدادی است. هر ارتشی که نتواند از مجروحان خود مراقبت کند، به سرعت از پای درمی‌آید. در دفاع مقدس، نیروهای امدادی و درمانی، بی‌هیچ هیاهو و ادعایی، در قلب نبردها حضور داشتند. آن‌ها نه برای جنگیدن، بلکه برای نجات جان‌ها آمده بودند. امدادگران، درحالی‌که مرگ در اطرافشان پرسه می‌زد، سراغ مجروحان می‌رفتند، خون‌های ریخته‌شده را بند می‌آوردند، دارو می‌رساندند و امید را در دل رزمندگان زنده نگه می‌داشتند. دکتر کولیوند در سخنرانی خود به این نکته اشاره کرده و می‌گوید:

«امدادگران ما در دوران دفاع مقدس، نه تنها جان‌ها را نجات دادند، بلکه روحیه‌ی رزمندگان را نیز حفظ کردند. حضور آن‌ها در خط مقدم، به معنای امید بود.»

قرآن کریم نیز درباره چنین افرادی می‌فرماید:

«وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» «هر کس جان انسانی را نجات دهد، گویی همه انسان‌ها را نجات داده است.» (سوره مائده، آیه ۳۲) اما این خدمات چگونه انجام می‌شد؟ امدادگران دقیقاً چه نقشی در دفاع مقدس داشتند؟

امدادگری در خط مقدم

اولین و مهم‌ترین نقش امدادگران، کمک به مجروحان در خط مقدم بود. آنان بدون آن‌که ترسی از گلوله و خمپاره داشته باشند، در دل معرکه می‌دویدند تا جان رزمندگان را نجات دهند.

دکتر کولیوند درباره این موضوع می‌گوید: «امدادگران، در خط مقدم حضور داشتند،



درست همان جایی که بیشترین خطر وجود داشت. آن‌ها منتظر نمی‌ماندند که مجروحی به عقب منتقل شود؛ خودشان به سراغ او می‌رفتند.»

روایت مستند: امدادگری که جانش را برای نجات مجروحی فدا کرد.

یکی از رزمندگان دفاع مقدس نقل می‌کند: «در عملیات بیت‌المقدس، یکی از امدادگران به سمت یک مجروح رفت که خونریزی شدیدی داشت. او با سرعت، زخم را بست و سعی کرد او را به عقب ببرد. اما در همین لحظه، تیر دشمن به پای خودش اصابت کرد. او زمین خورد، اما همچنان سعی کرد مجروح را نجات دهد. درحالی‌که درد می‌کشید، فریاد زد: «اول او را ببرید!»»

این همان روحیه‌ای است که قرآن درباره آن می‌فرماید:

«وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» «دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند که خود در سختی باشند.» (سوره حشر، آیه ۹) امدادگران، فقط در خط مقدم نبودند؛ آن‌ها مسئول انتقال مجروحان از میدان جنگ به مراکز درمانی نیز بودند. این کار، یکی از سخت‌ترین وظایف جنگ بود؛ زیرا مجروحان باید از دل گلوله‌باران دشمن، به سرعت به عقب منتقل می‌شدند.

روش‌های انتقال شامل موارد زیر بود:

- برانکارد: حمل مجروحان با دست، که در بسیاری از موارد، امدادگران خود نیز هدف حمله دشمن قرار می‌گرفتند.
- آمبولانس: انتقال مجروحان با خودروهای امدادی که بارها مورد اصابت گلوله و خمپاره قرار می‌گرفت.
- بالگرد: در شرایطی که منطقه عملیاتی اجازه می‌داد، مجروحان از طریق بالگرد به بیمارستان‌های صحرایی منتقل می‌شدند.

دکتر کولیوند درباره این خدمات می‌گوید: «گاهی یک امدادگر مجبور بود یک مجروح را کیلومترها روی دوش خود حمل کند تا او را به درمانگاه برساند.» یکی از بزرگ‌ترین مشکلات دوران جنگ، تأمین دارو و تجهیزات پزشکی بود. درحالی‌که کشور تحت



تحریم‌های شدید قرار داشت، امدادگران و پزشکان با حداقل امکانات، جان مجروحان را نجات می‌دادند. هلال احمر در این زمینه نقش کلیدی ایفا کرد. این سازمان، علاوه بر واردات دارو از مسیرهای مختلف، با استفاده از ظرفیت‌های داخلی، توانست بسیاری از نیازهای پزشکی را تأمین کند.

روایت مستند: وقتی یک سرم، حکم حیات را داشت

یکی از پزشکان بیمارستان صحرایی می‌گوید:
در یک روز سخت، فقط یک سرم باقی مانده بود و دو مجروح نیاز فوری به آن داشتند. یکی از امدادگران که خودش نیز مجروح شده بود، داوطلب شد و گفت: «این سرم را به او بدهید، من مقاومت می‌کنم.» این تصمیم، به قیمت جان او تمام شد، اما آن مجروح نجات یافت.

حمایت از اسرا و رسیدگی به آوارگان جنگی

جنگ، فقط در میدان نبرد نیست؛ بلکه هزاران نفر از غیرنظامیان نیز تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. امدادگران، در کنار نقش‌های نظامی، به حمایت از اسرا، انتقال نامه‌های آن‌ها، کمک به خانواده‌های رزمندگان و اسکان آوارگان جنگی نیز می‌پرداختند. دکتر کولیوند درباره این نقش می‌گوید: «ما فقط در میدان جنگ نبودیم، ما در اردوگاه‌ها، بیمارستان‌ها و حتی در خانه‌های مردم جنگ‌زده هم حضور داشتیم.»

ادامه‌ی راه امدادگران شهید

امروز، اگر امدادگران و نیروهای هلال احمر در نخستین لحظات حوادث حضور دارند، این فرهنگ را از همان امدادگران دفاع مقدس به ارث برده‌اند. آن‌ها ثابت کردند که جهاد، فقط جنگیدن نیست؛ بلکه نجات جان دیگران نیز نوعی جهاد است. دکتر کولیوند سخنان خود را با این جمله به پایان می‌برد: «امدادگران ما، همچنان همان عهدی را که شهدای امدادگر بستند، ادامه می‌دهند. هر جا که نیازی باشد، آن‌ها حاضرند.»

پس بیایید این راه را ادامه دهیم، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید:



«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» «در کارهای نیک از یکدیگر پیشی بگیرید.» (سوره بقره، آیه ۱۴۸)

نقش هلال احمر در حمایت از مقاومت و امدادسانی بین‌المللی

وقتی صحبت از امدادسانی می‌شود، تصور بسیاری از مردم، کمک به آسیب‌دیدگان بلایای طبیعی است؛ اما در حقیقت، نقش هلال احمر بسیار فراتر از این است. این سازمان، در بحران‌های جنگی، در دفاع از مظلومان و در حمایت از جنبش‌های مقاومت نیز حضور داشته و دارد.

در دوران دفاع مقدس، هلال احمر نه تنها در جبهه‌ها حضور داشت، بلکه در پشت جبهه، در بیمارستان‌های صحرایی، در حمایت از اسرای جنگی و حتی در کمک به آوارگان نیز نقش اساسی ایفا کرد؛ اما این مأموریت، محدود به سال‌های جنگ تحمیلی نبود؛ بلکه تا به امروز، این سازمان در خط مقدم امدادسانی به جبهه‌های مقاومت در سراسر جهان قرار داشته است. دکتر کولیوند در سخنرانی خود، بر این موضوع تأکید کرده و می‌گوید: «ما یک سازمان امدادی هستیم، اما در عین حال، یک جمعیت امام حسینی هم هستیم. یعنی هر جا که مظلومی باشد، ما در کنار او خواهیم بود.»

این همان روحیه‌ای است که قرآن کریم به آن اشاره می‌کند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» «در کار خیر و تقوا با یکدیگر همکاری کنید.» (سوره مائده، آیه ۲)

نقش هلال احمر در حمایت از جبهه مقاومت

کمک به مجروحان جبهه مقاومت در لبنان و فلسطین: یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های هلال احمر ایران، امدادسانی به مجروحان جبهه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین بوده است. از زمان اشغال سرزمین‌های فلسطینی، رژیم صهیونیستی همواره بیمارستان‌ها و مراکز امدادی را هدف قرار داده تا روحیه‌ی مردم را تضعیف کند.

دکتر کولیوند، درباره این موضوع می‌گوید: «در بمباران‌های غزه، هلال احمر ایران اولین سازمانی بود که به کمک مردم شتافت. در کمتر از ۴۸ ساعت، تجهیزات پزشکی و دارویی ارسال شد و پزشکان داوطلب، برای درمان مجروحان اعزام شدند.»



روایت مستند: بمباران بیمارستان در جنوب لبنان

یکی از امدادگران بین‌المللی نقل می‌کند: «در یکی از حملات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان، بیمارستانی که تحت حمایت صلیب سرخ و هلال احمر بود، مورد هدف قرار گرفت. امدادگران، با وجود تهدیدات، در بیمارستان ماندند و تا آخرین لحظه، به درمان مجروحان پرداختند.»

این همان روحیه‌ی ایثار است که قرآن درباره‌ی آن می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ» «خداوند کسانی را که در راه او، در صفی محکم و استوار، جهاد می‌کنند، دوست دارد.» (سوره صف، آیه ۴)

کمک به زلزله‌زدگان و مجروحان جنگ سوریه

جنگ داخلی سوریه، یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های انسانی در سال‌های اخیر بوده است. هلال احمر ایران، از همان ابتدای بحران، در کنار مردم سوریه ایستاد و به مجروحان، آوارگان و آسیب‌دیدگان کمک کرد. دکتر کولیوند در این باره می‌گوید: در اوج جنگ سوریه، هلال احمر ایران بیمارستان‌های سیار راه‌اندازی کرد و صدها امدادگر را برای کمک به مردم اعزام نمود. این مأموریت، فقط یک اقدام بشردوستانه نبود؛ بلکه وظیفه‌ای الهی بود.

روایت مستند: امدادگری که در سوریه شهید شد

یکی از امدادگران ایرانی که در سوریه خدمت می‌کرد، در جریان حمله تروریستی به بیمارستانی در حلب، به شهادت رسید. یکی از همکارانش می‌گوید: او می‌توانست جان خود را نجات دهد، اما وقتی دید که کودکی زخمی شده، ماند و تلاش کرد تا او را نجات دهد. همان لحظه، حمله‌ی دوم انجام شد و او به شهادت رسید.

این همان ایثاری است که قرآن درباره‌ی آن می‌گوید:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» «کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه آن‌ها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.» (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹)



نقش هلال احمر در بحران‌های بین‌المللی

کمک به زلزله‌زدگان در ترکیه و افغانستان: یکی از ویژگی‌های هلال احمر ایران، واکنش سریع به بلاهای طبیعی در سراسر جهان است. دکتر کولیوند در این زمینه می‌گوید: «هر کجا که فاجعه‌ای رخ دهد، ایران اولین کشوری است که کمک‌رسانی می‌کند. از زلزله‌ی ترکیه گرفته تا سیل لیبی، ما همیشه در کنار مردم بوده‌ایم.»

این همان رسالتی است که قرآن کریم برای نیکوکاران تعیین کرده است: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» «در کارهای نیک از یکدیگر پیشی بگیرید.» (سوره بقره، آیه ۱۴۸)

ادامه‌ی راه امدادگران شهید در سطح جهانی

امروز، اگر امدادگران هلال احمر در سراسر جهان فعالیت دارند، این فرهنگ را از شهدای امدادگر دفاع مقدس به ارث برده‌اند. آن‌ها به ما آموختند که کمک به انسان‌ها، مرز نمی‌شناسد. دکتر کولیوند سخنان خود را با این جمله به پایان می‌برد: «ما فقط یک سازمان نیستیم؛ ما یک رسالت جهانی داریم. رسالتی که از کربلا شروع شده و تا امروز ادامه دارد.» پس بیایید در این مسیر گام برداریم و همان‌گونه که قرآن می‌فرماید، در خدمت به دیگران پیشگام باشیم:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» «خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»

استمرار راه شهدا و وظایف نسل امروز

شهدای امدادگر، در دوران دفاع مقدس، ایثار را معنا کردند. آنان بی‌هیچ سلاحی، با دستانی پر از محبت، در خط مقدم جنگ حضور یافتند تا جان‌ها را نجات دهند؛ اما این سوال مطرح می‌شود: آیا پس از شهادت آن‌ها، راهشان به پایان رسید؟ دکتر کولیوند در سخنرانی خود، به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید: «امروز، اگر امدادگران ما در هر حادثه‌ای، در اولین لحظات حاضر می‌شوند، این فرهنگ را از شهدای امدادگر دفاع مقدس به ارث برده‌اند.» این سخن، نشان‌دهنده‌ی یک حقیقت بزرگ است: راه شهدا، تنها یک خاطره‌ی تاریخی نیست، بلکه یک مسیر جاری است که تا امروز ادامه دارد.



قرآن کریم نیز درباره‌ی این استمرار می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» «از میان مؤمنان، مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بسته‌اند، وفادار ماندند؛ برخی از آن‌ها به شهادت رسیدند و برخی دیگر در انتظارند، و هرگز عهد خود را تغییر ندادند.» (سوره احزاب، آیه ۲۳)

این آیه، وظیفه‌ی نسل امروز را مشخص می‌کند: برخی از شهدا رفتند؛ اما ما هنوز در میدان هستیم. آیا می‌توانیم راه آن‌ها را ادامه دهیم؟

ترویج فرهنگ ایثار و فداکاری در جامعه

یکی از مهم‌ترین وظایف نسل امروز، زنده نگه داشتن فرهنگ ایثار و فداکاری است. اگر این فرهنگ در جامعه کمرنگ شود، روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری و کمک به دیگران نیز از بین خواهد رفت. دکتر کولیوند در این باره می‌گوید: «فرهنگ امدادگری، فقط برای زمان جنگ نیست. امروز هم، ما در هر بحران و حادثه‌ای، باید همان روحیه‌ی شهدا را داشته باشیم.»

نمونه‌های عملی برای ترویج فرهنگ ایثار

- ایجاد دوره‌های آموزشی امدادگری در مدارس و دانشگاه‌ها.
- تشویق جوانان به عضویت در هلال احمر و گروه‌های جهادی.
- روایت کردن خاطرات و فداکاری‌های شهدای امدادگر برای نسل جدید.

حفظ آمادگی برای امدادسانی در هر شرایطی

یکی دیگر از درس‌های مهمی که از شهدای امدادگر می‌توان گرفت، آمادگی همیشگی برای کمک به دیگران است.

چگونه می‌توان این آمادگی را حفظ کرد؟

- شرکت در دوره‌های آموزشی کمک‌های اولیه و امدادسانی.



- حضور فعال در عملیات‌های امدادی و بحران‌های طبیعی.
- افزایش مهارت‌های پزشکی و روانشناختی برای کمک به آسیب‌دیدگان.
دکتر کولیوند به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: «هر امدادگر، باید همیشه آماده باشد. حوادث، منتظر نمی‌مانند؛ ما باید پیش از وقوع بحران‌ها، خود را برای خدمت آماده کنیم.»

امدادرسانی، یک جهاد مدرن در عصر حاضر

امروز، جهاد فقط در میدان نبرد نیست. در شرایطی که جهان با بیماری‌های همه‌گیر، بحران‌های انسانی و فجایع طبیعی روبه‌رو است؛ امدادگران، در خط مقدم این جهاد قرار دارند. نمونه‌ای از این جهاد مدرن، حضور امدادگران هلال احمر در دوران همه‌گیری کرونا بود. آن‌ها، با همان روحیه‌ی شهدای امدادگر، شبانه‌روز برای نجات جان بیماران تلاش کردند. دکتر کولیوند در این باره می‌گوید:

«ما در دوران کرونا، دیدیم که امدادگران ما، همانند دوران دفاع مقدس، جان خود را برای نجات دیگران فدا کردند. این یعنی راه شهدا هنوز زنده است.» امروز، دشمنان اسلام و انقلاب، از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، تلاش می‌کنند تا فرهنگ ایثار و شهادت را تحریف کنند. آن‌ها می‌خواهند جوانان ما، ارزش‌های دفاع مقدس و نقش امدادگران را فراموش کنند. یکی از راه‌های مقابله با این جنگ نرم، بازخوانی مستندات دفاع مقدس و انتقال آن به نسل جدید است.

دکتر کولیوند، در بخشی از سخنرانی خود، به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: «بزرگ‌ترین خطری که شهدای امدادگر را تهدید می‌کند، فراموشی است. ما نباید اجازه دهیم که این ایثارها، به دست فراموشی سپرده شود.»

راهکارهای حفظ و نشر فرهنگ دفاع مقدس

- برگزاری یادواره‌های شهدای امدادگر در مدارس و دانشگاه‌ها.



- تولید مستندها و کتاب‌های تحلیلی درباره نقش امدادگران در جنگ.
 - استفاده از فضای مجازی برای انتشار روایت‌های مستند و الهام‌بخش.
- شهدای امدادگر، رفتند تا ما بمانیم. اما ماندن ما، باید معنایی داشته باشد. دکتر کولیوند سخنان خود را با این جمله به پایان می‌برد:
- «امروز، مسئولیت ادامه‌ی راه شهدا، بر عهده‌ی ماست. هر کدام از ما، در هر جایگاهی که هستیم، باید همان روحیه‌ی ایثار و فداکاری را در خود حفظ کنیم.» قرآن کریم نیز، این وظیفه را به همه‌ی مؤمنان گوشزد می‌کند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» «سست نشوید و غمگین نباشید، زیرا اگر ایمان داشته باشید، پیروز خواهید بود.» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۹)

پس بیایید از خود پرسیم

- آیا فرهنگ ایثار و امدادگری را در زندگی خود به کار بسته‌ایم؟
 - آیا در حوادث و بحران‌ها، برای کمک به دیگران آماده‌ایم؟
 - آیا تلاش کرده‌ایم که یاد و نام شهدای امدادگر را زنده نگه داریم؟
- اگر پاسخ ما به این سوالات منفی است، پس هنوز در مسیر شهدا، راه زیادی در پیش داریم.

بیایید در این مسیر گام برداریم، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید:

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» «در کارهای نیک از یکدیگر پیشی بگیرید.» (سوره بقره، آیه ۱۴۸)

شهدای امدادگر، قهرمانان خاموش تاریخ دفاع مقدس‌اند. آنان، بدون هیاهو، بدون انتظار تقدیر، و حتی بدون ابزار دفاعی، به میدان نبرد رفتند و جان خود را برای نجات دیگران فدا کردند. اگرچه آن‌ها در ظاهر، تنها امدادگر بودند؛ اما در حقیقت، سربازان جبهه‌ی ایمان و انسانیت بودند.

امروز، اگر امدادگران هلال احمر و نیروهای جهادی، در هر بحرانی اولین کسانی هستند که حاضر می‌شوند، این فرهنگ را از همان شهدا به ارث برده‌اند. اگر امروز، در هر حادثه‌ای، در هر نقطه‌ای از جهان، صدایی از مظلومان بلند شود، امدادگران ایرانی به آن

- لبیک می‌گویید، این روحیه از همان دفاع مقدس ریشه گرفته است.
- آیا ما راه آن‌ها را ادامه داده‌ایم؟
 - آیا فرهنگ ایثار و امدادگری را در زندگی خود به کار بسته‌ایم؟
 - آیا در حوادث و بحران‌ها، برای کمک به دیگران آماده‌ایم؟
 - آیا تلاش کرده‌ایم که یاد و نام شهدای امدادگر را زنده نگه داریم؟
- اگر پاسخ ما به این سوالات منفی است، پس هنوز در مسیر شهدا، راه زیادی در پیش داریم.
- هر کدام از ما، می‌توانیم در زندگی روزمره‌ی خود، یک امدادگر باشیم.
- در حادثه‌ای که در خیابان رخ می‌دهد،
 - در زلزله‌ای که خانه‌ای را ویران می‌کند،
 - در بیماری که جان یک انسان را تهدید می‌کند،
 - و حتی در لحظه‌ای که کسی به کمک ما نیاز دارد...
- ما می‌توانیم ادامه‌دهنده‌ی راه شهدای امدادگر باشیم.
- دکتر کولیوند در سخنان خود، جمله‌ای تأثیرگذار دارد: «ما فقط یک سازمان امدادی نیستیم؛ ما یک جمعیت امام حسینی هستیم. یعنی هر جا که مظلومی باشد، ما در کنار او خواهیم بود.» قرآن کریم نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» «خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»
- بیا بید این راه را ادامه دهیم، تا هم یاد شهدا زنده بماند، و هم پیام آن‌ها به آیندگان برسد.



پیام شهدا، چراغ راه امتدادگران

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان ایلام

۱۲ آذر ۱۴۰۳

مقدمه

شهادت، بلندترین نقطه‌ی ایثار و فداکاری است. در طول تاریخ، مردانی بوده‌اند که جان خود را در راه خدا و انسانیت نثار کرده‌اند تا چراغی برای هدایت آیندگان باشند. در میان این شهدا، امدادگران جایگاه ویژه‌ای دارند؛ کسانی که سلاح به دست نگرفتند؛ اما در دل معركة، زندگی را به دیگران هدیه کردند. این کتاب، برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند در یادواره‌ی شهدای امدادگر استان ایلام است. سخنانی که نه فقط یادآور گذشته، بلکه چراغ راه آینده است. متن این کتاب، با الهام از آن سخنرانی، گسترش داده شده و با توصیفات احساسی، آیات، روایات، داستان‌های واقعی و تحلیل‌های مرتبط تکمیل شده است. هدف این اثر، تنها یادآوری رشادت‌های امدادگران شهید نیست، بلکه تلاشی است برای زنده نگه‌داشتن فرهنگ ایثار، انتقال پیام شهدا به نسل‌های بعد، و نشان دادن این حقیقت که راه شهدا همچنان ادامه دارد. باشد که این کتاب، ادای دینی باشد به مقام والای شهدای امدادگر و الهام‌بخش کسانی که در مسیر خدمت به مردم و نجات جان انسان‌ها گام برمی‌دارند.



یاد و نام شهدا، چراغ راه ما

امروز در این محفل گرد آمده‌ایم تا از شهدا بگوییم، از مردانی که در سخت‌ترین شرایط، بی‌هیچ چشم‌داشتی، جان خود را در طبق اخلاص گذاشتند تا جان‌های دیگری بمانند. این جلسه، تنها یک مراسم یادبود نیست، بلکه یک پیمان دوباره است؛ پیمانی که با نام شهدا بسته‌ایم تا راهشان را ادامه دهیم. یاد همه‌ی شهدا گرامی باد، به‌ویژه شهدای امدادگر که در میان آتش و خون، دست‌امیدی بودند برای مجروحان، پناهی بودند برای رزمندگان، و بی‌سلاح اما پر قدرت، به میدان آمدند تا جان ببخشند، نه بستانند. شاید تا چند سال پیش، کمتر کسی درباره‌ی شهدای امدادگر سخن می‌گفت. همه از فرماندهان، رزمندگان و قهرمانان جنگ می‌گفتند؛ اما این میان، نام امدادگران شهید کمتر شنیده می‌شد. آن‌ها که بی‌هیچ سلاحی، تنها با دستانی پُر از عشق و قلبی سرشار از ایمان، در میان میدان‌های سخت حاضر می‌شدند تا زخمی‌ها را از مرگ نجات دهند؛ اما یک جرعه کافی بود تا این مسیر آغاز شود. در کنگره‌ی شهدای داروساز، برادر عزیزم، سردار فتحیان، خطاب به من گفت: این شهدای امدادگر کسی از آن‌ها یادی نکرده، اگر می‌توانی، یک کنگره‌ی ویژه برای آن‌ها برگزار کن.

همین یک جمله، نقطه‌ی شروعی شد برای یک حرکت عظیم. بی‌درنگ موضوع را با برادرانم در میان گذاشتم و تصمیم گرفتیم این مسیر را آغاز کنیم. امروز، می‌بینیم که در هر استان، یادواره‌ی شهدای امدادگر برگزار می‌شود و همه برای زنده نگه‌داشتن یاد این عزیزان از یکدیگر سبقت می‌گیرند؛ اما هدف ما تنها یک یادواره‌ی ساده نیست. ما می‌خواهیم پیام این شهدا را منتقل کنیم، می‌خواهیم ویژگی‌های آن‌ها را برای نسل‌های بعدی بازگو کنیم تا بدانند که امدادگر شهید، تنها یک امدادگر نبود، بلکه یک قهرمان واقعی بود؛ قهرمانی که بدون اسلحه، اما با دستانی که نجات‌بخش جان‌ها بود، در میدان جنگ حضور داشت.

ما امروز در کنار شهدا هستیم، آن‌ها را حس می‌کنیم، عطر حضورشان در این جمع جاری است. شاید جسمشان در میان ما نباشد، اما روحشان ناظر بر اعمال ماست.



هر قدمی که برای زنده نگه‌داشتن یادشان برمی‌داریم، هر حرکتی که برای ادامه‌ی راهشان انجام می‌دهیم، گامی است در مسیر نورانی‌ای که آن‌ها برای ما ترسیم کرده‌اند.

این کنگره، فقط یک مجلس بزرگداشت نیست، بلکه عهدی است که با شهدا بسته‌ایم. ما آمده‌ایم که بگوییم فراموش نکرده‌ایم. ما آمده‌ایم که بگوییم راهشان را ادامه خواهیم داد. ما تنها به یک یادواره‌ی داخلی قانع نیستیم. هدف ما این است که پیام شهدای امدادگر را جهانی کنیم. امدادگران شهید، نه‌تنها برای ایران، بلکه برای همه‌ی آزادی‌خواهان و انسان‌دوستان جهان، یک الگو هستند. تصمیم داریم که کنگره‌ی بین‌المللی ۲۵۰۰ شهید امدادگر را برگزار کنیم؛ کنگره‌ای که نه‌فقط در ایران، بلکه در سراسر جهان بازتاب داشته باشد. این شهدای گران‌قدر، تنها متعلق به یک کشور نیستند. آن‌ها مظهر فداکاری، ایثار و عشق به انسانیت هستند. پیام ما روشن است: امدادگران شهید، مرزی برای خدمت نداشتند، پس ما هم در معرفی آن‌ها نباید مرزی داشته باشیم. آن‌ها برای نجات جان انسان‌ها از جان خود گذشتند، پس ما هم باید برای زنده نگه‌داشتن یادشان تلاش کنیم.

امدادگران شهید؛ ایثار در خط مقدم

وقتی از شهدا سخن می‌گوییم، ذهنمان بیشتر به سمت رزمندگان و فرماندهان جنگ می‌رود؛ اما در میان آن همه حماسه، گروهی بودند که بی‌هیچ سلاحی، در دل آتش و خون، به سوی مجروحان می‌شتافتند. امدادگران شهید، مردانی که مرگ را به چشم می‌دیدند اما زندگی را انتخاب می‌کردند. آن‌ها جانشان را سپر کردند تا جان‌های دیگری بمانند. آن‌ها از خط مقدم هیچ‌گاه بازنگشتند، اما یادشان همیشه در خط مقدم قلب‌های ما باقی خواهد ماند.

امروز گرد هم آمده‌ایم تا از این قهرمانان خاموش، این فرشتگان زمینی سخن بگوییم. آن‌ها که در دل خطر، دست‌های لرزان یک رزمنده‌ی مجروح را در دست می‌گرفتند و با صدایی آرام می‌گفتند: «نگران نباش، تو را به عقب می‌برم... فقط



چشمات را ببند و صلوات بفرست... اما خودشان، هرگز بازنگشتند... امدادگران، نه فرمانده بودند، نه نامشان در کتاب‌های تاریخ با عناوین بزرگ نوشته شد، اما اگر نبودند، هزاران شهید دیگر به کاروان شهادت اضافه می‌شد. آن‌ها مرز بین مرگ و زندگی بودند، پل نجاتی که در سخت‌ترین لحظات، میان زنده ماندن و پر کشیدن قرار می‌گرفتند.

امدادگران شهید، ویژگی‌هایی داشتند که آن‌ها را از دیگران متمایز می‌کرد:

۱. ایثار بدون مرز: آن‌ها تفاوتی میان خود و دیگران قائل نبودند. برایشان مهم نبود که مجروح کیست، چه کسی را باید نجات دهند. تنها چیزی که در ذهنشان بود، این بود: «یک نفر دارد از دست می‌رود، من باید کمک کنم!»

۲. شجاعت در اوج خطر: در خط مقدم، جایی که هیچ‌کس جرأت نمی‌کرد سر از خاکریز بیرون بیاورد، آن‌ها با برانکارد در میان آتش و خون می‌دویدند. گلوله‌ها از کنار گوششان عبور می‌کرد، ترکش‌ها لباسشان را می‌شکافت، اما آن‌ها به مجروحان فکر می‌کردند، نه به جان خودشان.

۳. تعهد و مسئولیت‌پذیری: امدادگر، اگرچه سلاح نداشت، اما سینه‌اش را سپر می‌کرد. اگر بازویش تیر می‌خورد، باز هم برانکارد را زمین نمی‌گذاشت. اگر خودش مجروح می‌شد، هنوز هم می‌خواست جان دیگری را نجات دهد. این یعنی مسئولیت‌پذیری مطلق.

۴. پایبندی به ارزش‌های دینی: همه‌ی شهدای امدادگر، از دل فرهنگ ایثار و شهادت برخاسته بودند. آن‌ها نمازهایشان را در دل خاکریزها و بیمارستان‌های صحرایی می‌خواندند، ذکرشان بر لبانشان جاری بود و ایمانشان، نیروی محرکشان بود.

۵. امید و آرامش‌بخشی: یکی از ویژگی‌های مهم امدادگران، حفظ روحیه‌ی مجروحان بود. در آن شرایط بحرانی، وقتی رزمنده‌ای از شدت جراحت ناامید می‌شد، امدادگر دستش را می‌گرفت و می‌گفت: «چیزی نیست، زخم کوچکی است، تو قوی هستی، ما تو را نجات می‌دهیم.»

داستانی از دل حماسه

یکی از امدادگران شهید، نوجوانی هفده ساله بود؛ با جثه‌ای کوچک اما قلبی بزرگ. در یک عملیات، وقتی که خط مقدم از مجروحان پر شد، بدون لحظه‌ای تردید، خود را به دل آتش رساند. او مجروحی را که از شدت درد، نای حرف زدن نداشت، روی دوشش انداخت و از میان گلوله‌ها گذشت. خمپاره‌ای نزدیکشان منفجر شد، موج انفجار هر دو را روی زمین انداخت. امدادگر، خونین و خسته، خودش را به زحمت بلند کرد. مجروح به او گفت: «برو... دیگر برای من دیر شده...» اما امدادگر لبخندی زد و گفت: «تا آخرین نفس، همراهت هستم...» او مجروح را به عقب رساند، اما خودش دیگر بازنگشت...

قرآن و فرهنگ امدادگری

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَخْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) «هرکس جان انسانی را نجات دهد، گویی همه‌ی انسان‌ها را زنده کرده است.» امدادگران، مصداق واقعی این آیه بودند. آن‌ها جان‌ها را نجات دادند، اما جان خود را در این مسیر فدا کردند.

یادواره‌ی شهدا؛ تجدید پیمان با آرمان‌هایشان

امروز که در این یادواره گرد هم آمده‌ایم، وظیفه‌ای بزرگ بر دوش ماست. ما نه تنها باید نام و یاد این شهدا را زنده نگه داریم، بلکه باید راهشان را ادامه دهیم. اما سؤال اینجاست: آیا امروز، همان روحیه‌ی ایثار و فداکاری در میان ما زنده است؟ آیا هنوز هم حاضر هستیم که بدون چشم‌داشت، برای نجات دیگران از خود بگذریم؟ آیا امدادگران امروز، راه امدادگران شهید را ادامه می‌دهند؟ این یادواره، تنها یک مجلس گرامیداشت نیست. اینجا، جایی است که با شهدای امدادگر پیمان می‌بندیم که ادامه‌دهنده‌ی راهشان باشیم. اینجا، در این مجلس، در کنار یکدیگر، در کنار خانواده‌های شهدا، بار دیگر پیمان





می‌بندیم: پیمان می‌بندیم که امدادگرانی در مسیر شهادت باشیم. پیمان می‌بندیم که راه شهدا را گم نکنیم. پیمان می‌بندیم که مرزهای خدمت را بشکنیم و انسانیت را در سراسر جهان گسترش دهیم.

ایمان و عشق به خدمت؛ راز ماندگاری امدادگران

امدادگران شهید، نه تنها جان خود را در راه نجات دیگران فدا کردند، بلکه الگویی از ایمان و عشق به خدمت را برای نسل‌های بعد به جا گذاشتند. آن‌ها مردانی بودند که نه برای پاداش، نه برای مقام، بلکه فقط برای خدا و برای انسانیت وارد میدان شدند. آن‌ها باور داشتند که خدمت، یک مأموریت الهی است. اگر می‌دیدند رزمنده‌ای در خون خود غلتیده، این‌گونه نمی‌اندیشیدند که «وظیفه‌ی من چیست؟»، بلکه می‌گفتند: «این یک امتحان الهی است، باید برای نجات این برادر، از خودم بگذرم.» ایمان، عشق و ایثار، سه ستون اصلی شخصیت امدادگران شهید بود.

ایمان؛ سلاحی قوی‌تر از گلوله

توکلشان به خدا بود؛ و همین ایمان، نیروی محرکشان: در میدان جنگ، همه چیز به قدرت بدنی و تاکتیک بستگی نداشت؛ آن‌چه رزمندگان و امدادگران را از دیگران متمایز می‌کرد، قدرت ایمانشان بود. امدادگران شهید، در میانه‌ی باران گلوله، دلی داشتند آرام و سرشار از اطمینان. آن‌ها هرگز وحشت نکردند، زیرا باور داشتند که سرنوشتشان را خدا رقم زده است. قرآن کریم می‌فرماید: **الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ** (آل عمران: ۱۷۳) «آنان که وقتی مردم به ایشان گفتند: دشمنان علیه شما بسیج شده‌اند، از آنان بترسید، اما ایمانشان بیشتر شد و گفتند: خدا برای ما کافی است، و او بهترین پشتیبان است.»

عشق به خدمت؛ نیرویی که مرزها را شکست

امدادگران شهید، عاشقان واقعی خدمت بودند. برای آن‌ها، امدادگری فقط یک وظیفه‌ی انسانی نبود، بلکه یک تکلیف الهی بود. آن‌ها همان کسانی بودند که بدون دریافت حقوق، بدون هیچ‌گونه توقعی، در میان گلوله‌ها و ترکش‌ها حاضر می‌شدند. آن‌ها از جانشان گذشتند، فقط به این دلیل که عاشق بودند؛ عاشق انسانیت، عاشق نجات جان‌ها، و عاشق راه خدا. در همین مسیر، امروز هزاران امدادگر داوطلب در جمعیت هلال احمر، بدون هیچ چشم‌داشتی، عاشقانه خدمت می‌کنند. در اربعین، در زلزله، در سیل، در هر حادثه‌ای که پیش می‌آید، داوطلبان هلال احمر، ادامه‌دهندگان همان راهی هستند که شهدای امدادگر آغاز کردند. امدادگران شهید، نه تنها در میدان جنگ، بلکه در زندگی شخصی خود نیز سرشار از ایثار بودند. یک امدادگر، فقط در جبهه از خود نمی‌گذرد؛ او در خانواده، در جامعه، در هر جا که باشد، روحیه‌ی فداکاری را حفظ می‌کند.



حضرت زینب (س)، الگوی استقامت و امدادگری

امدادگران ما، امام‌دهندگان راه حضرت زینب (س) بودند. اگر در کربلا، امام حسین (ع) شمشیر به دست گرفت و در میدان جنگ حاضر شد، حضرت زینب (س) در همان میدان، امدادگر مجروحان شد. او شب عاشورا، از مجروحی به مجروح دیگر می‌رفت، زخم‌ها را می‌بست، بیماران را دل‌داری می‌داد، و در دل سخت‌ترین مصائب، امید می‌بخشید. امدادگران شهید ما نیز، چنین بودند. آن‌ها، زینب‌گونه، در دل معرکه، امید را زنده می‌کردند. امروز، اگر امدادگران ما بدون هیچ چشم‌داشتی به زائران امام حسین (ع) در اربعین خدمت می‌کنند، این ادامه‌ی راه شهدای امدادگر است. اگر در زلزله‌ها و حوادث، امدادگران اولین کسانی هستند که حاضر می‌شوند، این همان عشقی است که در دل‌های شهدا شعله کشید و به ما رسید. اگر هنوز هم در این کشور، فرهنگ ایثار و فداکاری زنده است، اگر هنوز هم مردانی هستند که از جان خود برای دیگران می‌گذرند، این به برکت همان ایمان و عشقی است که در وجود شهدای امدادگر بود.

شجاعت و امید؛ درخشش در سخت‌ترین میدان‌ها

در سخت‌ترین لحظات جنگ، در میان انفجارها و باران گلوله‌ها، وقتی بیم مرگ همه را دربرمی‌گرفت، امدادگران شهید بودند که با گام‌هایی استوار، بی‌هیچ واهمه‌ای، به سمت خط مقدم می‌رفتند. آن‌ها پیام‌آوران امید بودند. در میان ناله‌های مجروحان، چهره‌ی آن‌ها آرامش می‌بخشید. آن‌ها نه تنها جان‌ها را نجات می‌دادند، بلکه روح‌ها را نیز قوت می‌بخشیدند. امدادگران، قهرمانانی بودند که بدون هیچ سلاحی، به دل خطر می‌رفتند. در شرایطی که حتی جنگاوران مسلح نیز از نزدیک شدن به مناطق پرخطر هراس داشتند، آن‌ها با دستانی خالی اما قلبی سرشار از ایمان، راهی خط مقدم می‌شدند. اما راز این شجاعت چه بود؟ راز این شجاعت، ایمان محکم به خداوند بود. آن‌ها باور داشتند که هیچ حادثه‌ای بدون اراده‌ی الهی رخ نمی‌دهد و اگر تقدیرشان شهادت باشد، چه سعادت‌ی بالاتر از آن؟ قرآن کریم می‌فرماید: «ولا



تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹) «و سست نشوید و غمگین نباشید، چرا که شما برترید، اگر ایمان داشته باشید.» این ایمان، نیرویی به امدادگران شهید می‌داد که هیچ قدرتی قادر به مهار آن نبود.

داستانی از دل حماسه

یکی از امدادگران شهید، جوانی بیست‌ساله بود که در اوج درگیری‌ها، داوطلب شد تا مجروحی را که در خط مقدم به شدت آسیب دیده بود، به عقب برگرداند. در میان آتش شدید دشمن، او به سوی رزمنده‌ی مجروح دوید. وقتی به او رسید، دستش را گرفت و گفت: «نگران نباش برادر، من اینجا هستم.» مجروح با صدای ضعیفی گفت: «برادر... من نمی‌توانم تکان بخورم...» امدادگر لبخندی زد و گفت: «پس من تو را حمل می‌کنم.» او مجروح را روی دوشش گذاشت و از میان میدان مین عبور کرد. اما درست در آخرین لحظات، گلوله‌ای قلبش را شکافت. مجروح نجات یافت، اما امدادگر، به شهادت رسید. این است معنای واقعی ایثار...

امدادگران، امید را زنده نگه می‌داشتند

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امدادگران، حفظ امید در دل‌ها بود. آن‌ها نه تنها نجات‌دهندگان جسم بودند، بلکه نجات‌دهندگان روح نیز بودند. امروز که گرد هم آمده‌ایم تا یاد شهدای امدادگر را زنده نگه داریم، باید از خود بپرسیم:

- آیا هنوز هم همان روحیه‌ی ایثار در میان ما زنده است؟
- آیا هنوز هم به یکدیگر امید می‌بخشیم، یا فقط به فکر خودمان هستیم؟
- آیا ما هم مثل امدادگران شهید، بدون هیچ چشم‌داشتی، آماده‌ی کمک به دیگران هستیم؟

این یادواره، فقط برای یادآوری گذشته نیست. این یک دانشگاه عشق و ایثار است. ما اینجا آمده‌ایم که از شهدای امدادگر یاد بگیریم. یاد بگیریم که چگونه بدون ترس،



در سخت‌ترین شرایط، به دیگران خدمت کنیم. یاد بگیریم که چگونه پیام‌آوران امید باشیم.

جمعیت هلال احمر؛ ادامه‌دهنده‌ی راه شهدا

امدادگران شهید، راهی را آغاز کردند که پایان ندارد. آن‌ها چراغی برافروختند که مسیر خدمت به بشریت را روشن کرد. امروز، هر امدادگری که در هر گوشه‌ی این سرزمین، به یک مجروح، به یک نیازمند، به یک زائر، یا به یک آسیب‌دیده کمک می‌کند، در حقیقت ادامه‌دهنده‌ی راه همان شهداست. جمعیت هلال احمر، نه یک سازمان، نه یک نهاد اداری، بلکه یک «جمعیت» است؛ جمعیتی که اعضایش از دل مردم برخاسته‌اند و برای مردم خدمت می‌کنند. ما فقط یک نهاد امدادی نیستیم؛ ما یک مکتب هستیم. ما، جمعیت امام حسینی هستیم.

هلال احمر؛ نماد ایثار و فداکاری

امروز، هر جا که حادثه‌ای رخ دهد، هر جا که انسانی به کمک نیاز داشته باشد، اولین کسانی که به صحنه می‌رسند، امدادگران هلال احمر هستند. این همان مسیری است که شهدای امدادگر ترسیم کردند. وقتی یک زائر در مسیر اربعین دچار مشکل می‌شود، وقتی در نقطه‌ای از این جهان، جنگ و فاجعه‌ای انسانی رخ می‌دهد، وقتی در کشوری دوردست، مردمی از زلزله، قحطی یا بیماری رنج می‌برند، هلال احمر ایران، بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای، به نام انسانیت و به عشق امام حسین (ع)، به میدان می‌آید. این همان روحیه‌ای است که شهدای امدادگر داشتند. امدادگران شهید، مرزی برای خدمت نمی‌شناختند. در میدان‌های نبرد، به هر کس که نیازمند کمک بود، بدون توجه به ملیت، مذهب یا گرایشش، خدمت می‌کردند. امروز نیز جمعیت هلال احمر ایران، همین مسیر را ادامه داده است. در لبنان، وقتی انفجار تروریستی هزاران نفر را مجروح کرد، ایران اولین کشوری بود که به کمک شتافت. در یمن، در سخت‌ترین شرایط محاصره، هلال احمر ایران، راه‌های مختلفی را برای



ارسال دارو و تجهیزات امدادی جست‌وجو کرد. در آفریقا، در مناطقی که مردم حتی دسترسی به آب سالم نداشتند، هلال‌احمر ایران، اردوگاه‌های درمانی برپا کرد. این یعنی خدمت بی‌مرز؛ این یعنی ادامه‌ی راه شهدای امدادگر.

جمعیت امام حسینی؛ مکتب ایثار و فداکاری

چرا می‌گوییم «جمعیت امام حسینی» هستیم؟ زیرا ما همان آرمان‌هایی را دنبال می‌کنیم که در عاشورا به ما آموخته شد:

- ایثار بدون چشم‌داشت.
- نجات جان انسان‌ها، بدون توجه به مذهب، ملیت و گرایش.
- ایستادگی در برابر ظلم و حمایت از مظلومان.

در جنگ تحمیلی، امدادگران شهید، با عشق به امام حسین (ع) به میدان رفتند. امروز، امدادگران هلال‌احمر، همان مسیر را ادامه می‌دهند. ما از عاشورا آموختیم که ایثار حد و مرزی ندارد. از حضرت زینب (س) آموختیم که در سخت‌ترین شرایط هم باید به دیگران کمک کرد.

مأموریت بزرگ ما؛ انتقال فرهنگ ایثار به نسل‌های بعد

ما فقط یک جمعیت امدادی نیستیم؛ ما وارثان فرهنگ ایثار و فداکاری هستیم. شهدای امدادگر، این فرهنگ را با خون خود نوشتند و ما وظیفه داریم که آن را زنده نگه داریم. امروز، در جمعیت هلال‌احمر، میلیون‌ها جوان ایرانی، بدون هیچ چشم‌داشتی، داوطلبانه خدمت می‌کنند. در مسیر اربعین، در بحران‌ها، در مناطق محروم، این جوانان، پرچم‌داران راه شهدای امدادگر هستند.





اما سؤال مهم این است:

- آیا این فرهنگ را به نسل‌های آینده منتقل کرده‌ایم؟
- آیا جوانان امروز، با ارزش‌هایی که شهدای امدادگر برای آن‌ها جان دادند، آشنا هستند؟
- آیا ما، به عنوان ادامه‌دهندگان این راه، مسئولیت خود را به درستی انجام داده‌ایم؟ این، مأموریت بزرگ ماست. ما فقط امدادسانی نمی‌کنیم، ما فقط تجهیزات پزشکی نمی‌فرستیم، بلکه ما فرهنگ ایثار را حفظ می‌کنیم.
- امروز، در این یادواره‌ی شهدای امدادگر، گرد هم آمده‌ایم تا بگوییم:
- ما راهتان را ادامه خواهیم داد.

- ما فرهنگ ایثار و فداکاری را زنده نگه خواهیم داشت.
- ما نمی‌گذاریم که نام و یاد شما در غبار زمان گم شود.
- هلال احمر، فقط یک نام نیست؛ یک مکتب است؛ و ما، سربازان این مکتب هستیم.

پیام شهدا، وظیفه‌ی ما

امروز که این کلمات را می‌نویسیم، یاد و خاطره‌ی شهدای امدادگر در قلب‌هایمان زنده است. آن‌ها که رفتند، اما راهشان باقی ماند. آن‌ها که جان دادند، اما چراغی روشن کردند که خاموشی ندارد. اما یک سؤال مهم باقی می‌ماند: آیا ما وارثان شایسته‌ای برای این راه هستیم؟

یادواره‌ها، مراسم و کنگره‌های شهدا، تنها برای یادآوری گذشته نیست. ما اینجا گرد هم آمده‌ایم تا تعهدی جدید ببندیم. تا به شهدا بگوییم که شما رفتید، اما ما راهتان را ادامه خواهیم داد. اگر بخواهیم پیام شهدای امدادگر را در چند جمله خلاصه کنیم، این است:

- خدمت، مرز ندارد. هر جا که انسانی نیازمند کمک باشد، ما آنجا هستیم.
- ایثار، حد و مرز نمی‌شناسد. حتی اگر خودمان در سختی باشیم، باز هم به دیگران کمک می‌کنیم.
- امداد، فقط یک وظیفه نیست، یک مکتب است.
- شهدای امدادگر به ما آموختند که چگونه در سخت‌ترین شرایط، در میانه‌ی گلوله‌ها، امید را زنده نگه داریم.



مسئولیت ما در قبال راه شهدا

- اول، حفظ فرهنگ ایثار: نباید بگذاریم که فرهنگ امدادگری و فداکاری، کم‌رنگ شود. باید این روحیه را در میان نسل‌های بعد زنده نگه داریم.
 - دوم، ادامه‌ی مسیر خدمت‌رسانی: ما در هلال‌احمر، وارثان همان راهی هستیم که شهدای امدادگر آغاز کردند. هر امدادگری که امروز در مسیر اربعین، در بحران‌ها، در مناطق محروم، و در هر حادثه‌ای که پیش می‌آید، بی‌چشم‌داشت خدمت می‌کند، ادامه‌دهنده‌ی راه همان شهداست.
 - سوم، جهانی کردن پیام شهدا: شهدای امدادگر، فقط متعلق به ایران نیستند. پیام آن‌ها، یک پیام جهانی است؛ پیامی برای تمام آزادی‌خواهان، برای تمام کسانی که به انسانیت ایمان دارند.
 - این فصل را در حالی به پایان می‌بریم که یک عهد در دل‌های ما محکم شده است.
 - پیمان می‌بندیم که نگذاریم نام شهدا فراموش شود.
 - پیمان می‌بندیم که راهشان را ادامه دهیم.
 - پیمان می‌بندیم که همیشه، در هر جا که نیاز باشد، امدادگر باشیم.
- «اللهم اجعلنا من خدام الشهداء...»



شهدای امدادگر؛ طلایه داران ایمان و امید

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان سیستان و بلوچستان

۲۱ آذر ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

در تاریخ پرشکوه ایران اسلامی، دفاع مقدس نه تنها صحنه‌ای از مقاومت و ایستادگی بود، بلکه تجلی‌گاه عمیق‌ترین ارزش‌های انسانی و الهی نیز به شمار می‌رفت. در این میان، امدادگران شهید، که بی‌سلاح و بدون هیچ چشم‌داشتی به دل آتش و خون می‌زدند، جلوه‌ای بی‌بدیل از ایثار و انسانیت را به نمایش گذاشتند. این فرشتگان نجات، نه تنها به درمان زخم‌های جسمی رزمندگان می‌پرداختند، بلکه با روحیه‌ای سرشار از ایمان، امید و عشق، مرهمی بر دردهای روحی آنان نیز بودند.

سخنان دکتر کولیوند، رئیس جمعیت هلال‌احمر، در یادواره شهدای امدادگر استان سیستان و بلوچستان در آذرماه ۱۴۰۳، روایتگر بخشی از این حماسه‌ی عظیم است. او در این سخنرانی، با نگاهی عمیق و تحلیلی، به نقش حیاتی امدادگران در دوران دفاع مقدس پرداخته و از ایمان، ایثار و فداکاری آنان سخن گفته است. این متن، برآمده از آن سخنرانی، تلاشی است برای بازخوانی سیره‌ی شهدای امدادگر و تبیین جایگاه بی‌بدیل آنان در تاریخ مقاومت این سرزمین. امید است که مطالعه‌ی آن، چراغی روشن در مسیر پاسداشت ارزش‌های ایثار و از خودگذشتگی باشد.





شهادت امدادگر، اینارگران بی ادعا

جنگ، در ذات خود پدیده‌ای سرشار از خشونت، ویرانی و مرگ است؛ اما در دل همین تاریکی، نقطه‌های روشنی از ایثار، فداکاری و انسانیت وجود دارد که چهره‌ی جنگ را متفاوت می‌کند. در طول هشت سال دفاع مقدس، در کنار رزمندگان جان‌برکفی که برای دفاع از میهن و آرمان‌های خود می‌جنگیدند، گروهی دیگر نیز بودند که بدون داشتن سلاح و بدون هیچ چشم‌داشتی، برای نجات جان دیگران خود را به خطر می‌انداختند؛ این افراد همان شهدای امدادگر بودند. در میان تمام نقش‌هایی که در میدان نبرد وجود داشت، امدادگران یکی از حساس‌ترین و حیاتی‌ترین مأموریت‌ها را بر عهده داشتند. آنها نه تنها در میانه‌ی گلوله و خمپاره جان خود را به خطر می‌انداختند، بلکه با قلبی سرشار از مهربانی و عشق، تلاش می‌کردند جان‌های بی‌شماری را نجات دهند. بسیاری از آنان در حالی که خود مجروح بودند، از کمک به دیگران دست نمی‌کشیدند. این همان روحیه‌ای بود که آنان را از دیگران متمایز می‌کرد. جنگ تحمیلی تنها نبرد میان دو ارتش نبود، بلکه آوردگاهی بود که در آن انسانیت، ایثار، و ایمان به معنای واقعی خود جلوه‌گر شد. شهدای امدادگر نمونه‌ی کامل این ارزش‌ها بودند؛ افرادی که نه سلاحی برای دفاع از خود داشتند و نه زرهی که از آنان محافظت کند، اما با جان و دل در میدان می‌ماندند.



شهادای امدادگر، نه تنها به عنوان نیروهای درمانی و پشتیبانی، بلکه به عنوان سفیران امید و حیات در جبهه‌ها حضور داشتند. آنان با دستانی پر از مهربانی و قلب‌هایی لبریز از ایمان، به دل آتش و خون می‌زدند تا جان یک انسان را نجات دهند؛ حتی اگر این کار به قیمت از دست دادن جان خودشان تمام می‌شد. نقش امدادگران در تاریخ جنگ‌ها به قدمت خود جنگ برمی‌گردد. در جنگ‌های صدر اسلام، پیامبر اکرم (ص) و یارانش اهمیت ویژه‌ای برای امداد مجروحان قائل بودند. حضرت زینب (س) و حضرت فاطمه (س) در غزوات پیامبر به مداوای زخمی‌ها می‌پرداختند و این فرهنگ در میان مسلمانان ریشه دواند. در تاریخ جنگ‌های جهان، همواره گروهی از افراد فداکار وظیفه‌ی نجات جان سربازان و مجروحان را بر عهده داشته‌اند. از پزشکان صحرایی در جنگ‌های جهانی گرفته تا نیروهای صلیب سرخ و هلال احمر در جنگ‌های معاصر، همگی در سخت‌ترین شرایط تلاش کرده‌اند تا جان انسان‌ها را نجات دهند؛ اما آنچه شهادای امدادگر دوران دفاع مقدس را متمایز می‌کند، ترکیب ایمان، ایثار و حضور بی‌چشم‌داشت در میدان نبرد است.

در جنگ‌های جهانی، بسیاری از پزشکان و امدادگران به خاطر نداشتن پوشش حفاظتی، از آسیب‌پذیرترین افراد میدان جنگ بودند؛ اما در دفاع مقدس، امدادگران ایرانی نه تنها وظایف پزشکی و امدادی را انجام می‌دادند، بلکه به معنای واقعی کلمه، در دل میدان‌های مین و آتش حرکت می‌کردند تا رزمندگان را نجات دهند. در دوران معاصر نیز، سازمان‌های بین‌المللی مانند صلیب سرخ و هلال احمر در تلاش بوده‌اند تا در میدان‌های نبرد، نقش انسان‌دوستانه‌ی خود را ایفا کنند؛ اما در دفاع مقدس ایران، امدادگران نه تنها امدادگر، بلکه مجاهدانی مخلص و ایثارگر بودند که جان خود را در کف دست گرفته و به دل خطر می‌رفتند.

ویژگی‌های متمایز شهادای امدادگر

در مقایسه با دیگر رزمندگان، امدادگران دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد بودند که آنها را به اسطوره‌هایی فراموش‌نشدنی تبدیل کرده است:



- بی‌سلاح بودن در میدان نبرد: برخلاف رزمندگان که برای دفاع از کشور مسلح بودند، امدادگران تنها با یک کیف کمک‌های اولیه در میدان حاضر می‌شدند.
- اولویت دادن به نجات دیگران: حتی در لحظاتی که خود زخمی می‌شدند، ابتدا به فکر نجات دیگران بودند.
- حضور در سخت‌ترین شرایط: در دل آتش، بمباران و زیر باران گلوله، درحالی‌که بسیاری از نیروها به سنگرها پناه می‌بردند، امدادگران به سمت خط مقدم می‌دویدند.

ایمان، جوهره‌ی اصلی امدادگران شهید

ایمان به خدا و مأموریت الهی: ایمان، مهم‌ترین ویژگی این شهدا بود؛ اما این ایمان تنها یک اعتقاد قلبی نبود، بلکه نیرویی محرک بود که آنها را در برابر تمامی سختی‌ها مقاوم می‌ساخت. آنان به وعده‌های الهی یقین داشتند و با توکل به خدا، بدون ترس و تردید، وارد میدان‌های نبرد می‌شدند. شهدای امدادگر، ایمان به خدا را در عمل معنا کردند. این ایمان باعث می‌شد که هیچ‌گاه از خطرات نهراسند و حتی در لحظاتی که احتمال زنده ماندنشان ناچیز بود، همچنان مأموریت خود را ادامه دهند.
قرآن کریم می‌فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (سوره توبه، آیه ۲۰)

این آیه، به روشنی راه و رسم شهدای امدادگر را توصیف می‌کند؛ کسانی که ایمان آوردند، هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند. امدادگران باور داشتند که نجات یک رزمنده، یعنی بازگرداندن یک مدافع به میدان نبرد. این ایمان به اهمیت نقششان، باعث شد که در سخت‌ترین شرایط، مأموریت خود را ترک نکنند.

ایمان به شهادت به عنوان اوج افتخار

در فرهنگ اسلامی، شهادت جایگاهی بی‌نظیر دارد. امدادگران با علم به این موضوع، بدون ترس از مرگ، وظیفه‌ی خود را انجام می‌دادند و بسیاری از آنان، درحالی‌که دیگران را نجات می‌دادند، خود به شهادت رسیدند.



امدادگران در میدان جنگ؛ نمونه‌هایی از ایثار و فداکاری

شهادت در حین نجات دیگران: در بسیاری از موارد، امدادگران در حالی که در حال انتقال مجروحان بودند، خود هدف گلوله‌ها و ترکش‌ها قرار می‌گرفتند؛ اما این موضوع مانع از ادامه‌ی مأموریت آنان نمی‌شد. روایات زیادی از امدادگرانی وجود دارد که در هنگام انتقال مجروحان، مورد اصابت گلوله یا ترکش قرار گرفتند اما تا لحظه‌ی آخر از تلاش باز نایستادند. در عملیات والفجر ۸، یکی از امدادگران که خود به شدت زخمی شده بود، با آخرین توان خود، یک مجروح دیگر را تا نزدیکی خط امن رساند و سپس در همان جا به شهادت رسید. یکی از ویژگی‌های بارز امدادگران ایرانی، برخورد انسانی با اسرای عراقی بود. آنها بدون توجه به اینکه چه کسی روی زمین افتاده، تنها به نجات جان او فکر می‌کردند. این موضوع تأثیر عمیقی بر نیروهای دشمن گذاشته بود. یکی از خاطرات نقل شده از یک امدادگر این است که وقتی برای نجات یک رزمنده به میدان مین رفته بود، خود نیز بر اثر انفجار مین به شدت زخمی شد؛ اما با همان حال، تلاش کرد مجروح را روی دوش خود گذاشته و به عقب بازگردد. درحالی که خون از بدنش جاری بود، از نیروهای دیگر خواست تا اول مجروح را منتقل کنند. چند دقیقه بعد، او نیز به شهادت رسید.

یکی از افسران عراقی که بعدها به اسارت درآمد، تعریف می‌کرد:

«یک امدادگر ایرانی، درحالی که خودش زخمی بود، زخم من را بست و به من آب داد. باورم نمی‌شد که او به دشمن خود کمک کند. اما فهمیدم که این جنگ، برای آنها فراتر از یک نبرد نظامی است؛ آنها به انسانیت ایمان دارند.»

پیامی برای نسل‌های آینده؛ چرا یاد شهدای امدادگر باید زنده بماند؟

امروز، جهان بیش از هر زمان دیگری به روحیه‌ی ایثار و فداکاری نیاز دارد. بازخوانی زندگی شهدای امدادگر، می‌تواند به نسل جدید بیاموزد که چگونه می‌توان در سخت‌ترین شرایط، انسانیت را حفظ کرد. در دنیایی که بسیاری از ارزش‌های انسانی در هیاهوی منافع مادی گم شده است، بازخوانی سیره‌ی شهدای امدادگر، می‌تواند الهام‌بخش نسل‌های آینده باشد. این شهدا نشان دادند که حتی در سخت‌ترین



شرایط، می‌توان دست یاری به سوی دیگران دراز کرد و انسانیت را زنده نگه داشت.

درس‌هایی که از شهدای امدادگر می‌آموزیم

شهدای امدادگر به ما آموختند که کمک به دیگران، برترین عبادت است. ایمان و امید، دو عنصر جدایی‌ناپذیر برای موفقیت در سخت‌ترین شرایط هستند. خدمت به مردم، تنها به یک کشور یا یک قوم خاص محدود نمی‌شود، بلکه مرزهای انسانیت را در برمی‌گیرد. امید یکی دیگر از ویژگی‌های بارز این شهدا بود. امید، تنها یک احساس مثبت نبود، بلکه نیرویی بود که آنها را در برابر ناامیدی، خستگی و ترس مقاوم می‌ساخت. شهدای امدادگر، حتی در سخت‌ترین لحظات، امید را از دست نمی‌دادند. آن‌ها به مجروحانی که از شدت درد ناله می‌کردند، دلداری می‌دادند و به آنان اطمینان می‌دادند که نجات خواهند یافت. آنها به جاودانگی اعتقاد داشتند و می‌دانستند که راهشان بی‌نتیجه نخواهد ماند. امروز، نام و یادشان در قلب تاریخ حک شده است و همین نشان می‌دهد که امید آنان به جاودانگی، تحقق یافته است.

وظیفه‌ی ما در قبال آرمان شهدای امدادگر

امروز، جمعیت هلال احمر و تمامی نهادهای امدادی وظیفه دارند که این فرهنگ را زنده نگه دارند و راه این شهدا را ادامه دهند.

قرآن کریم می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» «در کارهای خیر از یکدیگر پیشی بگیرید» شهدای امدادگر، در این مسابقه‌ی نیکی، پیروز شدند. حال، نوبت ماست که این مسیر را ادامه دهیم. راه شهدای امدادگر، راهی است که به ایمان، امید، ایثار و خدمت خالصانه به مردم گره خورده است. امروز، وظیفه ما این است که این مسیر را ادامه دهیم و در هر شرایطی، یاری‌رسان انسان‌های گرفتار باشیم.

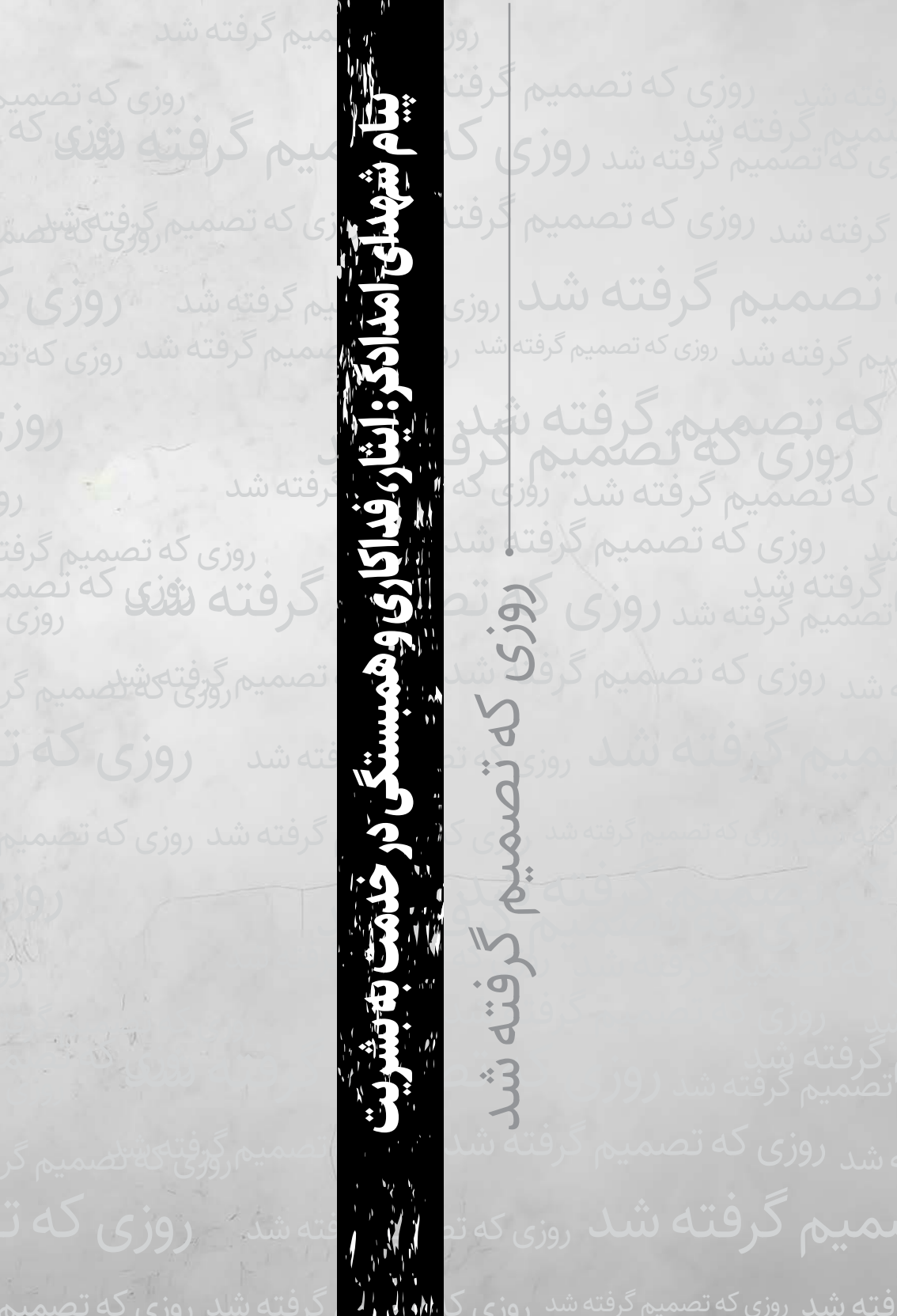
«ما مسیرمان را انتخاب کرده‌ایم؛ همین مسیر شهادت.»

«اللهم اجعل عواقب امورنا خیراً...»



پیام شهلائی امدادگر: ایثار، فداکاری و همبستگی در خدمت به بشریت

روزی که تصمیم گرفته شد



برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان مرکزی

۵ دی ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

در دنیای امروز، جهاد در راه انسانیت و خدمت به بشریت از هر زمان دیگری مهم‌تر شده است. در میان همگان، امدادگران جمعیت هلال احمر به‌ویژه شهدای امدادگر، نمادهای بارزی از ایثار، فداکاری و پایبندی به اصول انسانی و دینی هستند. این عزیزان، با جان‌فشانی در میدان‌های جنگ و بحران‌ها، آموزه‌هایی را به جا گذاشته‌اند که همچنان به‌عنوان چراغ راهی برای نسل‌های آینده می‌درخشند. در سخنرانی دکتر پیرحسین کولیوند در یادواره شهدای امدادگر استان مرکزی، تأکید فراوانی بر ارزش‌های انسانی، دینی و جهادی شد که در دل فرهنگ امدادگری و خدمت به مردم نهفته است. این سخنرانی به‌عنوان یک الگو و راهنما برای امدادگران امروز و فردا، نشان‌دهنده این است که چگونه می‌توان از آموزه‌های دینی، خصوصاً آموزه‌های عاشورایی، برای خدمت‌رسانی به بشریت بهره برد. همچنان که دکتر کولیوند در سخنان خود اشاره کردند، پیام شهدای امدادگر، از جمله شهید حاج قاسم سلیمانی، پیام‌هایی از ایثار، فداکاری، شجاعت و خدمت بی‌منت به انسان‌هاست. این پیام‌ها همچنان راهنمای عمل امدادگران هلال احمر است و به‌ویژه در بحران‌ها و شرایط سخت، این آموزه‌ها به‌عنوان مبنای اصلی خدمت‌رسانی به آسیب‌دیدگان و نیازمندان عمل می‌کند. در این فصل، بر اساس سخنرانی دکتر کولیوند، به تحلیل و گسترش این مفاهیم پرداخته می‌شود تا نه تنها یاد شهدای امدادگر گرامی داشته شود، بلکه پیام‌های آن‌ها در خدمت به بشریت، همبستگی و همدلی، و روحیه ایثارگری در امدادگران امروزی به‌طور عمیق‌تر و گسترده‌تری بررسی گردد. این فصل تلاش دارد تا بابتی جدید برای درک بهتر از فرهنگ امدادگری و ادامه مسیر شهدا باز کند.





نقش امدادگری و فرهنگ عاشورایی در خدمت به انسان‌ها

در دنیای امروز که بحران‌ها و بلایای طبیعی همواره زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کند، نهادهایی همچون جمعیت هلال‌احمر، به‌عنوان نماد امدادگری و خدمت به بشریت، نقشی بسیار حیاتی دارند. این نهادها نه تنها در شرایط اضطراری و بحران‌ها به یاری مردم می‌شتابند، بلکه فرهنگ و ارزش‌هایی را ترویج می‌دهند که ریشه در آموزه‌های دینی و انسانی دارد. یکی از مهم‌ترین این ارزش‌ها، فرهنگ عاشورایی است که از قیام عاشورا و فداکاری‌های بی‌پایان حضرت امام حسین (علیه‌السلام) گرفته شده است. در این فصل، به نقش امدادگری در جهان معاصر و ارتباط آن با فرهنگ عاشورایی پرداخته خواهد شد. خواهیم دید که چگونه امدادگران جمعیت هلال‌احمر با الهام از آموزه‌های عاشورا، با فداکاری و ایثار در خدمت به انسان‌ها گام می‌گذارند و چگونه این فرهنگ می‌تواند در ارتقای سطح خدمت‌رسانی به مردم مؤثر باشد. جمعیت هلال‌احمر با داشتن میلیون‌ها امدادگر داوطلب در سراسر کشور، از جمله بزرگترین و مؤثرترین نهادهای امدادی جهان است. این جمعیت، به‌ویژه در بحران‌ها و بلایای طبیعی، نقش حیاتی در کاهش رنج انسان‌ها ایفا می‌کند. امدادگران هلال‌احمر در هر نقطه‌ای از دنیا که بحران و حادثه‌ای رخ دهد، با سرعت و کارآمدی به یاری مردم می‌روند. در کنار این فعالیت‌های



عملیاتی، امدادگری نه تنها یک عمل انسانی است، بلکه فلسفه‌ای عمیق دارد که از ارزش‌های دینی و انسانی سرچشمه می‌گیرد. در قرآن کریم آمده است که «من أحياءها فكأنما أحيأ الناس جميعاً» «اگر کسی یک نفر را نجات دهد، گویی همه انسان‌ها را نجات داده است». این آیه شریفه نشان‌دهنده اهمیت نجات جان انسان‌ها و فداکاری در راه خدمت به بشر است. امدادگران جمعیت هلال‌احمر، با همین نگاه انسانی، بدون هیچ چشم‌داشتی، جان و مال خود را برای کمک به دیگران فدای می‌کنند. فرهنگ عاشورایی به‌عنوان یک فرهنگ عمیق دینی و انسانی، در میان تمام فعالیت‌های جمعیت هلال‌احمر نمایان است. در قیام عاشورا، حضرت امام حسین (علیه‌السلام) و یاران وفادارش جان خود را فدای اصولی همچون عدل، آزادی، حقیقت‌طلبی و حمایت از مظلومان کردند. این روحیه فداکاری و ایثار در خدمت به دیگران، در واقع همان چیزی است که جمعیت هلال‌احمر از آن الهام می‌گیرد. امدادگران جمعیت هلال‌احمر به‌گونه‌ای تربیت می‌شوند که همانند یاران امام حسین (ع)، در شرایط سخت و بحرانی هیچ‌گاه از میدان نبرد برای کمک به انسان‌ها خارج نمی‌شوند. آنان همواره آماده‌اند تا در هر جایی که به کمک نیاز است، با شجاعت و فداکاری وارد عمل شوند. همان‌طور که امام حسین (ع) در روز عاشورا با ایثار جان خود برای حفظ ارزش‌های انسانی ایستادگی کرد، امدادگران نیز با فداکاری‌های خود به حفظ جان و کرامت انسان‌ها می‌پردازند.

نقش ایمان و اعتماد به خدا در امدادگری

امدادگران هلال‌احمر همچون بسیاری از مجاهدان و رزمندگان دوران دفاع مقدس، با ایمان به خدا و اعتماد به راه درست، وارد عرصه‌های پرخطر خدمت‌رسانی می‌شوند. آنان باور دارند که هر قدمی که در راه خدمت به مردم بردارند، در حقیقت قدمی در راستای رضای خداوند متعال است. این ایمان و اعتقاد به هدف بلند انسانی است که آنان را در مواقع بحرانی به جلو می‌راند. حضرت امام حسین (علیه‌السلام) در قیام عاشورا، با تمام وجود به اصول انسانی و دینی خود پایبند بود و هیچ‌گاه از مسیر خود منحرف نشد. امدادگران هلال‌احمر نیز با همین رویکرد، در مواجهه با سخت‌ترین



شرایط و بلاای طبیعی و انسانی، هیچ‌گاه از وظیفه خود دست نکشیده و با ایمان کامل به انجام ماموریت خود ادامه می‌دهند. این روحیه، نه تنها از باور دینی آنان سرچشمه می‌گیرد، بلکه به‌عنوان یک الگوی انسانی و اخلاقی در خدمت به بشر محسوب می‌شود.

آموزش و پرورش امدادگران با اصول عاشورایی

در جمعیت هلال احمر، آموزش و تربیت امدادگران تنها محدود به مهارت‌های عملیاتی نمی‌شود؛ بلکه یکی از اصول مهم در این نهاد، آموزش ارزش‌های اخلاقی و دینی است که ریشه در آموزه‌های عاشورایی دارد. این آموزش‌ها به‌ویژه در تقویت روحیه ایثار و فداکاری، مقاومت در برابر سختی‌ها و حفظ شجاعت در مواجهه با بحران‌ها تأثیرگذار است. همچنان که حضرت امام حسین (علیه‌السلام) در شرایط سخت عاشورا، با مقاومت و استقامت فراوان در برابر ظلم و فساد ایستادگی کرد، امدادگران جمعیت هلال احمر نیز باید در برابر چالش‌ها و دشواری‌ها استقامت نشان دهند. آنان باید درک کنند که در خدمت به انسان‌ها، تنها با روحیه جهادی و فداکاری است که می‌توانند به هدف نهایی خود، که همان خدمت به بشریت است، دست یابند. جمعیت هلال احمر، به‌عنوان یک نهاد امدادی معتبر و تأثیرگذار، همواره باید از فرهنگ عاشورایی بهره‌برداری کند تا در مواجهه با چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی، به‌طور مؤثرتر عمل کند. آموزه‌های امام حسین (علیه‌السلام) در روز عاشورا، الگوی روشنی از فداکاری، ایثار و مقاومت است که باید در دل و روح امدادگران جمعیت هلال احمر نهادینه شود. با تکیه بر این ارزش‌ها و پیروی از پیام شهدا، جمعیت هلال احمر می‌تواند همچنان به‌عنوان یک الگوی جهانی در خدمت‌رسانی به بشریت باقی بماند و در مسیر خدمت به انسان‌ها گام‌های مؤثری بردارد.

پیام شهدا و بازتاب آن در عمل امدادگران

یکی از جنبه‌های برجسته فرهنگ امدادگری، درک و فهم پیام شهدا و انتقال آن به عمل است. شهدای امدادگر، کسانی بودند که در روزهای سخت جنگ تحمیلی و



بلایای طبیعی، جان خود را فدای خدمت به انسان‌ها کردند. آنها با الهام از اصول دینی و انسانی، به‌ویژه آموزه‌های عاشورا، در عمل به کسانی که نیازمند یاری بودند، از هیچ تلاشی دریغ نکردند. این پیام‌ها نه تنها در کلام، بلکه در عمل همواره باید زنده نگه داشته شوند. پیام شهدا همواره بر ایثارگری، فداکاری و خدمت بی‌منت به مردم تأکید دارد. همان‌طور که در متن سخنرانی دکتر کولیوند آمده است، یکی از ویژگی‌های مهم پیام شهدا این است که امدادگران باید بی‌منت خدمت کنند. در زندگی روزمره این مسأله کاملاً مشهود است که امدادگران هلال‌احمر بدون هیچ چشم‌داشتی، به انسان‌ها کمک می‌کنند و با روحیه ایثارگری، به مردم در شرایط بحرانی یاری می‌رسانند. این ویژگی از همان پیام شهدا که «اگر یک نفر را نجات دهید، انگار همه بشریت را نجات داده‌اید»، الهام گرفته شده است. بنابراین، همان‌طور که امام حسین (علیه‌السلام) در روز عاشورا برای حفظ ارزش‌های انسانی و دینی خود جان فشانی کرد، امدادگران نیز باید در هر شرایطی با روحیه‌ای مقاوم و بی‌منت در خدمت به مردم باشند و این روحیه ایثارگری را در دل‌های خود بپرورانند.

همبستگی، همدلی و هم‌افزایی در خدمات امدادی

یکی دیگر از پیام‌های کلیدی که از شهدای امدادگر به‌ویژه شهید حاج قاسم سلیمانی و سایر فرماندهان برجسته می‌توان گرفت، مفهوم همبستگی و همدلی است. در این شرایط بحرانی، امدادگران و نیروهای مختلف با هم همکاری و هم‌افزایی می‌کنند تا بتوان بیشتری به یاری آسیب‌دیدگان بشتابند. این همبستگی نه تنها در داخل کشور، بلکه در سطح جهانی نیز مشهود است. امدادگران جمعیت هلال‌احمر از نقاط مختلف دنیا با یکدیگر همکاری کرده و در کنار دیگر نهادهای امدادی، از جمله صلیب سرخ، به کمک آسیب‌دیدگان در بحران‌ها می‌پردازند. در حادثه‌هایی مانند زلزله‌ها، سیلاب‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای، شاهد آن هستیم که امدادگران از هر قومیت، ملیت و مذهب با یکدیگر در کنار هم قرار می‌گیرند و برای هدفی مشترک، یعنی نجات انسان‌ها، تلاش می‌کنند. این فرهنگ همبستگی که از فرهنگ عاشورا و جهاد الهام گرفته شده است،



در تمام عملیات امدادی جمعیت هلال احمر به وضوح قابل مشاهده است. از پیام عاشورا که بر وحدت و همکاری تأکید دارد، باید یاد بگیریم که در شرایط بحرانی، باید دست به دست هم دهیم و با همدلی و همفکری مشکلات را حل کنیم.

آموزش‌های تخصصی و پرورش نیروی انسانی در راستای خدمت به بشریت

از دیگر ویژگی‌های جمعیت هلال احمر، آموزش‌های تخصصی امدادگران در زمینه‌های مختلف است. این آموزش‌ها نه تنها شامل مهارت‌های اولیه امدادی است، بلکه به پرورش روحیه خدمت، ایثار، شجاعت و فداکاری نیز توجه ویژه‌ای دارد. در جمعیت هلال احمر، امدادگران آموزش می‌بینند که چگونه در شرایط بحرانی، حتی در مواجهه با تهدیدات و خطرات شدید، وظیفه خود را به طور مؤثر انجام دهند. این آموزش‌ها بر اساس اصول اخلاقی و انسانی است که در آموزه‌های دینی ما نهفته است. مانند ایمان به خدا، اعتماد به مردم، و اعتقاد به توانمندی خود؛ بنابراین، تنها آموزش‌های فنی و تخصصی کافی نیست؛ بلکه پرورش شخصیت امدادگر در ابعاد انسانی و دینی نیز جزو اصول اصلی این آموزش‌ها است. فرهنگ امدادگری که در جمعیت هلال احمر جریان دارد، فرهنگ عاشورایی است که از فداکاری‌ها و ایثارهای حضرت امام حسین (علیه السلام) و شهدای عزیز ما الهام می‌گیرد. این فرهنگ نه تنها در عمل به خدمت‌رسانی به انسان‌ها و نجات جان آنان متبلور است، بلکه در تلاش برای تقویت همبستگی اجتماعی، حفظ کرامت انسانی و انتقال پیام‌های شهدا از جمله ایثار، فداکاری، و خدمت به بشریت می‌درخشد. امدادگران هلال احمر، با ایمان به اهداف انسانی و دینی، با استفاده از آموزه‌های عاشورایی و با بهره‌گیری از تجربه‌های شهدا، مسیر خود را در خدمت به مردم در بحران‌ها ادامه می‌دهند. آنها به عنوان الگویی از شجاعت، فداکاری و همبستگی، همواره برای دفاع از انسانیت و کمک به دیگران آماده‌اند. در نهایت، مسیر امدادگری باید همچنان با روحیه عاشورایی، ایمان به خدا، و پیام شهدا ادامه یابد، تا به عنوان یک نهاد معتبر در سطح جهانی شناخته شود و در خدمت به بشریت همیشه درخشنده باشد.



چراغ راهی که خاموش نمی شود

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان خراسان جنوبی

۱۶ دی ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

ایثار، واژه‌ای نیست که در صفحات تاریخ محبوس بماند یا در لابه‌لای خاطرات کهنه فراموش شود. ایثار، جریانی است که از دل عاشقان می‌جوشد و در مسیر خدمت، همواره جاری می‌ماند. تاریخ امدادگران شهید، روایتی از مردان و زنانی است که نه برای نام، نه برای نشان، بلکه برای نجات جان انسان‌ها قدم در راهی گذاشتند که انتهایش، فداکاری بود.

این فصل، تنها بازخوانی یک یادواره‌ی شهدا نیست؛ بلکه روایتی است از تعهد، از مسئولیت، از تداوم راهی که هنوز در دل‌ها زنده است. سخنانی که در آن شب گفته شد، فقط برای یادآوری نبود؛ بلکه عهده‌ی بود که در قلب‌ها بسته شد، آتشی بود که در جان‌ها افروخته شد، و راهی بود که برای همیشه روشن ماند.

در این صفحات، نه تنها از شهدا سخن خواهیم گفت، بلکه از آن‌هایی خواهیم نوشت که پرچم آن‌ها را به دست گرفتند، که در لحظه‌های سخت، مسیرشان را ادامه دادند، و نشان دادند که نام «امدادگر»، فقط یک عنوان نیست؛ بلکه رسالتی است که پایانی



مشعل‌داران ایثار و مقاومت

صدای پرشور حصار در فضای یادواره شهدای امدادگر استان خراسان جنوبی طنین‌انداز شده بود. چهره‌ها همه پر از احترام و اندوهی عمیق، اما درخشان از غرور بود. جمعیتی ایستاده بودند که با جان و دل گوش می‌سپردند. از شهدای امدادگر می‌گفتند، از کسانی که بی‌هیچ چشم‌داشتی، با دست‌های خالی اما قلب‌هایی سرشار از عشق، در دل خطر قدم گذاشتند.

«ما امروز اینجا جمع شده‌ایم تا نه تنها یاد شهدا را زنده نگه‌داریم، بلکه پیامشان را نیز بشنویم.» صدایش محکم و استوار بود. «پیامی که جوانان این سرزمین خوب درک کرده‌اند؛ چه در حوادث و بحران‌ها، چه در جبهه مقاومت، چه در زلزله ترکیه، سوریه و افغانستان، و چه در سخت‌ترین شرایط، همیشه آماده‌اند. ما از شهدا یاد گرفتیم که خدمت بی‌منت داشته باشیم. یاد گرفتیم که مرزی برای ایثار و از خودگذشتگی وجود ندارد.»

«امدادگران شهید ما، فقط ناجیان جان‌ها نبودند، بلکه ناجیان روح‌ها هم بودند. تعهد و مسئولیت‌پذیری در وجودشان ریشه دوانده بود. حتی وقتی مسلح نبودند، باز هم به دل خطر می‌زدند تا جان دیگری را نجات دهند. این همان روحیه‌ای است که امروز هم در امدادگران هلال احمر می‌بینیم. آن‌ها هنوز همان مشعل‌داران ایثار و فداکاری‌اند.»

سکوت سنگینی بر سالن حاکم شد. خاطره‌ای را در ذهن مرور کرد و با لحنی عمیق گفت: «سردار عراقی تعریف می‌کرد که در یک عملیات، وقتی دستش تقریباً قطع شده بود و فقط به تکه‌ای گوشت وصل بود، به بی‌سیم‌چی‌اش گفت نیزه را بیاور تا خودش دستش را قطع کند و راحت شود. اما امدادگر گفت نکن، صبر کن... و امروز همان دست، هنوز کار می‌کند.» این روایت، مانند آتشی در دل‌ها افتاد. بعضی آهسته اشک می‌ریختند، بعضی به فکر فرو رفته بودند.



پایبندی به راه شهدا

امروز سه میلیون جوان با ما همکاری می‌کنند. این یعنی ادامه‌ی همان راه، همان آرمان، همان مسیر نورانی. ما در هلال احمر یک اصل داریم: مرز جغرافیایی نداریم! شما می‌گویید استان خراسان جنوبی، اما ما در هلال احمر مرز نمی‌شناسیم. همان‌طور که اگر در لیبی سیل بیاید، اگر در ترکیه زلزله شود، اگر در افغانستان، سوریه یا پاکستان حادثه‌ای رخ دهد، ما حضور داریم و در صف اول کمک‌رسانی‌ایم. این همان روحیه‌ای است که شهدا به ما آموختند؛ خدمت بی‌منت، خدمت برای انسانیت! سالن در سکوئی عمیق فرو رفته بود. امدادگرانی که آنجا نشسته بودند، در دل خود صحنه‌هایی از مأموریت‌های طاقت‌فرسا را مرور می‌کردند؛ از شب‌های سرد در ارتفاعات کولاک‌زده تا روزهای طاقت‌فرسا در مناطق جنگ‌زده. آن‌ها هم مثل همان شهدا، پا در مسیری گذاشته بودند که پایانی جز ایشار نداشت.

شجاعتی مثال‌زدنی

امدادگران شهید ما در دل خطر بودند. آن‌ها حتی در شرایطی که مسلح نبودند، جان خود را سپر دیگران می‌کردند. ما در دفاع مقدس، در جبهه مقاومت، در زلزله‌ها، در حادثه‌های تروریستی، همیشه دیده‌ایم که امدادگران ما بدون لحظه‌ای تردید به میدان می‌روند. این روحیه هنوز زنده است. وقتی به یک امدادگر می‌گویی که باید برای کمک به منطقه‌ای بحران‌زده بروی، نمی‌گویی چرا من؟ بلکه می‌گویی: چرا من نه؟

خاطرهای از حادثه‌ی پیجرها را بیان شد: «برخی شاید ندانند که پیجر، وسیله‌ای ارتباطی و امدادی است؛ اما دشمنان، این ابزار خدماتی را تبدیل به یک سلاح تروریستی کردند. یک لحظه، یک انفجار، و ناگهان سه هزار مجروح! بسیاری از این مجروحان، امدادگران و پزشکانی بودند که برای نجات جان دیگران آنجا بودند. من به وزیر بهداشت لبنان و رئیس صلیب سرخ آنجا زنگ زدم، پرسیدم اوضاع چطور است، گفتند که فقط ۱۸۰ مجروح داریم و خودمان رسیدگی می‌کنیم. اما وقتی از



بیمارستان‌ها خبر گرفتیم، فهمیدیم که نه! فاجعه‌ای رخ داده است. وقتی دیدیم که آن‌ها امکانات کافی ندارند، تصمیم گرفتیم مجروحان را به ایران بیاوریم.

در دو مرحله، حدود ۵۰۰ مجروح را منتقل کردیم. ۱۲۶۰ عمل جراحی انجام شد. دکتر ظفرقندی و تیمش شبانه‌روز کار کردند و ۸۵ درصد این عمل‌ها موفقیت‌آمیز بود؛ اما بعضی‌ها برای همیشه بینایی خود را از دست دادند، بعضی دیگر انگشتانشان، دست‌هایشان، اما چیزی که از دست ندادند، روحیه‌شان بود! این همان روحیه‌ای است که ما از شهیدایمان به ارث برده‌ایم.

مسیر عشق و فداکاری

امدادگران امروز ما هم مثل همان شهدا، عاشق خدمت‌اند. برایشان مهم نیست که کجا باشند؛ در جبهه مقاومت، در بلایای طبیعی، در گردنه‌های برف‌گیر، یا در مراسمی مثل اربعین که میلیون‌ها زائر به کمک نیاز دارند. این روحیه‌ی داوطلبی، این عشق به خدمت، همان چیزی است که باعث شد امدادگران شهید ما جاودانه شوند. چند نفر در میان جمعیت سرهایشان را به نشانه‌ی تأیید تکان دادند. این حرف‌ها برایشان آشنا بود، از جنس واقعیتی بود که با آن زندگی می‌کردند.

پایان یک مسیر، آغاز یک تعهد

دکتر کولیوند در پایان سخنانش، نگاهی به مادران شهدا انداخت که در میان جمعیت نشسته بودند. چشمانشان پر از اشک، اما چهره‌هایشان پر از صبر و عزت بود. او با احترام گفت: من در کنگره‌ی شهدای همدان بودم. آنجا به مادر شهیدی یک لوح تقدیر و یک کارت هدیه دادند. اما آن مادر، کارت را پس داد و گفت: این را برای جبهه مقاومت ببرید. وقتی گفتم مادر، این برای خود شماست، کارت دیگری از کیفش بیرون آورد و گفت: این را هم ببرید. خانواده‌ی شهدا، درس ایثار را به ما داده‌اند و ما وظیفه داریم همان‌گونه که آن‌ها عمل کردند، ما هم همان‌طور باشیم. ما به عهد و



پیمانی که با شهدا بستیم، پایبندیم! ما در مسیر آن‌ها قدم گذاشته‌ایم و تا زنده‌ایم، از این مسیر خارج نخواهیم شد. این پرچم را زمین نخواهیم گذاشت، همان طور که آن‌ها نگذاشتند.

اشک در چشم‌ها، اما شور در دل‌ها بود. این یادواره، فقط مراسمی برای یادآوری گذشته نبود؛ بلکه پیمانی بود برای آینده، برای ادامه دادن راهی که شهدای امدادگر آغاز کرده بودند. صلواتی در فضا پیچید، گویی پاسخی بود به همه‌ی آن‌هایی که جانشان را در راه عشق، ایثار و انسانیت فدا کرده بودند.

پیمانی که شکسته نمی‌شود

صدای صلوات در سالن پیچید و مانند موجی که آرام‌آرام دریا را در برمی‌گیرد، همه را در برگرفت. دکتر پیرحسین کولیوند نگاهی به جمعیت انداخت، به آن چشمان خیس اما استوار، به دل‌هایی که با هر جمله‌اش همراه شده بودند. او می‌دانست که این سخنرانی تنها یک یادواره نیست، بلکه تجدید بیعتی است با شهدای امدادگر، با آن‌هایی که جان دادند تا جان ببخشند.

«ما امروز فقط برای یادآوری گذشته اینجا نیستیم، بلکه برای ساختن آینده‌ای پر افتخارتر آمده‌ایم. آینده‌ای که در آن، فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی بیش از همیشه زنده باشد. ما یاد گرفته‌ایم که امدادگری فقط یک شغل نیست، بلکه یک مسیر است، یک عشق است، یک ایمان است. همان‌طور که امام علی (ع) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ» «خداوند احسان و نیکوکاری را بر هر چیزی واجب کرده است.» این احسان و نیکوکاری، در وجود امدادگران شهید ما نهاده شده بود. آن‌ها بدون چشم‌داشت، بدون توقع، با تمام وجود به دیگران خدمت می‌کردند. و ما امروز ادامه‌دهنده‌ی همان راه هستیم.»

امدادگران؛ سربازان بی‌مرز انسانیت

جمعیت با سکوتی عمیق، گوش سپرده بودند. کولیوند نگاهی به امدادگران جوان



حاضر در سالن انداخت و گفت: «شما، جوانان امروز، همان‌هایی هستید که این مشعل را در دست گرفته‌اید. همان‌هایی که وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، لباس امدادی را بر تن می‌کنید و بدون لحظه‌ای تردید، به دل بحران می‌زنید. وقتی زلزله‌ای در کشور همسایه رخ می‌دهد، اولین کسانی هستید که برای کمک می‌روید. وقتی در حادثه‌ای، کودکی زیر آوار می‌ماند، شما هستید که با تمام وجود برای نجاتش تلاش می‌کنید. شما فرزندان همان شهدای امدادگری هستید که در سخت‌ترین شرایط هم عقب نشستند.»

او خاطره‌ای دیگر را روایت کرد، خاطره‌ای که نشان می‌داد امدادگری تنها یک وظیفه نیست، بلکه تجلی واقعی ایثار است: «ما امدادگری را داشتیم که در جبهه مقاومت، وقتی دید بیماری نیاز به خون O منفی دارد، بدون لحظه‌ای تردید خونس را اهدا کرد. اما آنچه او را متفاوت می‌کرد، این بود که همان لحظه بعد از اهدای خون، سر عمل جراحی ایستاد تا به جراحی بیمار کمک کند. او نه تنها جانش را در طبق اخلاص گذاشته بود، بلکه حتی از یک لحظه خدمت هم دریغ نداشت. بعدتر، همان امدادگر در یک عملیات دیگر، خودش به شهادت رسید. این یعنی فداکاری! این یعنی پابندی به عهد!»

سرمایه‌های اصلی ما

دکتر کولیوند، رو به خانواده‌های شهدا کرد و با احترامی خاص گفت: «همیشه به همکارانم سفارش کرده‌ام که تا می‌توانید به خانواده‌های شهدا سر بزنید، به آن‌ها خدمت کنید. آن‌ها سرمایه‌های اصلی ما هستند.

اگر امروز جوانان ما این روحیه‌ی ایثار و فداکاری را دارند، به برکت خون همین شهدا و دعای همین خانواده‌هاست. آن‌ها نیازی به ما ندارند، این ما هستیم که به آن‌ها نیازمندیم؛ به دعایشان، به نگاهشان، به صبر و استقامتشان.»

او به مادران شهدا که در گوشه‌ای از سالن نشسته بودند، اشاره کرد و ادامه داد: ماجرای مادر شهیدی که کارت هدیه را برای جبهه مقاومت اهدا کرد، فقط یک داستان نیست،





بلکه حقیقت جاری در زندگی خانواده‌های شهداست. این همان چیزی است که ما را محکم نگه می‌دارد. این همان چیزی است که به ما یادآوری می‌کند راهی که انتخاب کرده‌ایم، مقدس است. ما امدادگران شهیدمان را فراموش نمی‌کنیم. ما پیامشان را در زندگی مان جاری می‌کنیم. ما پرچمشان را زمین نمی‌گذاریم؛ و این را از شما هم می‌خواهیم؛ از همه‌ی شما که اینجا هستید، از جوانان، از امدادگران، از مسئولان. بیاید قول بدهیم که همیشه در این مسیر بمانیم، که همیشه در سخت‌ترین لحظات، کنار مردم باشیم، که تا جان در بدن داریم، برای نجات جان دیگران تلاش کنیم. این یادواره، تنها مراسمی برای تجلیل از گذشته نبود؛ بلکه تجدید عهدی برای آینده بود، آینده‌ای که در آن، راه شهدا ادامه دارد.

کولیوند بار دیگر نگاهی به چهره‌های مصمم جمعیت انداخت و با لحنی آرام، اما سرشار از یقین ادامه داد: ما امروز اینجا هستیم، اما این پایان راه نیست. هر کدام از ما وظیفه‌ای داریم؛ وظیفه‌ای که از شهدا به ما رسیده است. اگر آن‌ها در سخت‌ترین شرایط ایستادگی کردند، ما هم باید ایستاده بمانیم. اگر آن‌ها جان خود را برای نجات دیگران دادند، ما هم باید همان مسیر را ادامه دهیم. این یک مسئولیت است، یک افتخار است، یک راهی که نمی‌توان از آن بازگشت. هر زمانی که حادثه‌ای رخ دهد، چشم مردم به امدادگران است. در زلزله‌ها، در سیل‌ها، در حوادث تروریستی،

در جنگ‌ها... همه به دنبال آن‌هایی هستند که بی‌هیچ چشم‌داشتی، جان خود را در طبق اخلاص بگذارند و به یاری آن‌ها بشتابند. ما همان‌هایی هستیم که باید در سخت‌ترین لحظات، امید را زنده نگه داریم. حضرت آقا بارها بر نقش امید و ایمان تأکید کرده‌اند. ما در این مسیر، فقط با قدرت جسمی و امکانات جلو نمی‌رویم؛ ما با ایمانمان، با امیدمان، با اعتقادمان به مسیر شهدا حرکت می‌کنیم. اگر امروز امدادگران ما در هر گوشه‌ی دنیا افتخار آفرینی می‌کنند، به این دلیل است که آن‌ها علاوه بر مهارت، با تمام وجود به این مسیر ایمان دارند.

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹) «و گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند؛ بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

این آیه، حقیقتی را یادآوری می‌کند که در جان و دل امدادگران حک شده بود؛ این که شهدا زنده‌اند، این که راهشان ادامه دارد، این که ما میراث‌دار همان خون‌هایی هستیم که بر زمین ریخته شد تا نوری برای آینده باشد.

من امروز از همه‌ی شما می‌خواهم که این یادواره را فقط یک مراسم نبینید. این، یک دعوت است؛ دعوتی برای ادامه دادن راه شهدا. هر امدادگری که امروز در اینجا نشسته، باید بداند که لباس او، لباسی مقدس است. لباسی که یادگار شهادت است. لباسی که تعهد می‌آورد، مسئولیت می‌آورد، فداکاری می‌طلبد. بیایید با خود عهد ببندیم که تا آخرین لحظه، در این مسیر بمانیم. بیایید قول بدهیم که امدادگران شهیدمان را فراموش نکنیم، که فرهنگ ایثار را زنده نگه داریم، که در هر مأموریت، در هر حادثه، در هر بحران، نام آن‌ها را بر زبان بیاوریم و راهشان را ادامه دهیم. ما نگهبانان این مسیر هستیم، ما پرچم‌داران این راهیم، و تا زمانی که زنده‌ایم، این پرچم را بر زمین نخواهیم گذاشت. جمعیت، بار دیگر از جا برخاست. چهره‌ها همه پر از انگیزه و تعهد بود. صلواتی در فضا پیچید، اما این بار، نه فقط به نشانه‌ی احترام به شهدا، بلکه به عنوان عهدی که همه با خود بستند؛ عهدی که تا آخرین نفس پای آن خواهند ایستاد.



راهی که پایانی ندارد

سالن غرق در احساسی عمیق و وصفناشدنی بود. امدادگران، مادران شهدا، مسئولان و جوانانی که تازه قدم در این مسیر گذاشته بودند، در سکوتی آمیخته با تفکر و احساس، به سخنان پایانی کولیوند گوش سپرده بودند؛ اما این سکوت، سکوتی نبود که پایانی بر این یادواره باشد؛ بلکه آرامشی بود که در پس آن طوفانی از تعهد و انگیزه شکل می‌گرفت.

هر امدادگری که امروز در اینجا ایستاده است، باید بداند که فقط یک امدادگر نیست. او ادامه‌دهنده‌ی راه شهیدانی است که جانشان را برای نجات دیگران فدا کردند. هر مأموریتی که می‌رویم، هر دستی که می‌گیریم، هر مجروحی که نجات می‌دهیم، ادامه‌ی همان مسیری است که شهدای ما آغاز کردند. این مسیر، راهی نیست که با رفتن آن‌ها تمام شود. بلکه حالا ما هستیم که باید آن را زنده نگاهداریم. امدادگران شهید، فقط نجات‌دهنده‌ی جسم‌ها نبودند.

آن‌ها ناجیان روح‌ها هم بودند. آن‌ها درس‌هایی برای ما گذاشته‌اند که باید همیشه در یاد داشته باشیم.

درس‌هایی که در قلب تک‌تک حاضران حک شد

۱. ایثار بدون مرز

«امدادگران شهید، برایشان مهم نبود کجا هستند. در دل جنگ، در خطوط مقدم، در پشت جبهه، در میان زلزله‌زدگان یا در کنار مردم عادی. مهم نبود که جانشان در خطر باشد یا نه. آن‌ها می‌دانستند که نجات جان یک انسان، بالاترین ارزش است.»

۲. مسئولیت‌پذیری بی‌نظیر

«یادم هست یکی از امدادگران شهید، قبل از شهادتش به دوستش گفت: «اگر من رفتم، تو اینجا نمان، تو هم به میدان بیا!» آن‌ها خودشان را مسئول جان دیگران می‌دانستند و همین احساس مسئولیت، آن‌ها را جاودانه کرد.»



۳. صبر و استقامت

«در عملیات امدادی، بارها دیده‌ایم که امدادگران، بدون غذا، بدون خواب، ساعت‌ها و روزها مشغول نجات مردم بوده‌اند. آن‌ها یاد گرفته بودند که اولویت، دیگران هستند، نه خودشان.»

۴. ایمان و توکل

«در لحظات سخت، در دل بحران، در جایی که امیدها کم‌رنگ می‌شود، چیزی که آن‌ها را سر پا نگه می‌داشت، ایمانشان بود. آن‌ها به وعده‌ی خدا باور داشتند. آن‌ها می‌دانستند که حتی اگر جانشان را از دست بدهند، این پایان نیست، بلکه آغاز زندگی جاودانه است.»

۵. خدمت بی‌منت

«امدادگران شهید، هیچ‌گاه منتظر تشکر نبودند. برایشان مهم نبود که کسی آن‌ها را ببیند یا نه. مهم نبود که نامشان ثبت شود یا نه. مهم این بود که کاری که باید، انجام شود. این روحیه‌ی است که امروز هم در امدادگران ما دیده می‌شود.»

«برادران و خواهران من، ما امروز در یک امتحان بزرگ هستیم. امتحانی که هر روز و هر لحظه در زندگی‌مان جریان دارد. امتحان ما این است که آیا می‌توانیم این مسیر را با همان روحیه‌ی شهدا ادامه دهیم؟ آیا می‌توانیم بدون چشم‌داشت، بدون توقع، فقط برای رضای خدا و برای نجات جان انسان‌ها قدم برداریم؟ گر امروز در این مسیر باشیم، دل این مادران آرام‌تر خواهد شد. اگر ما پای عهده‌ی که بسته‌ایم بمانیم، شهدای ما در آرامش خواهند بود. ما باید کاری کنیم که وقتی روزی پیش آن‌ها رفتیم، سر بلند باشیم و بگوییم: راهتان را ادامه دادیم!»

در آسمان، شاید جایی دور، در میان نورهای ابدی، امدادگران شهید لبخند زدند؛ زیرا می‌دانستند که راهشان زنده مانده است. یادواره به پایان رسیده بود، اما رسالت تازه آغاز شده بود. امدادگران، با انگیزه‌های تازه، با چشمانی که برق ایمان در آن موج می‌زد، از سالن خارج شدند. بعضی‌ها در سکوت به آینده‌ای فکر می‌کردند که در آن، بیشتر از همیشه پایبند این مسیر باشند. برخی دیگر، بی‌اختیار به یاد همکاران شهیدشان افتاده بودند و با خود عهد می‌بستند که جای خالی آن‌ها را پر کنند.



چراغ راهی که خاموش نمی شود

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان لرستان

۲۴ دی ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

امدادگران، فرشتگان نجاتی هستند که در سخت‌ترین شرایط، با ایثار و از خودگذشتگی، جان دیگران را نجات می‌دهند. در دوران دفاع مقدس، این قشر فداکار، نقشی بی‌بدیل در صحنه‌های نبرد ایفا کردند. آنان با کمترین امکانات و در سخت‌ترین شرایط، در میان آتش و خون، برای نجات رزمندگان از هیچ تلاشی فروگذار نکردند. بسیاری از این امدادگران، در حالی که در تلاش برای حفظ جان هم‌زمان خود بودند، خود به مقام والای شهادت نائل آمدند. در یادواره‌ی شهدای امدادگر، گرد هم می‌آییم تا از این قهرمانان خاموش تجلیل کنیم؛ آنان که نه تنها در جبهه‌های نبرد، بلکه در تمام عرصه‌های بحران، نماد ایثار و فداکاری هستند. یاد و خاطره‌ی این شهدا، نه تنها یک برگ زرین در تاریخ این سرزمین است، بلکه چراغ راهی است برای همه‌ی امدادگران امروز که در حوادث و بحران‌های گوناگون، همچنان پرچم خدمت‌رسانی را برافراشته نگه داشته‌اند. این فصل که برگرفته از سخنرانی دکتر پیرحسین کولیوند رئیس جمعیت هلال احمر در یادواره شهدای امدادگر استان لرستان است، به بررسی نقش امدادگران در دوران دفاع مقدس، چالش‌های آنان، فداکاری‌هایشان و تأثیرات جاودانه‌ی آنان بر فرهنگ ایثار و شهادت می‌پردازد.





انتخاب مسیر شهدا

امدادگری، چیزی فراتر از یک حرفه یا مسئولیت سازمانی است؛ امدادگری یک رسالت است، راهی که انسان را به ارزش‌های والای انسانی و الهی پیوند می‌دهد. جمعیت هلال احمر، در گذر از مسیر تاریخ، راهی را انتخاب کرد که ریشه در ایثار و فداکاری دارد، مسیری که با خون شهدا آبیاری شده است. این راه، راه شهداست، راهی که به ما آموخته است چگونه دستگیر نیازمندان باشیم، چگونه در سخت‌ترین لحظات کنار مردم بایستیم و چگونه بی‌منت و با اخلاص، خدمت کنیم. جمعیت هلال احمر، ابتدا سازمانی بود که بر اساس اصول بی‌طرفی و بی‌غرضی فعالیت می‌کرد؛ اما امروز، این جمعیت نه‌تنها امدادگر حوادث، بلکه پرچمدار ارزش‌های انسانی است. زمانی که سخن از برگزاری یادواره شهدا به میان آمد، برخی معتقد بودند که ورود به چنین حوزه‌هایی ممکن است شائبه‌هایی ایجاد کند؛ اما با گذشت زمان، این باور تغییر کرد. امروز، همه برای برگزاری چنین مراسمی از هم سبقت می‌گیرند، چرا که به‌خوبی درک کرده‌ایم که جمعیت هلال احمر، مسیر خود را از طریق راه شهدا انتخاب کرده است.

نعمت حضور در مسیر ایثار

امروز ما در برکت این سفره گسترده قرار گرفته‌ایم، سفری که ما را به سرچشمه‌های نور، یعنی فرهنگ ایثار و شهادت، متصل کرده است. اینکه یادواره شهدای امدادگر در شب میلاد امام علی (ع) برگزار می‌شود، خود یک پیام روشن دارد: همان‌گونه که آن امام همام، مظهر عدالت، ایثار، فداکاری و امدادگری بود، ما نیز باید از سیره او درس بگیریم.

امام علی (ع)، الگوی بزرگ امدادگری

در تمام تاریخ، هیچ شخصیتی به اندازه‌ی امام علی (ع) در کمک به نیازمندان، حمایت از مظلومان و باری رساندن به دردمندان برجسته نبوده است. او در عدالت‌محوری سرآمد بود، در تواضع و فروتنی نمونه بود، در صبر و استقامت، اسوه‌ای بی‌نظیر، در ایثار و فداکاری بی‌همتا و در حکمت و تصمیم‌گیری الگوی بی‌بدیل بشریت بود. این ویژگی‌ها، همان‌هایی هستند که یک امدادگر واقعی باید داشته باشد.

صلح‌طلبی و مدیریت عاطفی در امدادگری

امام علی (ع) جنگ را دوست نداشت، اما هرگاه که لازم بود، از حق دفاع می‌کرد. او در برابر دشمنان، مقتدر بود اما در برابر نیازمندان، پدري مهربان. این دقیقاً همان مسیری است که هلال احمر باید در آن گام بردارد؛ یعنی همواره برای صلح و آرامش تلاش کند، اما اگر لازم باشد، در برابر ظلم و ستم ایستادگی نماید.

اهمیت دانش در امدادگری

امروز، جمعیت هلال احمر نه تنها در عرصه‌ی میدانی، بلکه در حوزه‌ی علمی نیز باید پیشگام باشد. دانش امدادی، آگاهی از روش‌های نوین کمک‌رسانی و مدیریت بحران، ابزارهایی هستند که یک امدادگر باید به آن‌ها مسلط باشد.



ریشه‌های امدادگری در آموزه‌های اسلامی

برخی می‌گویند که نهضت صلیب سرخ، توسط «هانری دونان» در ۱۵۲ سال پیش پایه‌گذاری شده است؛ اما واقعیت این است که ریشه‌های این تفکر، به ارزش‌های دینی ما بازمی‌گردد. اسلام، قرن‌ها پیش از تأسیس صلیب سرخ، اصول امدادگری را مطرح کرده بود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» «هر کس یک نفر را زنده کند، گویی تمام بشریت را زنده کرده است.» (سوره مائده، آیه ۳۲). این اصل، همان چیزی است که صلیب سرخ امروز به‌عنوان شعار خود برگزیده است. در واقع، فرهنگ امدادگری، از آموزه‌های اسلامی برخاسته و شهدای امدادگر ما، ادامه‌دهندگان همین راه مقدس هستند. امروز، جمعیت هلال احمر ایران، نه تنها در داخل کشور بلکه در سراسر جهان، پرچمدار فرهنگ ایثار و امدادگری است. این روحیه‌ی جهاد در راه کمک به دیگران، به برکت انقلاب اسلامی و رهبری ولی‌فقیه روزبه‌روز شکوفاتر شده است. شهدای امدادگر ما، راهی را ترسیم کرده‌اند که باید با افتخار در آن قدم برداریم. اگر امروز در لبنان، سوریه، ترکیه، افغانستان و دیگر نقاط جهان، نیروهای هلال احمر ایران در خط مقدم کمک‌رسانی هستند، این برخاسته از همان روحیه‌ی ایثار و جهاد است که از امام علی (ع) و شهدایمان به ارث برده‌ایم.

شهدای امدادگر، پرچمداران ایثار و فداکاری

در هر برهه‌ای از تاریخ، گروهی از انسان‌های ایثارگر، جان خود را در طبق اخلاص گذاشته و مسیر شهادت را برای حفظ ارزش‌های انسانی انتخاب کرده‌اند. شهدای امدادگر، کسانی بودند که در سخت‌ترین شرایط، به یاری نیازمندان شتافتند، بی‌منت خدمت کردند و در نهایت، خون پاکشان را در مسیر نجات دیگران نثار کردند. استان لرستان، سرزمینی کهن با مردمانی غیور و شجاع، در دوران دفاع مقدس و دیگر عرصه‌های خدمت، جوانانی را تقدیم انقلاب و اسلام کرد که هر کدام، الگویی از ایثار و فداکاری بودند. شهدای امدادگر لرستان، نه تنها در کمک‌رسانی، بلکه در ایمان، تعهد، غیرت، شجاعت و جوانمردی، اسوه‌های بی‌نظیری برای نسل‌های آینده هستند.



۱. شهدای امدادگر لرستان، سفیران نجات و امید

در این استان، ۵۱ گل پرپر از میان امدادگران هلال احمر، جان خود را در مسیر خدمت فدا کردند. این عزیزان، با میانگین سنی ۲۷ سال، در عنفوان جوانی، عزم خود را جزم کردند تا جان دیگران را نجات دهند، حتی به بهای از دست دادن جان خود. در نگاه اول، شاید تصور شود که امدادگران تنها وظیفه دارند در حوادث طبیعی مانند زلزله و سیل کمک‌رسان باشند؛ اما شهدای امدادگر نشان دادند که این مسئولیت، محدود به شرایط خاص نیست؛ بلکه امدادگری، یک مکتب است، یک راه زندگی است، راهی که در آن، فرد از خود می‌گذرد تا دیگران را نجات دهد.

۲. ویژگی‌های برجسته شهدای امدادگر لرستان

- ایمان و تعهد دینی

شهدای امدادگر، کسانی بودند که نه تنها به حرفه‌ی خود پایبند بودند، بلکه ایمان عمیقی به مسیر خود داشتند. آنان خدمت به مردم را یک عبادت می‌دانستند و امدادگری را تنها یک وظیفه سازمانی تلقی نمی‌کردند، بلکه آن را وسیله‌ای برای تقرب به خداوند می‌دیدند.

- وفاداری به انقلاب و ارزش‌های اسلامی

این شهدا، پایبند به اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی بودند و در راه حفظ این ارزش‌ها از هیچ کوششی دریغ نکردند. آنان در دفاع مقدس، همانند یک رزمنده‌ی خط مقدم، شجاعانه ایستادند و در صحنه‌های امداد، با روحیه‌ی جهادی، از جان و دل مایه گذاشتند.

- غیرت، شجاعت و جوانمردی

مردم لرستان به غیرت و شجاعت معروف‌اند و شهدای امدادگر این خطه نیز این ویژگی را به‌خوبی به نمایش گذاشتند. آنان نه تنها در برابر ظلم و ستم، بلکه در برابر سخت‌ترین شرایط امدادی، از خود ایستادگی نشان دادند.



- ساده‌زیستی و روحیه‌ی ایثار

یکی از ویژگی‌های مشترک تمام شهدای امدادگر لرستان، ساده‌زیستی و از خودگذشتگی بود. آنان هیچ‌گاه به دنبال منافع شخصی نبودند و همیشه دیگران را بر خود مقدم می‌دانستند. خانواده‌های این شهدا، بارها و بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که عزیزانشان با کمترین امکانات، بیشترین تأثیر را در کمک‌رسانی داشتند.

۳. نقش شهدای امدادگر در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

امروز، نام و یاد این شهدا، نه تنها برای خانواده‌هایشان، بلکه برای تمام امدادگران هلال احمر، مایه‌ی افتخار است. زندگی و سیره‌ی آنان، الگویی برای نسل جدید امدادگران است تا با تأسی به این عزیزان، مسیر خود را در خدمت‌رسانی بی‌وقفه به مردم ادامه دهند.

روحیه‌ی مقاومت، عدالت‌خواهی، وحدت و همبستگی، از ویژگی‌های بارز این شهدا بود. آنان نه تنها در میدان‌های نبرد، بلکه در حوادث و بحران‌ها، یکه‌تاز بودند و نشان دادند که امدادگری، چیزی فراتر از یک مسئولیت‌اداری است؛ بلکه یک تعهد الهی است.

۴. تداوم راه شهدا در هلال احمر

امروز، جمعیت هلال احمر، به برکت همین فرهنگ ایثار و فداکاری، به یکی از قدرتمندترین سازمان‌های امدادی جهان تبدیل شده است. اگر امروز نیروهای هلال احمر ایران، در حوادث بین‌المللی مانند زلزله‌ی ترکیه، بحران‌های لبنان، افغانستان، سوریه و حتی حج و اربعین، در خط مقدم خدمت قرار دارند، این برخاسته از همان روحیه‌ی جهادی شهدای امدادگر است. شهدای امدادگر لرستان، نه تنها تاریخ این استان، بلکه تاریخ امدادگری را با خون خود نوشتند. آنان به ما آموختند که امدادگر، کسی است که در برابر سختی‌ها صبور باشد، در برابر مشکلات ایستادگی کند، در برابر نیازمندان فروتن باشد و در برابر دشمن، مقتدر و نترس. امروز، یاد و خاطره‌ی این شهدا، در دل‌های ما زنده است.



ما، امدادگران نسل جدید، وظیفه داریم که این پرچم را برافراشته نگه داریم، راهشان را ادامه دهیم و با خدمت بی‌منت، فداکاری و جهاد در راه مردم، ثابت کنیم که جمعیت هلال احمر، همچنان بر مسیر شهدا گام برمی‌دارد.

هلال احمر و جبهه مقاومت، طلایه‌داران انسانیت و ایثار

در دنیای پرآشوب امروز، که جنگ‌ها، بلایا و بحران‌های انسانی لحظه‌ای آرام نمی‌گیرند، سازمان‌های امدادی همچون جمعیت هلال احمر، نقش بی‌بدیلی در کاهش آلام بشری ایفا می‌کنند؛ اما هلال احمر ایران، صرفاً یک نهاد امدادی نیست؛ بلکه میراث‌دار فرهنگی است که ریشه در عاشورا، جهاد و دفاع از مظلوم دارد. در جبهه‌های مقاومت، از جنگ تحمیلی تا حوادث امروز منطقه، امدادگران هلال احمر دوشادوش رزمندگان اسلام ایستاده‌اند. آنان نه تنها در میدان‌های جنگ، بلکه در بحران‌های انسانی، نظیر زلزله، سیل و حتی بحران‌های بهداشتی، با روحیه‌ی ایثارگرانه به کمک مظلومان شتافته‌اند. در این فصل، به نقش هلال احمر در جبهه‌ی مقاومت و تأثیر این نهاد در عرصه‌های بین‌المللی خواهیم پرداخت.

۱. هلال احمر در دوران دفاع مقدس، یاری‌رسان جبهه‌ها

در دوران هشت سال دفاع مقدس، امدادگران هلال احمر، در سخت‌ترین شرایط، جان خود را به خطر می‌انداختند تا زخمی‌ها را نجات دهند. بیمارستان‌های صحرائی در دل میدان جنگ برپا شد و امدادگران، بدون هیچ‌گونه تجهیزات پیشرفته، تنها با توکل بر خدا و اراده‌ی پولادین، زخم‌های مدافعان وطن را مرهم می‌گذاشتند. حضور امدادگران زن در بیمارستان‌های صحرائی، نمونه‌ای از نقش‌آفرینی بی‌بدیل بانوان در این جهاد مقدس بود. آنان، همانند حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، صبورانه به مداوای مجروحان پرداختند و در سخت‌ترین شرایط، میدان را ترک نکردند.



۲. هلال احمر در جبهه مقاومت، از فلسطین تا سوریه و یمن امروز، جبهه‌ی مقاومت دیگر محدود به مرزهای ایران نیست. هر جا مظلومی زیر چکمه‌های استکبار فریاد می‌زند، هر جا انسانی از ظلم و ستم رنج می‌برد، آنجا میدان خدمت‌رسانی نیروهای هلال احمر است.

- فلسطین و غزه: در شرایطی که رژیم صهیونیستی، ناجوانمردانه مردم بی‌دفاع غزه را بمباران می‌کند، نیروهای امدادی هلال احمر، با شجاعت به کمک مجروحان می‌شتابند و پیام انسانیت و ایثار را به جهانیان مخابره می‌کنند.

- سوریه: در بحران سوریه، هلال احمر ایران نقشی اساسی در امدادسانی به مردم جنگ‌زده ایفا کرد. حضور در اردوگاه‌های آوارگان، ارسال دارو و تجهیزات پزشکی و درمان مجروحان، تنها بخشی از این فداکاری‌ها بود.

۳. امدادسانی بین‌المللی، سفیران صلح و نجات هلال احمر ایران، با تکیه بر فرهنگ جهاد و ایثار، همواره در بحران‌های جهانی نقش‌آفرینی کرده است. در زلزله‌های افغانستان، پاکستان، ترکیه، سوریه و حتی در فاجعه‌های انسانی نظیر بحران میانمار، نیروهای امدادی ایران با دست خالی اما با قلبی آکنده از عشق به انسانیت، به کمک مردم شتافته‌اند. در جریان فاجعه منا در سال ۱۳۹۴، هلال احمر ایران یکی از نخستین گروه‌هایی بود که برای کمک به مجروحان و پیگیری حقوق جان‌باختگان اقدام کرد. این نشان‌دهنده‌ی تعهد این نهاد به دفاع از حقوق مسلمانان و مظلومان جهان است.

۴. امدادگری، یک جهاد مقدس در فرهنگ اسلامی، امدادگری تنها یک حرفه نیست؛ بلکه یک جهاد است. پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) فرمودند: «مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ». «هرکس گره از کار مؤمنی بگشاید، خداوند در روز قیامت، گره از کار او خواهد گشود.» امدادگران هلال احمر، با همین روحیه‌ی جهادی، در مسیر



سخت کمک‌رسانی قدم برمی‌دارند و می‌دانند که تلاش‌های آنان، نه‌تنها در دنیا، بلکه در آخرت نیز بی‌پاداش نخواهد ماند. هلال احمر ایران، نه‌تنها یک سازمان امدادی، بلکه یک نهاد جهادی و ارزشی است که در دل بحران‌ها، پیام‌آور انسانیت، ایثار و مقاومت بوده است. از دوران دفاع مقدس تا جبهه‌های مقاومت، از میدان‌های جنگ تا حوادث طبیعی، این نهاد همواره در خط مقدم نجات انسان‌ها قرار داشته است. امروز، ما به‌عنوان وارثان این فرهنگ غنی، مسئولیت سنگینی بر دوش داریم. باید مسیر شهدا و امدادگران فداکار را ادامه دهیم و با حفظ روحیه‌ی جهادی، پرچم هلال احمر را برافراشته نگه داریم.

جوانان و بانوان، طلایه‌داران فرهنگ امدادگری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

در مسیر گسترش فرهنگ امدادگری، دو گروه نقش کلیدی ایفا می‌کنند: جوانان که با روحیه‌ی پرشور، امید به آینده و توانمندی‌های بی‌نظیر خود، ستون‌های اصلی حرکت‌های اجتماعی هستند؛ و بانوان که با عاطفه‌ی عمیق، ایثار مادرانه و قدرت مدیریت بحران، نقشی تعیین‌کننده در امداد‌رسانی و خدمت به انسان‌ها دارند. در این قسمت، به بررسی جایگاه این دو گروه در گسترش فرهنگ امدادگری و نقش آن‌ها در ساختن جامعه‌ای متعهد و مسئولیت‌پذیر خواهیم پرداخت.

۱. جوانان، پیشگامان جهاد امدادگری

جوانی، دوره‌ی شور و نشاط، نوآوری و مسئولیت‌پذیری است. اگر این انرژی در مسیر صحیح هدایت شود، می‌تواند منشأ تحول و پیشرفت در جامعه باشد. در تمامی حوادث و بحران‌ها، حضور جوانان، نیروی محرک اصلی عملیات امداد و نجات بوده است.

الف) نقش جوانان در دفاع مقدس و جبهه‌های مقاومت

در دوران دفاع مقدس، جوانان پیشگام نبرد و ایثار بودند. بسیاری از امدادگران و شهیدان عرصه‌ی امداد‌رسانی، جوانانی بودند که با قلبی مملو از ایمان، جان خود را



برای نجات هم‌وطنانشان به خطر انداختند.

امروز نیز در جبهه‌های مقاومت، جوانان امدادگر ایرانی، از سوریه تا یمن، در خط مقدم خدمت‌رسانی به مظلومان قرار دارند. آنان نه تنها در صحنه‌های جنگ، بلکه در عرصه‌ی مبارزه با تحریم‌ها، بحران‌های طبیعی و مأموریت‌های بین‌المللی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند.

ب) جوانان و مسئولیت اجتماعی در حوادث داخلی

زلزله‌ی بم، کرمانشاه، سیل‌های گلستان و لرستان، همه و همه صحنه‌هایی بودند که در آن، جوانان به عنوان نیروهای داوطلب، از سراسر کشور برای کمک شتافتند. آنان با احساس مسئولیت، در کنار امدادگران هلال احمر قرار گرفتند و نشان دادند که جوان ایرانی، وارث همان فرهنگ ایثار و جهاد است.

ج) بسیج ظرفیت‌های جوانان در سازمان‌های امدادی

یکی از مهم‌ترین اقدامات برای گسترش فرهنگ امدادگری، جذب و آموزش جوانان در سازمان‌هایی مانند هلال احمر است. برنامه‌هایی نظیر اردوهای جهادی، دوره‌های آموزشی امداد و نجات و مشارکت در مأموریت‌های امدادی، زمینه‌ساز پرورش نیروهای جوانی است که در شرایط بحرانی، بتوانند نقش‌آفرینی کنند.

۲. بانوان، سفیران مهر و ایثار در امدادگری

نقش بانوان در امداد‌رسانی، از صدر اسلام تا امروز، همواره برجسته بوده است. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در واقعه‌ی عاشورا، نه تنها پیام‌رسان نهضت امام حسین (علیه‌السلام) بود، بلکه با امداد‌رسانی به مجروحان، الگویی جاودان از یک زن فعال در عرصه‌ی اجتماعی و جهادی را به نمایش گذاشت.



الف) بانوان در دفاع مقدس و عرصه‌های جهادی

در دوران جنگ تحمیلی، زنان ایران اسلامی در پشت جبهه، در بیمارستان‌ها، پشتیبانی جنگ و حتی در خطوط مقدم به عنوان امدادگران، نقش مهمی ایفا کردند. آنان همانند حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، در کنار مدافعان حرم، پیام‌رسان و پرستار مجروحان بودند.

ب) بانوان در حوادث طبیعی و بحران‌های اجتماعی

در حوادثی مانند زلزله و سیل، بانوان امدادگر، علاوه بر امدادسانی مستقیم، نقش مهمی در حمایت روحی و روانی از آسیب‌دیدگان دارند. آنان با مدیریت بحران‌های خانوادگی، کاهش استرس کودکان و ارائه‌ی خدمات پزشکی و مشاوره‌ای، بخشی از بار سنگین بحران را به دوش می‌کشند.

ج) بانوان، مروجان فرهنگ امدادگری در جامعه

بانوان، نه‌تنها در صحنه‌های امداد و نجات، بلکه در تربیت نسل آینده نیز تأثیر بسزایی دارند. یک مادر امدادگر، فرزندی را پرورش می‌دهد که از کودکی با روحیه‌ی ایثار و کمک به دیگران آشنا می‌شوند. مدارس، دانشگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی، باید از ظرفیت بانوان برای گسترش فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی بهره ببرند.

۳. راهکارهای توسعه‌ی فرهنگ امدادگری در میان جوانان و بانوان

برای تقویت نقش جوانان و بانوان در عرصه‌ی امدادسانی، چند اقدام اساسی لازم است:

الف) آموزش عمومی امداد و نجات در مدارس و دانشگاه‌ها

- برگزاری دوره‌های امدادی در مدارس و دانشگاه‌ها.

- راه‌اندازی تشکل‌های دانشجویی امداد و نجات.



- (ب) توسعه‌ی گروه‌های داوطلب امدادی در سطح جامعه.
- حمایت از گروه‌های جهادی.
- ایجاد شبکه‌های مردمی امداد و نجات.

- (ج) تقدیر و حمایت از امدادگران جوان و بانوان
- معرفی الگوهای برتر امدادگری.
- تأسیس مراکز توانمندسازی زنان در امدادسانی.

- (د) تقویت بعد معنوی امدادگری
- استفاده از آموزه‌های دینی در ترویج فرهنگ ایثار.
- بهره‌گیری از سیره‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) در آموزش‌های امدادی.

جوانان و بانوان، دو بال پرواز جامعه به سوی پیشرفت، عدالت و انسان‌دوستی هستند. اگر این دو قشر به درستی در مسیر امدادگری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی هدایت شوند، جامعه‌ای خواهیم داشت که در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر و در مسیر ارزش‌های اسلامی، پایدارتر خواهد بود. هلال احمر، بسیج، گروه‌های جهادی و دیگر نهادهای امدادی، باید به این دو ظرفیت عظیم توجه ویژه داشته باشند. آینده‌ی ایران، در گرو پرورش نسل‌هایی است که فرهنگ ایثار، فداکاری و خدمت به هم‌نوع را در قلب خود جای داده‌اند.

فرهنگ عاشورایی، الگوی جاودان امدادگری و دفاع از ارزش‌های انسانی

فرهنگ عاشورایی، نه فقط یک واقعه‌ی تاریخی، بلکه مکتبی زنده و الهام‌بخش است که تمامی ارزش‌های انسانی، از ایثار و فداکاری گرفته تا امدادگری و حمایت از مظلومان، در آن متجلی است.

این فرهنگ، نیروی محرکه‌ی امدادگران در طول تاریخ بوده و هست؛ از کربلا تا دفاع



مقدس، از جبهه‌های مقاومت تا مأموریت‌های بشردوستانه‌ی امروز.

۱. عاشورا، میدان فداکاری و امدادگری

در واقعه‌ی کربلا، علاوه بر مبارزه و مقاومت، جلوه‌هایی از امدادگری و یاری‌رسانی نیز دیده می‌شود. هر شخصیت در این قیام، به نوعی تجلی‌گر روحیه‌ی امداد و نجات است. الف) حضرت ابوالفضل العباس (علیه‌السلام)، نماد فداکاری و حمایت از دیگران حضرت عباس (علیه‌السلام)، اسوه‌ی ایثارگری است. زمانی که کودکان تشنه بودند، با وجود خطر، دل به دریا زد تا آب بیاورد، اما تشنگی خودش را به فراموشی سپرد. این درس بزرگ، نشان می‌دهد که یک امدادگر، حتی در سخت‌ترین شرایط، باید دیگران را بر خود مقدم بدارد.

ب) حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها)، پرستار مجروحان کربلا در اوج مصائب، حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) نه تنها استوار ایستاد، بلکه از مجروحان مراقبت کرد، کودکان را پناه داد و پیام‌رسان نهضت شد. نقش ایشان در کربلا، نمونه‌ای بی‌نظیر از یک امدادگر آگاه، دلسوز و مقاوم است.

۲. تأثیر فرهنگ عاشورایی بر امدادگران دوران دفاع مقدس و جبهه‌های مقاومت

الف) امدادگران دفاع مقدس، ادامه‌دهندگان راه عاشورا در دوران دفاع مقدس، امدادگران با الهام از عاشورا، در خط مقدم حاضر می‌شدند، مجروحان را یاری می‌دادند و گاه خود نیز به شهادت می‌رسیدند. شعار آنان «لبیک یا حسین» بود و ایثارشان، نشانه‌ای از درس‌آموزی از عاشورا.

ب) امدادرسانی در جبهه‌های مقاومت، ادامه‌ی مسیر شهدای کربلا امروز نیز امدادگران در مناطق بحران‌زده‌ی جهان اسلام، با همان روحیه‌ی عاشورایی، در خدمت مردم مظلوم هستند. از فلسطین و یمن گرفته تا سوریه و لبنان، امدادگران و پزشکان بدون مرز، با تحمل سختی‌ها، به مجروحان و نیازمندان کمک می‌کنند.



۳. اصول امدادگری در مکتب عاشورا

- ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود (مانند حضرت عباس علیه السلام).
- حفظ روحیه‌ی صبر و استقامت در شرایط دشوار (مانند حضرت زینب سلام الله علیها).
- امدادگری بدون چشم‌داشت مادی و دنیوی (مانند یاران امام حسین علیه السلام).
- یاری‌رسانی به مظلومان و دفاع از حقوق انسان‌ها (مانند قیام امام حسین علیه السلام).

۴. راهکارهای ترویج فرهنگ عاشورایی در امدادگری امروز

- آموزش امدادگران بر مبنای سیره‌ی عاشورایی.
 - برگزاری همایش‌ها و یادواره‌های شهدا با محوریت فرهنگ عاشورا.
 - الهام گرفتن از روحیه‌ی عاشورایی در مأموریت‌های بشردوستانه.
- فرهنگ عاشورایی، سرمایه‌ای عظیم برای جامعه‌ی اسلامی است که می‌تواند نیروی محرکه‌ی امدادگران در تمام عرصه‌ها باشد. اگر این فرهنگ در جان و دل امدادگران نهادینه شود، جامعه‌ای خواهیم داشت که در برابر هر بحران و هر ظلمی، مقاوم و ایثارگر خواهد بود.

امدادگری، محور همبستگی اجتماعی و وحدت ملی

امدادگری، فراتر از یک مأموریت انسانی، یک ارزش بنیادین برای ایجاد پیوندهای اجتماعی و تقویت وحدت ملی است. وقتی فداکاری و کمک به دیگران به فرهنگی عمومی تبدیل شود، جامعه‌ای همدل و متحد شکل می‌گیرد که در برابر بحران‌ها و سختی‌ها استوار می‌ماند.

۱. امدادگری، پیونددهنده‌ی قلوب و تقویت‌کننده‌ی روحیه‌ی همدلی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جوامع امروزی، گسترش فردگرایی و کاهش حس مسئولیت اجتماعی است؛ اما حضور امدادگران در حوادث طبیعی، بحران‌های اجتماعی و مأموریت‌های بشردوستانه، یادآور این حقیقت است که سرنوشت انسان‌ها به یکدیگر گره خورده است.



الف) تجربه‌ی امدادسانی در بلایای طبیعی

در حوادثی مانند زلزله‌ی کرمانشاه، سیل خوزستان و آتش‌سوزی‌های گسترده، امدادگران از سراسر کشور گرد هم آمدند تا دست یاری به سوی آسیب‌دیدگان دراز کنند. این لحظات، تجلی باشکوهی از همدلی ملی بود که مردم را به هم نزدیک‌تر کرد.

ب) تأثیر امدادگری در بحران‌های اجتماعی

فراتر از حوادث طبیعی، در بحران‌هایی مانند بیماری‌های همه‌گیر (مانند کرونا) و مشکلات اقتصادی، حضور نیروهای امدادی و داوطلبان، امید را در دل مردم زنده نگه داشته و باعث افزایش سرمایه‌ی اجتماعی شده است.

۲. نقش امدادگران در کاهش فاصله‌های طبقاتی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر

الف) امدادگران، سفیران عدالت اجتماعی

یکی از اصول مهم امدادگری، ارائه‌ی خدمات بدون تبعیض و توجه به نیازمندترین افراد جامعه است. هلال احمر و سایر نهادهای امدادی، با تمرکز بر این اصل، همواره تلاش کرده‌اند تا محرومان و مستضعفان را در اولویت خدمات خود قرار دهند.

ب) نمونه‌هایی از تأثیر خدمات امدادی در کاهش نابرابری‌ها

- طرح‌های سلامت روستایی که خدمات درمانی را به دورافتاده‌ترین نقاط کشور برده است.
- پروژه‌های تأمین آب و مسکن برای مناطق محروم که زندگی هزاران نفر را متحول کرده است.

- برنامه‌های توانمندسازی جوانان و زنان سرپرست خانوار که به آنان فرصت یک زندگی بهتر داده است.

۳. هویت ملی و انسجام اجتماعی در سایه‌ی فرهنگ ایثار و امدادگری

فرهنگ امدادگری، علاوه بر کاهش مشکلات معیشتی، به تقویت هویت ملی نیز کمک می‌کند. وقتی مردم یک کشور در روزهای سخت کنار هم می‌ایستند و برای یک هدف مشترک تلاش می‌کنند، احساس تعلق بیشتری به سرزمین و ملت خود پیدا می‌کنند.



الف) امدادگران، نمایندگان ارزش‌های ملی و دینی امدادگران، نه‌تنها وظیفه‌ی کمک‌رسانی را بر عهده دارند، بلکه سفیران فرهنگی و اخلاقی یک ملت محسوب می‌شوند. رفتار و منش آنان، نمایانگر ارزش‌هایی همچون نوع‌دوستی، فداکاری و عدالت‌خواهی است که همگی در فرهنگ دینی و ملی ما ریشه دارند.

ب) نمونه‌هایی از نقش امدادگران در تقویت وحدت ملی - حضور امدادگران در مناطق مرزی و دورافتاده، باعث پیوند بیشتر اقوام مختلف کشور شده است.

- مشارکت همه‌جانبه‌ی مردم در طرح‌های امدادی، باعث افزایش حس همبستگی بین طبقات مختلف جامعه شده است.

- امدادگرسانی به کشورهای مسلمان و مظلوم، ایران را به عنوان یک ملت پیشگام در بشردوستی معرفی کرده است.

۴. امدادگری در عرصه‌ی بین‌المللی؛ الگوی ایران برای جهان

ایران، به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در حوزه‌ی امداد و نجات، همواره در حوادث بین‌المللی حضور مؤثری داشته است. از زلزله‌ی ترکیه و سوریه گرفته تا بحران‌های انسانی در لبنان و یمن، نیروهای امدادی ایرانی نقش مهمی در کاهش آلام بشری ایفا کرده‌اند. این اقدامات، نه‌تنها چهره‌ی مثبتی از ایران در جهان ارائه داده، بلکه الگویی برای سایر کشورها در زمینه‌ی مسئولیت‌پذیری انسانی شده است. امدادگری، فراتر از یک وظیفه‌ی حرفه‌ای، مأموریتی اخلاقی و اجتماعی است که می‌تواند شکاف‌های اجتماعی را پر کند، وحدت ملی را تقویت نماید و یک ملت را در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر سازد. هر اقدامی که در مسیر یاری‌رسانی انجام می‌شود، گامی در جهت ساختن جامعه‌ای همدل‌تر و متحدتر است.



زنان امدادگر، پیشگامان فداکاری و انسان دوستی

نقش زنان در تاریخ امدادگری و خدمات بشردوستانه، همواره پررنگ و تأثیرگذار بوده است. از حضور حضرت زینب (سلام الله علیها) در واقعه‌ی عاشورا و پرستاری از مجروحان، تا زنان امدادگر در دوران دفاع مقدس و پس از آن، زنان ایرانی همواره الگوی فداکاری، صبر و شجاعت بوده‌اند. امروز نیز بانوان امدادگر جمعیت هلال احمر، در سخت‌ترین شرایط و بحران‌ها، از زلزله و سیل گرفته تا بحران‌های بین‌المللی، دوشادوش مردان ایستاده و امدادسانی می‌کنند. در این قسمت، به جایگاه، نقش و تأثیرات زنان در امدادگری پرداخته خواهد شد.

۱. زنان امدادگر در تاریخ ایران و اسلام

الف) حضرت زینب (س) و الگوی صبر و امدادگری

یکی از بزرگ‌ترین نمونه‌های تاریخی امدادگری زنان، نقش حضرت زینب (س) در واقعه‌ی کربلاست. ایشان، در سخت‌ترین شرایط، هم پرستار مجروحان بودند و هم پیام‌آور خون شهدا. این نقش‌آفرینی، الگویی بی‌نظیر برای زنان امدادگر امروز است.

ب) زنان امدادگر در دوران دفاع مقدس

در طول جنگ تحمیلی، بانوان ایرانی با حضور در بیمارستان‌های صحرایی، مراکز درمانی و جبهه‌های پشتیبانی، نقش مهمی در امدادسانی به مجروحان ایفا کردند. بسیاری از این بانوان، خود نیز به مقام شهادت نائل شدند و نامشان در تاریخ امدادگری کشور ماندگار شد.

۲. ویژگی‌های برجسته‌ی زنان امدادگر

الف) صبر و استقامت در شرایط بحرانی

یکی از مهم‌ترین خصوصیات زنان امدادگر، صبر در برابر سختی‌ها و توانایی مدیریت بحران است. در بسیاری از مواقع، زنان امدادگر در شرایطی فعالیت می‌کنند که علاوه بر امدادسانی، باید از نظر روحی و روانی نیز به آسیب‌دیدگان آرامش ببخشند.



(ب) روحیه‌ی ایثار و نوع‌دوستی

زنان امدادگر، به دلیل روحیه‌ی لطیف و احساسی خود، ارتباط عمیق‌تری با آسیب‌دیدگان برقرار می‌کنند و درک بیشتری از نیازهای آنان دارند. این ویژگی، باعث شده است که در مأموریت‌های امدادی، نقش آنان به‌ویژه در حمایت‌های روانی و اجتماعی بسیار پررنگ باشد.

(ج) تخصص و دانش علمی در امدادگری

امروزه، زنان امدادگر با حضور در دوره‌های آموزشی تخصصی، در زمینه‌ی پزشکی، روانشناسی بحران، مدیریت حوادث و کمک‌های اولیه، مهارت‌های لازم را کسب کرده و در مأموریت‌های داخلی و بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کنند.

۳. نقش زنان در مأموریت‌های امدادی داخلی و بین‌المللی

(الف) حضور در بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی

در زلزله‌های بم، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان، زنان امدادگر، علاوه بر خدمات درمانی، در حمایت‌های روانی از کودکان، سالمندان و زنان آسیب‌دیده نقش کلیدی داشته‌اند.

(ب) فعالیت‌های امدادی در کشورهای دیگر

زنان امدادگر ایرانی، در مأموریت‌های بشردوستانه‌ی بین‌المللی نیز حضور پررنگی دارند. از کمک به آوارگان سوری در لبنان، تا امدادسانی در یمن و ترکیه، آنان نشان داده‌اند که مرزهای بشردوستی را درنور دیده‌اند.

۴. چالش‌ها و موانع پیش‌روی زنان امدادگر

(الف) سختی‌های مأموریت‌های امدادی

شرایط سخت اقلیمی، فشارهای جسمی و روحی و مواجهه با صحنه‌های دلخراش، از جمله چالش‌های مهمی است که زنان امدادگر با آن روبه‌رو هستند.

(ب) موانع فرهنگی و اجتماعی

برخی نگاه‌های سنتی و موانع اجتماعی، ممکن است در برخی مناطق، محدودیت‌هایی



برای فعالیت زنان در حوزه‌ی امدادگری ایجاد کند. اما با فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی، این موانع در حال کمرنگ شدن است.

۵. راهکارهای تقویت نقش زنان در امدادگری

- افزایش آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای برای بانوان امدادگر

- حمایت قانونی و اجتماعی از زنان امدادگر برای حضور در مأموریت‌های داخلی و بین‌المللی.

- ایجاد شبکه‌های حمایتی برای زنان امدادگر جهت کاهش فشارهای روحی و روانی.
- ترویج فرهنگ قدردانی از زنان امدادگر در جامعه.

زنان امدادگر، نه تنها نیمی از بدنه‌ی امداد‌رسانی را تشکیل می‌دهند، بلکه به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود، نقش بی‌بدیلی در تسکین آلام بشری دارند. حضور آنان در خط مقدم بحران‌ها، نشان‌دهنده‌ی قدرت، ایثار و روحیه‌ی والای انسان‌دوستی است.

امدادگران، سفیران نجات و دیپلماسی بشردوستانه

در دنیای پر آشوب امروز، که جنگ‌ها، بلایای طبیعی، بحران‌های انسانی و فجایع زیست‌محیطی، جوامع مختلف را درگیر کرده است، نقش امدادگران تنها به ارائه‌ی کمک‌های اولیه محدود نمی‌شود. آنان، فراتر از یک نیروی عملیاتی، به سفیران صلح و انسان‌دوستی تبدیل شده‌اند. جمعیت هلال احمر ایران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای امداد‌رسانی در سطح منطقه و جهان، با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و انسانی، در کنار مردم آسیب‌دیده‌ی جهان ایستاده و پیام مهربانی، عدالت و برادری را به جهانیان رسانده است. در این فصل، به بررسی نقش امدادگران در عرصه‌ی بین‌المللی و تأثیر آن بر دیپلماسی بشردوستانه می‌پردازیم.

۱. امدادگران، پل ارتباطی میان ملت‌ها

الف) نقش امدادگران در کاهش تنش‌های بین‌المللی

امدادگران، با ارائه‌ی خدمات بشردوستانه، بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب یا ملیت



افراد، موجب تقویت روابط میان ملت‌ها می‌شوند. بسیاری از کشورهایی که در عرصه‌ی سیاسی روابط پیچیده‌ای دارند، در حوزه‌ی امدادسانی، زمینه‌ی همکاری‌های مشترک پیدا می‌کنند.

ب) کمک به آسیب‌دیدگان جنگ و درگیری‌های نظامی
در فلسطین، یمن، لبنان، سوریه و بسیاری از مناطق جنگ‌زده‌ی دیگر، امدادگران ایرانی با وجود سخت‌ترین شرایط، در کنار مردم ایستاده‌اند و تلاش کرده‌اند آلام آنان را کاهش دهند. این اقدامات، فراتر از کمک‌های پزشکی، نشان‌دهنده‌ی تعهد ایران به اصول انسان‌دوستانه است.

۲. حضور ایران در مأموریت‌های بین‌المللی امدادسانی

الف) کمک‌های ایران در بلایای طبیعی جهانی
ایران، به‌عنوان یکی از کشورهای فعال در نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، همواره در حوادث جهانی نقش‌آفرین بوده است. از زلزله‌ی ترکیه و سوریه تا کمک به زلزله‌زدگان پاکستان و اندونزی، امدادگران ایرانی، با روحیه‌ای برخاسته از فرهنگ عاشورایی، به یاری نیازمندان شتافته‌اند.

ب) کمک به آوارگان و پناهجویان در کشورهای بحران‌زده
در لبنان، سوریه و عراق، امدادگران هلال احمر ایران، نه تنها در تأمین نیازهای اولیه‌ی آوارگان نقش داشته‌اند، بلکه با راه‌اندازی کمپ‌های اسکان اضطراری و ارائه‌ی خدمات پزشکی و روانی، زمینه‌ی زندگی بهتر را برای آنان فراهم کرده‌اند.

۳. اصول دیپلماسی بشردوستانه در نگاه اسلام

الف) لزوم حمایت از مظلومان و نیازمندان
اسلام، همواره بر یاری رساندن به مظلومان تأکید کرده است. قرآن کریم در آیه‌ی ۹۰ سوره‌ی نحل می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفُحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» «به‌یقین خداوند به عدالت و احسان



و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند. شما را موعظه می‌کند باشد که پند گیرید.»

(ب) امدادگران، ادامه‌دهندگان راه اولیای الهی همان‌گونه که پیامبران و امامان، الگوی کمک به نیازمندان بودند، امروز نیز امدادگران با ادامه‌ی این مسیر، در عمل به آموزه‌های اسلامی، پیشگام هستند. آنان نه تنها برای نجات جان انسان‌ها تلاش می‌کنند، بلکه با رفتارهای انسانی و کریمانه، پیام اسلام را به جهان مخابره می‌کنند.

۴. چالش‌های دیپلماسی بشردوستانه

(الف) تحریم‌ها و موانع سیاسی در کمک‌رسانی

یکی از چالش‌های بزرگ ایران در دیپلماسی بشردوستانه، تحریم‌های ظالمانه‌ای است که حتی ارسال دارو و تجهیزات پزشکی را محدود کرده است؛ با این حال، امدادگران ایرانی، با تکیه بر توان داخلی، این موانع را پشت سر گذاشته و در مسیر خدمت‌رسانی ثابت‌قدم مانده‌اند.

(ب) سختی‌های حضور در مناطق بحران‌زده

حضور در مناطق جنگی یا مناطقی که دچار بلایای طبیعی شده‌اند، همواره با مخاطراتی همراه است؛ اما امدادگران ایرانی، با روحیه‌ی جهادی، در سخت‌ترین شرایط نیز از وظایف خود عقب‌نشینی نکرده‌اند.

۵. راهکارهای توسعه‌ی نقش ایران در دیپلماسی بشردوستانه

- گسترش همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌ی امداد و نجات.
- افزایش تعاملات با نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان‌های بشردوستانه‌ی جهانی.
- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای بهبود امدادرسانی در سطح بین‌المللی.
- تقویت آموزش‌های تخصصی برای امدادگران اعزامی به مأموریت‌های بین‌المللی.



امدادگران، نه تنها ناجیان جان انسان‌ها هستند، بلکه با رفتار و منش خود، پیام‌آوران صلح، عدالت و کرامت انسانی‌اند. جمعیت هلال احمر ایران، با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های انسانی، همواره در کنار ملت‌های مظلوم ایستاده و به جهانیان نشان داده است که بشردوستی، فراتر از مرزها و سیاست‌ها، یک وظیفه‌ی الهی و انسانی است.

امدادگران در دوران دفاع مقدس؛ نماد ایثار و شهادت

دفاع مقدس، صحنه‌ای از حماسه‌های بی‌نظیر ملت ایران بود که در آن، غیرنظامیان نیز همچون رزمندگان، نقش‌آفرینی کردند. در میان این گروه‌های فداکار، امدادگران جایگاه ویژه‌ای داشتند. آنان نه تنها به درمان مجروحان پرداختند، بلکه با روحیه‌ای جهادی، در سخت‌ترین شرایط، در کنار رزمندگان ایستادند و گاه، جان خویش را فدای نجات هموطنان کردند. امدادگران دفاع مقدس، از پزشکان و پرستاران گرفته تا نیروهای داوطلب مردمی، همه با انگیزه‌ی الهی، در خط مقدم جهاد حضور داشتند. این قسمت به بررسی نقش این فرشتگان نجات در جنگ تحمیلی و تأثیرات آنان بر فرهنگ ایثار و شهادت می‌پردازد.

۱. امدادگران در خط مقدم جبهه

الف) حضور امدادگران در میدان نبرد

با شروع جنگ، بسیاری از پزشکان، پرستاران و امدادگران داوطلبانه به جبهه‌ها شتافتند. آنان نه تنها در بیمارستان‌های صحرایی، بلکه در خطوط مقدم، مستقیماً زیر آتش دشمن، به مداوای مجروحان پرداختند.

ب) امدادگری در شرایط بحرانی و کمبود امکانات

یکی از مهم‌ترین چالش‌های امدادگران، کمبود امکانات پزشکی بود؛ اما با تکیه بر روحیه‌ی جهادی، آنان با حداقل تجهیزات، حداکثر تلاش را برای نجات رزمندگان انجام می‌دادند. بسیاری از آن‌ها، در لحظاتی که دشمن حملات شدید انجام می‌داد،



حتی حاضر نشدند موقعیت خود را ترک کنند و در همان سنگرهای امدادی، به شهادت رسیدند.

۲. زنان امدادگر؛ جلوه‌ای از شجاعت و فداکاری

الف) نقش پرستاران در بیمارستان‌های صحرائی

زنان امدادگر، در بیمارستان‌های صحرائی و پشت جبهه‌ها، نقشی کلیدی ایفا کردند. آنان شبانه‌روز، بدون خستگی، به مداوای مجروحان می‌پرداختند و گاه در شرایطی بسیار سخت، مجبور بودند تصمیمات حیاتی بگیرند.

ب) زنان در حمل مجروحان و امدادسانی میدانی

در بسیاری از عملیات جنگ، زنان نقش مستقیم در انتقال مجروحان از خط مقدم به بیمارستان‌ها داشتند. آنان با وجود خطرات، بدون هراس، در کنار رزمندگان حضور داشتند و حتی برخی، در همین مسیر، به شهادت رسیدند.

۳. امدادگران شهید؛ نماد ایثار در جبهه‌ها

الف) شهیدان امدادگر؛ الگوی خدمت خالصانه

در دفاع مقدس، صدها امدادگر به شهادت رسیدند. آنان که برای نجات جان هم‌زمان خود می‌شتافتند، خود نیز هدف تیر و ترکش دشمن قرار گرفتند. بسیاری از این شهدا، در حین امدادسانی، با لبخند و آرامش، آخرین لحظات عمر خود را سپری کردند.

ب) خاطراتی از ایثارگری‌های امدادگران شهید

یکی از صحنه‌های فراموش‌نشده جنگ، مربوط به امدادگرانی بود که در حین کمک به مجروحان، هدف گلوله قرار گرفتند. بسیاری از هم‌زمان‌شان نقل کرده‌اند که این شهدا، حتی در لحظات آخر، نگران مجروحانی بودند که هنوز تحت درمان قرار نگرفته بودند.

۴. تأثیر حضور امدادگران بر روحیه‌ی رزمندگان

الف) امدادگران، نقطه‌ی امید در میدان جنگ

وجود امدادگران در جبهه‌ها، به رزمندگان دلگرمی می‌بخشید. آنان می‌دانستند که در



صورت مجروحیت، امدادگران شجاعی هستند که جان خود را به خطر می‌اندازند تا آن‌ها را نجات دهند.

(ب) امدادگران و نقش آنان در تقویت معنویت جبهه‌ها
بسیاری از امدادگران، نه‌تنها با درمان جسمی، بلکه با حمایت‌های روحی، به مجروحان امید زندگی می‌بخشیدند. آنان با خواندن دعا، ذکر اهل بیت (ع) و یادآوری هدف مقدس این جهاد، رزمندگان را برای ادامه‌ی مسیر مقاوم‌تر می‌کردند.

۵. درس‌هایی از امدادگران دفاع مقدس برای نسل امروز
الف) الگوی جهاد و ایثار در عرصه‌ی امدادسانی
امدادگران دفاع مقدس، الگوی کاملی از ایثار و فداکاری بودند. امروز، در حوادث طبیعی، بحران‌های اجتماعی و عرصه‌های بین‌المللی، امدادگران باید از این فرهنگ الهام بگیرند و همچنان در خدمت‌رسانی به مردم پیشگام باشند.
ب) مسئولیت امدادگران در حفظ فرهنگ شهادت و ایثار
بسیاری از امدادگران امروز، ادامه‌دهنده‌ی راه شهدای امدادگر هستند. حفظ یاد و خاطره‌ی آن قهرمانان، و ترویج فرهنگ ایثار، وظیفه‌ی تمامی کسانی است که در این مسیر قدم گذاشته‌اند.

دفاع مقدس، عرصه‌ی ظهور امدادگرانی بود که با روحیه‌ای حسینی، جان خود را برای نجات دیگران فدا کردند. آنان که با دست‌ان پر مهر خود، زخم‌های مجروحان را می‌بستند، خود نیز در این مسیر، به کاروان شهدا پیوستند. امروز، رسالت امدادگران این است که راه آن عزیزان را ادامه دهند و با همان روحیه‌ی جهادی، در هر صحنه‌ای که نیاز به امدادسانی باشد، حضوری مؤثر و پرتلاش داشته باشند.



ایشان جوہرہ خدمت و ستون امتدادگری

روزہ کہ تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان اصفهان

۲۴ بهمن ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

ایثار، زیباترین تجلی عشق به همنوع و والاترین فضیلت انسانی است که در طول تاریخ، همواره نقطه عطف جوامع بشری بوده است. این ارزش والای اخلاقی، نه تنها در فرهنگ اسلامی، بلکه در تمام ادیان الهی و سنت‌های بشردوستانه، به‌عنوان یکی از برترین ویژگی‌های انسان مورد ستایش قرار گرفته است. جمعیت هلال احمر، نهادی است که فلسفه وجودی آن بر پایه ایثار و خدمت بی‌منت بنا شده است. امدادگران این سازمان، در سخت‌ترین شرایط، در حوادث طبیعی، در جنگ‌ها، و در هر نقطه‌ای که نیاز به کمک باشد، حاضر می‌شوند و با فداکاری، امنیت و آرامش را به انسان‌های نیازمند هدیه می‌دهند. سخن دکتر پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر ایران، در یادواره شهدای امدادگر استان اصفهان، تبیین‌کننده جایگاه رفیع امدادگران در جامعه و ضرورت ترویج فرهنگ ایثار و فداکاری در میان نسل‌های آینده بود. در این فصل، با گسترش مفاهیم کلیدی این سخنرانی، به بررسی اهمیت ایثار، جایگاه آن در تعالیم اسلامی، نقش امدادگران در تحقق این ارزش الهی، و راه‌های گسترش فرهنگ ایثار در جامعه خواهیم پرداخت.





ایثار در آموزه‌های دینی و فرهنگ امدادگری

۱. جایگاه ایثار در قرآن و سنت: ایثار، از برجسته‌ترین فضایل اخلاقی در اسلام است که در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) بارها مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند در سوره حشر می‌فرماید: «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (سوره حشر، آیه ۹). «و (مؤمنان) دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، حتی اگر خود نیازمند باشند.» این آیه، جوهره ایثار را به‌وضوح به تصویر می‌کشد. کمک به دیگران حتی در شرایطی که خود فرد در تنگنا باشد.

پیامبر اکرم (ص) نیز در روایتی فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُزْحَزَحَ عَنِ النَّارِ وَيُدْخَلَ الْجَنَّةَ فَلْيَأْتِ إِلَى النَّاسِ مَا يُحِبُّ أَنْ يُؤْتَىٰ إِلَيْهِ» «هر کس دوست دارد از آتش جهنم دور شود و وارد بهشت گردد، باید با مردم چنان رفتار کند که دوست دارد با او رفتار شود.» ایثار، نه تنها یک ارزش اخلاقی، بلکه راهی برای رشد معنوی و تقرب به خداوند است. امدادگران، با رفتار ایثارگرانه خود، در واقع مسیر سعادت اخروی را نیز می‌پیمایند.



۲. ایثار، بنیان فرهنگ امدادگری در هلال احمر: جمعیت هلال احمر، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای بشردوستانه، فلسفه‌ای مبتنی بر ایثار و خدمت دارد. اصول این سازمان، بر اساس کمک به نیازمندان، بدون هیچ تبعیضی، صرف‌نظر از مذهب، قومیت یا ملیت افراد، شکل گرفته است. امدادگران هلال احمر، مصداق بارز این ارزش‌اند؛ آن‌ها در سخت‌ترین شرایط، جان خود را برای نجات جان دیگری به خطر می‌اندازند.

تجلی ایثار در فعالیت‌های امدادی

۱. امدادگران؛ فرشتگان نجات در بحران‌ها: در هنگام بروز بحران‌ها و حوادث، بسیاری از افراد به دنبال امنیت و نجات خود هستند؛ اما امدادگران، در نقطه مقابل، به دل حادثه می‌زنند. این همان تجلی ایثار در میدان عمل است. در زلزله‌ها، سیل‌ها، سوانح جاده‌ای و حتی جنگ‌ها، امدادگران نخستین کسانی هستند که برای کمک‌رسانی حاضر می‌شوند.

۲. ایثار در میدان نبرد و شرایط اضطراری: در جریان جنگ‌ها و درگیری‌ها، امدادگران هلال احمر، بی‌طرفانه و بدون در نظر گرفتن ملیت یا وابستگی‌های افراد، تنها با هدف نجات جان انسان‌ها فعالیت می‌کنند. این روحیه، بازتاب تعالیم والای اسلامی و انسانی است که ایثار را فراتر از هر مرزبندی و محدودیتی تعریف می‌کند.

راه‌های گسترش فرهنگ ایثار در جامعه

۱. آموزش و پرورش؛ تربیت نسل‌هایی ایثارگر: برای آنکه ایثار به یک ارزش پایدار در جامعه تبدیل شود، باید از سنین کودکی در ذهن و قلب افراد نهادینه شود. آموزش و پرورش، با ارائه برنامه‌های آموزشی مناسب، می‌تواند روحیه فداکاری و نوع‌دوستی را در دانش‌آموزان تقویت کند. ایجاد برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها، آشنایی با اصول بشردوستانه، و تشویق دانش‌آموزان به فعالیت‌های داوطلبانه، از جمله راهکارهای عملی در این مسیر است.

۲. نقش رسانه‌ها در ترویج فرهنگ ایثار: رسانه‌ها، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذار در فرهنگ‌سازی هستند. ساخت برنامه‌های مستند و آموزشی، انتشار اخبار مربوط به فعالیت‌های امدادی و معرفی امدادگران فداکار، می‌تواند الهام‌بخش جامعه باشد و مردم را به مشارکت در فعالیت‌های بشردوستانه ترغیب کند.

۳. حمایت از فعالیت‌های داوطلبانه و بشردوستانه: یکی از راه‌های عملی گسترش فرهنگ ایثار، تشویق مردم به شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه است. سازمان‌هایی مانند هلال احمر، بستری برای جذب داوطلبان و آموزش آن‌ها در زمینه کمک‌رسانی به نیازمندان فراهم می‌کنند. دولت و نهادهای اجتماعی نیز می‌توانند با حمایت از این نوع فعالیت‌ها، نقش مهمی در نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار داشته باشند.

ایثار، سنگ بنای جامعه‌ای همدل و مقاوم

ایثار، نه تنها یک ویژگی فردی، بلکه نیرویی است که جوامع را به سمت همبستگی، پیشرفت و آرامش سوق می‌دهد. اگر هر فرد، در حد توان خود، بخشی از زندگی‌اش را به کمک به دیگران اختصاص دهد، جامعه‌ای سرشار از مهربانی و امنیت خواهیم داشت. امروز، مسئولیت ما این است که این ارزش را در میان نسل‌های آینده زنده نگه داریم. با نهادینه‌سازی فرهنگ ایثار، می‌توانیم جامعه‌ای بسازیم که در آن، هر فرد، نه تنها به فکر خود، بلکه به فکر هموعانش نیز باشد.



امدادگران شهید کردستان؛ فرشتگان سفیدبال میدان ایشار

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان کردستان

۳ اسفند ۱۴۰۳

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

روزی که تصمیم گرفته شد

مقدمه

کردستان، سرزمین سربلندی، ایثار و استقامت، همواره در خط مقدم دفاع از ارزش‌های والای انسانی قرار داشته است. این دیار که مردمانش همواره مرزداران غیرت و شرف بوده‌اند، در دوران دفاع مقدس نه تنها سنگر مقاومت، بلکه پناهگاه زخمیان و نیازمندان نیز بود. در میان این فداکاران، امدادگرانی بودند که لباس سپید بر تن داشتند؛ اما همانند رزمندگان در خط مقدم جهاد کردند. شهدای امدادگر، وارثان مکتب عاشورا بودند؛ آنان که در میانه‌ی باروت و خون، دستان شفاف‌بخش خود را بر زخم‌های برادرانشان گذاشتند و خود، بی‌هیچ تردیدی به استقبال شهادت شتافتند. این فصل، بر اساس سخنرانی دکتر پیرحسین کولیوند در یادواره‌ی شهدای امدادگر استان کردستان، به تحلیل جایگاه این عزیزان و مسئولیت نسل امروز در پاسداشت راه آنان می‌پردازد.





امدادگران شهید؛ الگوی ایثار در مسیر بشریت

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام، نجات جان انسان‌ها و دستگیری از نیازمندان است. در فرهنگ قرآنی، انسان‌دوستی و ایثار، به‌عنوان والاترین ارزش‌های انسانی معرفی شده‌اند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲). «هر کس جان انسانی را نجات دهد، گویا همه‌ی مردم را زنده کرده است.» این آیه، دقیق‌ترین توصیف از رسالت امدادگران شهید است؛ کسانی که در شرایط دشوار، برای نجات جان دیگران از جان خود گذشتند. آنان، نه‌تنها زندگی یک فرد، بلکه امید، عزت و سربلندی یک ملت را احیا کردند. امدادگران، وسیله‌ای برای تجلی رحمت الهی در زمین بودند. آنان، همانند فرشتگان نجات، در سخت‌ترین لحظات، نور امید را در دل‌های ناامید زنده کردند. امدادگران شهید کردستان، با ایمانی استوار و اراده‌ای پولادین، نه‌تنها به مجروحان یاری رساندند، بلکه به جهانیان نشان دادند که ارزش‌های انسانی، مرز و محدودیت نمی‌شناسد. آنان، نه‌تنها الگویی برای امدادگران، بلکه نمونه‌ای برای تمام انسان‌های حقیقت‌طلب شدند.

حقیقت جهاد در لباس سپید

جهاد، مفهومی گسترده و ریشه‌دار در فرهنگ اسلامی است که تنها به نبرد مسلحانه محدود نمی‌شود. جهاد، به معنای تلاش در راه خداست؛ تلاشی که گاه در میدان نبرد، گاه در میدان علم و فرهنگ، و گاه در میدان خدمت به انسان‌ها تجلی می‌یابد. امدادگران شهید، مصداق روشن جهاد در راه خدا بودند. آنان، بدون سلاح، اما با ایمانی راسخ و عشقی سرشار، وارد معرکه‌ی نبرد شدند. آنان، نه تنها در پی نجات جان‌ها بودند، بلکه با هر قدمی که برای التیام زخمیان برمی‌داشتند، در حال نبردی مقدس بودند؛ نبردی که در آن، سلاحشان عشق، زره‌شان ایمان، و میدان جنگشان قلب‌های مجروح رزمندگان بود. پیرحسین کولیوند در این سخنرانی تأکید می‌کند که این شهیدان، نمونه‌ای بی‌بدیل از فداکاری بودند. آنان، نشان دادند که مفهوم جهاد، نه در نابودی، بلکه در نجات و حیات‌بخشی متجلی می‌شود.

رسالت امروز؛ پاسداری از میراث شهدا

یادآوری شهدای امدادگر، صرفاً مراسمی برای بزرگداشت نیست، بلکه تذکری است برای همه‌ی ما؛ اینکه بدانیم میراث شهدا، تنها یاد و خاطره نیست، بلکه مسئولیتی است که بر دوش ما نهاده شده است.

دکتر پیرحسین کولیوند در این سخنرانی، به نکته‌ای کلیدی اشاره می‌کند: «هر کجا که نیاز به کمک باشد، امدادگران باید پیش قدم شوند؛ چرا که این لباس، لباس خدمت به مردم است.» این سخن، پیامی روشن دارد: راه شهدای امدادگر، همچنان ادامه دارد. امروز، اگرچه شکل میدان‌های نبرد تغییر کرده، اما نیاز به ایثار و فداکاری همچنان باقی است. امدادگری، صرفاً یک شغل یا مسئولیت سازمانی نیست، بلکه تعهدی است که از ژرفای ایمان برمی‌خیزد. امدادگران، وارثان راه شهدا هستند و باید این مسیر نورانی را ادامه دهند. در حوادث طبیعی، بحران‌های اجتماعی، و هر جایی که انسانی نیازمند کمک باشد، باید روحیه‌ی جهادی شهدا در وجود امدادگران امروز تجلی یابد. امروز، جهاد در سنگرهای جدیدی ادامه دارد؛ در بیمارستان‌ها،





در جاده‌های حادثه‌خیز، در مناطق زلزله‌زده، و در هر جایی که فریاد «هل من ناصر» یک نیازمند بلند می‌شود. یادواره‌ی شهدای امدادگر، فرصتی است برای بازخوانی حماسه‌ی مردانی که در میان گلوله‌ها و انفجارها، جان خود را در راه نجات دیگران نثار کردند. آنان، نه تنها الگویی برای امدادگران، بلکه نمونه‌ای برای تمام انسان‌ها هستند.

این شهدا، چراغ‌هایی هستند که راه آینده را روشن کرده‌اند. آنان، ثابت کردند که در سخت‌ترین شرایط، می‌توان دست یاری به سوی دیگران دراز کرد و حتی در لحظه‌ی وداع، به دیگران امید بخشید. و چه زیباست که این سخن را با کلام وحی: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹).

آری، آنان زنده‌اند، و این ما هستیم که باید با عمل، نشان دهیم که رهرو راهشان هستیم.

فداکاری بی‌مرز؛ امتداد رحمت نبوی در لباس امداد

در طول تاریخ، همواره انسان‌هایی بوده‌اند که فراتر از وظیفه، با قلبی سرشار از عشق و دستانی گشوده، به یاری هم‌نوعان شتافته‌اند. اینان، همان وارثان سیره‌ی انبیای الهی‌اند که خویش را وقف خدمت به بندگان خدا کرده‌اند. امدادگران شهید، تجلی عینی این سیره‌ی الهی بودند. آنان در لحظات بحران، نه برای منافع مادی، بلکه برای ادای تکلیف انسانی و الهی خود، جان‌شان را نثار کردند. ایثار آنان، فراتر از مرزهای شغل و مسئولیت بود؛ چراکه امدادگری برایشان یک عشق بود، نه یک وظیفه. دکتر پیرحسین کولیوند، در سخنرانی خود در یادواره‌ی شهدای امدادگر استان کردستان، به این حقیقت اشاره کرد که «شهدای امدادگر، وارثان رحمت نبوی و انسان دوستی علوی بودند.» اکنون، به بررسی جایگاه این شهیدان در منظومه‌ی اخلاق اسلامی، سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) می‌پردازیم.

سیره‌ی پیامبر (ص) و امدادگران شهید

رسالت پیامبر اکرم (ص)، با رحمت آغاز شد و با فداکاری و ایثار به اوج رسید. قرآن کریم، پیامبر (ص) را این‌گونه معرفی می‌کند:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷). «و ما تو را نفرستادیم، جز آنکه رحمتی برای جهانیان باشی.»

این رحمت، تنها محدود به هدایت معنوی نبود، بلکه در همه‌ی ابعاد زندگی بشر جریان داشت. پیامبر (ص)، خود اولین امدادگر بشریت بود؛ دستی که بر زخم‌ها مرهم می‌نهاد، تشنه‌ای را سیراب می‌کرد، و یتیمی را در آغوش می‌کشید.

شهدای امدادگر، ادامه‌دهندگان این مسیر بودند. آنان، همچون پیامبر (ص)، در سخت‌ترین لحظات، صدای نیازمندان را شنیدند و به کمکشان شتافتند. اگر رسول خدا (ص) در جنگ‌های صدر اسلام، خود زخم‌های مجاهدان را می‌بست، امدادگران شهید نیز در دل میدان‌های جنگ، جان خویش را در راه خدمت به مجروحان فدا کردند.





دکتر پیرحسین کولیوند، در این سخنرانی تأکید کرد که «هر کسی که در راه نجات جان دیگران گام بردارد، در حقیقت، ادامه‌دهنده‌ی راه انبیاست.»

عدالت علوی و امدادگران شهید

در میان آموزه‌های اسلامی، عدالت و نوع‌دوستی امام علی (ع) همواره به‌عنوان الگوی برتر معرفی شده است. امام علی (ع)، در نهج‌البلاغه، از حقوق مردم بر حاکمان و مسئولان سخن می‌گوید و تأکید دارد که هر کس مسئولیتی بر عهده دارد، باید آن را با روحیه‌ی خدمت و ایثار انجام دهد. شهدای امدادگر، این عدالت علوی را در میدان عمل نشان دادند. آنان، در لحظاتی که مرگ در کمین بود، بین مجروح آشنا و غریب، نظامی و غیرنظامی، پیر و جوان، تفاوتی قائل نشدند. این همان عدالت علوی است؛ عدالت در خدمت، بدون تبعیض و بدون مصلحت‌اندیشی.

دکتر پیرحسین کولیوند در این سخنرانی، به روحیه‌ی بی‌تکلف امدادگران اشاره کرد و گفت: «در لحظه‌های بحرانی، یک امدادگر، تنها به نجات جان انسان‌ها فکر می‌کند، نه به تفاوت‌های ظاهری آنان.» این جمله، برگرفته از آموزه‌های امام علی (ع) است. شهدای امدادگر، همین نگاه الهی را در عمل اجرا کردند. آنان، تنها برای نجات جان‌ها

تلاش کردند، فارغ از هرگونه مرزبندی دنیایی. در دنیای امروز، بسیاری از مشاغل، تنها در قالب وظایف اداری تعریف می‌شوند؛ اما امدادگری، چیزی فراتر از یک شغل است. این حرفه، یک تعهد انسانی و یک مسئولیت الهی است.

پیرحسین کولیوند در این سخنرانی، این مفهوم را با جمله‌ای کلیدی بیان کرد: «امدادگری، تنها یک حرفه نیست، بلکه راهی برای رسیدن به خداست.» این جمله، معنای عمیقی دارد. در فرهنگ اسلامی، هر عملی که با نیت خالص انجام شود، به عبادت تبدیل می‌شود. امدادگران شهید، نه تنها وظیفه‌ی خود را انجام دادند، بلکه آن را با نیت خالصانه‌ی نجات جان انسان‌ها به عبادتی عظیم تبدیل کردند. امام علی (ع) می‌فرماید: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.» «بهترین مردم، کسانی هستند که برای مردم سودمندتر باشند.»

شهادت امدادگر، مصداق عینی این حدیث شریف بودند. آنان، جان خود را فدای نفع دیگران کردند و به والاترین مقام انسانی رسیدند.

امتداد یک راه نورانی

یادواره‌ی شهدای امدادگر، فرصتی است تا بدانیم که مسیر ایثار، همچنان ادامه دارد. آنان، با خون خود، خط سرخی از عشق و فداکاری در تاریخ کشیدند؛ خطی که تا امروز، چراغ راه تمام امدادگران و جهادگران خدمت‌رسانی است. دکتر پیرحسین کولیوند در پایان سخنانش، بر این حقیقت تأکید کرد که راه این شهدا، نباید در حد خاطره باقی بماند، بلکه باید در عمل ادامه یابد.

امروز، اگرچه جنگی به سبک گذشته در جریان نیست؛ اما بحران‌های انسانی همچنان وجود دارند؛ حوادث طبیعی، مشکلات اجتماعی و نیازهای فراوانی که در جای جای جامعه احساس می‌شود. وظیفه‌ی ما، این است که همان روحیه‌ی شهدا را در زندگی خود جاری کنیم. و چه زیبا قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲). باشد که راه و یاد شهدای امدادگر، همواره زنده بماند و ما نیز، وارثان شایسته‌ی این مسیر نورانی باشیم.



روزی که تصمیم گرفته شد



میراث ایثار؛ شهدای امدادگر ارومیه

روزی که تصمیم گرفته شد

برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند
در یادواره شهدای امدادگر استان ارومیه

۱۰ اسفند ۱۴۰۳

مقدمه

در میدان‌های پراالتهاب نبرد، زمانی که گلوله‌ها در هوا می‌چرخیدند و زمین از شدت انفجارها می‌لرزید، صدایی که امید را به جان‌های مجروح بازمی‌گرداند، طنین‌انداز می‌شد: «امدادگر کجاست؟» و در میان آن همه اضطراب، پاسخی آرامش‌بخش شنیده می‌شد: «من اینجا هستم!» این جمله کوتاه، اما پرمعنا، فراتر از اعلام حضور یک امدادگر بود. این صدا، پیام ایثار، تعهد و مسئولیت‌پذیری بود. امدادگران، فرشتگان بی‌ادعای جبهه‌ها بودند؛ کسانی که میان مرگ و زندگی، امید را زنده نگه می‌داشتند و در سخت‌ترین شرایط، به یاری مجروحان می‌شتافتند. آنان نه تنها زخم‌های جسمی را درمان می‌کردند، بلکه با روحیه‌ای سرشار از ایمان، زخمی‌ترین دل‌ها را نیز تسکین می‌دادند. در میان همه امدادگرانی که در طول دفاع مقدس نقش‌آفرینی کردند، شهدای امدادگر ارومیه ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشتند؛ مردان و زنانی که با تکیه بر ایمان، عشق به وطن، شجاعت و همبستگی، حماسه‌ای از ایثارگری را رقم زدند. این فصل، روایتگر بخشی از رشادت‌های آنان که برگرفته از سخنرانی پیرحسین کولیوند در یادواره شهدای امدادگر استان آذربایجان غربی است.



نقش هلال احمر در دفاع مقدس

جمعیت هلال احمر ایران، از نخستین روزهای جنگ، مسئولیتی خطیر را بر دوش گرفت. این سازمان که ماهیتی امدادی و بشردوستانه داشت، نه تنها در جبهه‌های جنگ، بلکه در پشت جبهه‌ها نیز نقشی کلیدی ایفا کرد. خدماتی که جمعیت هلال احمر ارائه داد، تنها به درمان مجروحان محدود نمی‌شد، بلکه طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را دربر می‌گرفت:

- سازماندهی و آموزش نیروهای امدادی برای کمک‌رسانی در شرایط بحرانی جنگ.
- ارسال تجهیزات پزشکی، دارو و فرآورده‌های خونی به مناطق جنگی.
- انتقال مجروحان به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در پشت جبهه.
- امداد و کمک‌رسانی به اسرا و ایجاد اردوگاه‌های موقت برای مجروحان جنگی.
- پشتیبانی لجستیکی، تهیه و ارسال اقلام غذایی، دارویی و بهداشتی برای رزمندگان.

نقش هلال احمر در جنگ، صرفاً یک وظیفه سازمانی نبود، بلکه یک مأموریت انسانی و اخلاقی محسوب می‌شد. امدادگران، نه به عنوان نیروهای درمانی، بلکه به عنوان رزمندگانی بی‌سلاح اما جان‌برکف در خطوط مقدم حاضر می‌شدند. بسیاری از این امدادگران، جوانانی بودند که با ایمان و اخلاص، پای در مسیری نهادند که آنان را تا مقام شهادت پیش برد.

ویژگی‌های خاص شهدای امدادگر ارومیه

شهدای امدادگر ارومیه، علاوه بر اینکه در میدان جنگ نقش آفرینی کردند، ویژگی‌هایی داشتند که آنان را در میان سایر هم‌زمانشان برجسته می‌کرد. آن‌ها از روی ایمان، قدم در این مسیر گذاشتند. ایمان به خدا، باور به عدالت و امید به پاداش اخروی، نیرویی بود که آنان را در سخت‌ترین لحظات یاری می‌داد. مصداق آیه قرآن بودند که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» «و آنان که ایمان آوردند، هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند...» (سوره بقره، آیه ۲۱۸). شهدای امدادگر ارومیه، با ایمانشان زندگی کردند و با همان ایمان به شهادت رسیدند. آنان نه تنها سربازانی از جنس مهر و عطاوت بودند، بلکه عاشقان سرزمین ایران نیز محسوب می‌شدند. در قلبشان، عشق به ایران چنان ریشه دوانده بود که هر تصمیمی که می‌گرفتند، بر پایه این احساس بود. این عشق، در



عملشان متجلی بود، نه در حرف. یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های این امدادگران، ایثار بی‌منت بود. آن‌ها برای خدمت به مجروحان، نه تنها هیچ چشم‌داشتی نداشتند، بلکه حتی التماس می‌کردند که به خط مقدم اعزام نشوند. در نگاه آنان، خدمت به مجروحان، یک وظیفه الهی بود. امدادگران ارومیه، علاوه بر اینکه ناجیان جان رزمندگان بودند، نماد ایستادگی در برابر ظلم و بی‌عدالتی نیز محسوب می‌شدند. در هر جایی که احساس می‌کردند حقی پایمال شده، مقاوم می‌ایستادند؛ چه در میدان جنگ، چه در دفاع از ارزش‌های انسانی و دینی. یکی از درس‌های بزرگی که از شهدای امدادگر ارومیه به جا مانده، اتحاد و همبستگی در برابر مشکلات است. این اتحاد، نه تنها در جبهه‌های جنگ، بلکه در بحران‌هایی مانند زلزله ترکیه و سوریه نیز مشاهده شد؛ زمانی که اولین گروه امدادی از همین منطقه، برای کمک‌رسانی اعزام شدند، درحالی‌که خودشان نیز گرفتار مشکلات بودند. این از خودگذشتگی، نشان از روح بلند و ایثارگری آنان دارد.

میراث فرهنگی و اخلاقی شهدای امدادگر

امروز، اگر داستان‌های ایثارگری شهدای امدادگر ارومیه را مرور کنیم، در خواهیم یافت که آنان تنها شهیدانی از گذشته نیستند، بلکه الگوهایی برای نسل امروز و آینده‌اند. آنان نشان دادند که چگونه می‌توان با تعهد و اخلاق والا، در سخت‌ترین شرایط نیز پایدار ماند و برای نجات دیگران، از جان مایه گذاشت.

شهدای امدادگر ارومیه، نه تنها جان خود را فدا کردند، بلکه ارزش‌هایی را برای ما به میراث گذاشتند که باید از آن‌ها حفاظت کنیم. آنان نماد پاسداری از دین، میهن و آرمان‌های انقلاب اسلامی بودند و رسالت ما، ادامه دادن این راه است.

ادامه راه شهدا؛ مسئولیت امروز ما

امروز، بیش از هر زمان دیگری، نیاز داریم که پیام شهدا را نه تنها در کلام، بلکه در عمل زنده نگه داریم. این امر، از چند جنبه حائز اهمیت است:





۱. زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا

یکی از مهم‌ترین وظایف ما، روایت و تبیین زندگی و رشادت‌های شهدا برای نسل‌های آینده است. این کار تنها با برگزاری یادواره‌ها و مراسم‌های رسمی خلاصه نمی‌شود، بلکه باید شیوه‌های جدید و مؤثری برای انتقال این مفاهیم پیدا کنیم، از جمله:

- خاطرات و وصیت‌نامه‌های شهدا را به شکل کتاب، فیلم و نمایش‌های هنری مستندسازی کنیم.

- ایجاد فضاهای فرهنگی و موزه‌های شهدا که بتواند جوانان را با سبک زندگی آنان آشنا کند.

- از رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی برای معرفی شهدای امدادگر و تأثیر آن‌ها بر جامعه امروز استفاده کنیم.

۲. الگوگیری از سبک زندگی و روحیه جهادی شهدا

شهدای امدادگر، نه تنها در میدان نبرد، بلکه در زندگی شخصی و اجتماعی خود نیز نمونه‌هایی از اخلاص، توکل و تلاش بودند. الگوگیری از آنان، یعنی:

- داشتن روحیه جهادی در کار و زندگی، و تلاش برای حل مشکلات جامعه بدون چشم‌داشت.

- برخورداری از ایمان قوی و توکل به خدا در برابر مشکلات و سختی‌ها.

- حفظ ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی که یکی از ویژگی‌های بارز زندگی شهدا بود.

- تقویت روحیه همبستگی و همکاری، همان‌گونه که شهدا در کنار هم بودند و هیچ‌گاه یکدیگر را تنها نمی‌گذاشتند.

نقش جوانان در ادامه راه شهدا:

امروز، جوانان نقش اساسی در پاسداری از ارزش‌های شهدا دارند. جامعه‌ای که جوانان آن، شهدا را بشناسند و آرمان‌های آنان را دنبال کنند، هیچ‌گاه در برابر مشکلات و دشمنی‌ها تسلیم نخواهد شد. اما این امر چگونه محقق می‌شود؟

۱. آشنایی نسل جوان با فرهنگ ایثار و شهادت

باید برنامه‌های آموزشی و فرهنگی را به‌گونه‌ای طراحی کنیم که جوانان، به‌جای دیدن شهدا به‌عنوان قهرمانانی دور از دسترس، آنان را الگوهای واقعی زندگی خود بدانند.

۲. ترویج روحیه مسئولیت‌پذیری در میان جوانان

شهادت‌آمادگی، مسئولیت‌پذیرترین افراد جامعه بودند. امروز، اگر می‌خواهیم راه آنان را ادامه دهیم، باید جوانان را به احساس مسئولیت در برابر جامعه، محرومان و نیازمندان تشویق کنیم.

۳. ورود جوانان به عرصه‌های جهادی و بشردوستانه

یکی از راه‌های عملی ادامه راه شهدا، حضور جوانان در فعالیت‌های جهادی و امدادی است. جوانان می‌توانند از طریق گروه‌های جهادی، هلال احمر و سایر سازمان‌های امدادی، به نیازمندان خدمت کنند و این روحیه را در خود تقویت نمایند.

تأثیر جهانی شهدای امدادگر و مسئولیت ما در عرصه بین‌المللی

امروز، دنیا بیش از هر زمان دیگری به پیام شهدای امدادگر نیاز دارد. دنیایی که در آن جنگ‌ها و بحران‌های انسانی پایان نیافته‌اند، نیازمند الگوهایی است که از جان خود گذشتند تا دیگران زنده بمانند. مسئولیت ما این است که این پیام را به گوش جهانیان برسانیم.

۱. معرفی فرهنگ ایثار و شهادت در سطح بین‌المللی

شهادت‌آمادگی، نماد بشردوستی در میدان جنگ بودند. امروز، باید تلاش کنیم که این فرهنگ را در سطح جهانی معرفی کنیم، از طریق:



- انتشار مقالات و کتاب‌هایی درباره نقش امدادگران در جنگ.
- ساخت مستندهای بین‌المللی که نشان دهد امدادگران ایرانی، نه تنها در داخل کشور، بلکه در بحران‌های جهانی نیز نقش مؤثری داشته‌اند.
- همکاری با سازمان‌های بشردوستانه جهانی و تأکید بر ارزش‌های انسانی که شهدای امدادگر به آن‌ها پایبند بودند.
۲. حمایت از جبهه مقاومت و امدادسانی به کشورهای بحران‌زده همان‌گونه که شهدای امدادگر، بدون مرز و محدودیت به کمک مجروحان می‌شتافتند، امروز نیز ما وظیفه داریم که به مظلومان و آسیبدیدگان در سراسر جهان کمک کنیم. نمونه‌هایی از این رویکرد را در حضور تیم‌های امدادی ایران در زلزله‌های سوریه و ترکیه مشاهده کردیم.
امروز، ما نه تنها به شهدای امدادگر افتخار می‌کنیم، بلکه وظیفه‌ای سنگین بر دوش داریم: ادامه دادن راه آنان. این راه، تنها با سخن گفتن و یادآوری گذشته طی نخواهد شد، بلکه نیازمند عمل و تلاش پیوسته است.

چند توصیه

۱. زندگی و آرمان‌های شهدا را بشناسیم و آن‌ها را به نسل‌های بعد منتقل کنیم.
۲. در زندگی شخصی و اجتماعی خود، اخلاق، تعهد و ایثار را سرلوحه قرار دهیم.
۳. در فعالیتهای امدادی، جهادی و بشردوستانه مشارکت کنیم و راه شهدای امدادگر را ادامه دهیم.
۴. از خانواده‌های معظم شهدا قدردانی کنیم و احترام آنان را نگاه داریم.

راهی که شهدای امدادگر ارومیه آغاز کردند، همچنان ادامه دارد. اگر امروز ما در صلح و آرامش زندگی می‌کنیم، نتیجه فداکاری‌های آنان است. حال، نوبت ماست که این پرچم را در دست بگیریم و به نسل‌های آینده بسپاریم.





روزی که تصمیم گرفته شد



«روزی که تصمیم گرفته شد» مجموعه‌ای است از تحلیل، پردازش و بررسی سخنرانی‌های دکتر پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، که در یادواره‌های شهدای امدادگر سراسر کشور ایراد شده است. نام این اثر برگرفته شده از روزی است که تصمیمی مهم در تاریخ جمعیت هلال احمر گرفته شد تا با برپایی یک کنگره بین‌المللی برای شهدای امدادگر یک قدم مهم برای زنده نگه‌داشت یاد شهدا و انتقال پیام شهدا به نسل جوان باشد. فصل‌های این کتاب نه تنها بازتاب‌دهنده سخنانی است که بر اساس تجربه‌ها، باورهای دینی و احساسات انسانی شکل گرفته، بلکه به تحلیل و بررسی عمیق مفاهیم جهاد، ایثار و نقش امدادگران در دوران دفاع مقدس و بعد از آن در جامعه کنونی می‌پردازد. دکتر کولیوند در این سخنرانی‌ها، با زبان علمی و رسمی، اما با لحنی عاطفی و انگیزشی، همگان مخصوصاً جوانان، داوطلبان و امدادگران جمعیت هلال احمر را به بیداری، حرکت و تلاش در راستای حفظ ارزش‌های انسانی و دینی فرا می‌خواند. در این کتاب، هر سخنرانی به‌عنوان فصلی مستقل، اما پیوسته به یکدیگر، به تحلیل وضعیت امروز امدادگران، نقش جوانان و بانوان در عرصه‌های امدادی؛ و همچنین اهمیت فرهنگ عاشورایی و دفاع از آرمان‌های انسانی پرداخته است.



جمعیت هلال احمر
سازمان آموزش پژوهش و نشر دینی



ISBN : 978-622-92051-9-8



9 786229 205198